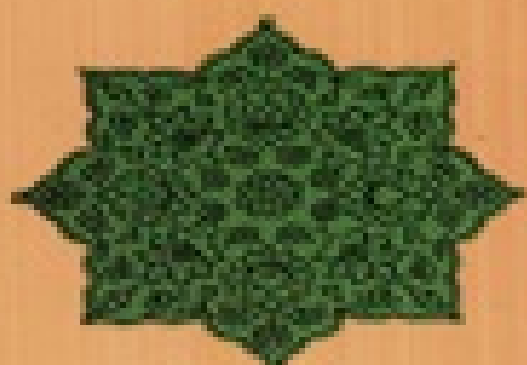


مرکز تحقیقات اسلامی و فرهنگی اسلام

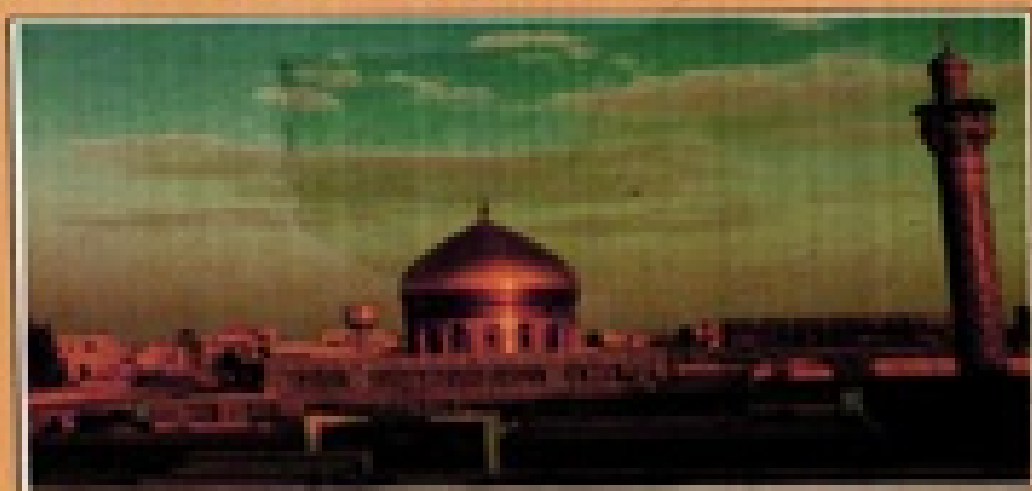
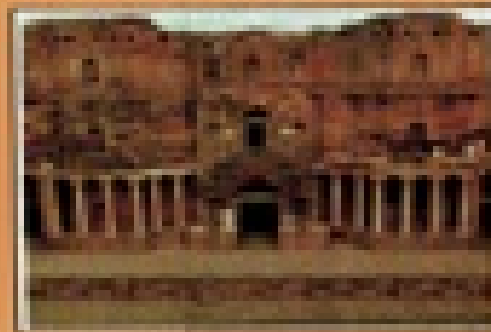
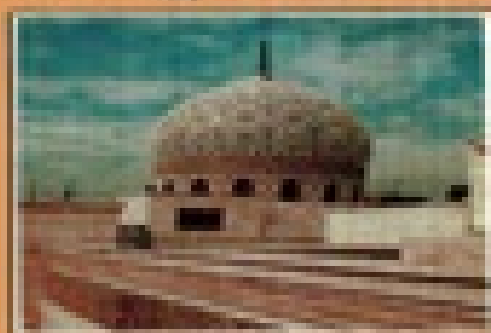
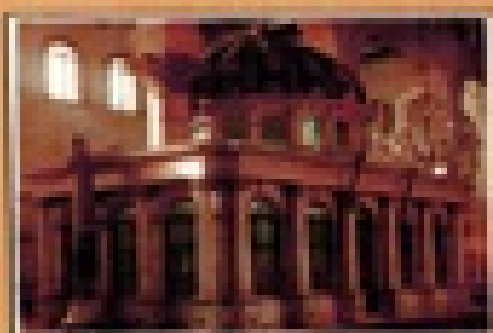
حوزه نمایندگی ولی فقیه امور حج و زیارت (پ)

www.Ghaemiyeh.com

www.Hajj.ir



اماکن سیاحتی وزیارتی نسوریه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه

نویسنده:

احسان مقدس

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه
۱۹	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۰	هدف از تألیف این کتاب
۲۱	پیشگفتار
۲۳	فصل اول: سوریه در یک نگاه
۲۳	مقدمه
۲۳	هدف
۲۳	هدفهای رفتاری
۲۴	کشوری به نام سوریه
۲۴	موقعیت جغرافیایی سوریه
۲۵	آب و هوا
۲۶	راههای ورودی به سوریه
۲۶	رودخانههای سوریه
۲۷	دریاچههای سوریه
۲۸	کوههای سوریه
۲۸	سلسله جبال قلمون
۲۸	اشاره
۲۸	کوههای علوبین
۲۹	کوه الشیخ (کوه حرمون)
۳۰	کوه قاسیون
۳۱	کوه دروز

کوه زاویه - - - - -	۳۱
کوه سنجار - - - - -	۳۲
زبان‌های رایج در سوریه - - - - -	۳۲
اقوام ساکن در سوریه - - - - -	۳۳
ادیان و مذاهب در سوریه - - - - -	۳۴
استان‌های سوریه - - - - -	۳۸
اشاره - - - - -	۳۸
۱. استان دمشق - - - - -	۳۸
۲. استان حومه دمشق - - - - -	۴۱
۳. استان حلب - - - - -	۴۱
۴. استان حمص - - - - -	۴۳
۵. استان حماه - - - - -	۴۴
۶. استان قنیطره - - - - -	۴۵
۷. استان درعا - - - - -	۴۶
۸. استان سویداء - - - - -	۴۷
۹. استان طرطوس - - - - -	۴۷
۱۰. استان لاذقیه - - - - -	۴۸
۱۱. استان ادلب - - - - -	۴۸
۱۲. استان الرقه - - - - -	۴۹
۱۳. استان الحسکه - - - - -	۵۰
۱۴. استان دیر الزور - - - - -	۵۱
تاریخ سوریه - - - - -	۵۱
اشاره - - - - -	۵۱
دوران آکادی‌ها (۲۳۵۰ ق. م - ۲۱۳۰ ق. م) - - - - -	۵۱

۵۲	دوران آموری‌ها (۲۲۰۰ ق. م - ۱۸۸۰ ق. م)
۵۲	دوران آرامی‌ها (۱۸۰۰ ق. م - ۷۹۵ ق. م)
۵۳	دوران آشوری‌ها (۷۹۵ ق. م - ۶۰۰ ق. م)
۵۳	دوران مادها (۶۱۲ ق. م - ۵۵۳ ق. م)
۵۳	دوران هخامنشیان (۵۵۰ ق. م - ۳۳۰ ق. م)
۵۴	دوران سلوکی‌ها (۳۱۲ ق. م - ۶۳ ق. م)
۵۴	دوران رومی‌ها (۶۳ ق. م - ۳۹۵ م)
۵۴	دوران روم شرقی یا بیزانس (۳۹۵ م - ۶۳۶ م)
۵۵	دوران غسانی‌ها
۵۶	دوران خلفای راشدین (۶۳۵ م - ۶۶۱ م)
۵۷	دوران اموی‌ها (۶۶۱ م - ۷۵۰ م)
۵۷	دوران عباسی‌ها (۷۵۰ م - ۸۷۰ م)
۵۷	دوران طولونی‌ها (۸۷۰ م - ۹۴۴ م)
۵۸	دوران حمدانی‌ها (۹۴۴ م - ۱۰۰۳ م)
۵۹	دوران فاطمی‌ها (۹۶۹ م - ۱۱۷۱ م)
۵۹	دوران ایوبی‌ها (۱۱۷۱ م - ۱۲۵۹ م)
۶۰	دوران مغول‌ها (۱۲۵۹ م - ۱۲۵۹ م)
۶۱	دوران ممالیک (۱۲۵۹ م - ۱۵۱۶ م)
۶۲	دوران عثمانی (۱۵۱۶ م - ۱۹۱۸ م)
۶۲	حکومت پادشاهی سوریه (۱۹۱۸ م - ۱۹۲۰ م)
۶۳	دوران استعمار فرانسه (۱۹۲۰ م - ۱۹۴۳ م)
۶۳	جمهوری عربی سوریه (۱۹۴۳ م تا کنون)
۶۶	مجلس نمایندگان سوریه
۶۶	قوه قضائیه در سوریه

۶۷	قوه مجریه در سوریه
۶۷	جبهه ملی پیشرو در سوریه
۶۷	اقتصاد سوریه
۶۸	کشاورزی سوریه
۶۹	صنایع سوریه
۷۰	معادن و منابع سوریه
۷۰	بنادر سوریه
۷۱	فرودگاه‌های سوریه
۷۲	واحد پول سوریه
۷۳	تعطیلات رسمی در سوریه
۷۴	رادیو و تلویزیون سوریه
۷۴	نظام آموزشی سوریه
۷۴	اشاره
۷۵	الف. دانشگاه‌های دولتی
۷۷	ب. دانشگاه‌های خصوصی
۷۷	ارتش سوریه و جنگ‌های سوریه با اسرائیل
۷۷	اشاره
۷۸	جنگ سال ۱۹۶۷
۷۸	جنگ سال ۱۹۷۳
۷۸	جنگ سال ۱۹۸۲
۷۹	سفر زمینی به سوریه
۷۹	اشاره
۷۹	الف. خاک ترکیه در مرز زمینی
۸۰	ب. گمرک ورودی سوریه در مرز زمینی

۸۱	خلاصه فصل اول
۸۳	فصل دوم: شهر دمشق
۸۳	مقدمه
۸۳	هدف
۸۳	هدف‌های رفتاری
۸۴	تاریخچه شهر دمشق
۸۹	محلله‌های معروف دمشق
۹۱	مساجد معروف دمشق
۹۶	بازارهای دمشق
۹۶	اشاره
۹۶	۱. بازار حمیدیه
۹۹	۲. بازار مدحت پاشا
۹۹	۳. بازار بزوریه
۱۰۰	۴. بازار درویشیه
۱۰۰	۵. بازار صالحیه
۱۰۱	۶. بازار العماره
۱۰۲	۷. بازار باب توما
۱۰۲	۸. بازار حریقه
۱۰۲	جمعیت دمشق
۱۰۳	دروازه‌های دمشق
۱۰۳	اشاره
۱۰۳	۱. باب توما
۱۰۴	۲. باب الشرقي
۱۰۴	۳. باب الفرادیس

۱۰۴	۴. باب الصغير
۱۰۵	۵. باب السلام
۱۰۵	۶. باب الفرج
۱۰۶	۷. باب کیسان
۱۰۶	۸. باب الجابیه
۱۰۶	۹. باب النصر
۱۰۷	۱۰. باب الجنیق
۱۰۷	اماکن زیارتی دمشق
۱۰۷	۱. حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام
۱۱۳	۲. حرم مطهر حضرت رقیه علیها السلام
۱۱۹	۳. مقام سر مطهر امام حسین علیه السلام
۱۲۲	۴. محراب امام زین العابدین علیه السلام
۱۲۳	۵. زیارت‌گاه‌های اهل بیت علیه السلام در قبرستان باب الصغير
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	مقام ام کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام
۱۲۶	مقام سکینه دختر امام حسین علیه السلام
۱۲۷	مقام عبدالله پسر امام زین العابدین علیه السلام
۱۲۸	مقام عبدالله پسر امام صادق علیه السلام
۱۲۹	مقام حمیده دختر مسلم بن عقیل علیه السلام
۱۲۹	مقام میمونه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام
۱۲۹	مقام اسماء بنت عمیس مادر شوهر حضرت زینب علیها السلام
۱۳۰	مقام فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام
۱۳۲	مقام فضه کنیز حضرت زهرا علیها السلام
۱۳۴	مقام بلال حبشی علیه السلام

- مقام عبدالله بن جعفر طیار شوهر حضرت زینب علیها السلام ۱۳۶
- مقام ام حبیبه و ام سلمه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۸
- عبدالله بن ام مکتوم صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۴۰
- مقام اوس بن اوس صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۴۱
- مقام واثله بن اسقع صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۴۲
- فضاله بن عبید ۱۴۲
- ابو الدرداء ۱۴۲
- سهل بن ربیع انصاری ۱۴۳
- مقام سرهای مطهر شهدای کربلا ۱۴۳
- قبور سایر بزرگان تابعین و بازماندگان ائمه اطهار علیهم السلام ۱۴۵
۵. مقام حضرت یحیی پیامبر علیه السلام ۱۴۶
۶. مقام سرهای حجر و یارانش در مسجد القصب ۱۴۷
۷. غار هابیل و قابیل (مغاره الدم) ۱۴۸
۸. غار اربعین ۱۴۹
۹. غار اصحاب کهف ۱۵۰
- اماکن سیاحتی دمشق ۱۵۰
- مسجد اموی ۱۵۰
- اشاره ۱۵۰
- آتش سوزی ها و زلزله های مسجد ۱۵۵
- گلدسته های مسجد ۱۵۶
- گنبد های مسجد ۱۵۷
- درهای مسجد ۱۶۰
- آثار و مقام انبیا و اولیا در مسجد اموی ۱۶۱
۱. قبر حضرت یحیی علیه السلام ۱۶۱

۱۶۱	۲. مقام حضرت هود علیه السلام
۱۶۲	۳. مقام حضرت خضر علیه السلام
۱۶۲	۴. مقام رأس الحسین علیه السلام
۱۶۳	۵. محراب امام زین العابدین علیه السلام
۱۶۳	۶. محل نزول حضرت عیسی علیه السلام
۱۶۴	شهبستان مسجد اموی
۱۶۶	موزه مسجد اموی
۱۶۶	قلعه دمشق
۱۶۹	کتابخانه ظاهریه
۱۶۹	قبور سلاطین و بزرگان
۱۶۹	قبر شیخ محی الدین ابن العربی
۱۷۰	قبر معاویه بن ابی سفیان
۱۷۱	قبر معاویه بن یزید (معاویه دوم)
۱۷۲	قبر صلاح الدین ایوبی
۱۷۳	قبر ملک عادل ایوبی
۱۷۴	قبر نورالدین زنگی
۱۷۴	قبر ملک ظاهر بیبرس
۱۷۵	قبر ملک اشرف موسی
۱۷۵	آرامگاه دکتر علی شریعتی
۱۷۷	مدارس دمشق
۱۷۷	اشاره
۱۷۸	مدرسه نوریه کبری
۱۷۸	مدرسه عادلیه کبری
۱۷۹	مدرسه ظاهریه کبری

۱۸۰	مدرسه عزیزیه
۱۸۰	مدرسه سمیساتیه
۱۸۱	مدرسه جوزیه
۱۸۱	مدرسه جُفْمَقیه
۱۸۲	مدرسه شامیه
۱۸۲	قصر العظم
۱۸۳	حمام نورالدین شهید
۱۸۴	تکیه سلیمانیه
۱۸۵	موزه‌های دمشق
۱۸۵	۱. موزه ملی سوریه
۱۸۷	۲. موزه سنن و هنرهای مردمی
۱۸۷	۳. موزه خط عربی
۱۸۸	۴. موزه پزشکی
۱۸۸	۵. موزه جنگی سوریه
۱۸۸	۶. موزه تاریخی شهر دمشق
۱۸۹	۷. موزه کشاورزی سوریه
۱۸۹	۸. موزه وقایع جنگ اکتبر
۱۸۹	کتابخانه ملی اُسد
۱۹۰	مهم‌ترین پارک‌های دمشق
۱۹۱	خلاصه فصل دوم
۱۹۲	فصل سوم: شهر حلب
۱۹۲	مقدمه
۱۹۲	هدف
۱۹۲	هدف‌های رفتاری

۱۹۳	تاریخچه شهر حلب
۱۹۵	بازارهای شهر حلب
۱۹۷	دروازه‌های شهر حلب
۱۹۷	اشاره
۱۹۷	۱. باب الفرج
۱۹۸	۲. باب النیرب
۱۹۸	۳. باب الحديد
۱۹۹	۴. باب قنسرین
۱۹۹	۵. باب النصر
۱۹۹	۶. باب انطاکیه
۲۰۰	۷. باب المقام
۲۰۰	اماکن زیارتی شهر حلب
۲۰۰	قبر حضرت زکریای پیامبر علیه السلام در مسجد اموی حلب
۲۰۱	قبر محسن فرزند امام حسین علیه السلام
۲۰۴	مسجد النقطه
۲۰۷	مرقد «معروف بن جمر»
۲۰۸	مسجد اموی حلب
۲۱۲	قلعه حلب
۲۱۶	بیمارستان نوری
۲۱۶	بیمارستان ارغونی
۲۱۶	حمام جوهری
۲۱۷	حمام یلبغا (ناصری)
۲۱۷	مسجد توته
۲۱۷	مسجد و آرامگاه سهروردی

۲۱۸	موزه‌های حلب
۲۱۹	خلاصه فصل سوم
۲۲۰	فصل چهارم: سایر اماکن زیارتی در سوریه
۲۲۰	مقدمه
۲۲۰	هدف
۲۲۰	هدف‌های رفتاری
۲۲۱	مقام حجرین عدی در روستای عذرا
۲۲۴	مقام عمار یاسر علیه السلام و اویس قرنی علیه السلام در شهر رقه
۲۲۵	تاریخچه مقام عمار یاسر
۲۲۷	مقام حضرت سکینه (دختر امام علی علیه السلام در شهر داریا
۲۲۷	مقام امام زین‌العابدین علیه السلام در شهر حماه
۲۲۸	مرقد محمدبن الحسن علیه السلام
۲۲۸	قبر حضرت هابیل علیه السلام در زبدانی
۲۳۰	مرقد حزقیل نبی علیه السلام
۲۳۱	قبر منسوب به حضرت موسی بن عمران علیه السلام در نیرب
۲۳۲	محل سکونت حضرت موسی و عیسی علیه السلام در ربوه
۲۳۳	مقام حضرت ابراهیم علیه السلام در البرزه
۲۳۳	مقام محمدبن ابی حذیفه
۲۳۵	مرقد فرزندان جعفر طیار
۲۳۵	مرقد مقداد بن اسود
۲۳۶	مرقد دحیه الکلبی
۲۳۶	مرقد تمیم الداری
۲۳۸	خلاصه فصل چهارم
۲۳۹	فصل پنجم: آثار باستانی سوریه

۲۳۹	مقدمه
۲۳۹	هدف
۲۳۹	هدف‌های رفتاری
۲۴۰	بصری الشام
۲۴۰	مسجد خالد بن ولید
۲۴۱	قلعه الحصن
۲۴۲	قلعه جعبر
۲۴۳	قلعه سلیمان
۲۴۴	قلعه مرقب
۲۴۵	قلعه صلاح‌الدین
۲۴۶	قلعه کھف
۲۴۷	قلعه شیزر
۲۴۷	قلعه دورا اوربوس
۲۴۸	قلعه یحمور
۲۴۸	قلعه سمعان
۲۴۹	سرجیوپولیس
۲۵۰	شهباء
۲۵۰	قلعه حارم
۲۵۱	خلاصه فصل پنجم
۲۵۲	فصل ششم: تمدن‌های کهن در سوریه
۲۵۲	مقدمه
۲۵۲	هدف
۲۵۲	هدف‌های رفتاری
۲۵۲	تمدن ایبلا

۲۵۳	تمدن ماری
۲۵۴	تمدن تدمر
۲۵۶	تمدن اوگاریت
۲۵۷	أفامیا
۲۵۹	خلاصه فصل ششم
۲۶۰	فصل هفتم: کشور لبنان
۲۶۰	مقدمه
۲۶۰	هدف
۲۶۰	هدف‌های رفتاری
۲۶۱	موقعیت جغرافیایی لبنان
۲۶۲	تقسیمات کشوری لبنان
۲۶۲	آب و هوای لبنان
۲۶۲	جمعیت لبنان
۲۶۳	ساختار قومی و مذهبی لبنان
۲۶۳	زبان
۲۶۴	قوه مجریه
۲۶۵	قوه مقننه
۲۶۶	قوه قضائیه
۲۶۶	آموزش و آموزش عالی در لبنان
۲۶۶	اشاره
۲۶۶	۱. مدارس لبنان
۲۶۷	۲. تحصیلات عالی
۲۶۸	استان‌های لبنان
۲۶۸	۱. استان بیروت

۲۶۸	۲. استان جبل لبنان
۲۶۹	۳. استان شمالی لبنان
۲۶۹	۴. استان بقاع
۲۶۹	۵. استان نبطیه
۲۶۹	۶. استان جنوب لبنان
۲۷۰	مراقده و زیارت گاه‌های لبنان
۲۷۰	اشاره
۲۷۰	۱. مرقد نبی شیث علیه السلام
۲۷۱	۲. مرقد خوله دختر امام حسین علیه السلام
۲۷۳	۳. مرقد نبی‌الله ایلا علیه السلام
۲۷۴	۴. مرقد نبی‌الله بنیامین علیه السلام
۲۷۵	۵. آرامگاه صدیق
۲۷۶	۶. مقام راس الحسین علیه السلام
۲۷۷	۷. مرقد شیخ کفعمی
۲۷۸	خلاصه فصل هفتم
۲۷۹	مجموعه سؤالات کتاب
۲۸۳	فهرست منابع
۲۹۱	درباره مرکز

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه

مشخصات کتاب

نام کتاب: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه

نویسنده: دکتر احسان مقدس

موضوع: عتبات عالیات و سوریه

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: بهار ۱۳۸۹

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۱۶

هدف از تألیف این کتاب

بسمه تعالی

یقیناً کمیت و کیفیت برگزاری سفرهای زیارتی در جوامع اسلامی به عنوان یکی از شاخص‌ها و محورهای توسعه اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و ... به شمار می‌آید که پیامدها و دستاوردهای آن چنانچه به درستی صیانت و ترویج شود، تأثیر ویژه‌ای در بخش‌های اجرایی کشور به جا خواهد گذاشت.

رشد فزاینده زائران و متقاضیان سفرهای زیارتی، سازمان حج و زیارت را بر آن داشت تا نسبت به ارتقای سطح ارشاد و آموزش دست‌اندرکاران خدمت به زائران گام‌های مؤثر و مناسب بردارد تا از این رهگذر جمع کارآمد و کادر ورزیده و آگاه در کسوت خدمت‌گذاری به زائران گرامی وارد این عرصه مقدس شود. بنابراین با توجه به ضرورت تأمین و پرورش نیروی انسانی کارآمد و ماهر به عنوان خادمان امور زیارتی، تهیه و تدوین و تألیف متون آموزشی علمی و کاربردی متناسب با نیازهای فراگیران در سطوح مختلف را کاملاً ضروری می‌نماید. لذا تنظیم و ارایه سلسله انتشارات توسط اداره آموزش کارگزاران معطوف به همین امر می‌باشد که امیدواریم مورد توجه خوانندگان قرار گیرد.

اداره آموزش کارگزاران

سازمان حج و زیارت

ص: ۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

آموزش کارگزاران یکی از ابزارهای اصلی ارتقای کیفی برنامه‌های مذهبی، فرهنگی و توریستی می‌باشد و بدیهی است در سازمان‌های متولی امور فوق‌الذکر، این امر می‌تواند نقشی سازنده و مؤثر ایفا نماید. وظایف سازمان حج و زیارت علاوه بر تأمین شرایط مناسب برگزاری تورهای مذهبی، درحقیقت شامل آموزش، بسترسازی فرهنگی و ارتقای اطلاعات مذهبی زائران نیز می‌باشد و اصولاً بدون آموزش زائران، اهداف فرهنگی و مذهبی این سازمان تحقق نمی‌یابد. از این رو بایسته بود که اداره آموزش سازمان حج و زیارت، تحولی در امر آموزش ایجاد نموده و برنامه‌ای جامع، شامل و کامل در راستای اهداف آموزشی سازمان تهیه و تدوین نماید.

این برنامه در دو راستا تهیه و تدوین و به مرحله اجرا در می‌آید که عبارتند از:

۱- آموزش کارگزاران: شامل آموزش رده‌های مختلف نظیر: مدیران کاروان، راهنماها و سایر کارکنان شاغل در گروه‌های اعزامی می‌باشد که این آموزش به صورت مستقیم و از طرف اداره آموزش سازمان حج و زیارت صورت می‌گیرد.

۲- آموزش زائران: این آموزش به صورت غیرمستقیم صورت گرفته و برنامه‌ریزی آموزش در طول سفر برعهده بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت بوده و دروس و مطالب آموزشی تهیه شده و به آموزش دهندگان تحویل داده می‌شود، از سوی دیگر

ص: ۱۸

جزوات و کتب آموزشی در همین راستا به وسیله انتشارات سازمان حج و زیارت تهیه و در اختیار زوار قرار می‌گیرد تا علاوه بر بهره‌گیری از جلسات آموزش سازمان در طول سفر چنانچه به اطلاعات بیشتری نیاز داشته باشند بتوانند اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه شخصی ارتقا بخشند.

هدف اولیه از تهیه کتاب حاضر تأمین نیازهای آموزشی کارگزاران شاغل در زیارت اماکن زیارتی در سوریه است و سعی شده است که تمامی اطلاعات مورد نیاز کارگزاران تهیه و در یک جلد گردآوری گردد و مطالب آن در هفت فصل تهیه شود و طی یک دوره آموزشی ۱۶ ساعته برای مدیران و پرسنل گروه‌های زیارتی تدریس گردد. در پایان هر فصل خلاصه درس تعبیه شده و در آخر کتاب سؤالاتی درباره محتویات کتاب آمده است تا دانش‌آموختگان با خواندن نمونه سؤالات مذکور با نحوه طرح سؤال‌های امتحانی دوره آشنا شده و بتوانند به راحتی در امتحان آخر دوره شرکت نموده و مدرک گذراندن دوره را دریافت نمایند.

ص: ۲۱

فصل اول: سوریه در یک نگاه

مقدمه

ورود به هر کشور جدیدی، درحقیقت ورود به جهانی متفاوت است، جهانی که تاریخ، تمدن، فرهنگ، زبان و پیشینه‌ای متفاوت با محل زیست ما دارد، از این رو هر تازه واردی باید ابتدا با تاریخ و فرهنگ کشور میزبان آشنا شود. بدیهی است که نداشتن اطلاعات دقیق و مناسب از تاریخ هر کشور، باعث می‌شود که بیننده در هنگام بازدید از اماکن تاریخی و زیارتی آن کشور دچار سردرگمی شود. از این رو در فصل اول به شرح تاریخ و ساختار سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سوریه پرداخته شده است تا زائران بتوانند به راحتی با محیط پیرامون آشنا شده و اماکن مختلف را شناسایی نموده و در خاطر بسپارند.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده گذری سریع و جامع به موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، کوه‌ها، زبان‌های رایج، اقوام ساکن، ادیان و مذاهب و استان‌ها و بالاخره تاریخ سوریه و ساختار مجلس و قوای سه‌گانه آن داشته باشد.

هدف‌های رفتاری

کارگزاران باید مطالب این فصل را به صورت اجمالی فرا گرفته و در برابر پرسش‌های زائران آمادگی کامل داشته باشند. پرسش‌های زائران معمولاً طیف وسیعی از پرسش‌ها

ص: ۲۲

را دربر گرفته و شامل مباحث فرهنگی، اقتصادی، تجاری، سیاسی، دینی و مذهبی، آداب و رسوم و تاریخ می شود. لذا شایسته است که راهنمایان، اطلاعات کافی در این خصوص داشته باشند. بدیهی است که هرچه اطلاعات کامل تر باشد، این امر می تواند زایران را راضی و خوشنود سازد و نداشتن اطلاعات کافی باعث می شود که اعتماد زایران از راهنمای کاروان به تدریج کم تر و کم تر شده و به جایی برسد که اعتماد خود را به راهنما از دست بدهند. از این رو داشتن اطلاعات کافی و وافی نقشی به سزا در جذب مخاطبان و ایجاد حس اعتماد در آنان دارد.

کشوری به نام سوریه

سوریه یکی از کشورهای قدیمی خاورمیانه با جاذبه های دیدنی و گردشگری متعدد است. این کشور با پیشینه تاریخی عمیق و مناطق زیبا و چشم اندازهای دل انگیز سالیانه باعث جذب گردشگران فراوانی می گردد که از نقاط مختلف جهان به دیدن این کشور می شتابند و این امر منبع درآمد بسیار مهمی برای سوریه به شمار می رود. از سوی دیگر علاوه بر مناطق تاریخی و باستانی، این کشور دربرگیرنده برخی از اماکن مذهبی و زیارتی مسلمانان و مسیحیان می باشد. از این رو سالیانه تعداد زیادی به منظور زیارت عازم سوریه می شوند.

نامی که معمولاً بر سوریه اطلاق می گردد «شام» است که درحقیقت منظور از این نام در گذشته سرزمین وسیعی بود که شامل فلسطین، اردن، لبنان و سوریه امروزی می شد. امروزه این نام فقط بر شهر دمشق اطلاق می شود و اگر در سوریه کسی اهل دمشق باشد به وی «شامی» می گویند. جمعیت سوریه براساس آمار سال ۲۰۰۷ م. در حدود ۱۹۴۰۵۰۰۰ نفر است.

موقعیت جغرافیایی سوریه

کشور سوریه در جنوب غرب آسیا و در کنار ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده

ص: ۲۳

است. این کشور در شمال با ترکیه و در شرق با عراق و در غرب با کشور لبنان و دریای مدیترانه و در جنوب با اردن و فلسطین اشغالی همسایه است. سوریه بین عرض جغرافیایی ۳۲- / ۳۷ شمالی و طول ۳۵- / ۴۲ شرقی قرار دارد. مساحت این کشور ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع است. این سرزمین از دیرباز موقعیت تجاری حساسی داشته و محل اتصال بازرگانان اروپایی، آسیایی و آفریقایی بوده است و در واقع نقطه وصل مراکز صنعتی اروپا و کشورهای تولیدکننده نفت در خلیج فارس می باشد. این کشور همچنین به علت موقعیت جغرافیایی خود نقشی بسیار مهم در خاورمیانه ایفا نموده و در مجموعه کشورهای مقاوم علیه سیاست های توسعه طلبانه اسرائیل در منطقه می باشد.

وضعیت جاده ها و راه های سوریه نسبتاً خوب بوده طول خطوط جاده ای بیش از ۹۵ هزار کیلومتر است. ضمناً بین شهرهای اصلی و بنادر ارتباط ریلی وجود دارد و سیستم راه آهن به ترکیه، عراق و اردن متصل است. طول خطوط راه آهن حدود ۲۷۵۰ کیلومتر است.

اختلاف ساعت رسمی سوریه با ایران نیم ساعت بوده و در حالت طبیعی ایران نیم ساعت جلوتر است، و در مواقع تغییر ساعت در سوریه، ایران یک ساعت و نیم جلوتر خواهد بود. ساعات کار اداری در سوریه از ساعت ۸ صبح الی ۳۰ / ۱۴ بعد از ظهر است و ساعات کار تجاری در سوریه از ساعت ۹ صبح تا ۹ شب و تعطیل رسمی در سوریه روز جمعه است. موزه ها و اماکن باستانی معمولاً روزهای سه شنبه تعطیل می باشند.

آب و هوا

آب و هوای سوریه معتدل مدیترانه ای است و چهار فصل جدا از هم و مشخص دارد و آسمان در اغلب روزهای سال آفتابی است. دمای آن در فصل پاییز و بهار بین ۲۰ تا ۲۵ درجه سانتی گراد و در تابستان بین ۳۰ تا ۳۵ درجه سانتی گراد و در زمستان بین ۵ تا ۱۵ درجه سانتیگراد بوده و معمولاً زمستان معتدل و بارانی است و منجر به باریدن برف در شهرها و روستاها نمی شود، اما بارش برف در کوه های بلند نظیر کوه الشیخ متداول است.

ص: ۲۴

تابستان‌های آن در استان‌های داخلی گرم و خشک و در استان‌های ساحلی گرم و مرطوب است. صحرای شام در مرکز سوریه قرار دارد و آب و هوای آن صحرایی است.

راه‌های ورودی به سوریه

به طور کلی جهت سفر به کشور سوریه سه راه وجود دارد:

۱. هوایی: از طریق فرودگاه‌های بین‌المللی دمشق و حلب و سوریه از طریق این دو فرودگاه پذیرای هزاران نفر جهانگرد عرب و خارجی می‌باشد. تمامی پایتخت‌های عربی پروازهای مستقیمی به دمشق دارند و هواپیماهای جمهوری اسلامی ایران روزی یک پرواز به مقصد دمشق دارند و هواپیمایی سوریه نیز دو پرواز در هفته به مقصد تهران دارد.

۲. دریایی: از طریق بنادر لاذقیه و طرطوس که از هر دو بندر مذکور کشتی‌های مسافربری به مقصد قبرس و ترکیه و یونان و برخی از کشورهای اروپایی حرکت می‌کنند.

همچنین کشتی‌های باربری نیز از دو بندر مذکور رفت و آمد می‌کنند.

۳. زمینی: از طریق کشورهای ترکیه، لبنان، اردن و عراق حمل و نقل بار و مسافر به وسیله جاده‌ها و راه‌آهن صورت می‌گیرد.

رودخانه‌های سوریه

سوریه در مقایسه با سایر کشورهای عربی از رودخانه‌های زیادی برخوردار است، مهم‌ترین رودخانه این کشور رودخانه فرات است که از ناحیه شمال و از خاک ترکیه وارد سوریه شده و منطقه شرق و منطقه جزیره را درنوردیده و سپس وارد خاک عراق می‌گردد. این رودخانه برای سوریه بسیار حیاتی بوده و بخش اعظم نیروی برق این کشور و همچنین آب کشاورزی مناطق مختلف آن را تأمین می‌کند و دولت سوریه با کمک کشور شوروی سابق سدی به نام سد فرات بر روی این رودخانه ساخته است. دومین رودخانه مهم سوریه رودخانه دجله است که این رودخانه نیز از ترکیه وارد سوریه شده و

ص: ۲۵

پس از پیمودن پنجاه کیلومتر وارد خاک عراق می‌شود. این دو رودخانه همیشه باعث بروز اختلافاتی بین سوریه و ترکیه شده‌اند که اخیراً این اختلافات با امضای توافقنامه‌های دوجانبه تا حدودی فروکش نموده است. از دیگر رودخانه‌های سوریه می‌توان رودخانه «قویق» را نام برد که از ترکیه وارد استان حلب می‌شود و این رودخانه نیز قبلاً توسط دولت ترکیه مسدود شده بود و با توافقات به عمل آمده در سال ۲۰۰۷، اخیراً به صورت جزئی بازگشایی شده است. رودخانه «عاصی» یکی دیگر از رودخانه‌های سوریه است که در استان حمص و حماه جریان دارد. علت تسمیه این رودخانه، بنا به قولی، پیچ و خمهای فراوان آن است و بنا به قول دیگر علت تسمیه این است که این رودخانه برخلاف سایر رودخانه‌ها از سمت جنوب به سوی شمال جریان دارد. دیگر رودخانه‌های سوریه عبارتند از: رودخانه بزرگ شمالی در استان لاذقیه، رودخانه یرموک در مرز سوریه و اردن، رودخانه بردی در استان دمشق، رودخانه خابور، رودخانه بزرگ جنوبی، رودخانه عفرین و غیره.

دریاچه‌های سوریه

سوریه تعدادی دریاچه دارد که تمامی این دریاچه‌ها مصنوعی بوده و در پشت سدهای جدیدالتأسیس آن قرار دارد، از جمله دریاچه‌های مذکور می‌توان از دریاچه الاسد نام برد که بر روی رودخانه فرات در استان الرقه قرار دارد و بزرگ‌ترین دریاچه سوریه به شمار می‌رود که طول آن ۸۰ کیلومتر و عرض آن ۸ کیلومتر است و در پشت سد الفرات تشکیل شده است و از آب آن برای تولید برق و آبیاری زمین‌های کشاورزی استفاده می‌شود، همچنین می‌توان از دریاچه قطینه بر روی رودخانه العاصی نام برد که طول آن ۳۰ کیلومتر و مساحت آن ۶۱ کیلومتر مربع است، و نیز دریاچه المزیریب و دریاچه البعث و دریاچه ۱۷ نیشان بر روی رودخانه عفرین و دریاچه ۶ تشرین بر روی رودخانه بزرگ شمالی و دریاچه خاتونیه و مسعده و بلوران در استان لاذقیه و دریاچه الرستن در استان حمص و تعدادی دیگر از دریاچه‌های کوچک و بزرگ متفرقه در سوریه نام برد.

ص: ۲۶

کوه‌های سوریه

سوریه کوه‌های متعددی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: سلسله جبال قلمون، کوه‌های علوین، کوه الشیخ، کوه قاسیون، کوه العرب، کوه الزاویه و کوه سنجار که در این جا به معرفی برخی از این کوه‌ها می‌پردازیم:

سلسله جبال قلمون

اشاره

نام سلسله جبالی در غرب سوریه است که از جنوب به سمت شمال کشیده شده است و در منطقه شمال غربی شهر دمشق واقع شده است. در کنار این سلسله جبال شهرهای مشهوری نظیر: صیدنایا، معلولا، جبع‌دین، النبک، یبرود، دیر عطیه و رأس‌المعره قرار دارند. در دل این کوه‌ها بسیاری از غارهای قدیمی و آثار کنده شده در دل کوه و معابد و کلیساها قرار دارند که این کلیساها از قدیمی‌ترین کلیساهای جهان به شمار می‌روند. این کوه‌ها دارای چشمه‌های آب شیرین و آب معدنی بوده و در دامنه آن مزارع و باغ‌های مختلفی وجود دارد و مهم‌ترین محصولات آن‌ها شامل: گیلاس، زردآلو، هلو، سیب، انجیر و غیره است.

کوه‌های علوین

نام سلسله جبالی در غرب سوریه و در محاذات سواحل سوریه بر دریای مدیترانه است که در کنار آن‌ها ده‌ها شهر و صدها روستا واقع شده است. در گذشته به این کوه‌ها «کوه‌های نصیریه» می‌گفته‌اند و علت این تسمیه سکونت قبایل علوی مذهب در این کوهستان است که این قبایل در گذشته به قبایل نصیریه معروف بودند. در این سلسله جبال جنگل‌های مدیترانه‌ای و ده‌ها رودخانه کوچک و بزرگ وجود دارد که همگی آن‌ها به دریای مدیترانه می‌ریزند. درحقیقت این کوه‌ها امتداد کوه‌های لبنان هستند که از لبنان در جنوب شروع شده و به ترکیه در شمال منتهی می‌شوند. سمت غرب آن دشت ساحلی و سمت شرق آن دره العاصی و دشت الغاب قرار دارند و ارتفاع آن هرچه به

ص: ۲۷

سوی شرق برویم بیشتر شده و در منطقه نبی صالح و صلفه به هزار متر می‌رسد. در دامنه این کوه رودخانه‌های الحصین، مرقیه، السن و رودخانه بزرگ جنوبی جریان دارند و مهم‌ترین شهرهای نزدیک به این کوه شهرهای صافیتا، دریکیش، شیخ بدر، قدموس، قرداحه و صلفه است. در دامنه این کوه جنگل‌های درختان صنوبر و بلوط و کاج و سندیان و غیره دیده می‌شود.

کوه الشیخ (کوه حرمون)

این کوه بین سوریه و لبنان قرار دارد و مهم‌ترین کوه از سلسله جبال شرقی لبنان را تشکیل می‌دهد که از جنوب و شرق به ارتفاعات جولان و از شمال و غرب به بخش جنوبی دشت بقاع لبنان منتهی می‌گردد. این کوه سه قله دارد که عبارتند از قله شرقی به ارتفاع ۲۱۴۵ متر و قله غربی به ارتفاع ۲۲۹۴ متر و قله اصلی که به آن نشان حرمون گفته می‌شود و بلندترین قله‌های کوه الشیخ می‌باشد و ۲۸۱۴ متر ارتفاع دارد. بخش جنوب غربی کوه الشیخ قسمتی از ارتفاعات جولان است که همچنان در دست رژیم اشغالگر فلسطین است. این کوه منبع اصلی رودخانه اردن و بسیاری از رودخانه‌های کوچک و بزرگ منطقه می‌باشد. علت تسمیه آن به الشیخ این است که شیخ در زبان عربی به معنی پیرمرد است و نظر به این که قله‌های این کوه در اغلب فصول سال پوشیده از برف و سفید رنگ می‌باشد آن را به پیرمرد تشبیه کرده‌اند و برخی دیگر علت این نامگذاری را به طایفه دروز منتسب می‌کنند و اظهار می‌دارند که طایفه دروز به یادبود یکی از روحانیون برجسته خود که شیخ «محمد ابی هلال» معروف به «شیخ فاضل» بوده، این کوه را به جبل الشیخ موسوم کرده‌اند. نام دیگر کوه «کوه حرمون» است و «حرمون» نامی عبری و به معنی مقدس است و در افسانه گیلگامش که یکی از افسانه‌های سرزمین بابل در بین‌النهرین است، نام کوه حرمون آمده است و در این باره می‌گوید: «سرزمین، کوه و جنگل‌های کاج حرمون، سرزمین جاودانگان است» و نقل است که وقتی گیلگامش، قهرمان افسانه‌ای، به کنار این کوه رسید خوابش برد و خوابی آشفته دید و بسیاری از

ص: ۲۸

نویسندگان تاریخ مذهبی نام این کوه را «کوه رؤی» نیز نامیده‌اند و رؤی در زبان عربی به معنی خواب است و کلمه رویا از آن گرفته شده است. اموری‌ها این کوه را «شنیر» و فنیقی‌ها «سیریون» و آشوری‌ها «سفیرو» نامیدند و جغرافی‌دانان عرب آن را «کوه برفی» نامیدند که در حقیقت ترجمه تحت‌اللفظی نام آرامی آن «طورتلجا» می‌باشد. از دیگر تسمیه‌های این کوه «سرزمین شوبا» است و شوبا نام یکی از خدایان حوری است که مسئولیت هوا برعهده او بوده است و امروزه شهر «کفر شوبا» هنوز به نام وی نامیده می‌شود. و در این شهر معبد بزرگی وجود دارد که به نام «معبد بعل» شناخته می‌شود. این کوه در گذشته‌های دور کوه مقدسی بوده است و یکی از مهم‌ترین مراکز کنعانی‌های باستان بوده است و فنیقی‌ها نیز بدان اهمیت می‌دادند و در بالای قله‌های آن معبدی برای خدای خود «بعل حرمون» ساخته بودند که خرابه‌های آن تا امروز باقی مانده است. در دوران امپراتوری بیزانس، رومی‌ها به این کوه توجه خاصی مبذول نموده و در کوهپایه‌های آن «معبد باخوس» و «معبد ژوپیتتر» را بنا کردند.

کوه قاسیون

نام کوهی مشرف بر شهر دمشق است که در حقیقت امتداد سلسله جبال غربی داخل سوریه است و با توسعه شهر دمشق در طی قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی، محلات جدیدی در دامنه این کوه ساخته شده است که برخی از این محلات عبارتند از:

مهاجرین، رکن‌الدین، محی‌الدین و ابو رمانه.

ارتفاع قله کوه ۱۱۵۰ متر از سطح دریا است و بر بالای آن ایستگاه پخش رادیویی و تلویزیونی وجود دارد. در دامنه و ارتفاعات این کوه مناطق تفریحی و رستوران‌های متعددی وجود دارد که از آن می‌توان تمامی شهر را مشاهده کرد. در دامنه جنوب غربی کوه قاسیون مجسمه یادبود سرباز گمنام قرار دارد.

ص: ۲۹

کوه دروز

این کوه در جنوب سوریه قرار دارد و به آن «کوه حوران» و «کوه عرب» نیز می‌گویند و در حقیقت امتداد سلسله جبال در استان سویدا است. ارتفاع بالاترین نقطه کوه ۱۸۰۰ متر است و در دامنه آن تعدادی از شهرها و روستاها قرار دارند. کوه دروز منطقه تاریخی و باستانی مهمی است که در آن آثار و بقایای تمدن‌های رومی، بیزانسی، یونانی و نبطی دیده می‌شود. از دامنه‌های همین کوه اولین شراره انقلاب عربی سوریه به رهبری «سلطان پاشا اطرش» بر علیه استعمار فرانسه شعله‌ور شد. در دوران تمدن بیزانس به این کوه، «کوه اسلداموس» می‌گفتند و در دوران حکومت اسلامی تا پایان دوران عباسی به آن «کوه ریان» یا کوه سرسبز می‌گفتند. در سال ۱۷۰۷ م. عشایر و قبایل طایفه دروز به این منطقه مهاجرت نمودند و از آن هنگام تا سال ۱۹۳۷ م. به آن کوه «دروز» می‌گفتند و از آن زمان به بعد نام آن کوه «عرب» شد. آب و هوای دامنه کوه در فصل تابستان معتدل و در فصل زمستان سرد و بارانی است و برخی اوقات در ارتفاعات آن برف می‌بارد. از مهم‌ترین محصولات این کوه، انگور، سیب، آلو و برخی از غلات نظیر گندم و جو و سبزی است.

کوه زاویه

این کوه در ناحیه شمال غربی سوریه قرار دارد و نام دیگر آن «کوه اریحا» است و از دو قله کنار هم تشکیل می‌شود که بین آن دو دشت قرار دارد که آثاری از تمدن‌های گذشته در آن‌ها یافت شده است. بلندترین قله‌های آن «ایوب» به ارتفاع ۹۳۹ متر و «کوه اربعین» به ارتفاع ۸۷۷ متر است و در نزدیکی بخش جنوب غربی آن شهر باستانی افامیا قرار داد، اما در شرق این کوه دشت‌های قنسرین و حماه قرار دارند. مهم‌ترین روستاهای باستانی دامنه این کوه رویحه، سرجیلا، جراده، باعوده و دانا جنوبی نام دارند.

ص: ۳۰

کوه سنجار

این کوه در مرز بین دو کشور عراق و سوریه و بین استان نینوی عراق و استان حسکه سوریه و در نزدیکی شهر سنجار قرار دارد و بلندترین قله آن ۱۲۰۰ متر ارتفاع دارد و در گذشته محل آشیانه کردن پرندگان شکاری بوده و بهترین پرندگان شکاری در این منطقه صید شده و به بازار عرضه می شده است که امروزه این پرندگان منقرض شده است. در حال حاضر برخی از قبایل کرد مسلمان و یزیدی (۱) در روستاهای دامنه این کوهستان اقامت دارند.

زبان های رایج در سوریه

زبان رسمی سوریه زبان عربی است و سوریه جزو معدود کشورهایی است که تدریس در دانشگاه های آن به زبان عربی صورت می گیرد. پس از زبان عربی زبان کردی دومین زبان بومی این کشور است که در بین کردهای ساکن در استان های شمالی نظیر حسکه، رقه، حلب و شهر قامشلی رواج دارد و پس از آن زبان ترکی است که در برخی از شهرهای سوریه نظیر حلب و قامشلی در بین بسیاری از خانواده های ترک تبار باقیمانده از دوران حکمرانی ترکیه عثمانی رواج دارد. زبان ارمنی نیز در بین بسیاری از ارمنی های سوریه رایج است و پس از آن زبان چرکسی (۲) نیز یکی از زبان های رایج در بین اقلیت چرکسی ها در سوریه است. زبان های کهن آرامی و سریانی و آشوری هنوز در بسیاری از شهرها و روستاهای کوچک سوریه رایج و متداول است. زبان سریانی هنوز در شهرهای معلولا، جبعدین، صیدنایا و بیروود رواج دارد. و از بین زبان های اروپایی باید دو زبان انگلیسی و فرانسه را نام برد که در حال حاضر زبان انگلیسی زبان دوم رسمی

۱- یزیدی ها گروهی از کردها هستند که آیین مذهبی آنان ریشه در دوران ماقبل اسلام داشته و به ملک طاووس یا شیطان معتقدند.

۲- چرکس یا شرکس یکی از اقوام مسلمان شمال قفقاز که نام اصلی آنان اودیگه بوده و تعدادی از آنان به علت قیام بر علیه حکومت تزاری روسیه، ناچار شدند که از مناطق محل سکونت خود به برخی از کشورهای عربی نظیر سوریه، اردن، لبنان، مصر و فلسطین اشغالی مهاجرت نمایند.

ص: ۳۱

دانشگاه‌های سوریه است و در برخی از موارد دانشجویان می‌توانند زبان فرانسه را به عنوان زبان دوم خود انتخاب نمایند.

اقوام ساکن در سوریه

کشور سوریه اقوام و نژادهای مختلفی دارد، اکثریت ساکنان سوریه را اعراب تشکیل می‌دهند که اینان خود را از نواده‌های اقوام سامی دوران باستان می‌دانند اما حقیقت امر این است که هرچند قبل از ظهور اسلام تمدن‌های عربی مندریان و تدمر در این منطقه ساکن بوده‌اند، اما پس از فتح اسلامی، بسیاری از قبایل شبه جزیره عربستان و برخی از قبایل یمن به این منطقه کوچ کردند و در شهرهای دمشق و حلب و حمص و حماه سکنی گزیدند.

کردها از اقوام بسیار مهم سوریه هستند که از جهت تعداد در رتبه دوم قرار دارند، کردها از نژاد آریایی بوده و زبان آنان کردی است اکثریت کردهای سوریه سنی مذهب بوده و در شهرهای شمالی سوریه نظیر قامشلی و حسکه، سکونت دارند.

سومین نژاد مهم سوریه ترک‌ها هستند که اصل و ریشه آنها به سرزمین ترکیه بازمی‌گردد و در دوره حکمرانی عثمانی‌ها به این سرزمین مهاجرت کردند و در آن مستقر شدند تعداد دقیق آن‌ها مشخص نیست و از شمال سوریه تا جنوب این کشور پراکنده شده‌اند.

از دیگر اقوام سوریه سریانی‌ها و آرامی‌ها هستند که از ساکنان قدیمی این سرزمین بوده و در قرن اول میلادی پس از این که آرامی‌ها به دین مسیحیت گرویدند، نام سریان را به جای نام آرامی بر خود نهادند و زبان آنها که زبان آرامی بود زبان رسمی کلیسای سریان گردید و در قرون اولیه اسلامی کتاب‌های زیادی از این زبان به عربی ترجمه شد و بسیاری از افراد این طائفه در روزگار عباسی‌ها به کار طبابت و تعلیم و تدریس و امور دیوانی مشغول بودند.

ارمنی‌ها از دیگر اقوام ساکن در شهرهای دمشق و حلب و حمص می‌باشند، این قوم

ص: ۳۲

پس از قتل عام ارامنه در ترکیه به سوی سوریه سرازیر شده و در این کشور سکونت اختیار کردند.

ادیان و مذاهب در سوریه

سوریه به علت حضور مذاهب مختلف، تنوع مذهبی فراوانی را به خود دیده است.

امروزه پیروان ادیان و مذاهب مختلف در این کشور با حفظ آداب و رسوم خود و انجام تشریفات مذهبی، در کنار یکدیگر زندگی می کنند. با وجود این که اسلام دین غالب مردم سوریه است، اما مسیحیت و یهودیت هم در آن به خوبی گسترش یافته اند به طوری که بسیاری از بناها و اماکن تاریخی این کشور مربوط به مسیحیان است. در آغاز رواج مسیحیت در سوریه، کلیسا و صومعه های متعددی ساخته شد، که برای مثال می توان از کلیسای سنت پل، کلیسای یوحنا ی قدیس نام برد. مسیحیت ریشه ای کهن در سوریه دارد و هر سه فرقه این دین در سوریه پراکنده اند و حدود ده درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند. همه این فرقه ها عبادتگاه های خود را دارند و فرایض مذهبی خود را ادا می کنند. کلیساهای کاتولیک، شامل کلیساهای کاتولیک یونانی، سوری، ارمنی و لا-تین است و کلیسای ارتدوکس هم در سه شکل یونانی، سوری و ارمنی وجود دارد، اما شمار پروتستان های سوریه از دو فرقه دیگر بسیار کمتر است.

مسیحیان سوری اغلب در روستاهای معلولا، صیدنایا و مرمریتا زندگی می کنند و بنابر آمار رسمی این افراد ۱۰٪ جمعیت سوریه را تشکیل می دهند، اما برخی از گزارش های غیر رسمی این میزان را تا ۲۵٪ نیز ذکر می کنند. اکثریت مسیحیان سوریه در دمشق و حلب ساکن هستند، مسیحیت در سوریه ریشه ای کهن دارد و پولس یکی از اولین مبلغان مسیحی در سوریه نشو و نما یافته و سپس برای تبلیغ مسیحیت عازم مناطق دیگر جهان شد. تعداد مسیحیان در شهر حلب تقریباً ده درصد جمعیت حلب را شامل می شود. این مسیحیان بیشتر ارمنی بوده و در زمان حکومت عثمانی ها که آزار و اذیت بسیاری بر آنان روا می شد، از استان های مختلف ترکیه به این منطقه مهاجرت کردند و امروزه آزادانه در

ص: ۳۳

این کشور زندگی می کنند و قابل ذکر است که تا روزگار ما شهرها و مناطقی در سوریه وجود دارد که به زبان حضرت مسیح علیه السلام سخن می گویند، نظیر معلولا- که شهری کوهستانی بوده و خانه ها و کلیساهای قدیمی آن در دل کوه کنده شده است و همچنین شهرهای دیگر نظیر: صیدنایا، جبعدین و بصری که به نحوی محل استقرار مسیحیان سوریه به شمار می روند. مهم ترین اماکن مقدس مسیحیان در سوریه عبارتند از:

کلیسای دمشق: این کلیسا در ابتدا آرامگاه یکی از الهه های رومی بود که در قرن ۲۰ پیش از میلاد ساخته شده بود، اما بعدها به کلیسا تبدیل شد و به نام کلیسای یکی از قدسین مسیحیت نام گرفت، سپس کلیسای کاتولیک روم شد و پس از ورود مسلمانان برای مدتی به مسجد تبدیل شد و در نهایت دوباره به شکل کلیسا درآمد.

کلیسای مریم مقدس: این عبادتگاه در قرن دوم میلادی ساخته شده است و تصور می شود کهن ترین کلیسای دمشق باشد و احتمالاً در قرون بعد ساختمان قدیمی آن تخریب گردید و ساختمان فعلی به جای آن ساخته شده است.

کلیسای کاتولیک روم: در دره زیتون قرار دارد و دارای شاهکارهای هنری و شمایل نفیس و حکاکی های شگفت انگیز است.

کلیسای سنت یوهان دمشق: این کلیسا در مجاورت کلیسای مریم مقدس واقع شده و حاوی شمایل و تصاویر هنری از سوریه و روم است.

کلیسای سنت پل: معروف ترین کلیسای دمشق است. این فرد که نام اصلی اش شاول طرطوس بوده، از طرف رومی ها مأمور شده بود تا به دمشق آمده و مسیحیان را آزار و اذیت کند، اما در راه هنگامی که به روستای داریا نزدیک می شد، نوری نظر او را به خود جلب کرد و بینایی اش را از او می گیرد و در همین لحظه می شنود که حضرت مسیح علیه السلام از او می پرسد: ای شاول! چرا مرا آزار می دهی؟. پس از این واقعه شاول بیهوش می شود و یارانش او را بیهوش به دمشق می برند و در آن جا یکی از پیروان مسیح علیه السلام به دیدنش آمده و با او سخن می گوید و در نهایت شاول کیش خود را از یهودیت به مسیحیت تغییر می دهد و یکی از وفادارترین هواداران مسیح می گردد. او در

ص: ۳۴

طول عمر خود به اورشلیم و آتن و روم سفر کرد و تعالیم عیسی را تا هنگام مرگ خود آموزش داد، اما تغییر مذهب وی سبب شد تا یهودیان تصمیم به قتل او بگیرند از این رو در میان یکی از دیوارهای شهر دمشق مخفی شد که این کلیسا هم در محل اختفای وی بنا شده است.

از دیگر اماکن زیارتی سوریه می توان به خانه یکی از قدیسین که در زیرزمین قرار گرفته و با نردبان های متعدد امکان دسترسی دارد، کلیسای باب کیسان که در دروازه دیوار شرقی دمشق قرار گرفته و فرانسوی ها در سال ۱۹۳۴ آن را ساخته اند و همچنین پرستشگاه سنت جورج که روبه روی باب کیسان قرار داشته و قبور مسیحیان در اطراف آن به چشم می خورد، اشاره کرد.

یهودیان: حضور پیروان آیین یهود در دنیای عرب، به قرن ششم میلادی بازمی گردد. این افراد در شام نیز تفاوتی با ساکنان بومی شهر نداشته و در ادای مراسم و اجرای آداب و رسوم خود آزاد بودند و حتی کودکانشان را نیز با نام های عربی می خواندند. یهودیان سوریه در زمان اشغال دمشق به وسیله عثمانی، وارد این کشور شدند. اولین گروه این مهاجران از ایبریا بودند که در فلسطین، سوریه و مصر مستقر شدند و به تدریج زبان عربی زبان اصلی آنها شد، اما در قرن ۱۹ هم گروه دیگری از یهودیان از اروپای شرقی به سوریه آمدند که به زبان «یدیش» سخن می گفتند.

مسلمانان: مسلمانان سوریه اکثراً سنی مذهب هستند و در بین مذاهب چهارگانه اهل سنت، دو مذهب حنفی و شافعی پیروان بیشتری دارد. علویان یکی از اقلیت های مذهبی مسلمان سوریه هستند که تعداد آنان حوالی دو میلیون نفر برآورد می شود. (۱) این طایفه تا اوایل قرن نوزدهم به نام «نصیری» معروف بوده و بعدها به علویان تغییر نام دادند. علویان عقاید ویژه ای درباره حضرت علی علیه السلام دارند. تمامی علویان از قبایل عرب بوده و در مناطق ساحلی دریای مدیترانه سکونت دارند. آقای حافظ اسد از طایفه علویان بوده و

ص: ۳۵

در دوران زمامداری وی، علویان به درجات عالی علمی، اداری و نظامی رسیدند. اخیراً علویان سوریه و لبنان با انتشار اطلاعیه‌ای از انتساب به عقاید علی‌اللهی تبری جسته و خود را شیعه اثنی عشری می‌دانند، آنان از اطلاق نام نصیری بر خود به شدت بیزارند و می‌گویند: «اطلاق اسم نصیریه بر علویان جفایی است از قبیل اطلاق کلمه رافضی بر شیعه امامیه و نام نواصب بر اهل سنت».^(۱) علویان به تمامی عقاید شیعه معتقدند، جز این که گروه کوچکی از آنان همچنان بر عقاید نصیریه پافشاری نموده و برای هر امامی یک باب قائل‌اند، مثلاً باب «امام علی» علیه السلام را سلمان فارسی می‌دانند و شخصی به نام محمد بن نصیر نمیری بصری را باب «امام حسن عسکری علیه السلام» می‌دانند و با حفظ سمت او را باب امام زمان علیه السلام نیز می‌دانند و به همین جهت است که گاهی به جای نام علوی از این گروه به نام نصیری یاد می‌شود. این گروه قائل به نیابت نواب اربعه نیستند. امام علی‌النقی علیه السلام «محمد بن نصیر» را مورد لعن قرار داده و به یاران خود دستور داد از او دوری کنند.^(۲) دروزیان یکی دیگر از اقلیت‌های مذهبی مسلمان سوریه هستند. دروزیان شاخه‌ای از مذهب اسماعیلی است. این طایفه در دو کشور سوریه و لبنان سکونت دارند و محل سکونت آنان در استان‌های جنوبی سوریه و در اطراف جبل‌العرب یا جبل‌الدروز است. رهبر این طایفه «شیخ العقل» است که در لبنان اقامت دارد.

اسماعیلیان اقلیت اندکی هستند که در برخی از شهرهای سوریه سکونت دارند، مقر اصلی آنان، شهر سلمیه در استان حماه می‌باشد.

ایزدیان یا شیطان‌پرستان نیز در برخی مناطق کردنشین سوریه و در برخی از شهرهای شمالی و شمال غربی سوریه نظیر قامشلی، اعزاز و غیره سکونت دارند. مؤسس این فرقه مذهبی «شیخ عدی بن مسافر اموی» است که آرامگاه وی در روستای لالش در کردستان عراق قرار دارد. البته قابل ذکر است که این فرقه قبل از ورود شیخ عدی به منطقه مذکور،

۱- ابراهیم، علی عزیز، العلویون، بین الغلو والفلسفه والتصوّف والتشیع، ۱۹۹۵ م.

۲- پیشوایی، مهدی، شام سرزمین خاطره‌ها، چاپ اول، ص ۲۲- / ۴۵.

ص: ۳۶

وجود داشته است و شیخ عدی در آغاز تلاش کرده است که آنان را به اسلام درآورد، اما بعدها آیینی به وجود آمد که برآمده از آیین کهن و برخی از اصول و شریعت اسلامی بود. این طایفه به «طاووس ملک» احترام خاصی گذاشته و مجسمه‌های طاووس را مورد احترام قرار می‌دهند. (۱)

استان‌های سوریه

اشاره

سوریه ۱۴ استان دارد که به ترتیب عبارتند از: دمشق، حومه دمشق، حلب، حمص، حماه، قنیطره، درعا، سویدا، طرطوس، لاذقیه، ادلب، الرقه، الحسکه و دیر الزور. اکنون توضیحات مختصری درباره هر یک از استان مذکور داده می‌شود.

۱. استان دمشق

مرکز این استان شهر دمشق است که پایتخت سوریه می‌باشد. بسیاری معتقدند که دمشق قدیمی‌ترین پایتخت مسکونی جهان است و به نظر می‌رسد که آدمی از هزاره دوم قبل از میلاد در این شهر سکنی گزیده باشد. نام دمشق در لوحه‌های گلی برجای مانده از «تل العمارنه» به صورت «دمشقا» آمده است که به نظر می‌رسد نام آرامی بوده و از واژه «مشقا» مشتق شده باشد که در آغاز آن «د» تعریف آمده است و به معنی «سرزمین سرسبز» می‌باشد. البته تفسیرهای زیادی برای این نام شده است اما منطقی‌ترین تفسیر، همان تفسیری است که ذکر شد. نام‌های دیگر دمشق، جُلَّق، شام والفیحاء می‌باشد. شهر دمشق در جنوب سوریه واقع شده و کوه‌های قلمون و لبنان شرقی از سمت شمال و غرب و ارتفاعات آتشفشانی حوران و جولان از جنوب و شرق آن را احاطه نموده است.

رودخانه بردی یکی از رودخانه‌های سوریه است که از وسط دمشق می‌گذرد که متأسفانه امروزه به علت ریختن فاضلاب در آن، آلوده شده و امکان استفاده از آن وجود ندارد و

ص: ۳۷

شهرداری دمشق اقدام به پوشاندن آن نموده است.

نقشه کشور سوریه

دمشق در دوران حکومت آرامی‌ها اهمیت فراوانی داشته و یکی از پایتخت‌های آنان به شمار می‌رفته است. این شهر در سال ۷۳۲ قبل از میلاد به تصرف آشوری‌ها درآمد و بعدها با سقوط امپراتوری آشور به تصرف امپراتوری هخامنشیان درآمد و بعدها با حمله اسکندر مقدونی در سال ۳۳۳ قبل از میلاد تحت سیطره او و جانشینانش درآمد و در دوران حکومت یونانی‌ها، دمشق رونق اولیه خود را از دست داده و شهر انطاکیه رونق بسیاری یافت. بعد از ضعف یونانی‌ها، رومی‌ها به تدریج قدرت گرفته و عاقبت پومپه امپراتور روم در سال ۶۴ قبل از میلاد دمشق را به تصرف درآورده و دمشق به عنوان یکی از شهرهای امپراتوری روم درآمد و مدت هفت قرن تحت سیطره فکری

ص: ۳۸

و فرهنگی آنان قرار داشت، در دوران رومی‌ها دمشق به عنوان متروپول و سپس مستعمره رومی درآمد. پس از تقسیم امپراتوری روم به دو بخش روم غربی و روم شرقی، دمشق و سایر بخش‌های شام جزو مملکت روم شرقی یا بیزانس درآمد و تا دوران فتح اسلامی در سیطره آنان باقی ماند. در سال ۱۴ قمری مصادف با ۶۳۵ م. شهر دمشق به تصرف مسلمانان درآمد و در دوران خلافت خلفای راشدین به عنوان یکی از شهرهای مهم اسلامی مطرح بود تا این که معاویه پس از قدرت گرفتن، این شهر را به عنوان پایتخت انتخاب کرد و این شهر تا آخر خلافت اموی به عنوان پایتخت امپراتوری اموی به شمار می‌رفت و با انتقال خلافت به خلفای عباسی، پایتخت به بغداد منتقل شد و از اهمیت و رونق دمشق کاسته شد. بعد از سقوط عباسی‌ها، دمشق در دوران طولونی‌ها و اخشیدی‌ها و سلجوقیان و ایوبی‌ها به تناوب به صورت پایتخت مورد استفاده قرار می‌گرفت. در سال ۶۵۸ قمری، مصادف با ۱۲۶۰ م. مغول‌ها دمشق را به تصرف خود درآوردند. اما بعدها با قدرت گرفتن دولت ممالیک، این شهر به تصرف آنان درآمد و بخشی از امپراتوری آنان گردید. در سال ۸۲۳ قمری مصادف با ۱۴۰۰ م. تیمور لنگ به شهر دمشق حمله کرده و آن را تاراج کرد.

در سال ۱۵۱۶ م. دولت عثمانی شهر دمشق را به تصرف درآورد و سرزمین شام به مدت پنج قرن تحت تصرف عثمانی‌ها قرار گرفت. اعراب در سال ۱۹۱۶ م. بر علیه امپراتوری عثمانی شوریده و سوریه از امپراتوری عثمانی مستقل شده و دمشق به عنوان پایتخت پادشاهی سوریه انتخاب شد، اما چندی نپایید، که در سال ۱۹۲۰ م. سرزمین شام به تصرف فرانسوی‌ها درآمد و بیش از بیست و سه سال مستعمره فرانسه بوده و عاقبت در سال ۱۹۴۳ م. به استقلال رسید و در سال ۱۹۴۶ م. آخرین سرباز فرانسوی از این کشور بیرون رفت و شهر دمشق به عنوان پایتخت جمهوری عربی سوریه انتخاب شد.

در سال ۱۹۷۹ م. بخش قدیمی دمشق به عنوان میراث بشری در سازمان یونسکو شناخته شد. امروزه در این شهر بیش از دویست اثر قدیمی شناسایی شده است که بیشتر آنان به قرون وسطی تعلق دارند.

ص: ۳۹

شهر دمشق از لحاظ اقتصادی نیز اهمیت داشته و به عنوان یکی از مراکز اقتصادی در شرق دریای مدیترانه به شمار می‌رود. سالیانه هزاران هزار نفر جهانگرد از کشورهای مختلف جهان به بازدید از این شهر می‌پردازند.

۲. استان حومه دمشق

استان حومه دمشق یکی از استان‌های سوریه است که مساحت آن بالغ ۱۸۰۱۷ کیلومتر مربع است و دربرگیرنده ۹ منطقه، ۲۷ ناحیه، ۲۸ شهر و ۱۹۰ روستا است و به صورت حلقه‌ای گرداگرد شهر دمشق را فراگرفته است. مرکز این استان شهر «دوما» است و از شهرهای مهم آن می‌توان شهرهای: جدید عرطوز، قطیفه، یبرود، جیرود، نبک، دیرعطیه، زبدانی، بیلا، عربین، قطنا، ملیحه، جرمانا، صیدنایا، خرستا، سرغایا، داریا، زینیه، معلولا و غزلانیه را نام برد. بسیاری از مزارع و باغ‌های تأمین کننده مواد غذایی دمشق در این استان قرار دارد و کارخانجات کوچک و بزرگ متعددی که تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۹ هزار کارخانه و کارگاه می‌باشد در این استان واقع شده است. این کارخانجات شامل صنایع غذایی، صنایع برق و الکترونیک، صنایع سنگین، لوازم خانگی، صنایع شیمیایی، صنایع مبل سازی، لوازم یدکی، کاغذسازی، پلاستیک و لبنیات است.

۳. استان حلب

مرکز این استان شهر حلب است. استان حلب مساحتی بیش از ۱۸ هزار کیلومتر مربع پیرامون شهر حلب را شامل می‌شود و جمعیت آن ۳/۷ میلیون نفر است. اما مطابق سرشماری‌های جدید جمعیت این استان از ۴ میلیون نیز فراتر رفته و حتی از جمعیت ساکنان استان دمشق هم بیشتر است. حدود ۹/۲۲٪ جمعیت کل کشور سوریه در این استان زندگی می‌کنند. این استان هشت شهرستان به نام‌های: جبل سمعان، الباب، منبج، عفرین، جرابلس، عین العرب، اعزاز و السفیره دارد.

مساحت کلی استان بالغ بر ۱۸۴۸۲ کیلومتر مربع است که ۱۰٪ مساحت سوریه می‌باشد

ص: ۴۰

و این استان از لحاظ مساحت پنجمین استان بعد از استان‌های حمص، دیر الزور، حسکه و رقه می‌باشد. اما از لحاظ جمعیت اولین استان کشور به شمار می‌رود و استان‌های حمص، حماه، حومه دمشق و دمشق بعد از آن قرار می‌گیرند. از لحاظ اهمیت اقتصادی و صنعتی این شهر دومین شهر سوریه بعد از دمشق می‌باشد و گویند که نام حلب به معنی شیر دوشیده است و چون این شهر قبلاً محل سکونت حضرت ابراهیم علیه السلام بوده و آن حضرت روزهای جمعه شیر گوسفندانش را به فقرا صدقه می‌داد، (۱) آنان این محل را به همین نام نامیدند، البته قابل ذکر است که این داستان افسانه‌ای بیش نیست و احتمالاً نام حلب یک نام باستانی است که به زبان‌های کهن آرامی و یا فنیقی باز می‌گردد. در دوران رومی‌ها به این شهر «آلیو» گفته می‌شد. این شهر در سال ۱۷ قمری به دست ابوعبیده جراح فتح شد. سیف‌الدوله حمدانی در سال ۳۳۳ قمری بر حلب استیلا یافت و در زمان او پرچم تشیع در سوریه به اهتزاز درآمد. سلجوقیان تلاش‌های زیادی برای ریشه‌کنی تشیع از این شهر نمودند اما موفقیت چندانی نیافتند تا این که عاقبت صلاح‌الدین ایوبی با تصرف شهر و قتل عام شیعیان توانست ریشه شیعیان را در این شهر بخشکاند و بعدها «شیخ نوح حنفی» فتوای کفر شیعه را صادر و خون آنان را مباح اعلام کرد و با این فتوای ظالمانه، شیعیان یا کشته شده و یا ناچار به مهاجرت از این شهر شدند، امروزه عده‌قلیلی از شیعیان در روستاهای اطراف حلب نظیر الزهراء، النبل و فوعه همچنان زندگی می‌کنند.

از آثار باستانی حلب می‌توان از: قلعه حلب، موزه حلب، مسجد اموی حلب، مسجد و مقبره شیخ شهاب‌الدین سهروردی و کاروانسراها و مساجد قدیمی آن نام برد. شهر حلب تعدادی زیارتگاه شیعی دارد که عبارتند از مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد نقطه، مشهد محسن بن الحسین علیه السلام که در حقیقت نام سقط آن حضرت می‌باشد. مزار ابن شهر آشوب یکی از علمای بزرگ شیعه و قبور برخی از علمای بنی زهره در کنار مشهد محسن قرار دارد. ضمناً مرقد حضرت زکریا در داخل شبستان جامع الکبیر (اموی) و در

ص: ۴۱

سمت چپ محراب قرار دارد. (۱)

۴. استان حمص

این استان در وسط سوریه قرار دارد و مرکز آن شهر حمص است که سومین شهر سوریه به شمار می‌رود. نام این شهر در دوران سلوکیان «ایمیس» بود و اعراب آن را تعریب نموده و حمص گذاشتند. تاریخچه آن از شهرهای همجوار آن قطنه وقادش جدید تراست. در سال ۳۳۱ ق. م اسکندر مقدونی این شهر را به تصرف خود درآورد و بعدها تحت سیطره جانشینان وی قرار گرفت و در سال ۲۶۲ ق. م امپراتور سولاتا آن را به تصرف خود درآورد و در دوران وی زبان یونانی، در کنار زبان آرامی، در این شهر رایج گردید. در دوران حکومت سلوکی‌ها، خاندان امرای محلی «شمسی گرام» بر این شهر سیطره داشتند، پس از این که رومی‌ها سرزمین شام را از دست یونانی‌ها خارج کردند، امرای محلی قبلی جایگاه خود را حفظ نموده و توانستند قدرت خود را حفظ نموده و با رومی‌ها ارتباط محکمی برقرار سازند، اما دیری نپایید که شاهزاده اسکندر فرزند شمس گرام در سال ۳۱ ق. م مورد غضب مارک انتونیوس امپراتور روم قرار گرفت و به روم تبعید شده و در همان‌جا به قتل رسید و پس از وی جامبلیق دوم و شمس گرام دوم و سپس عزیز و سهیم به قدرت رسیدند. در قرن اول میلادی قدرت این خاندان رو به افول نهاد و خاندان امرای باسیانوس به قدرت رسیدند.

با ظهور آیین مسیحیت، این آیین به وسیله سنت پتر و یوحنا انجیلی در حمص منتشر شد و اولین کلیسای این شهر به نام کلیسای ام الزنار در سال ۵۹ م. بنا شد. بعدها با انتشار آیین مسیحیت در امپراتوری روم و به وجود آمدن امپراتوری روم شرقی یا بیزانس، هیلانه مادر امپراتور کنستانتین دستور داد تا کلیسای بسیار بزرگی در حمص بنا نهند که مسعودی آن را دیده و توصیف کرده است.

ص: ۴۲

حمص در سال ۵۴۰ م. و در روزگار پادشاهی انوشیروان تحت تصرف امپراتوری ایران قرار گرفت و در طی سال‌های ۶۱۱ تا ۶۱۴ م. نیز مجدداً در زیر سیطره ایران قرار داشت و در سال ۶۳۳ م. مصادف با ۱۲ قمری این شهر به وسیله مسلمانان و به دست ابو عبیده جراح فتح گردید.

در این شهر آرامگاه خالد بن ولید و رابعه عدویه (۱) و ابو موسی اشعری و عمر بن عبدالعزیز و کعب الاحبار قرار دارد.

شهر باستانی تدمر یا پالمیرا در استان حمص قرار دارد و یکی از مهم‌ترین آثار باستانی سوریه به شمار می‌رود.

۵. استان حماه

مرکز این استان شهر حماه است و رودخانه عاصی از وسط این شهر می‌گذرد. در اطراف شهر دشت‌های وسیع کشاورزی قرار دارد که این دشت‌ها به وسیله آسیاب‌های آبی سیراب می‌گردند و به همین علت بر این شهر نام «شهر آسیاب‌های آبی» اطلاق می‌گردد. تعداد آسیاب‌های این شهر ۱۶ آسیاب می‌باشد. فاصله این شهر از دمشق ۲۰۹ کیلومتر و از حلب ۱۵۰ کیلومتر است.

حماه شهری بسیار قدیمی است که تاریخ آن به هزاره پنجم قبل از میلاد می‌رسد.

برخی معتقدند که نام حماه از واژه قدیمی «حامات» به معنی قلعه گرفته شده است و علت این تسمیه قلعه باستانی و نیمه ویرانه شهر است که بر روی تپه‌ای در وسط شهر قرار دارد، و برخی دیگر معتقدند که علت تسمیه این است که شهر حماه توسط حث بن کنعان ساخته شده است که این موضوع افسانه‌ای بیش نیست و برخی دیگر معتقدند که این شهر توسط یک پادشاه آرامی به نام «حماه» ساخته شده است. نام این شهر در دوران حکمرانی سلوکی‌ها «أبیفانیا» بود. این شهر همچنین به نام «شهر ابی الفداء» نیز نامیده

۱- رابعه عدویه دختر اسماعیل عدوی، یکی از زنان صوفی مسلک که در سال ۱۰۰ قمری در شهر بصره به دنیا آمد. و در بین صوفیان آن روزگار، مبحث عشق الهی را مطرح کرد.

ص: ۴۳

می‌شود و ابی‌الفداء نام یکی از پادشاهان این شهر است که از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۲ م. بر آن حکومت نمود و کتاب تاریخی بزرگ و معروفی از خود برجای نهاد. این شهر در سال ۶۳۸ م. مصادف با ۱۷ قمری توسط ابو عبیده جراح فتح شد و در دوران حکمرانی زنگی‌ها و ایوبی‌ها رشد و شکوفایی زیادی داشت و آثار باستانی زیادی از دوره‌های مذکور در این شهر برجای مانده است که عبارتند از: قلعه حماه، مسجد نوری، مسجد جامع، مسجد ابی‌الفداء، خان اسعد پاشا عظم و خان رستم پاشا، بیمارستان نوری، حمام سعدیه، حمام عبیسی و حمام عثمانیه و موزه حماه.

۶. استان قنیطره

استان قنیطره یکی از استان‌های غربی سوریه است که با فلسطین اشغالی هم‌مرز است. مرکز این استان شهر قنیطره است و قنیطره در لغت عربی به معنی «پل کوچک» است. استان قنیطره دارای زمین‌های آتش‌فشانی است و آب و هوایی معتدل و مناسب دارد و ارتفاعات جولان بخشی از ارتفاعات این استان به شمار می‌رود. این استان در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ م. اعراب و اسرائیل، به تصرف اسرائیل درآمد و به همین علت اکثریت ساکنان این استان به سوی دمشق و سایر شهرهای سوریه مهاجرت کردند، اما برخی از ساکنان طایفه دروز همچنان در مناطق مسکونی خود باقی ماندند و تحت قیمومیت اسرائیل قرار گرفتند، این در حالی است که دولت سوریه معتقد است که اینان همچنان جزو شهروندان سوریه به شمار می‌روند. در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ سوریه توانست در حدود ۶۰ کیلومتر مربع از زمین‌های استان و از جمله آن‌ها شهر قنیطره و روستاهای اطراف آن را بازپس گیرد. در حال حاضر در خط آتش بس فیما بین سوریه و اسرائیل نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد مستقر هستند و زوار ایرانی در طی سال‌های گذشته به صورت توره‌ای زیارتی از این شهر و بیمارستان مرکزی شهر که نیمه ویرانه می‌باشد، بازدید می‌کردند. عبدالحلیم خدام از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۶۷ استاندار قنیطره بود.

ص: ۴۴

۷. استان درعا

استان درعا یکی از استان‌های جنوبی سوریه است که از سمت جنوب به مرز اردن و از غرب به استان قنیطره و از شرق به استان سویدا و از سمت شمال به استان دمشق محدود می‌گردد. مساحت استان بالغ بر چهار هزار کیلومتر مربع است و بیشتر زمین‌های استان به صورت دشت بوده و به نام دشت حوران معروف می‌باشد. جمعیت استان در حدود یک میلیون نفر است که اکثریت آنان به کار کشاورزی و دامپروری مشغول هستند.

مرکز این استان شهر درعا است. نام درعا یک نام کنعانی است به معنی «ذراع» است. درعا به خاطر آب‌های معدنی‌اش شهرت دارد. از شهرهای دیدنی استان درعا، شهر بصری است که اهمیت شایانی در تاریخ اسلام دارد و در روایات اسلامی آمده است که رسول اکرم در نوجوانی به همراه عموی خود ابو طالب از این شهر دیدن کرده است. این شهر در ۱۳۲ کیلومتری جنوب دمشق و در نزدیکی مرز اردن قرار دارد. در روایات آمده است که کاروان تجاری ابوطالب قبل از رسیدن به بصری در صومعه راهبی به نام بحیرا مهمان شد و بعد از صرف غذا بحیرا پرسید: این نوجوان کیست؟ گفتند: برادرزاده ابوطالب است. بحیرا رو به ابوطالب کرد و گفت: کودک شما آینده درخشانی دارد، من تمام خصوصیات که برای پیامبر آخرالزمان در کتاب‌های تورات و انجیل آمده را در او می‌بینم. او را از چشم دشمن پنهان ساز، اگر ملت یهود او را ببینند و بشناسند، نقشه قتل او را خواهند کشید.

از جاهای دیدنی این استان مسجد مبرک یا ناقه است که گویند در این مکان ناقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر زمین نشسته است و در داخل حجره‌ای کوچک در شبستان این مسجد، قطعه سنگی قرار دارد که چهار گودال کوچک به اندازه زانو و یا پای شتر که بر این سنگ فرورفته دیده می‌شود.

از مقام‌های زیارتی استان آرامگاه محمد بن ابی حذیفه صحابه حضرت علی علیه السلام است که توسط معاویه به شهادت رسید و آرامگاه وی بر بالای تپه‌ای مشرف بر دهکده

ص: ۴۵

«عالقین» در نزدیک شهر «کسوه» در جنوب دمشق قرار دارد. (۱)

۸. استان سویداء

این استان در ناحیه جنوب شرقی دمشق قرار دارد و از شمال به استان دمشق و از غرب به استان درعا و از جنوب به کشور اردن منتهی می‌گردد. نام قدیمی این منطقه حوران می‌باشد. مساحت اجمالی استان سویداء در حدود ۶۵۵۰ کیلومتر است و طول آن از شمال به جنوب ۱۲۰ کیلومتر، و عرض آن از شرق به غرب در حدود ۶۶ کیلومتر است.

آب و هوای استان معتدل و کوهستانی است که در زمستان‌ها سرد بوده و در ارتفاعات آن برف می‌بارد و میزان بارندگی سالیانه در این استان بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر است. ارتفاع آن از سطح دریا در مرتفع‌ترین نقطه که تل قینه نام دارد در حدود ۱۸۰۹ متر است. آثار باستانی زیادی در این استان وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها شهر باستانی شهباء است که امپراتور «فیلیپ عربی» که خود اصالتاً در این شهر به دنیا آمده بود، به آن اهمیت داد و در آن معبد، تئاتر، پل‌های متعدد، حمام و دروازه و باروهای محکمی است به گونه‌ای که برخی بدین شهر نام «روم کوچک» اطلاق نمودند و بسیاری از این آثار تا روزگار ما باقی مانده است.

استان سویداء به کاشت انگور مشهور بوده و بخش زیادی از تولیدات این استان به خارج از کشور صادر می‌گردد. این استان همچنین به کاشت سیب، هلو، آلو و بادام و زیتون مشهور است.

۹. استان طرطوس

بندر طرطوس از لحاظ اهمیت دومین بندر سوریه بعد از بندر لاذقیه به شمار می‌رود.

ص: ۴۶

استان طرطوس بخش جنوبی ساحل سوریه را تشکیل می‌دهد و از شمال به استان لاذقیه و از جنوب به کشور لبنان محدود می‌گردد. در دوران فنیقی‌ها به این شهر «اترادوس» می‌گفتند و در دوران بیزانسی به آن «تارتوسا» می‌گفتند. لشکر صلیبی‌ها از بندر به عنوان پایگاهی برای تأمین آذوقه لشکریان خود استفاده می‌کردند تا این که صلاح‌الدین ایوبی موفق شد آن را در سال ۱۱۸۸ م. آزاد نماید. بخش قدیمی شهر دارای یک کلیسای جامع قدیمی است و در جاهای دیگری از شهر آثار باستانی پراکنده‌ای وجود دارد. یکی از آثار قدیمی شهر قلعه باستانی طرطوس است که سه باروی محکم و استوار آن هنوز پابرجا است. امروزه شهر طرطوس به سوی شرق توسعه یافته و در آن ساختمان جدید ساخته شده است. از جمله آثار دیدنی شهر جزیره «ارواد» است که کنعانی‌ها به آن جزیره «أرادوس» می‌گفتند و در دو کیلومتری ساحل طرطوس قرار دارد و از دیگر آثار دیدنی شهر باستانی عمریت است که کاوش‌های باستانی در آن همچنان ادامه دارد.

۱۰. استان لاذقیه

بندر لاذقیه در فاصله ۳۲۰ کیلومتری شمال شهر دمشق قرار دارد و مهم‌ترین بندر سوریه به شمار می‌رود. تاریخ بنای شهر به دوران فنیقی‌ها باز می‌گردد، و نام این بندر از نام مادر امپراتور «سلوکس نکاتور» که «لاودیسیا» نام داشت در ۳۰۰ سال قبل از میلاد، گرفته شده است. این شهر نیز همانند سایر شهرهای سوریه تاریخی کهن دارد. استان لاذقیه یکی از استان‌های حاصلخیز سوریه بوده و به باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی خود مشهور است. اکثریت علوی‌های سوریه در این استان سکونت دارند. روستای قرداحه که محل تولد آقای حافظ اسد می‌باشد در این استان و در نزدیکی بندر لاذقیه واقع شده است. از شهرهای مهم این استان می‌توان از شهر جبلة نام برد.

۱۱. استان ادلب

این شهر در شمال غربی سوریه و در سمت غربی دشت و ارتفاعات حلب قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۴۴۶ متر است. ادلب در دوران عثمانی‌ها وابسته به «سرمین» بود و

ص: ۴۷

صدراعظم عثمانی محمد پاشا کوپرلی به آن توجه نموده و باعث عمران و آبادانی آن گردید و درآمد آن را وقف حرمین شریفین در مکه و مدینه نموده و آن را از پرداخت مالیات معاف کرد و آثار عمرانی فراوانی در آن به یادگار گذاشت. در نیمه دوم قرن هیجدهم این شهر تابع جسرالشغور و سپس تابع اریحا شده و در سال ۱۸۱۲ به شهرستان و در سال ۱۹۶۰ م. به عنوان مرکز استان ادلب برگزیده شد. در دوران مبارزه با استعمار فرانسه، ابراهیم هنانو یکی از انقلابیون سوری این شهر را به عنوان پایگاه مقاومت انتخاب کرد و این شهر در سال ۱۹۲۰ توسط توپخانه فرانسه بمباران شد و اهالی آن ناچار شدند که شهر را ترک کنند، اما چندی نپایید که دوباره به شهر بازگشتند و نهضت آنان تا سال ۱۹۴۵ م. ادامه داشت. این شهر به تولید زیتون مشهور است و برادران راسل که در سال ۱۷۷۲ م. از این شهر دیدن کرده‌اند، نام شهر زیتون را بر آن اطلاق نموده‌اند. در دوران عثمانی‌ها در این شهر بیش از دویست کارخانه روغن کشی زیتون و سی‌وشش کارخانه صابون‌پزی قرار داشت و در حال حاضر این شهر بازار زیتون و روغن زیتون سوریه را در اختیار دارد.

در اطراف شهر ادلب آثار باستانی زیادی نظیر: «الباره»، «رویحه»، «قلب لوزه» و «قصر البنات» وجود دارد.

۱۲. استان الرقه

شهر رقه مرکز استان الرقه است که در وسط شمال سوریه و در ساحل رودخانه فرات و در فاصله ۱۶۰ کیلومتری شرق حلب قرار دارد. از اواسط دهه هفتاد، اقتصاد این شهر متکی به سد فرات و چاه‌های نفتی مجاور آن بوده است در این شهر موزه‌ای وجود دارد و حفاری‌های به عمل آمده در این شهر از آثار دوران عباسی‌ها پرده برداشته است، از مهم‌ترین آثار باستانی شهر می‌توان از قصر العذارى، و مسجد جامع نام برد که در قرن هشتم میلادی ساخته شده است.

شهر رقه در سال ۲۴۴ و یا ۲۴۲ ق. م توسط سلوکس اول بنا شد و به نام «کالینیکوس»

ص: ۴۸

نامیده شد و برخی علت این تسمیه را فیلسوف معروف یونانی «کالینیکوس» می‌دانند که در شهر رقه درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد که به نظر می‌رسد این دیدگاه نادرست باشد. در دوران امپراتوری بیزانس این شهر مرکز اقتصادی و نظامی مهمی به شمار می‌رفته است. در سال ۶۳۹ م. این شهر توسط مسلمانان فتح شد و نام رقه بر آن نهاده شد. در سال ۷۷۲ م. منصور عباسی پایتخت تابستانی خود را در نزدیکی شهر رقه بنا کرد و نام آن الرافقه گذاشت. شهر مذکور به صورت نعل اسبی بنا شد و بعدها این شهر به شهر رقه ملحق گردید. در بین سال‌های ۷۹۶ و ۸۰۸ م. هارون الرشید عباسی نیز آن را به عنوان پایتخت تابستانی خود برگزید و در دوران وی شهر رقه مرکز علمی و فرهنگی مهمی گردید. از مشاهیر رقه می‌توان از دانشمند ستاره‌شناس معروف البتانی (۵۸۵-۹۲۹ م.) نام برد. در سال ۱۲۵۸ م. مغول‌ها شهر رقه را ویران کردند.

بنابر آمار سال ۱۹۹۴ م. جمعیت این شهر در حدود ۱۳۸۰۰۰ نفر بوده است.

در نزدیکی شهر رقه، منطقه تاریخی صفین قرار دارد که محل تلاقی دو لشکر حضرت علی علیه السلام و معاویه در سال ۳۷ قمری بود. در این جنگ خون عمار یاسر و اویس قرنی به همراهی ۲۵ نفر از بدریون و ۲۰۰۰۰ نفر دیگر از اصحاب حضرت علی علیه السلام بر زمین ریخته شد. در این جنگ سخت که ۱۱۰ روز به درازا کشید، حدود نود هزار نفر از لشکریان معاویه به هلاکت رسیدند. در اواخر جنگ که مالک اشتر در یک قدمی خیمه معاویه بود و نزدیک بود که فتنه ریشه کن شود، عمرو عاص با دیدن پیروزی لشکر حق، با نیرنگ قران‌ها را بر سر نیزه برد و لشکریان ساده با دیدن قرآن، حضرت علی علیه السلام را وادار به پذیرش حکمیت کردند.^(۱)

۱۳. استان الحسکه

مرکز این استان شهر حسکه است که برکنار رودخانه خابور، یکی از سرچشمه‌های

ص: ۴۹

فرات، در شمال شرق سوریه قرار دارد. نام قبلی این استان، استان الجزیره بوده است. این شهر را آشوری‌ها بنا کردند. این شهر یکی از مهم‌ترین شهرهای تجاری منطقه الجزیره است. استان حسکه، سه شهرستان به نام‌های قامشلی، مالکیه و راس العین دارد.

۱۴. استان دیر الزور

مرکز این استان شهر دیر الزور است که در شرق سوریه و در کنار رودخانه فرات واقع شده است. در لهجه عامیانه شام به این شهر «الدیر» می‌گویند. تاریخ بنای شهر جدید دیر به سال ۱۸۶۷ م. در دوران عثمانی‌ها بازمی‌گردد. از مهم‌ترین آثار شهر، پل فلزی شهر است که توسط فرانسوی‌ها ساخته شده است. در نزدیکی این شهر ویرانه‌های یک شهر قدیمی وجود دارد. شهر دیر الزور یک موزه دارد که در سال ۱۹۷۴ م. تأسیس شده است. بنابر آمار سال ۱۹۹۲ م. جمعیت این کشور ۱۲۵۰۰۰ نفر است.

تاریخ سوریه

اشاره

سوریه سرزمینی بسیار کهن با تمدن‌های برجسته تاریخی است، برخی از این تمدن‌ها به دو تا سه هزار سال قبل از میلاد باز می‌گردد. در این سرزمین تمدن‌های متعددی پا به عرصه وجود نهاد که به ترتیب زمانی این تمدن‌ها و دوران‌ها به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

دوران آکادی‌ها (۲۳۵۰ ق.م – ۲۱۳۰ ق.م)

بنیان‌گذار این سلسله «سارگن اول» است که توانست این حکومت را بر بقایای تمدن سومریان بنا نهد. ریشه و اصل آکادی‌ها به اقوام سامی کهن و مهاجر بازمی‌گردد که از شبه جزیره عربستان به بین‌النهرین مهاجرت کرده و امپراتوری وسیعی بنا نهادند که این امپراتوری شامل سرزمین سوریه امروزی، بین‌النهرین، عیلام و بخش‌هایی از آناتولی بود. آکادی‌ها به ساختن وسایل برنزی مشهور بودند. امپراتوری آکادی در سال ۲۱۳۰

ص: ۵۰

ق. م توسط گوتی‌ها و قبایل کوهستانی منقرض شد.

دوران آموری‌ها (۲۲۰۰ ق. م. - ۱۸۸۰ ق. م.)

در اواخر دوران آکادی‌ها، آموری‌ها در شرق سوریه پراکنده شده و به تدریج قدرت گرفته و توانستند به سرزمین بین‌النهرین نفوذ نمایند. آموری‌ها مردمی سامی تبار بودند و امروزه به معنی غرب است و چون آن‌ها در غرب سرزمین بین‌النهرین زندگی می‌کردند بدین نام خوانده می‌شدند.

دوران آرامی‌ها (۱۸۰۰ ق. م. - ۷۹۵ ق. م.)

آرامی‌ها مردمی سامی‌نژاد بودند که بنابر گمان بسیاری از باستان‌شناسان در جنوب شبه جزیره عربستان زندگی می‌کرده و سپس به سوی سرزمین‌های حاصلخیز شمال مهاجرت کرده و در سوریه مستقر شدند. زبان این قوم آرامی بوده و لهجه‌های متعددی دارد. آنان توانستند بر مناطق وسیعی از سوریه و عراق سیطره یابند. سرزمین تحت سیطره آنان «سرزمین آرام» نامیده می‌شد که بعدها نام آن به سوریه تغییر یافت. مهم‌ترین شهرهای آنان دمشق و حماه بود. از مشهورترین پادشاهان آنان می‌توان از «حزائیل» و «بن هدد» نام برد. زبان آرامی تا زمان حمله اعراب به سوریه، زبان رایج در سوریه بود.

پادشاه آشوری «تگلات فلاسر» در قرن دهم قبل از میلاد به دولت آرامی‌ها یورش برده و آن را متلاشی کرد، اما چندی نگذشت که آشوری‌ها عقب نشینی کرده و آرامی‌ها مجدداً بر منطقه سیطره یافتند، به طوری که در سنگ نوشته‌های آشوری از دولت آرامی سخن گفته شده و نام پادشاه آن «أبی سلمو» ذکر شده است. اما چندی نگذشت که آشوری مجدداً به دولت آرامی‌ها یورش برده و آن را کاملاً تحت تصرف خود درآوردند و از آن هنگام سرزمین جزیره ابن عمر در شرق سوریه به تصرف آشوری‌ها درآمده و به عنوان یکی از ولایت‌های آن محسوب گردید.

ص: ۵۱

دوران آشوری‌ها (۷۹۵ ق. م. - ۶۰۰ ق. م.)

آشوری‌ها یکی از اقوام سامی تبار بودند که در شمال عراق و در شرق سوریه زندگی می‌کردند و توانستند به تدریج حکومت‌های محلی پیرامون خود را از بین برده و امپراتوری وسیعی را بنا نهند. مهم‌ترین پادشاهان آنان، «آشور بانی پال»، «آشور ناصر پال» و «سنحاریب» می‌باشد.

دوران مادها (۶۱۲ ق. م. - ۵۵۳ ق. م.)

مادها یکی از اقوام آریایی بودند که در منطقه کردستان امروزی زندگی می‌کردند و پایتخت آنان شهر اکباتان یا همدان فعلی بود و توانستند امپراتوری وسیعی را بنا نهند که بخش شمالی بین‌النهرین و شرق سوریه را نیز دربر می‌گرفت. مادها در سال ۶۱۲ ق. م. توانستند امپراتوری آشور را شکست داده و پایتخت آنان «نینوا» را ویران سازند. قدرت فراوان مادها باعث ترس و وحشت پادشاهان بابلی گردید و باعث شد تا با مادها قرارداد صلح منعقد نمایند و «بخت‌النصر» پادشاه بابلی با دختر «سیاخاریس» پادشاه ماد ازدواج کرد و باغ‌های معلق بابل را برای وی ساخت. در سال ۵۵۳ ق. م. کورش توانست امپراتوری ماد را تصرف کرده و امپراتوری هخامنشیان را بنیان نهد.

دوران هخامنشیان (۵۵۰ ق. م. - ۳۳۰ ق. م.)

کورش مؤسس سلسله پادشاهان هخامنشی بود و توانست در سال ۵۵۳ ق. م. حکومت ماد را از بین برده و تمامی متصرفات آن را به حکومت خود بیفزاید. پس از کوروش پسرش «کمبوجیه» به قدرت رسید و در سال ۵۲۵ ق. م. مصر را به تصرف خود درآورد.

آخرین پادشاه این سلسله «داریوش سوم» بود که از سال ۳۳۶ ق. م. تا ۳۳۰ ق. م. حکومت نموده و عاقبت در سال ۳۳۰ ق. م. از اسکندر مقدونی شکست خورد و سلسله پادشاهان هخامنشی منقرض گردید. سوریه در طول حکومت هخامنشی تحت سیطره ایران قرار داشت.

ص: ۵۲

دوران سلوکی‌ها (۳۱۲ ق. م - ۶۳ ق. م)

سلوکی‌ها سلسله‌ای از پادشاهان یونانی تبار بود که پس از حمله اسکندر به خاورمیانه، ایران و هند توانستند پادشاهی قدرتمندی را در منطقه بنا نهند. مؤسس این سلسله «سلوکس اول نکاتور» یکی از فرماندهان اسکندر بود که بعد از اسکندر به پادشاهی رسید و امپراتوری وسیعی را بنا نهاد که بر سوریه، بین‌النهرین، ایران و بخشی از هندوستان سیطره داشت.

آخرین امپراتور سلوکی «آنتیوخوس سیزدهم» نام داشت که از ۶۹ ق. م تا ۶۴ ق. م حکومت کرد و پسرش «فیلیپ دوم» با وی منازعه نموده و موفق شد که پادشاهی را از او سلب نموده و به مدت دو سال از ۶۵ ق. م تا ۶۳ ق. م حکومت نماید اما عاقبت «بومبی» امپراتور روم موفق شد که در سال ۶۳ ق. م امپراتوری سلوکی‌ها را از بین ببرد.

دوران رومی‌ها (۶۳ ق. م - ۳۹۵ م)

در دوران رومی‌ها سوریه یکی از ولایت‌های امپراتوری روم به شمار رفت که پایتخت آن شهر رم بود. مقر این ولایت شهر دمشق بود. در همین دوران بود که حضرت یحیی علیه السلام توسط هیروُدس حکمران رومی سوریه به شهادت رسید و بنا به روایاتی در مسجد اموی به خاک سپرده شد.

دوران روم شرقی یا بیزانس (۳۹۵ م - ۶۳۶ م)

در سال ۳۳۰ م. امپراتور رومی «کنستانتین اول» شهر قسطنطنیه را بنا کرده و آن را به عنوان پایتخت خود برگزید و در سال ۳۳۴ م. ادارات دولتی را از روم به این شهر منتقل کرد و این شهر را به عنوان مرکز آیین مسیحیت انتخاب کرد.

در سال ۳۹۵ م. با درگذشت امپراتور «تیودوسوس کبیر»، بر سر جانشینی وی اختلاف شد و دو فرزندش امپراتوری پهن‌اور روم را به دو بخش تقسیم کردند. «هونوریوس» بخش غربی آن را به تصرف درآورده و شهر روم را به عنوان پایتخت آن برگزید و نام

ص: ۵۳

امپراتوری خود را امپراتوری روم نهاد در حالی که «ارکادیوس» بخش شرقی آن را انتخاب کرده و قسطنطنیه را به عنوان پایتخت خود انتخاب نمود که این امپراتوری بعدها به نام امپراتوری روم شرقی یا بیزانس شناخته شد و زبان رسمی آن زبان لاتین بود در حالی که زبان یونانی نیز در آن متداول و رایج بود. حوزه نفوذ این امپراتوری شامل آسیای صغیر، شبه جزیره بالکان، مصر و سوریه بود، و این وضعیت تا سال ۱۴ قمری مصادف با ۶۳۵ م. که نیروهای اسلامی این سرزمین را تصرف کردند، ادامه یافت.

دوران غسانی‌ها

غسانی‌ها دولت محلی عربی بودند که دست‌نشانده امپراتوری بیزانس به شمار می‌رفتند. غسانی‌ها در حقیقت یکی از قبایل عربی بودند که اصل آنان به قبیله اُزد می‌رسید و توانست با امپراتوری بیزانس متحد شود. علت تسمیه آنان به غسان این است که آنان قبلاً در سرزمین تهامه در جنوب عربستان سعودی در کنار چشمه‌ای به نام «غسان» زندگی می‌کردند و این نام بر قبیله آنان نیز اطلاق می‌گردید. بعدها این قبیله به جنوب شام مهاجرت کرده و با پیروزی بر قبایل محلی به تدریج قدرت یافته و شهر بصری را به عنوان پایتخت خود برگزیده و به آیین مسیحیت و مذهب ارتودکس شرقی که در آن دوران به یعقوبیه معروف بود درآمد. امپراتوری بیزانس دریافتند که با استفاده از قدرت غسانی‌ها می‌توان از نفوذ امپراتوری ایران که بخش‌های شرقی آن را تهدید می‌کرد جلوگیری کرد، از این رو حمایت زیادی از این دولت کردند. دولت غسانی‌ها در جنگ بین امپراتوری بیزانس و امپراتوری ایران شرکت نموده و علیه امپراتوری ایران و دست‌نشانده‌گان عرب آنها یعنی حکومت منذریان جنگیدند.

غسانی‌ها در حدود ششصد سال یعنی از قرن اول میلادی تا ظهور اسلام بر سرزمین شام حکومت کردند و اولین پادشاه این سلسله «جفنه بن عمرو» نام داشت و محدوده حکومت آنان شامل بخش‌های وسیعی از شمال نظیر تدمر و رصافه در وسط سرزمین شام تا سواحل دریای مدیترانه می‌شد. از مهم‌ترین پادشاهان غسانی می‌توان از «حارث

ص: ۵۴

بن جبله» (۵۲۹ م - ۵۶۹ م). نام برد که کمک‌های زیادی به امپراتوری بیزانس در جنگ با ایران کرد و به پاداش آن امپراتور گوستینیان در سال ۵۲۹ م. به وی لقب «پاتریسیوس» داد.

این سلسله آثار متعددی شامل قصر، کلیساها و دیرهای متعددی در سرزمین شام بنا نهاد.

آخرین پادشاه این سلسله «جبله بن الایهم» بود که طی نامه‌ای به عمر خلیفه دوم اسلام خود را اعلام کرده و به همراهی پانصد نفر از همراهان خود به مدینه آمد و همراه با عمر به حج رفته و در اثنای حج یکی از فقرای مسلمان جامه وی را لگد نمود و جبله نیز سیلی محکمی بر گوش او نواخت و آن مسلمان به خلیفه شکایت برد و عمر وی را فراخواند و از او خواست تا فرد مظلوم را راضی کند، ولی جبله نپذیرفت و گفت من پادشاه هستم و او یک فرد عادی است و از عمر یک روز مهلت خواست تا او را راضی کند و شبانه به اتفاق همراهان خود مدینه را ترک نموده و به سرزمین شام برگشته و از اسلام دست کشیده و به همراهی سی هزار نفر از مسیحیان عرب به امپراتوری بیزانس پناهنده شد. امپراتوری بیزانس آنان را پذیرفته و در نواحی مرزی اسکان داد و بسیاری از مسیحیان سوریه و لبنان خود را از نسل این گروه می‌دانند.

دوران خلفای راشدین (۶۳۵ م - ۶۶۱ م)

در دوران حکومت خلیفه دوم عمر، سرزمین شام به وسیله خالد بن ولید و ابوعبیده جراح گشوده شد و از آن هنگام سرزمین شام به عنوان یکی از ولایات اسلامی در عرصه جهانی ظاهر شد. در دوران خلیفه سوم عثمان، معاویه به عنوان والی دمشق برگزیده شد و پس از این که بر اثر کشته شدن عثمان، مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت کردند، معاویه از بیعت با علی امتناع ورزیده و او را به همدستی در قتل عثمان متهم کرد و این امر باعث شد که جنگی بین معاویه و حضرت علی علیه السلام در منطقه صفین دهد که به حکمیت منجر شد و باعث تقویت جایگاه معاویه در سرزمین شام شد. پس از شهادت حضرت علی علیه السلام و بیعت مردم با امام حسن مجتبی علیه السلام، پیمان صلحی بین معاویه و امام حسن بسته شد که به موجب آن حکومت به معاویه رسیده و پس از فوت وی به امام حسن علیه السلام می‌رسد، اما

ص: ۵۵

چندی نگذشت که امام حسن علیه السلام بر اثر دسیسه معاویه مسموم شده و رحلت فرمود و معاویه فرزندش یزید را بر خلافت صلح نامه به جانشینی انتخاب کرد.

دوران اموی‌ها (۶۶۱ م - ۷۵۰ م)

سلسله پادشاهان اموی با حکومت معاویه بن ابی سفیان آغاز گردید و دوران حکومت وی سراسر همراه با ظلم و نابرابری و ستم بود. پس از وی پسر نالایق او یزید بن معاویه به قدرت رسید و در همین زمان بود که امام حسین علیه السلام از بیعت با وی خودداری نمود و بنا به دستور یزید در صحرای کربلا به شهادت رسید و ننگی ابدی و جاودانه برای اموی‌ها برجای نهاد. در دوران حکومت اموی‌ها دمشق به عنوان پایتخت خلافت انتخاب شد و قصرها و بناهای متعددی در آن ساخته شد. آخرین پادشاه اموی مروان بن محمد نام داشت که در سال ۷۵۰ م. از کار برکنار شد و سلسله پادشاهان اموی منقرض شد.

دوران عباسی‌ها (۷۵۰ م - ۸۷۰ م)

در سال ۱۳۲ قمری (۷۵۰ م) مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی به مصر فرار کرده و در همان جا کشته شد و سرزمین شام توسط عبدالله بن علی (عموی خلیفه ابوالعباس) تصرف شد و از آن زمان به بعد سوریه تحت تصرف عباسیان درآمد. در دوران خلافت عباسی، سوریه از رونق افتاده و توجه چندانی به آن نشد. منصور دوانیقی شهر رقه را بنا کرد و هارون الرشید در غرب آن شهر، دژی به نام دژ هرکول بنا نهاد و مامون نیز شهری به نام «الرحبه» بنا کرد که در نزدیکی شهر میادین فعلی واقع شده است. در دوره کوتاهی طولونی‌ها بر سوریه سیطره یافتند.

دوران طولونی‌ها (۸۷۰ م - ۹۴۴ م)

دولت طولون منسوب به موسس آن «أحمد بن طولون» است که موفق شد در سال

ص: ۵۶

۲۵۷ قمری / ۸۷۰ م. دولتی را در مصر تأسیس نماید و پس از استقرار حکومت در مصر، به سوی سرزمین شام رفته و بدون مقاومت بخش‌های وسیعی از آن را به تصرف خود در آورد و بسیاری از حکمرانان آن را که سر به اطاعت او نهاده بودند بر سرکار باقی نگه داشت و بدین گونه بود که سرزمین شام یک ایالت وابسته به حکومت طولونی گردید که پایتخت آن شهر قاهره در مصر بود. چندی نگذشت که الموفق برادر خلیفه عباسی مزاحمت‌هایی را برای دولت طولونی فراهم آورد و در همین دوران بود که سرزمین شام صحنه درگیری‌های مختلف گردید و اسماعیلیه و قرمطیان در آن قدرت گرفته و شروع به غارت کاروان‌های تجاری نمودند. اما پس از چندی حکومت طولونی رو به ضعف نهاد و سرزمین شام دوباره زیر سلطه عباسی‌ها درآمد و به تدریج ستاره اقبال «محمد بن طغج» دمید. وی فرزند «طغج» یکی از فرماندهان مورد اعتماد طولونی‌ها بود که به حکمرانی دمشق انتخاب شده بود و فرزند وی محمد با نشان دادن شایستگی‌های نظامی خود موفق شد که اعتماد خلیفه عباسی را به خود جلب نموده و عاقبت خلیفه عباسی المقتدر او را به حکمرانی دمشق برگزید و در سال ۳۲۳ قمری خلیفه الراضی بالله او را به حکمرانی مصر انتخاب کرد و وی به مصر رفته و پایه‌گذار دولت اخشیدی‌ها در مصر گردید.

دوران حمدانی‌ها (۹۴۴ م - ۱۰۰۳ م)

یکی از حکومت‌های شیعی سوریه است که توانست از ضعف خلافت عباسی استفاده کرده و در شمال سوریه به قدرت برسد، مقر اصلی آنان در شهر موصل عراق بود و در سال ۳۳۳ قمری / ۹۴۴ م. سیف‌الدوله حمدانی موفق شد شهرهای حلب، حمص و دمشق را به تصرف خود درآورد و جنگ‌های زیادی بین وی و اخشید حکمران مصر و کافور فرمانده نیروهای اخشید رخ داد که این جنگ‌ها و کشمکش‌ها عاقبت باعث شد که این دو توافق کنند که حمدانی‌ها بر بخش‌های شمالی سوریه از حلب تا موصل حکومت کنند و بخش‌های جنوبی سوریه در اختیار اخشیدی‌ها باشد. حمدانی‌ها حملات متعددی

ص: ۵۸

به امپراتوری بیزانس کردند و در دوران آنان شعر و ادب و معماری رونق بسیاری یافت. نفوذ حمدانی‌ها در دوران سعیدالدوله در سال ۳۸۱ ه. ق / ۹۹۱ رو به افول نهاد و دولت آنان زیر سیطره حکومت فاطمی مصر قرار گرفت و در سال ۳۹۳ قمری / ۱۰۰۳ حکومت آنان مضمحل گردید.

دوران فاطمی‌ها (۹۶۹ م - ۱۱۷۱ م)

پس از ضعف تدریجی حکومت حمدانی‌ها، به تدریج فاطمی‌ها بر سوریه سیطره یافتند. فاطمی‌ها آثار عمرانی چندانی در سوریه برجای ننهاند و این امر به علت مدت کوتاه زمامداری آنان در سوریه و وضعیت نابسامان سیاسی در سرزمین شام آن روزگار بود. آثار باستانی برجای مانده از آن دوره در شهرهای بصری، صلخد و سلمیه قرار دارد.

در سال ۹۶۹ م. «جوهر صقلی» یکی از فرماندهان معروف خلافت فاطمی شهر دمشق را پس از مقاومتی شدید فتح نمود و به تدریج سایر مناطق سوریه تحت نفوذ آنان قرار گرفت به طوری که در سال ۹۷۱ م. بسیاری از مناطق سوریه تحت سیطره آنان بوده و خطبه به نام خلیفه المعزالدین الله فاطمی در مساجد دمشق و حلب و حمص خوانده شد و پس از سال ۱۰۴۳ م. به تدریج قدرت فاطمی‌ها در سوریه رو به افول نهاد و این وضعیت تا هنگام ظهور صلاح‌الدین ایوبی ادامه داشت و عاقبت وی توانست در سال ۱۱۷۱ م. خلیفه العاضد، آخرین خلیفه فاطمی را از کار برکنار کرده و خلافت فاطمی را از بین ببرد. (۱)

دوران ایوبی‌ها (۱۱۷۱ م - ۱۲۵۹ م)

مؤسس این سلسله صلاح‌الدین ایوبی بود که توانست در سال ۱۱۷۱ م. آخرین خلیفه فاطمی را از کار برکنار نموده و سلسله پادشاهان ایوبی را پایه‌ریزی نماید. پس از

۱- فاطمیون مصر پیرو مذهب اسماعیلیه بودند و پس از سقوط دولت فاطمی، از قدرت اسماعیلیه کاسته شده و به صورت گروه‌های پراکنده‌ای در ایران، سوریه، لبنان و عراق به حیات فکری خود ادامه دادند.

ص: ۵۹

درگذشت صلاح‌الدین در سال ۱۱۹۳ م.، مملکت وی به وسیله سه فرزند او تقسیم شد و فرزند بزرگ‌تر که افضل نام داشت بر دمشق حکومت نموده و برادر دیگر که عزیز نام داشت بر مصر و برادر سوم که ازهر نام داشت بر حلب چیره شدند. اختلاف و درگیری بین فرزندان صلاح‌الدین و برادرش العادل تا مدت‌ها باعث عدم استقرار حکومت ایوبی در سوریه و مصر بود و عاقبت آخرین پادشاه آنان توران شاه در سال ۱۲۵۹ توسط ممالیک به قتل رسید و سلسله پادشاهی ایوبی منقرض شد.

دوران مغول‌ها (۱۲۵۹ م - ۱۲۵۹ م)

مغول‌ها در فرهنگ عربی به نام «تاتار» نامیده می‌شوند آنان در حقیقت نوادگان چنگیزخان مغول بودند که در سال ۱۲۰۶ م. توانست شمال چین و آسیای جنوبی و آسیانه میانه و ایران را به تصرف درآورده و امپراتوری وسیعی ایجاد کند. مغول‌ها در سال ۶۴۳ قمری / ۱۲۴۵ م. حمله ناموفقی به بغداد نموده و شکست خوردند و در سال ۶۵۶ قمری / ۱۲۵۸ م. به فرماندهی هولاکو مجدداً به بغداد حمله کرده و موفق شدند که المستعصم بالله آخرین عباسی را دستگیر و به قتل برسانند. در سال ۶۵۸ قمری / ۱۲۵۹ م. موفق شدند حلب و سپس دمشق را به تصرف درآورند، اما سلطه آنان بر سوریه دیری نپایید و در همان سال «ملک مظفر قطز» موفق شد که در جنگ «عین جالوت» آنان را شکست داده و از سوریه بیرون راند و سوریه را به تصرف خود درآورد. در سال ۶۵۹ قمری / ۱۲۶۱ م.

مغول‌ها مجدداً به حمص و حلب یورش برده و شکست خوردند و مجدداً در سال ۶۷۱ قمری (۱۲۷۲ م.) به سوریه حمله کردند و ملک ظاهر بیبرس موفق شد که در نزدیکی رودخانه فرات آنان را مهزوم سازد. در سال ۶۸۰ قمری / ۱۲۸۱ م. برای بار دیگر مغول‌ها به سوریه حمله کردند و در نزدیکی قبرخالد بن ولید شکست خوردند. در سال ۶۹۹ قمری / ۱۲۹۹ م. مغول‌ها موفق شدند که شهر دمشق را به مدت صد روز تصرف نمایند، اما بعد از این که آگاه شدند که لشکر ممالیک از مصر به سوی سوریه روانه شده است، از آن عقب‌نشینی کردند. در سال ۷۰۰ قمری / ۱۳۰۰ م. مغول به رهبری «غازان محمود» به

ص: ۶۰

سوریه حمله کردند و «ملک محمد بن قلاوون» موفق شد در سال ۷۰۳ قمری / ۱۳۰۳ م. در نبرد «مرج الصفر» آنان را شکست دهد. صد سال بعد تاتارها به رهبری «تیمور لنگ» به سوریه حمله کرده و موفق شدند که در سال ۸۰۳ قمری / ۱۴۰۱ م. شهر حلب را فتح نموده و در همان سال شهرهای حمص و حمص و دمشق را به تصرف خود درآورده و این شهرها را غارت نمایند و پس از هشتاد روز غارت و تجاوز این شهر را ترک نمودند.

دوران مماليك (۱۲۵۹ م - ۱۵۱۶ م)

در سال ۱۲۳۹ م. پادشاهان ایوبی اقدام به تشکیل گارد مخصوصی برای حمایت از پادشاه و اطرافیان وی نمودند، آنان اقدام به خرید هزار برده ترک و چرکسی نمودند و سپس آنان را به فنون قتال آموزش داده و در مقدمه لشکر خویش جای دادند. ده سال پس از تأسیس، بردگان مذکور اقدام به ترور پادشاه ایوبی و ولیعهد وی توران شاه نموده و مادرش «ملکه شجره الدر» را به پادشاهی انتخاب کردند و عاقبت در همان سال یکی از افراد خود را که «عزالدين أيبك» نام داشت به پادشاهی انتخاب کردند و بدین گونه دوران حکومت مماليك آغاز گردید. در سال ۱۲۵۹ م. «ملک مظفر قطز» با شکست مغولها، سوریه را به تصرف درآورده و به عنوان حکمران آن انتخاب گردید و از همان زمان تا سال ۱۵۱۶ که سلطان سلیم اول سوریه را تصرف کرد، این کشور یکی از ایالت‌های تحت سیطره مماليك مصر به شمار می‌رفت. حکومت مماليك از سال ۱۲۵۰ م. تا سال ۱۳۸۳ م. در دست بردگان ترک بود و از سال ۱۳۸۳ م. به دست بردگان چرکسی افتاد که دوران زمامداری آنان تا سال ۱۵۱۶ م. ادامه داشت و دوره پادشاهی هر یک از آنان نسبتاً کوتاه بود زیرا که معمولاً این پادشاهان به دست زيردستان خود ترور می‌شدند. دوران پادشاهان مماليك علی‌رغم ناآرامیهای سیاسی با شکوفایی اقتصادی و معماری همراه بوده است به گونه‌ای که بسیاری از آثار تاریخی در این دوران پا به عرصه نهاد و از جمله معروف‌ترین این آثار گلدسته قایتبای در مسجد اُموی دمشق است که توسط «ملک اشرف ابونصر قایتبای» که از سال ۱۴۶۸ م. تا ۱۴۹۶ م. حکومت کرد، ساخته

ص: ۶۱

شد.

دوران عثمانی (۱۵۱۶ م - ۱۹۱۸ م)

در سال ۱۵۱۶ سلطان سلیم عثمانی توانست در جنگ «مرج دابق» ممالیک را شکست داده سوریه را به تصرف درآورد و سیطره عثمانی‌ها بر سوریه به مدت چهارصد سال به درازا کشید و در طی آن سوریه یکی از ولایات حکومت عثمانی بود که والی آن از طرف استانه یا دربار عثمانی انتخاب می‌گردید و این وضعیت تا بروز جنگ جهانی اول ادامه داشت در دوران جنگ اول والی سوریه احمد جمال پاشا بود که به علت ستمکاری فراوانش به «سفاح» یا خونخوار معروف شده بود و در ماه می ۱۹۱۶ م. تعدادی از آزادیخواهان سوری را دستگیر و محاکمه و اعدام نمود.

حکومت پادشاهی سوریه (۱۹۱۸ م - ۱۹۲۰ م)

پس از شکست عثمانی‌ها در جنگ جهانی اول، سرزمین‌های تحت تصرف آن بین فرانسه و انگلیس تقسیم شد، و شراره‌های انقلاب بزرگ عرب در مکه مکرمه به رهبری شریف مکه امیر فیصل شعله‌ور و امیر فیصل موفق شد با کمک ارتش انگلیس به باقیمانده ارتش عثمانی در سوریه حمله کرده و در دهم ژانویه ۱۹۱۸ نیروهای امیر فیصل وارد شهر دمشق شده و سوریه را به تصرف درآورد. در روز هفتم مارس ۱۹۲۰ کنگره سوریه در دمشق تشکیل شده و امیر فیصل را به عنوان اولین پادشاه سوریه انتخاب کرد و امیر فیصل مذکور که خود را از اعقاب امام حسین علیه السلام معرفی می‌کرد به عنوان «ملک فیصل اول» پادشاه سوریه تاجگذاری کرد و رضا الركابی را به عنوان نخست وزیر انتخاب کرد و بدین گونه اولین کابینه سوریه به وجود آمد.

در همین دوران پیمان «سایکس پیکو» منعقد شد و براساس آن مقرر گردید سرزمین شام به دو بخش تحت نفوذ انگلیس و تحت نفوذ فرانسه تقسیم شود که در این میان فلسطین و اردن و عراق به تصرف انگلیسی‌ها و لبنان و ساحل سوریه به تصرف فرانسوی‌ها در آمد و در همین دوران بود که دولت انگلیس تصمیم گرفت تا وعده بالفور

ص: ۶۲

در زمینه تأسیس دولت اسرائیل را عملی نماید و چندی نگذشت که ۲۶ ژولای ۱۹۲۰ در اثر تصرف دمشق و سایر مناطق سوریه توسط نیروهای فرانسوی حکومت پادشاهی سوریه سقوط کرد و «ملک فیصل اول» به شهر درعا و سپس به شهر حيفا در فلسطین و سپس اروپا فرار نماید و بعدها با کمک انگلیسی‌ها به عراق رفته و دولت پادشاهی عراق را تأسیس کند.

دوران استعمار فرانسه (۱۹۲۰ م - ۱۹۴۳ م)

در پانزدهم آگوست ۱۹۱۵ م. نیروهای فرانسه در جزیره ارواد سوریه نیرو پیاده کرده و در سال ۱۹۱۸ نیروهای فرانسوی سواحل سوریه را به تصرف خود درآورده و ستوان «دولاروش» وارد شهر لاذقیه شده و در پنجم نوامبر همان سال پست خود را به عنوان حاکم منطقه در دست گرفت. در ۲۵ ژولای ۱۹۲۰ جنگ معروفی بین نیروهای سوری و نیروهای فرانسوی در گرفت که این جنگ به نام «جنگ میسلون» معروف شد و در اثنای این جنگ «یوسف العظمه» وزیر دفاع سوریه به شهادت رسید و شهر دمشق در ۲۶ ژولای ۱۹۲۰ م. به تصرف فرانسویان درآمد. و ملک فیصل حسینی از کشور فراری شد و سوریه تا ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ م. تحت اشغال فرانسوی‌ها بود. در دوران اشغال فرانسوی‌ها شورش و قیام‌های مردمی فراوانی در سوریه شد که می‌توان از قیام شیخ صالح العلی در ساحل، ابراهیم هنانو در شمال و سلطان پاشا اطرش در کوه عرب و حسن الخراط در غوطه دمشق نام برد.

جمهوری عربی سوریه (۱۹۴۳ م تا کنون)

جمهوری عربی سوریه در سال ۱۹۴۳ به استقلال دست یافت ولی آخرین سرباز فرانسوی در سال ۱۹۴۶ م. از سوریه خارج شد. اولین رئیس جمهوری سوریه آقای شکری القوتلی بود که در ۱۷ آگوست ۱۹۴۳ انتخاب گردید و عاقبت حسنی الزعیم علیه وی کودتا کرده و در ۳۰ مارس ۱۹۴۹ او را مجبور به استعفا کرد. قوتلی بعد از کودتا به

ص: ۶۳

مصر رفته و در شهر اسکندریه ساکن شد.

حسنى الزعيم از روز ۳۰ مارس ۱۹۴۹ لغایت ۱۳ آگوست ۱۹۴۹ بر سوریه حکومت کرد و کودتای مزبور اولین کودتای نظامی در سوریه بود و حسنى الزعيم در حکومت شکری القوتلى رئيس ستاد مشترك ارتش بود اما چندی نگذشت که بر اثر کودتای سامى الحناوى، از کار برکنار شده و به جرم خیانت دادگاهی شده و به اعدام محکوم گردید و در روز ۱۴ آگوست ۱۹۴۹ اعدام گردید.

سامى الحناوى نتوانست بیش از دو روز حکومت نماید و آقای هاشم الاتاسى را به عنوان نخست‌وزیر انتخاب کرد و او حکومتی انتقالی را برگزید که از ۱۴ آگوست ۱۹۴۹ تا ۱۰ دسامبر ۱۹۴۹ قدرت را در دست داشت و اقدام به برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری نمود و در این انتخابات اتاسى به عنوان رئيس جمهور انتخاب شد و «معروف الدوالیى» به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. در ۲ دسامبر ۱۹۵۱ م «أديب شیشکلى» با کودتایی قدرت را در دست گرفت و اقدام به دستگیری نخست‌وزیر، تعدادی از وزرا و رئيس پارلمان و برخی از نمایندگان نمود، از این رو هاشم الاتاسى از پست ریاست جمهوری استعفا داد و آقای أديب شیشکلى، فوزى سلو را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد. در ۲۵ مارس ۱۹۵۴ أديب شیشکلى استعفا داد و هاشم الاتاسى مجدداً به ریاست جمهوری رسید و تا سپتامبر ۱۹۵۵ م در این مقام باقى ماند.

در سال ۱۹۵۵ شکری القوتلى برای سومین بار به ریاست جمهوری انتخاب شد و در سال ۱۹۵۸ م در رأس هیئتی وارد مصر شد و با جمال عبدالناصر رئيس جمهور مصر توافق نمود که دو کشور سوریه و مصر با یکدیگر متحد شده و «جمهوری متحد عربی» را به وجود آورده و از پست خود کناره‌گیری نمود و جمال عبدالناصر به عنوان رئيس جمهور این کشور متحد انتخاب شد و به شکری القوتلى لقب «شهروند عربی اول» داده شد و در دوران وحدت دو کشور، قوتلى گاهی در سوریه و مصر و گاهی در اروپا اقامت داشت و هنگامی که کودتاچیان در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ تصمیم گرفتند تا سوریه را از مصر جدا کنند وی در شهر ژنو اقامت داشت و تا هنگام کودتای هشتم مارس ۱۹۶۳ م در

ص: ۶۴

دمشق بود و سپس به ژنو رفته و از آنجا به بیروت رفت و تا هنگام فوت در سال ۱۹۶۷ در آن شهر سکونت اختیار کرد.

کودتاجیان به رهبری مأمون الکزبری در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ موفق شدند که در سوریه کودتا کنند و کزبری از ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۱ تا ۲۰ نوامبر ۱۹۶۱ ریاست جمهوری سوریه را برعهده داشت. ناظم القدسی از ۱۴ دسامبر ۱۹۶۱ قدرت را به دست گرفت و در هشتم مارس ۱۹۶۳ بر اثر کودتای حزب بعث از کار برکنار شد.

پس از کودتای حزب بعث آقای لؤی الاتاسی در ۲۳ مارس ۱۹۶۳ به قدرت رسید اما به علت عدم توانایی اداره کشور و به علت آشکار شدن یک کودتای نافرجام از پست خود کناره گیری نمود و پس از وی آقای محمد أمين الحافظ که در کابینه بعثی ها پست وزیر کشور را داشت در جولای ۱۹۶۳ به ریاست جمهوری رسید و تا فوریه ۱۹۶۶ در مسند قدرت باقی ماند. بعد از کودتای فوریه ۱۹۶۶ آقای نورالدین الاتاسی به ریاست حزب بعث و ریاست جمهوری سوریه رسیده و در سال ۱۹۶۸ علاوه بر پست ریاست جمهوری، پست نخست وزیری سوریه را نیز عهده دار شد و در دوران حکومت وی جنگ ۱۹۶۷ روی داد که در این جنگ سوریه منطقه جولان را از دست داد و آقای حافظ اسد که در آن دوره وزیر دفاع بود از پذیرش مسئولیت شکست خودداری نموده و آن را برعهده نورالدین الاتاسی و معاونش «صلاح جدید» انداخت. در اکتبر ۱۹۷۰ نورالدین الاتاسی به علت دخالت ارتش در امور سیاسی از پست ریاست جمهوری استعفا داد و در چنین شرایطی کنگره حزب بعث تشکیل جلسه داد و آقای حافظ اسد و آقای مصطفی طلاس را از کار برکنار نمودند و در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۰ آقای حافظ اسد طی کودتایی قدرت را در دست گرفت و در کنار وزارت دفاع پست نخست وزیری به وی سپرده شد. این کودتای بدون خونریزی در سوریه به نام «الحركة التصحيحية» یعنی «جنبش اصلاح طلب» نامیده می شود. پس از به قدرت رسیدن آقای حافظ اسد، نامبرده در ۱۲ مارس ۱۹۷۱ م. به عنوان دبیر کل حزب بعث و رئیس جمهوری سوریه انتخاب شد و روابط وسیعی با شوروی برقرار نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سوریه به

ص: ۶۵

صف حامیان انقلاب ایران در آمد و در طول هشت سال جنگ عراق با ایران جزو حامیان جمهوری اسلامی ایران به شمار می رفت.

حافظ اسد در روز ۱۰ ژوئن ۲۰۰۰ در اثر بیماری سرطان خون درگذشت و پس از وی پسرش دکتر بشار اسد در انتخابات ۱۰ جولای ۲۰۰۰ به عنوان رئیس جمهوری سوریه برگزیده شد. بشار اسد در انتخابات ۲۷ ماه مه ۲۰۰۷ مصادف با ۲۸ تیرماه ۱۳۸۶ مجدداً برای بار دوم به ریاست جمهوری سوریه برگزیده شد.

مجلس نمایندگان سوریه

مجلس نمایندگان سوریه که به زبان عربی به نام «مجلس الشعب» یا مجلس خلق نامیده می شود دارای ۲۵۰ کرسی است که بنابر قانون اساسی سوریه اکثریت اعضای آن از اقشار کارگر، کشاورز و کارمندان دولت می باشند. حزب بعث که بنابر قانون اساسی حزب حاکم می باشد از سال ۱۹۷۳ تا کنون به همراه احزاب هم پیمان خود در جبهه ملی پیشرو اکثریت را در پارلمان سوریه داشته است. در حال حاضر ریاست پارلمان سوریه برعهده آقای محمود الابرش می باشد. سابقه تاسیس مجلس در سوریه به حدود سال ۱۹۱۹ م. برمی گردد که مجلسی به عنوان «کنفرانس سوریه بزرگ» تشکیل شد.

در قرن گذشته مجالسی با طول عمرهای متفاوت و عموماً کوتاه در سوریه تشکیل شد اما مجلس کنونی سوریه از سال ۱۹۷۳ و براساس قانون اساسی این کشور که در همان سال تصویب شده بود آغاز به کار نموده و اکنون در دوره نهم به سر می برد و هر دوره مجلس چهار سال به طول می کشد.

قوه قضائیه در سوریه

رئیس جمهور رئیس شورای عالی قضایی نیز می باشد و وزیر دادگستری به نیابت از سوی رئیس جمهور جلسات شورای عالی قضایی را اداره می کند و درواقع وزیر دادگستری بالاترین مقام اجرایی قضایی کشور است و در حکم دادستان کل کشور است.

ص: ۶۶

قوه مجریه در سوریه

رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی در سوریه می‌باشد و عزل و نصب اعضای کابینه از جمله نخست‌وزیر از اختیارات ریاست جمهوری می‌باشد. قانون اساسی مصوب ۱۳ مارس ۱۹۷۳ به حزب بعث به عنوان حزب راهبر کشور نگریسته و به ریاست جمهوری اختیارات وسیعی می‌دهد. رئیس جمهور از طرف پارلمان سوریه و بنا به پیشنهاد رهبری منطقه‌ای حزب بعث پیشنهاد شده و در انتخابات شرکت می‌نماید و مدت ریاست جمهوری در سوریه هفت سال است. رئیس جمهوری همچنین سمت‌های دبیر کل حزب بعث سوریه، ریاست جبهه متحد پیشرو را برعهده داشته و انتخاب کابینه و اعلان جنگ را برعهده دارد و در صورت تعطیلی پارلمان حق صدور قوانین کشور را دارد.

جبهه ملی پیشرو در سوریه

جبهه ملی پیشرو که در زبان عربی به آن «الجبهه الوطنیه التقدمیه» می‌گویند از نه حزب تشکیل شده‌اند که حزب بعث سوریه ۵۱٪ از کرسی‌های جبهه را اشغال می‌نماید. این جبهه در هفتم مارس ۱۹۷۲ توسط آقای حافظ اسد تأسیس شد و در سوریه به آن به عنوان یکی از دستاوردهای «حرکت اصلاحی» نگریسته می‌شود. هفت حزب اعضای اولیه جبهه را تشکیل دادند که این احزاب عبارتند بودند از: حزب بعث، اتحاد دمکراتیک عرب، اتحاد سوسیالیسم عرب، حزب سوسیالیست‌های عرب، حزب کمونیست سوریه (شاخه یوسف بکداش و شاخه یوسف فیصل)، حزب قومی اجتماعی سوریه، حزب وحدت طلب سوسیالیست (که بعدها حزب وحدت طلب سوسیالیستی دمکرات از آن منشعب گردید). در سال ۱۹۸۰ دو شکل دیگر به نام‌های «اتحادیه سندیکا‌های کارگران» و «اتحادیه کشاورزان» به جبهه مذکور پیوستند.

اقتصاد سوریه

اقتصاد سوریه متکی بر کشاورزی، صادرات نفت، صادرات فسفات، تبادلات

ص: ۶۷

اقتصادی و کمک کشورهای عربی می‌باشد. در دوران آقای حافظ اسد اقتصاد سوسیالیستی بر آن کشور حاکم بوده و شرکت‌های خارجی حق سرمایه‌گذاری در سوریه را نداشتند و تمامی پروژه‌های بزرگ اقتصادی توسط دولت اجرا می‌شد. در دوران حکومت بشار اسد، آزادی‌های زیادی به بخش اقتصادی داده شد و دولت سوریه از سیاست سوسیالیستی کاملاً فاصله کرد و شرکت‌های خارجی را ترغیب کرد که در آن کشور سرمایه‌گذاری نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز سرمایه‌گذاری‌های متعددی در زمینه تولید سیمان، ساخت پالایشگاه و ساخت کارخانجات خودروسازی در این کشور داشته است.

کشاورزی سوریه

وضعیت سوریه از لحاظ کشاورزی از استانی به استان دیگر متفاوت است و این امر به علت تنوع آب و هوایی فراوان در این کشور است، به طوری که نواحی مرکزی آن به علت وجود صحرای «بادیه شام» که بیابانی بسیار وسیع است، شرایط آب و هوایی نامناسبی برای کشاورزی داشته و فقط در برخی از مناطق آن درختان خرما کاشته می‌شود. این در حالی است که مناطق ساحلی این کشور در استان‌های طرطوس و لاذقیه از آب و هوای مدیترانه‌ای بهره‌مند می‌باشند. بیشتر زمین‌های زراعی سوریه در ساحل رودخانه‌های معروف دجله و فرات و سایر رودخانه‌های داخلی این کشور قرار دارند. از این‌رو تنوع محصولات کشاورزی در این کشور فراوان است. مهم‌ترین محصول سوریه گندم است که در منطقه فرات و مناطق جنوبی سوریه کشت می‌شود. همچنین محصول پنبه سوریه یکی از بهترین انواع پنبه در جهان بوده و سوریه در کاشت و برداشت پنبه و تبدیل آن به صنایع جنبی دارای رتبه‌ی جهانی است. زیتون نیز یکی از مهم‌ترین محصولات باغی سوریه را تشکیل می‌دهد و بنا به اعتقاد بسیاری از مورخان سوریه زادگاه اصلی پرورش زیتون و تهیه روغن زیتون در جهان به شمار می‌رود و این میوه و روغن آن یکی از اقلام صادراتی مهم سوریه به شمار می‌رود. سوریه همچنین به کاشت

ص: ۶۸

و برداشت زردآلو معروف بوده و لواشک‌های سوری زبانزد خاص و عام بوده و به بسیاری از کشورهای جهان صادر می‌گردد. در سوریه باغ‌های مرکبات سالیانه مقادیر زیادی پرتقال، لیمو شیرین، لیمو ترش، نارنگی و سیب و غیره تولید می‌نمایند که مازاد آن به کشورهای مختلف عربی نظیر عراق، اردن، کویت و سعودی صادر می‌شود. این کشور همچنین تولیدکننده چغندر قند و تنباکو است که از آن‌ها در صنایع داخلی کشور استفاده می‌شود.

صنایع سوریه

صنایع بخش مهمی از اقتصاد سوریه را تشکیل می‌دهد و این امر به ویژه در مورد صنایع نساجی، ریسندگی و بافندگی که قدمتی دیرینه دارند، صادق است. در کنار آن صنایع شیرینی‌پزی و شیرینی‌سازی سوریه نظیر شکلات‌سازی شهرتی جهانی دارد و بسیاری از شیرینی‌های ساخت سوریه به سایر کشورهای عربی صادر می‌گردد.

کارخانجات متعددی در سوریه نیز به ساخت لوازم خانگی نظیر: یخچال، اجاق خوراک‌پزی، لباس‌شویی، دستگاه ماکروویو، جاروبرقی، گوشی‌های تلفن، و رادیو و تلویزیون و مواد شوینده‌ها و صابون و کابل‌سازی و همچنین اخیراً کشور سوریه با همکاری جمهوری اسلامی ایران موفق گردید که اولین کارخانه خودروسازی خود را راه‌اندازی نموده و در حال حاضر این کشور سالیانه در حدود یک هزار دستگاه خودرو سمند تولید نموده و وارد بازار مصرف داخلی می‌نماید. برای احداث کارخانه تولید سمند در سوریه ۶۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری انجام شده که ۴۰ درصد آن سهم ایران خودرو، ۳۵ درصد سهم وزارت صنایع سوریه و ۲۵ درصد باقیمانده سهم شرکت خصوصی السلطان سوریه است، شرکت سیامکو متشکل از طرف‌های ایرانی و سوریه‌ای است که کار تولید سمند را به عهده دارند، فاز اول این کارخانه با حضور آقای پرویز داودی، معاون اول رئیس‌جمهور ایران و بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، گشایش یافت.

معادن و منابع سوریه

سوریه مقدار کمی نفت دارد و سالیانه ۳۰ میلیون تن نفت تولید می‌کند که از این مقدار ۵/۵ میلیون تن نفت جهت مصرف داخلی به پالایشگاه حمص ارسال شده و باقیمانده آن از طریق بندرهای سوریه در کناره دریای مدیترانه به خارج کشور صادر می‌شود. نفت سوریه از نوع نفت سبک است. اخیراً گفته می‌شود که سوریه توانسته است منابع سرشار نفت از نوع نفت سبک را در استان لاذقیه شناسایی کند، اما از لحاظ گاز طبیعی اخیراً منابعی از گاز در استان دیرالزور سوریه و در مجاورت مرز عراق کشف شده و سوریه امید دارد که در آینده با بهره‌برداری از این منابع جدید به لیست کشورهای صادرکننده گاز بپیوندد. سوریه همچنین دارای منابع غنی فسفات می‌باشد که قسمت اعظم فسفات تولید شده به خارج از کشور صادر می‌گردد.

بنادر سوریه

سوریه بر کناره دریای مدیترانه چهار بندر اصلی و یک بندر فرعی دارد که این بنادر عبارتند از: بندر لاذقیه، بندر طرطوس، بندر جبلة، بندر بانیاس و بندر ارواد.

۱. بندر لاذقیه: لاذقیه مرکز استان لاذقیه بوده و مهم‌ترین بندر این کشور می‌باشد.

جمعیت آن در حدود پانصد هزار نفر است. این بندر از دوران فنیقی‌ها به عنوان بندر فعالیت داشته و بندرگاه آن امروزه پذیرای بسیاری از کشتی‌های کوچک و بزرگ تجاری و مسافری از کشورهای مختلف اروپایی می‌باشد. بسیاری از فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی سوریه از طریق بندر لاذقیه صادر می‌شود.

۲. بندر طرطوس: طرطوس مرکز استان طرطوس بوده و دومین بندر این کشور می‌باشد. جمعیت آن در حدود ۱۱۸ هزار نفر است و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شهر دمشق قرار دارد. جزیره ارواد تنها جزیره سوریه در دریای مدیترانه در سواحل مقابل این بندر واقع شده است.

۳. بندر جبلة: این بندر در استان لاذقیه قرار دارد و سومین بندر سوریه به شمار

ص: ۷۰

می‌رود. بندر آن از نوع صیادی بوده و کشتی‌ها و قایق‌های صیادی در آن پهلو گرفته و ماهیان صید شده را در بازار ماهی‌فروشان شهر به معرض فروش قرار می‌دهند. در این شهر همچنین کارخانجات ریسندگی و بافندگی و کنسروسازی و صنایع فلزی و ریخته‌گری و صنایع غذایی وجود دارد. این شهر تا شهر لاذقیه ۳۸ کیلومتر فاصله دارد.

۴. بندر بانیاس: این بندر در استان طرطوس قرار دارد و تا طرطوس ۴۰ کیلومتر فاصله دارد. سوریه از طریق این بندر اقدام به صادرات نفت می‌کند.

فرودگاه‌های سوریه

در سوریه شش فرودگاه وجود دارد که این فرودگاه‌ها عبارتند از:

فرودگاه بین‌المللی دمشق: این فرودگاه در فاصله هیجده کیلومتری شرق شهر دمشق قرار دارد. این فرودگاه بزرگ‌ترین فرودگاه سوریه بوده و در سال ۱۹۷۰ م. تأسیس گردید و دومین فرودگاهی بود که بعد از فرودگاه مزه راه‌اندازی می‌شد. فرودگاه مزه اولین فرودگاه سوریه بود که در غرب شهر دمشق قرار داشت و امروزه دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. امروزه اغلب پروازهای خارجی سوریه از طریق فرودگاه دمشق صورت می‌گیرد.

فرودگاه بین‌المللی حلب: نام دیگر این فرودگاه، فرودگاه نیرب است و بعد از فرودگاه دمشق دومین فرودگاه بزرگ سوریه است که در فاصله ده کیلومتری شرق شهر حلب قرار دارد و مساحت آن در حدود ۳۰۴۴ کیلومتر مربع است.

فرودگاه بین‌المللی لاذقیه: این فرودگاه در فاصله ۲۳ کیلومتری شهر لاذقیه و پنج کیلومتری شهر جبله و ۱۴ کیلومتری شهر قرداحه قرار دارد و پس از کشته شدن «باسل الاسد» فرزند ارشد آقای «حافظ الاسد» در سال ۱۹۹۴ م، این فرودگاه به «فرودگاه باسل الاسد» تغییر نام یافت.

فرودگاه قامشلی: فرودگاهی محلی است که در کنار شهر قامشلی قرار گرفته و مورد استفاده پروازهای داخلی سوریه قرار می‌گیرد.

ص: ۷۱

فرودگاه دیر الزور: فرودگاهی محلی است که در کنار شهر مرزی دیر الزور قرار گرفته و برای پروازهای داخلی مورد استفاده قرار می گیرد.

فرودگاه تدمر: فرودگاهی محلی که در کنار شهر باستانی تدمر در قلب صحرای شام قرار دارد و دولت سوریه تصمیم دارد که فرودگاه جدیدی در این شهر تأسیس کند. این فرودگاه نیز برای پروازهای داخلی مورد استفاده قرار می گیرد.

واحد پول سوریه

واحد پول سوریه «لیره سوریه» است که از سال ۱۹۴۸ که «بانک سوریه و لبنان» از یکدیگر جدا شد رایج و متداول بود و بانک فوق‌الذکر تا قبل از این تاریخ اقدام به انتشار لیره سوریه و لبنان می کرد. سوریه در دوران امپراتوری عثمانی زیر سلطه آن کشور قرار داشت و در آن دوره لیره ترکیه در آن کشور رواج داشت، پس از سقوط امپراتوری عثمانی در اواخر جنگ جهانی اول، سوریه به قیمومیت فرانسه درآمد و فرانسه تصمیم گرفت که با تأسیس «بانک سوریه» اقدام به انتشار لیره نماید و هر لیره در آن زمان معادل بیست فرانک فرانسه بود، اما با تغییر وضعیت سیاسی لبنان، نام «بانک سوریه» به «بانک بزرگ سوریه و لبنان» تغییر یافت و اقدام به انتشار لیره سوریه و لبنان نمود که این واحد پولی از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۷ رایج و متداول بود. در سال ۱۹۳۷ بانک مذکور اقدام به انتشار دو واحد پول به نام‌های لیره سوریه و لیره لبنان کرد که هر کدام از آن‌ها در کشور دیگر نیز رایج و معتبر بود. در سال ۱۹۳۹ نام بانک فوق‌الذکر به «بانک سوریه و لبنان» تغییر یافت. در طی جنگ دوم جهانی، نیروهای انگلیسی و نیروهای آزاد فرانسه بر سوریه و لبنان سیطره یافتند و در سال ۱۹۴۱ لیره سوریه با لیره استرلینگ (پوند) مرتبط شد و هر لیره استرلینگ معادل ۸/۸۳ لیر سوریه بود و در تعیین ارزش برابری معیار ارزش متقابل لیره استرلینگ (پوند) و فرانک فرانسه قبل از بروز جنگ دوم جهانی بود. در سال ۱۹۴۶ و پس از سقوط ارزش فرانک فرانسه، هر لیره سوریه معادل ۵۴/۳۵ فرانک فرانسه گردید و در سال ۱۹۴۸ لیره سوریه و لیره لبنان از یکدیگر جدا شدند و لیره سوریه با دلار

ص: ۷۲

آمریکا مرتبط گردید و هر دلار آمریکا معادل ۱۹ / ۲ لیره سوری شد و این ارزش برابری تا سال ۱۹۶۱ ادامه داشت.

هر یک لیره سوریه یکصد قرش می‌باشد و پول‌های خرد نظیر یک قرش تا پنجاه قرش دیگر رایج نیست و در حال حاضر سکه‌های یک لیره و دو لیره و پنج لیره به کار می‌رود و اسکناس‌های ۱۰ لیره، ۲۵ لیره، ۵۰ لیره، ۱۰۰ لیره، ۲۰۰ لیره، ۵۰۰ لیره و ۱۰۰۰ لیره رایج و متداول است. ارزش برابری هر لیره بین ۱۶ تا ۱۸ تومان ایرانی در نوسان است و هر ۵۰ لیره سوریه معادل یک دلار آمریکا می‌باشد.

تصویر اسکناس صد لیره سوری

تعطیلات رسمی در سوریه

تعطیلات رسمی در سوریه به شرح زیر می‌باشند:

اول ژانویه - کریسمس و آغاز سال میلادی

هشتم مارس - سالروز انقلاب هشتم مارس

بیست و یکم مارس - روز مادر

هفدهم آوریل - عید استقلال از فرانسه

۲۸ آوریل - عید فصح

ص: ۷۳

اول مه - روز جهانی کارگر

ششم مه - عید شهدا

ششم اکتبر - سالروز جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳

بیست و پنجم دسامبر - روز تولد حضرت مسیح علیه السلام به تقویم شرقی

دهم ذی حجه - عید قربان

اول شوال - عید فطر

اول محرم - آغاز سال هجری قمری

دوازدهم ربیع الاول - روز تولد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به روایت اهل سنت

البته قابل ذکر است که روزهای مهم دیگر عبارتند از: نهم ذی حجه (روز عرفه)، دهم محرم (روز عاشورا)، بیست و هفت رجب (روز اسرا و معراج)، پانزدهم شعبان و روز ۲۷ رمضان (شب قدر) که این روزها تعطیل رسمی نیستند.

رادیو و تلویزیون سوریه

رادیو و تلویزیون سوریه دولتی می باشد و سوریه یک کانال رادیویی و دو کانال تلویزیونی داخلی و یک کانال تلویزیونی ماهواره ای دارد که بر روی ماهواره «عرب سات» و ماهواره «نیل سات» قابل دسترسی است. روزنامه های البعث، تشرین و الثوره از عمده ترین جراید این کشور به شمار می آیند.

نظام آموزشی سوریه

اشاره

آموزش در سوریه مجانی و الزامی بوده و نظام آموزشی سوریه در سه بخش زیر خلاصه می گردد:
اولاً. آموزش پایه: که شامل شش سال آموزش ابتدایی و سه سال آموزش متوسطه است. آموزش مرحله ابتدایی براساس قانون اجباری بوده و تخلف از آن جرم محسوب می گردد.

ص: ۷۴

ثانیاً. آموزش دبیرستان: که شامل سه سال آموزش دبیرستان است که در این دبیرستان‌ها فقط دو رشته علمی و ادبی وجود دارد، و سه سال آموزش هنرستان فنی است که چهار رشته، صنعتی، کشاورزی، بازرگانی و انفورماتیک است.

ثالثاً. آموزش دانشگاهی: شامل تعدادی از دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های دولتی و خصوصی است که به شرح زیر هستند:

الف. دانشگاه‌های دولتی

تدریس در این دانشگاه‌ها به زبان عربی بوده و دانشجویان بدون پرداخت هزینه در آن مشغول به تحصیل بوده و خوابگاه‌هایی برای دانشجویان غیر بومی در نظر گرفته شده است که این خوابگاه نیز مجانی می‌باشد. دانشگاه‌های دولتی سوریه عبارتند از:

۱. دانشگاه دمشق: این دانشگاه در سال ۱۹۲۳ تأسیس شد و در آغاز به آن «دانشگاه سوریه» می‌گفتند و چندی از تأسیس آن نگذشته بود که مدرسه پزشکی که در سال ۱۹۰۳ تأسیس شده بود بدان ملحق شده و به نام دانشکده پزشکی مشغول به کار شد، و همچنین مدرسه حقوق که در سال ۱۹۱۳ تأسیس شده بود بدان ملحق شده و به عنوان دانشکده حقوق مشغول به فعالیت شد. پس از خروج نیروهای استعماری فرانسه از سوریه دانشگاه مذکور توسعه یافته و دانشکده‌های ادبیات و دانشکده علوم، دارالمعلمین، دانشکده مهندسی و دانشکده الهیات در سال ۱۹۵۴ به آن ملحق گردید. در سال ۱۹۵۸ قانون تنظیم دانشگاه‌ها در سوریه صادر شد و متعاقب آن دانشکده‌های اقتصاد، کشاورزی، داروسازی، مهندسی عمران، معماری، مهندسی مکانیک و مهندسی برق، هنرهای زیبا تأسیس و راه‌اندازی شدند و در سال ۲۰۰۳ مرکز آموزش از راه دور در رشته‌های حقوق، علوم تربیتی، ترجمه، اقتصاد، مطالعات بین‌المللی و غیره راه‌اندازی گردید. تدریس در تمامی رشته‌ها به زبان عربی می‌باشد.

۲. دانشگاه حلب: دومین دانشگاه بزرگ سوریه بوده و در سال ۱۹۴۶ با تشکیل دانشکده مهندسی حلب اولین هسته‌های ظهور این دانشگاه به وجود آمد، البته دانشکده

ص: ۷۵

مهندسی مذکور نخست وابسته به دانشکده دمشق بود و در سال ۱۹۵۸ با تأسیس دانشگاه حلب به آن دانشگاه ملحق شد و در مراحل اولیه دانشگاه حلب از دو دانشکده مهندسی و دانشکده کشاورزی تشکیل می‌شد که بعدها به تدریج دانشکده‌های دیگری نظیر:

پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، مهندسی عمران، معماری، مکانیک، برق و الکترونیک، علوم، ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی، حقوق، هنرهای زیبا و الهیات نیز بدان ملحق شدند. این دانشگاه همچنین شش آموزشگاه علمی در رشته‌های مهندسی، کامپیوتر، پزشکی، مهندسی برق، علوم اداری و بازرگانی دارد که به فارغ‌التحصیلان آن‌ها مدرک کاردانی اعطا می‌گردد. این دانشگاه همچنین یک مرکز آموزش از راه دور دارد که در رشته‌های کامپیوتر و اقتصاد فعالیت می‌کند. تعداد کل دانشجویان این دانشگاه در سال تحصیلی ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بالغ بر ۷۸ هزار نفر در مقطع لیسانس و فوق لیسانس و ۱۵۰۰ نفر در مقطع تحصیلات تکمیلی بوده است.

۳. دانشگاه لاذقیه: سومین دانشگاه سوریه است که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد و در آغاز به نام دانشگاه لاذقیه نامیده شد اما بعد از پیروزی‌های سوریه در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳، نام آن به دانشگاه تشرین تغییر یافت. این دانشگاه در شهر لاذقیه و بر کناره دریای مدیترانه قرار دارد و دانشکده‌های متعددی دارد که عبارتند از: کشاورزی، پزشکی، دندانپزشکی، مهندسی، ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد، علوم تربیتی، داروسازی، پرستاری، تربیت بدنی و حقوق.

۴. دانشگاه حمص: چهارمین دانشگاه سوریه است که در سال ۱۹۷۹ تأسیس گردید و مرکز آن در شهر حمص بوده و بیست و یک دانشکده دارد که دو دانشکده دندانپزشکی و دامپزشکی آن در شهر حماه قرار دارد. اعضای علمی این دانشگاه بالغ بر ۶۵۰ نفر است.

۵. دانشگاه فرات: این دانشگاه در سال ۲۰۰۶ در شهر دیر الزور تأسیس شد و دارای شانزده دانشکده است که هشت دانشکده آن در شهر دیر الزور و چهار دانشکده در شهر الرقه و چهار دانشکده در شهر الحسکه قرار دارند و برحسب آمار منتشره در سال ۲۰۰۶

ص: ۷۶

تعداد دانشجویان این دانشگاه بالغ بر هفت هزار دانشجو بوده است. این دانشگاه دارای دانشکده‌های پزشکی، کشاورزی، علوم، علوم تربیتی، حقوق، اقتصاد، ادبیات و علوم انسانی و پتروشیمی می‌باشد.

ب. دانشگاه‌های خصوصی

در سوریه تعدادی دانشگاه خصوصی نیز مشغول فعالیت هستند که مهم‌ترین این دانشگاه‌ها عبارتند از: دانشگاه اندلس، دانشگاه قلمون، دانشگاه مأمون، دانشگاه جزیره، دانشگاه خلیج، دانشگاه یرموک، دانشگاه ایبلا و غیره.

۱. دانشگاه اندلس: نام کامل آن دانشگاه علوم پزشکی اندلس است. این دانشگاه در منطقه قدموس و در نزدیکی شهرهای جبله و لاذقیه قرار دارد و در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و مهندسی پزشکی و پرستاری و مدیریت بیمارستان دانشجو می‌پذیرد.

۲. دانشگاه علوم و هنر: این دانشگاه در سال ۲۰۰۲ در شهر حلب تأسیس کرد و در رشته‌های معماری و هنر دانشجو می‌پذیرد.

۳. دانشگاه مامون: این دانشگاه در سال ۲۰۰۳ در شهر قامشلی تأسیس شد و یک شاخه آن در شهر حلب است. این دانشگاه، سه دانشکده دارد که عبارتند از: دانشکده مهندسی و تکنولوژی، دانشکده علوم اداری و مالی، دانشکده زبان‌های زنده و علوم انسانی.

۴. دانشگاه خلیج: نام دیگر آن دانشگاه عربی آمریکایی است که در سال ۲۰۰۵ در بیرون شهر حلب و در فاصله سی کیلومتری حلب در جاده حلب- / دمشق تأسیس شد.

ارتش سوریه و جنگ‌های سوریه با اسرائیل

اشاره

فرماندهی کل ارتش سوریه برعهده رئیس جمهور است که در حال حاضر آقای بشار اسد فرماندهی ارتش را نیز برعهده دارد. خدمت سربازی در سوریه اجباری بوده و

ص: ۷۷

فرزندان ذکور که سن آنان به ۱۸ سالگی رسیده باشد موظف به انجام خدمت وظیفه می‌باشند و براساس اصلاحات قانون خدمت نظام وظیفه مصوب سال ۲۰۰۷ م. در صورتی که فرد دوره تحصیلات اساسی را گذرانده باشد مدت خدمت وی یک سال و نه ماه بوده و در صورتی که فاقد مدرک پایان دوره تحصیلات اساسی باشد مدت خدمت وی دو سال می‌باشد. سازمان امنیت ارتش نهادی بسیار قوی است که ریاست آن برعهده سرهنگ آصف شوکت است. ارتش سوریه دارای تسلیحات کاملی می‌باشد که از دوران جنگ سرد به یادگار مانده است و از جمله دارای انواع موشک‌های «سکود» با برد ۵۰۰ کیلومتر و «سکود» با برد ۷۰۰ کیلومتر است.

جنگ سال ۱۹۶۷

این جنگ در زمان ریاست جمهوری هاشم الأتاسی صورت گرفت و در این جنگ سوریه شکست خورده و ارتفاعات جولان را از دست داده و شهر قنیطره به تصرف اسرائیل در آمد.

جنگ سال ۱۹۷۳

در این جنگ دو کشور سوریه و مصر مشارکت داشته و سوریه موفق شد که پیروزی‌هایی به دست آورده و بخشی از ارتفاعات جولان و همچنین شهر قنیطره را آزاد نماید.

جنگ سال ۱۹۸۲

در سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان حمله کرده و این کشور شاهد نبرد سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر بود. جنگ در ششم ژوئن ۱۹۸۲ م. آغاز شد و به طور رسمی در سال ۱۹۸۵ به پایان رسید، اما اسرائیل عملاً در آوریل سال ۲۰۰۰ از لبنان خارج شد. اسرائیل در این جنگ تلفات زیادی داد و تعداد سربازان

ص: ۷۸

اسرائیلی شرکت کننده در این جنگ دو برابر تعداد سربازان آن کشور در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ م. بود.

سفر زمینی به سوریه

اشاره

بسیاری از زائران مقام‌های اهل بیت علیهم السلام در کشور سوریه از طریق مرزهای زمینی عازم آن کشور می‌شوند. از این رو به نظر می‌رسد که اطلاعات زیر می‌تواند به این افراد کمک نموده و آنان را به مسیر آشنا نماید.

مسیر کامل حرکت از تهران به سوی سوریه از شهرهای تهران، قزوین، زنجان، میانه، بستان‌آباد، تبریز، صوفیان، ماکو، دوغ‌بایزید، آگری، کنار دریاچه وان، بتلیس، دیار بکر، سیورک، سونلی اورفا، غازی انتب، حلب، حماه، حمص می‌گذرد و بالاخره به دمشق منتهی می‌گردد.

در حال حاضر اتوبوس‌های زائران ایرانی پس از عبور از کشور ترکیه از دو مرز غازی‌انتب و تل‌ابیض وارد کشور سوریه می‌شوند. در گذشته این اتوبوس‌ها همگی از مرز غازی‌انتب وارد سوریه می‌شدند. پیشنهاد می‌شود که برای استفاده هرچه بیشتر زائران ایرانی و همچنین فراهم شدن امکان زیارت عمار یاسر و اویس قرنی، اتوبوس‌های زائرین ایرانی از مرز تل‌ابیض وارد سوریه شده و در هنگام بازگشت از مسیر غازی‌انتب از سوریه خارج شوند.

مسیر ورود: شهر اورفا در ترکیه، سپس تل‌ابیض، رقه، سلمیه، حمص و بالاخره دمشق.

مسیر بازگشت: دمشق، حمص، حلب، اعزاز، غازی‌انتب و بالاخره اورفا.

الف. خاک ترکیه در مرز زمینی

در مرز ورودی خاک ترکیه، مدیر راهنما، گذرنامه زائران را جمع‌آوری و به پلیس گذرنامه مراجعه و پلیس گذرنامه نیز در داخل هر یک از گذرنامه‌های زائرین مهر دخول

ص: ۷۹

به ترکیه را می‌زند که مدیر راهنما باید در این مرحله دقت کند که در همه گذرنامه‌ها مهر دخول زده شود. برای عبور از خاک ترکیه به سمت کشور سوریه دو راه وجود دارد که عموماً رانندگان راه «دوغ بایزید»، آگری، کنار دریاچه وان، بتلیس، دیار بکر، اورفا، غازی انتب و کلیس را انتخاب می‌کنند و در تابستان‌ها از مسیر چالدران عبور می‌کنند که در مقایسه با راه اول یکصد و پنجاه کیلومتر کوتاه‌تر است. زیارت مقام ابراهیم در اورفا در صورت درخواست زائرین در مسیر رفت و یا مسیر برگشت انجام می‌پذیرد.

ب. گمرک ورودی سوریه در مرز زمینی

مرز ورودی به کشور سوریه در سفر زمینی مرز باب السلام استان حلب است. مدیران راهنما دقت نمایند که قبل از ورود به مرز سوریه، گذرنامه‌ها، مهر خروج ترکیه را داشته باشند. در هنگام ورود به کشور سوریه، زائرین در مسجدی واقع در مرز هدایت می‌شوند و در همین زمان مدیر راهنما با به همراه داشتن لیست ویزا و گذرنامه زائرین جهت انجام امور گذرنامه به ساختمان محل پلیس گذرنامه مراجعه می‌کند. دقت شود که در کلیه گذرنامه‌ها، مهر ورود به کشور سوریه زده شود و برگه مربوط به ویزا که حاوی اسم نفر اول و اسم نفر آخر مانیفست و اسم مدیر راهنما و رقم ویزای جمعی است را از مأمور گذرنامه اخذ نماید تا در زمان برگشت ارائه دهد. در هنگام ورود به سوریه مأمورین گمرک اقدام به بازرسی وسایل همراه کاروان نموده و اقلامی از قبیل: شیر آلات، پسته، مغز پسته، پتو، البسه لی، کاپشن چرمی، روسری، کریستال و غیره که ورود آن به کشور سوریه ممنوع است در انبار گمرک ضبط می‌کنند و در هنگام مراجعت تحویل می‌دهند که بعضاً برای تحویل گرفتن به مشکل نیز برخورد می‌کنند.

ص: ۸۰

خلاصه فصل اول

سوریه کشوری قدیمی و با جاذبه‌های دیدنی و گردشگری متعدد است. این کشور در شمال با ترکیه و در شرق با عراق و در غرب با لبنان و دریای مدیترانه و در جنوب با اردن و فلسطین اشغالی هم مرز است. مساحت سوریه ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع است. جمعیت سوریه براساس آمار سال ۲۰۰۷ م. در حدود ۱۹۴۰۵۰۰۰ نفر است. آب و هوای سوریه معتدل مدیترانه‌ای است و چهار فصل جدا از هم و مشخص دارد و آسمان در اغلب روزهای سال آفتابی است. سوریه سلسله جبال متعددی داشته و بلندترین کوه آن جبل‌الشیخ یا کوه حرمون است که ارتفاع بلندترین نقطه آن ۲۲۹۴ متر است. در این کشور مسلمانان اکثریت را داشته و بعد از آن مسیحیان در رده دوم اهمیت قرار می‌گیرند.

مسلمانان سوریه بیشتر سنی مذهب بوده و پس از آن‌ها علویان و شیعیان در رده دوم بوده و اسماعیلیان در رده سوم اهمیت قرار دارند.

سوریه چهارده استان دارد که عبارتند از: استان دمشق، حومه دمشق، حلب، حمص، حماه، قنیطره، درعا، سویداء، طرطوس، لاذقیه، ادلب، الرقه، الحسکه و دیر الزور.

تاریخ سوریه تاریخی پر فراز و نشیب است و از ماقبل تاریخ تا کنون تمدن و حکومت‌های فراوانی را پشت سر نهاده و در دوره‌های مختلف تاریخی دمشق اهمیت متفاوت داشته و در دوران خلافت اموی پایتخت جهان اسلام به شمار می‌رفته است.

نظام دولتی سوریه جمهوری بوده و پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۴۳ م. اولین رئیس جمهور سوریه آقای شکری القوتلی به قدرت رسید ولی چندی نگذشت که این کشور دچار آشوب شده و کودتاها متعددی به وقوع پیوست تا این که عاقبت در هشتم مارس ۱۹۶۳ م. حزب بعث سوریه توانست قدرت را در دست گیرد و چندی نگذشت که در اکتبر ۱۹۷۰ بر اثر اختلاف درون حزب بعث آقای حافظ الاسد قدرت را در دست گرفت که مدت سی سال رهبری سوریه را برعهده داشت و عاقبت در دهم ژوئن ۲۰۰۰ درگذشت و پس از وی پسرش بشار اسد به ریاست جمهوری سوریه انتخاب شد.

اقتصاد سوریه متکی بر کشاورزی، صادرات نفت، صادرات فسفات و تبادلات

ص: ۸۱

اقتصادی و کمک کشورهای عربی می‌باشد. در دوران حکومت آقای حافظ اسد اقتصاد سوسیالیستی بر سوریه حاکم بوده و شرکت‌های خارجی حق سرمایه‌گذاری در سوریه را نداشتند و تمامی پروژه‌های بزرگ اقتصادی توسط دولت اجرا می‌شد. در دوران حکومت بشار اسد، آزادی زیادی به بخش اقتصادی داده شد و دولت سوریه از سیاست سوسیالیستی فاصله گرفته و شرکت‌های خارجی را ترغیب کرد که در آن کشور سرمایه‌گذاری نمایند.

سوریه چهار بندر مهم و اساسی دارد که عبارتند از: لاذقیه، طرطوس، جبله و بانیاس. واحد پول سوریه لیره سوری می‌باشد که ارزش برابری هر لیره بین ۱۶ تا ۱۸ تومان ایرانی در نوسان است و هر ۵۰ لیره سوریه معادل یک دلار آمریکا می‌باشد.

ص: ۸۳

فصل دوم: شهر دمشق

مقدمه

شهر دمشق پایتخت کشور سوریه می‌باشد، این شهر یکی از شهرهای باستانی جهان است که پیشینه‌ای بسیار کهن دارد. شهر دمشق آثار باستانی، مساجد، زیارتگاه‌ها و مراقد بسیاری را در خود جای داده است و اصولاً پایتخت هر کشوری، اهمیت زیادی در عرصه آشنایی افراد با آن کشور دارد و معمولاً افراد در هنگام ورود به هر کشوری ابتدا وارد پایتخت آن کشور می‌شوند، لذا آشنایی کامل با دمشق از جهات فوق‌الذکر حائز اهمیت است.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده به طور سریع و گذرا با تاریخچه دمشق، محله‌های دمشق، مساجد دمشق، بازارهای دمشق، دروازه‌های دمشق، اماکن زیارتی دمشق نظیر: حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام حرم مطهر حضرت رقیه علیها السلام، قبور اهل بیت علیه السلام در قبرستان باب الصغیر و اماکن سیاحتی دمشق نظیر مسجد اموی، قلعه دمشق، قبور سلاطین و بزرگان، مدارس دمشق، موزه‌های دمشق، آشنا شود.

هدف‌های رفتاری

کارگزاران باید مطالب این فصل را به صورت اجمالی فراگرفته و در برابر پرسش‌های زائران آمادگی کامل داشته باشند. پرسش‌های زائران معمولاً از بدو ورود آنان به شهر

ص: ۸۶

دمشق آغاز می‌شود و در مراحل اولیه این پرسش‌ها بیشتر به آن چه که در محیط اطراف می‌بینند باز می‌گردد و پس از گذشت یکی دو روز گسترش یافته و طیف وسیعی از سؤالات را دربر خواهد گرفت، این زایران مدت یک هفته را در دمشق خواهند گذراند و اطلاعات مندرج در این فصل برای آنان بسیار مهم و حیاتی می‌باشد، لذا باید به مندرجات این فصل توجه کافی گردد.

تصویری از شهر دمشق در دامنه جبل قاسیون

تاریخچه شهر دمشق

بسیاری از تاریخ‌نویسان معتقدند که تاریخ بنای شهر دمشق به هزاره سوم قبل از میلاد باز می‌گردد و قدیمی‌ترین اسناد برجای مانده در این خصوص متعلق به تمدن باستانی ایبلا (تپه مریدخ) است که در سال ۱۹۷۵ م. کشف شد و در الواح گلی برجای مانده از این دوران نام شهر دمشق به صورت «دمشقی» آمده است. هیچ‌گونه اطلاعات مستندی

ص: ۸۷

درباره شکل ظاهری شهر در هزار سوم قبل از میلاد و نقش و اهمیت این شهر در آن روزگار وجود ندارد. تاریخ مکتوب شهر دمشق در نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد در دوران آموریان آغاز شده است و شهر دمشق در پایان هزاره دوم قبل از میلاد به عنوان پایتخت دولت کوچک آرامی‌ها وارد عرصه تاریخ می‌شود. فراوانی آب و زمین‌های حاصلخیز و آب و هوای معتدل باعث شد که آرامی‌ها حکومت‌های محلی کوچک در مناطق مختلف سوریه به وجود آورند. از جمله آن‌ها حکومت محلی دمشق بود و شهر دمشق به علت وجود رودخانه بردی و مناطق پر باران مورد توجه آرامی‌ها بود به گونه‌ای که آرامی‌ها به آن «دار میسق» می‌گفتند که به معنی محل پر آب بوده است. توسعه شهر دمشق از دوران آرامی‌ها به تدریج آغاز گردید و روز به روز بر جمعیت و آبادانی آن افزوده شد. در نیمه هزاره اول قبل از میلاد به تدریج آشوری‌ها قدرت گرفته و امپراتوری خود را بنا نهادند و این امپراتوری توانست دولت کوچک آرامی را در معرض تهدید قرار دهد و بین برخی از پادشاهان آرامی و پادشاهان آشوری جنگ‌هایی روی داد و عاقبت آشوری‌ها موفق شدند در سال ۸۴۱ ق. م. بسیاری از زمین‌های شام را تصرف کرده و خود را به ساحل فنیقیه برسانند و دمشق پس از مدتی محاصره عاقبت در سال ۷۳۴ ق. م توسط «آدد نیراری سوم» سقوط کرد. احتمالاً بقایای شهر آرامی امروزه در بخش غربی شهر دمشق مدفون شده است. مهم‌ترین بناهای آرامی در شهر دمشق شامل معبد خدای تندر «خدای حد» و کاخ سلطنتی بوده است که امروزه مسجد اموی بر بقایای معبد حد ساخته شده است و اثری از قصر سلطنتی آرامی برجای نمانده است.

در قرن هفتم قبل از میلاد کلدانی‌ها بر شهر دمشق سلطه یافتند و چندی نگذشت که در سال ۵۳۸ ق. م این شهر به تصرف ایرانیان درآمد و در حدود دویست سال در تحت سیطره هخامنشیان قرار داشت و یکی از ایالت‌های ایران به شمار می‌رفت تا این که عاقبت در سال ۳۳۳ ق. م اسکندر مقدونی این شهر را به تصرف خود درآورد و پس از وی این شهر در تحت سیطره جانشینان اسکندر یعنی سلوکیان قرار گرفت و آنان توجه

ص: ۸۸

زیادی به دمشق داشتند هرچند که پایتخت سلوکیان، شهر انطاکیه بود. در این دوره فرهنگ هلنیستی (۱) بر شهر دمشق حاکم بوده و شاهد آمیختگی فرهنگ شرق و غرب در این شهر بوده‌ایم و در همین دوران زبان یونانی در این شهر رایج و متداول بود. در اواخر دوران یونانی در جنوب سرزمین شام دولت عربی نبطیان که پایتخت آن شهر البتراء بود شکل گرفت، محدوده این دولت شامل زمین‌های اردن و حوران بود و این دولت موفق شد که در سال ۸۵ ق. م در دوران حکمرانی حارث سوم و در سال ۳۷ م. در دوران حکمرانی حارث چهارم شهر دمشق را به تصرف درآورد.

در سال ۶۴ ق. م سپاهیان رومی وارد دمشق شدند و از این دوره به بعد دمشق یکی از شهرهای وابسته به امپراتوری روم گردید و این شهر در دوران امپراتوری «هادریان» به لقب متروپول یا شهر اصلی دست یافت و بعدها در دوران حکمرانی امپراتوری «سفتیم سیفر» به عنوان مستعمره‌ای رومی انتخاب شد.

در اواخر قرن چهارم میلادی امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد و دمشق به همراهی سایر شهرهای سرزمین شام در بخش شرقی امپراتوری روم که به امپراتوری بیزانس مشهور شد، واقع گردید. در سال ۶۱۲ م. این شهر به تصرف سپاهیان ساسانی درآمد و مدت پانزده سال در تحت تصرف ایرانیان بود و عاقبت در سال ۶۲۷ م.

به وسیله «هرکول» از دست ایرانیان خارج و مجدداً به تصرف امپراتوری روم شرقی درآمد، اما چندی نگذشت که در سال ۱۴ قمری (۶۳۵ م.) لشکریان مسلمان به رهبری ابوعبیده جراح و خالد بن ولید این شهر را فتح کردند و این شهر یکی از شهرهای خلافت اسلامی شد. معاویه در دوران پادشاهی خود این شهر را به عنوان پایتخت حکومت اموی برگزید و در آن قصری به نام قصر سبز بنا کرد. شهر دمشق در طول حکومت اموی‌ها به عنوان پایتخت به شمار می‌رفت و پادشاهان اموی به توسعه و عمران شهر پرداخته و قصرهای متعددی در آن بنا کردند و در همین دوران مسجد جامع شهر که به مسجد اموی

ص: ۸۹

معروف است ساخته شد.

در سال ۱۳۲ قمری (۷۵۰ م.) حکومت اموی توسط عباسی‌ها منقرض گردید و پایتخت از دمشق به بغداد منتقل گردید و از اهمیت دمشق کاسته شد. در سال ۲۵۴ قمری (۸۶۸ م.) دمشق وابسته به دولت طولونی‌ها شد که یکی از دولت‌های وابسته به خلافت عباسی بود و در کشور مصر حکومت می‌کرد. پس از سقوط حکومت طولونی‌ها در سال ۲۹۲ قمری (۹۰۴ م.) دمشق دوباره تحت سیطره عباسی‌ها قرار گرفت و در سال ۳۲۳ قمری (۹۳۴ م.) دولت اخشیدی در مصر و شام قدرت گرفته و دمشق تحت سیطره این دولت قرار گرفت و عاقبت در سال ۳۵۸ قمری (۹۶۸ م.) سپاهیان دولت فاطمی وارد دمشق شدند و این شهر بخشی از امپراتوری فاطمیون شد که پایتخت خود از مهدیه را به شهر قاهره در مصر منتقل کردند. اهالی شام در دوران حکمرانی فاطمیون بارها بر علیه این دولت شوریدند و اهالی دمشق موفق شدند که در سال ۳۶۳ قمری (۹۷۳ م.) فاطمیون را از دمشق بیرون کنند و در همین اثنا لشکریان امپراتوری روم شرقی از وضعیت استفاده کرده و بخش‌های بزرگی از سرزمین شام را تصرف کرده و خود را به حمص و بعلبک رساندند، اما چندی نگذشت که فاطمیون موفق شدند که شهر دمشق را دوباره تصرف نموده و در مدت یک قرن بر آن حکمرانی نمایند و در این دوران دمشق شاهد رکود اقتصادی و عدم توجه بوده و فقر و فاقه در آن منتشر شده و بسیاری از اهالی آن به شهرهای دیگر مهاجرت نمودند. دوران حکمرانی فاطمیون بر دمشق از تاریخ ۳۵۸ قمری (۹۶۸ م.) تا ۴۶۸ قمری (۱۰۷۵ م.) به طول کشید. سپس دمشق زیر سلطه سلجوقیان و اتابکان قرار گرفت و در دوران حکومت اتابکان، صلیبی‌ها به دمشق حمله کردند و شهر دمشق را در سال ۵۴۳ قمری (۱۱۴۹ م.) محاصره کردند، اما حکمران دمشق «معین‌الدین أنر» در مقابل لشکریان صلیبی مقاومت کرد و باعث نجات شهر از سپاهیان صلیبی گردید.

در سال ۵۴۹ قمری (۱۱۵۴ م.) سلطان نورالدین زنگی شهر دمشق را فتح کرده و آن را به تصرف خود درآورد و این شهر تا سال فوت وی در سال ۵۶۹ قمری (۱۱۷۴ م.) در تحت سیطره وی بود و پس از درگذشت سلطان نورالدین زنگی، درباریان وی صلاح‌الدین

ص: ۹۰

ایوبی را به پادشاهی انتخاب کردند و وی در شهر دمشق مستقر شده و جنگ‌های زیادی با صلیبی‌ها نمود و عاقبت نیز در همین شهر درگذشته و مدفون گردید. پس از درگذشت صلاح‌الدین، جانشینی به الملك‌العادل رسید و پس از وی بین فرزندان وی اختلاف افتاد و آخرین پادشاه ایوبی که توران شاه نام داشت در سال ۶۴۸ قمری (۱۲۵۰ م.) به قتل رسید و دمشق پس از وی دچار ناآرامی و هرج و مرج گردید و به همین علت مغول‌ها به رهبری هلاکو در سال ۶۵۸ قمری (۱۲۵۹ م.) به دمشق حمله کردند و اهالی شهر دروازه‌ها را بسته و به درون باروی شهر پناه بردند و شهر دمشق به مدت یک ماه در برابر حمله مغول‌ها مقاومت کرد ولی عاقبت توانستند که این شهر را تصرف کنند، اما چندی نپایید که یکی از پادشاهان ممالیک به نام سلطان مظفر قطز موفق شد آنان را در نبرد عین جالوت شکست داده و عقب براند و بدین گونه بود که ممالیک بر دمشق و سرزمین شام چیره شدند و در دوران آنان شهر دمشق توسعه و آبادانی فراوانی یافت و مساجد و مدارس و بیمارستان‌های متعدد در آن ساخته شد که بسیاری از این اماکن تاریخی تا روزگار ما برجای مانده است.

دولت ممالیک عاقبت با حمله سلطان عثمانی سلیم اول در سال ۹۲۲ قمری (۱۵۱۶ م.) از بین رفته و شهر دمشق به همراهی سرزمین شام به مدت پانصد سال به عنوان یکی از ولایات عثمانی به شمار می‌رفت. در دوران حکومت عثمانی برخی از والیان شام افراد صالح و درستکاری بودند که در دوره حکمرانی آنان شهر دمشق شاهد شکوفایی خاصی بود که از جمله این حکمرانان می‌توان از ناظم پاشا، مدحت پاشا و اسعد پاشا نام برد. در سال ۱۹۱۴ م. ترکیه عثمانی درگیر جنگ اول جهانی شد و در همین اثنا حرکت ملی‌گرایانه عربی در دمشق فعال شد، اما دولت عثمانی به شدت با آن برخورد کرده و در روز ششم می ۱۹۱۶ دولت عثمانی رهبران این حرکت را دستگیر نموده و در میدان مرجه دمشق اعدام کرد و از همان روز این میدان به نام میدان شهدا معروف گردید. در دهم ژوئن ۱۹۱۶ م. انقلاب ملی گرایانه سوریه بر علیه عثمانی شعله ور گردید و در اول اکتبر ۱۹۱۸ م. شبه نظامیان سوریه وارد دمشق شدند و عثمانی‌ها را از آن جا بیرون کردند و

ص: ۹۱

اولین مجلس ملی سوریه در دمشق تشکیل شده و در طی جلسات خود در روزهای هفتم و هشتم مارس ۱۹۲۰ م. فیصل بن حسین را به عنوان پادشاه سوریه انتخاب نمود. اما چندی نگذشت که سرزمین شام به تصرف نیروهای فرانسوی درآمد و استعمار فرانسه سعی کرد تا با سرکوب قیام‌های مردمی بر این کشور چیره شود، اما اهالی دمشق یوغ بردگی را نپذیرفته و در طی قیام‌های متعدد در طی سال ۱۹۲۵- / ۱۹۲۷ م. مخالفت شدید خود را با استعمار فرانسه اعلام نمودند و در سال ۱۹۳۶ م. اعتصاب دسته جمعی اهالی شام در مبارزه با استعمار فرانسه زبانزد خاص و عام گردید و با آغاز جنگ جهانی دوم و شکست فرانسه در این جنگ، قیام اهالی دمشق فزونی یافت و در روز ۲۹ ماه می ۱۹۴۵ م. به اوج خود رسید و این شورش‌ها باعث شد که عاقبت استعمار فرانسه در مقابل پایداری مردم سوریه تسلیم شده و در روز ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ از سوریه خارج شود. شهر دمشق پس از استقلال به عنوان پایتخت جمهوری عربی سوریه شاهد رشد و شکوفایی فوق‌العاده‌ای بود و چهره‌ای کاملاً دگرگون به خود گرفته است و امروزه این شهر بیش از شش میلیون نفر را در خود جای می‌دهد و یکی از پایتخت‌های مهم جهان عرب به شمار می‌رود. (۱)

مجله‌های معروف دمشق

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شهر دمشق به هشت بخش مرکزی تقسیم شد که هر کدام از این بخش‌ها شامل چندین محله می‌گردید که این تقسیم‌بندی به شرح زیر بود:

۱. القنوت: این بخش در سمت جنوب غربی دمشق بوده و شامل محله‌های:

البرامکه، الحجاز، خیابان نصر، خیابان خالد بن ولید، القنوت، الشابکلیه، الدرویشیه، سوق الغنم، باب الجابیه، باب سریجه می‌باشد.

۱- الاییش، احمد، معالم دمشق التاریخیه، تحقیق قتیبه الشهابی.

ص: ۹۲

۲. سوق ساروجه: این بخش در سمت شمال غربی دمشق بوده و شامل محله‌های:

المرج الاخضر، الربوه، البحصه، مدرسه الحقوق، المرجه وبوابه الصالحیه می‌باشد.

۳. العماره: این بخش در سمت شمال شرقی دمشق بوده و شامل محله‌های حمیدیه و بازارهای مجاور آن

می‌باشد.

میدان مرجه در شهر دمشق

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

۴. القیمیریّه: این بخش در سمت شرق دمشق قرار دارد و شامل محله‌های: القیمیریّه، مئذنه الشحم، حی

الامین، باب الشرقي، القصاع و باب توما می‌باشد.

ص: ۹۳

۵. الشاغور: این بخش در سمت جنوب شرقی دمشق قرار دارد و شامل محله‌های:

الامین، الشاغور، باب الصغیر و مدحت پاشا می‌باشد.

۶. الميدان تحتانی: این بخش در جنوب شهر دمشق قرار دارد و شامل محله‌های السویقه و باب المصلی است.

۷. الميدان فوقانی: این بخش در جنوب شهر دمشق قرار دارد و شامل محله‌های:

القاعه، جزماتیه و باب مصر است.

۸. الصالحیه: این بخش در شمال شهر دمشق قرار دارد و شامل محله صالحیه می‌باشد.

مساجد معروف دمشق

شهر دمشق مساجد قدیمی فراوانی دارد که در تمامی شهر پراکنده شده است و ساختار معماری هر مسجدی با مسجد دیگر متفاوت است، بسیاری از مساجد به دوران حکومت ممالیک و برخی به دوران ایوبی و قسمت اعظم مساجد دمشق به دوران عثمانی تعلق دارند. قدیمی‌ترین مسجد دمشق، مسجد خالد بن ولید است که توسط خالد بن ولید در سال ۱۴ قمری (۶۳۵ م.) در بیرون باب الشرقي ساخته شد و امروزه به نام مسجد شیخ رسلان معروف است. بعد از اسلام مساجد کوچک و بزرگ زیادی در سراسر شهر ساخته شد و از همه مهم‌تر مسجد اموی بود که بنای آن در سال ۷۱۵ م. به پایان رسید. باید خاطر نشان کرد که مساجد مذکور در طی تاریخ تغییراتی نموده‌اند که این تغییرات در بازسازی مساجد مذکور بعد از ویرانی، زلزله و آتش‌سوزی اعمال شده است.

در زیر تعدادی از مساجد قدیمی دمشق به شرح زیر معرفی می‌گردند:

۱. مسجد سادات: این مسجد در محله العماره دمشق واقع شده و در دوران نورالدین زنگی در سال ۱۱۴۳ م. ساخته شده و شامل مسجد، مدرسه و آرامگاهی است.

بنای امروزی آن از قرن سیزدهم هجری است. این مسجد به نام‌های «مسجد الصغیر» و

ص: ۹۴

- «جامع حمادی» نیز معروف است. (۱) ۲. مسجد باشوره: این مسجد در محله باب الصغیر قرار دارد و در دوران حکمرانی نورالدین زنگی در سال ۱۱۶۲ م. بنا شده است.
۳. مسجد حسان: این مسجد در محله السویقه قرار دارد و در دوران حکمرانی نورالدین زنگی در سال ۱۱۶۲ م. ساخته شده است.
۴. مسجد و مدرسه نوریه: این مسجد در محله الخیاطین قرار دارد و در دوران نورالدین در سال ۱۱۷۲ م. ساخته شده و شامل مسجد، آرامگاه و مدرسه می باشد.
۵. مسجد جراح: این مسجد در خیابان جراح در محله باب الصغیر قرار دارد و به وسیله «ملک اشرف موسی ایوبی» به سال ۶۳۱ قمری ساخته شده است. (۲) این مسجد گنبد و مناره‌ای دارد و بر سر درودی آن کتیبه‌ای به خط کوفی دیده می شود که از قرن هفتم هجری برجای مانده است.
۶. مسجد فروخ شاه: این مسجد در محله زقاق الصخر و در دوران حکمرانی ایوبی در سال ۱۱۸۳ م. ساخته شده است.
۷. مسجد حنابله: این مسجد در محله صالحیه قرار دارد و در دوران ایوبی‌ها در سال ۱۲۰۳ م. ساخته شده است.
۸. مسجد مصلی: این مسجد در منطقه میدان تحتانی قرار دارد و در دوران ایوبی در سال ۱۲۰۹ م. ساخته شده است.
۹. مسجد عزالدین: این مسجد در منطقه تجهیز قرار دارد و در دوران ایوبی‌ها در سال ۱۲۲۹ م. ساخته شده و شامل مسجد، آرامگاه و مسجد است.
۱۰. مسجد اقصا: این مسجد در خیابان ملک فیصل قرار دارد و در سمت باب الفرادیس و پانصد متر پایین تر از سوق العماره قرار دارد. نام دیگر آن مسجد القصب است. در این مکان سرهای شهدای «مرج عذرا» یعنی حجر و یارانش به خاک سپرده

۱- شهابی، قتیبه، اسواق دمشق، ص ۲۸۷.

۲- همان منبع، ص ۲۶۰.

ص: ۹۵

شده است. (۱) اسامی هفت تن از شهدا بر کتیبه‌ای در بالای این حجره که در سمت راست راهروی مسجد است دیده می‌شود. بنای آن را به امیر ناصرالدین بن منجک نسبت می‌دهند که وی مکان آن را تخریب و جامع بزرگی در سال ۷۲۱ قمری به جای آن ساخته است. (۲) ۱۱. مسجد التوبه: این مسجد در محله ساروجا قرار دارد و در دوران ایوبی‌ها در سال ۱۲۳۵ م. بنا شده است.

۱۲. مسجد الجدید: این مسجد در محله صالحیه قرار دارد و در دوران ایوبی‌ها در سال ۱۲۳۷ م. بنا شده است.

۱۳. مسجد افرام: این مسجد در محله مهاجرین قرار دارد و در دوران ممالیک در سال ۱۳۰۶ م. ساخته شده است.

۱۴. مسجد البریدی: این مسجد در محله السویقه قرار دارد و در دوران ممالیک در سال ۱۳۰۸ م. بنا شده است.

۱۵. مسجد تنکز: این مسجد در خیابان النصر قرار دارد و در دوران ممالیک در سال ۱۳۱۸ م. بنا شده است.

۱۶. مسجد الکرمی: این مسجد در محله میدان فوقانی قرار دارد و در دوران ممالیک در سال ۱۳۱۸ م. ساخته شده است.

۱۷. مسجد سنجقدار: این مسجد در خیابان الثوره قرار دارد و در دوران ممالیک در سال ۱۳۴۹ م. ساخته شده است.

۱۸. مسجد سلحدار: این میدان در باب المصلی قرار دارد و در دوران ممالیک در سال ۱۳۴۹ م. ساخته شده است.

۱۹. مسجد الشحم: این مسجد در خیابان مدحت پاشا قرار دارد و در دوران ایوبی در سال ۱۳۶۸ م. بنا شده است.

۱- نعیمی دمشقی، عبدالقادر بن محمد، دور القرآن بدمشق ج ۲، ص ۲۶۴.

۲- همان منبع، ج ۲، ص ۳۳۲.

ص: ۹۶

۲۰. مسجد طاووسیه: این مسجد در خیابان البحصه قرار دارد و در دوران ایوبی ها در سال ۱۳۸۸ م. ساخته شده است.

۲۱. مسجد تینییه: این مسجد در محله الميدان فوقانی قرار دارد و در دوران ایوبی در سال ۱۳۹۶ م. ساخته شده است.

۲۲. مسجد المؤید: این مسجد در خیابان ملک فیصل قرار دارد و در دوران ایوبی در سال ۱۴۰۰ م. بنا شده است.

۲۳. مسجد قیمیه: این مسجد ابتدا مدرسه بوده و در سال ۶۶۵ قمری به وسیله امیر «سیف بن فوارس قیمری» حاکم دمشق ساخته شده است. اکنون نیز مدرسه برای طلاب و مسجدی برای عامه است. مکان آن در بازار قیمیه حدود ده متر بالاتر از مسجد فتحیه می باشد. این بازار در سمت شرق مسجد اموی و در کوچه «رابعه عدویه» قرار دارد که از در شرقی مسجد اموی می توان به آن بازار راه یافت. (۱) ۲۴. مسجد ابی درداء: این مسجد در داخل قلعه دمشق و در کنار دیوار شمالی آن قرار دارد. (۲) مسجد بسیار کوچکی است که در گوشه شمال شرقی آن مقام صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابو درداء قرار دارد. (۳) بر دیواره این مسجد کتیبه ای با تاریخ ۳۳۳ قمری و به خط کوفی است که اشعاری در مورد ابودرداء بر آن حک شده است.

۲۵. مسجد هشام: این مسجد به وسیله قاضی بدرالدین بن هرمز به سال ۸۳۱ قمری ساخته شده و مناره آن از زیباترین مناره ها دوران ممالیک بوده است (۴) که اکنون به علت وجود سقف بازار به سختی دیده می شود. مکان مسجد هشام در اول بازار مدحت پاشا در پشت خان الدکه و سوق الصدف قرار دارد.

۱- قائدان، اصغر، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۱۱۵.

۲- ابن عبدالهادی، یوسف، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، تحقیق محمد اسعد طلس، ص ۱۹۱.

۳- ابوالدرداء انصاری یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که نام اصلی او عویمر بن مالک انصاری است که در روزجنگ بدر ایمان آورد و معاویه بنا به دستور عمر او را به عنوان قاضی شهر دمشق انتخاب کرد و وی در سال ۳۲ قمری در شهر دمشق درگذشت.

۴- شهابی، قتیبه، اسواق دمشق القدیمه و مشیداتها التاریخیه، ص ۳۷۳.

ص: ۹۷

۲۶. مسجد درویشیه: این مسجد به وسیله درویش پاشا والی عثمانی دمشق در قرن دهم هجری ساخته شده است. (۱) مسجد بزرگی است که صحنی مستطیل شکل دارد و قبر درویش پاشا در آن قرار دارد. مسجد مذکور در محله درویشیه و حدود دویست متر بالاتر از مدخل بازار حمیدیه قرار دارد. در سمت راست محراب آن کتیبه‌ای به تاریخ ۴۸۸ قمری دیده می‌شود.

۲۷. مسجد سیاهیه: این مسجد به وسیله امیر سیبای بن بختجا آخرین نواب السلطنه ممالیک در سال ۹۱۹ قمری ساخته شده است. (۲) این مسجد در انتهای جنوب شرقی بازار درویشیه در خیابان مستقیم و پشت مدخل بازار مدحت پاشا قرار دارد.

۲۸. مسجد نقشبندیه: (۳) این مسجد در سال ۹۸۱ قمری به وسیله مرادپاشا والی عثمانی دمشق برای فرقه نقشبندیه ساخته شد. (۴) روبروی این مسجد مقبره شیخ حسن جباوی متوفی سال ۹۱۴ قمری است که از اقطاب و بزرگان فرقه سعدیه می‌باشد. محل مسجد نقشبندیه در خیابان میدان و کمی بالاتر از در غربی قبرستان باب الصغیر و در مدخل بازار ساروجیه است.

۲۹. مسجد احمدیه: این مسجد توسط احمد پاشا والی عثمانی دمشق در سال ۱۲۶۰ قمری ساخته شده است. (۵) این مسجد در سمت غربی بازار حمیدیه پشت دیوار جنوبی قلعه دمشق قرار دارد.

۳۰. مسجد سنانه: این مسجد به وسیله سنان پاشا والی دمشق در سال ۹۹۹ قمری

۱- بن عبدالهادی، یوسف، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۲۱۶، شهابی، قتیبه، اسواق دمشق، ص ۳۵۴.

۲- شهابی، قتیبه، اسواق دمشق القدیمه و مشیداتها التاریخیه، ص ۳۷۲.

۳- نقشبندیه نام فرقه‌ای از فرقه‌های تصوف است که منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارایی (متوفی ۷۹۱ قمری) است. طریقه نقشبندیه در حقیقت دنباله طریقه خواجهگان است. تصوف نقشبندی، سنتی معتدل و میانه‌رو است و اساس آن مبتنی بر پیروی از سنت و حفظ آداب شریعت و دوری از بدعت است.

۴- همان منبع، ص ۴۱۷.

۵- همان منبع، ص ۷.

ص: ۹۸

ساخته شده است. (۱) این مسجد در نزدیکی بازار جاییه و خیابان سعد زغلول کمی بالاتر از مدخل بازار حمیدیه قرار دارد.

بازارهای دمشق

اشاره

دمشق شهری باستانی با موقعیت تجاری بسیار خوب و پیشرفته است. کاروان‌های تجاری از کشورهای مختلف نظیر مصر، روم، ایران و شبه جزیره عربستان راهی این شهر شده و داد و ستد رونق فراوانی در آن داشته است. در دوران جاهلیت بسیاری از تجار و بازرگانان مکه برای تجارت عازم شام شده و پس از فروش کالاهای خود و خرید کالاهای جدید به سوی مکه باز می‌گشتند. در دوران حکومت اموی این شهر به عنوان پایتخت از جاه و جلال بسیاری برخوردار بوده و اهمیت تجاری فوق‌العاده‌ای به دست آورد. در حال حاضر دمشق رونق تجاری قبل را ندارد اما همچنان یکی از مراکز تجاری در خاورمیانه به شمار می‌رود. در این شهر بازارهای متعددی وجود دارد که در این جا به معرفی برخی از این بازارها اکتفا می‌شود.

۱. بازار حمیدیه

از مشهورترین و بزرگ‌ترین بازارهای دمشق «سوق الحمیدیه» است. پیشینه آن به‌طور دقیق مشخص نیست لیکن مسلم است این بازار، به نام سلطان عبدالحمید عثمانی معروف است که او آن را بازسازی کرده است و در دوران‌های مختلف نیز تعمیرات و بازسازی‌هایی بر آن انجام شده است. کف سرتاسر بازار سنگ فرش است و سقف آن با فلز پوشانده شده است.

ص: ۹۹

آغاز بازار حمیدیه

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

بیشترین سهم در ترمیم و بازسازی آن، به محمد پاشا بن مصطفی العظم، والی عثمانی اختصاص دارد که در ۱۱۸۵ قمری در دمشق حکومت می کرد. او بازار را از نزدیک خانه خود در کنار مدرسه احمدیه؛ یعنی در اواسط بازار حمیدیه به سال ۱۱۹۵ هجری گسترش داد و به طور کامل از نو بازسازی کرد، در آن دوران تعداد دکان های آن به ۱۲۰ باب می رسید.

رشدی پاشا نیز در ۱۳۲۳ قمری تعمیراتی بر آن انجام داد. در ۱۳۲۹ و ۱۳۳۸ ق. این بازار در آتش سوخت و محله های بسیاری را در خود فرو برد که تا ۱۴۰۹ ق. همواره تعمیر و مرمت می شد. (۱)

۱- العلی، اکرم حسن، خطط دمشق، ص ۴۵۹، شهابی، قتیبه، اسواق دمشق، ص ۶۲.

ص: ۱۰۰

در داخل بازار الحمیدیه «خانقاه» یا «مدرسه احمدیه» قرار داشت که بعدها «جامع الحمیدیه» در مکان آن ساخته شد و امروزه در همان بازار موجود است. طول بازار ششصد متر و عرض آن پانزده متر است که از خیابان حمیدیه و کنار قلعه دمشق آغاز و تا در غربی مسجد اُموی امتداد می‌یابد. امروزه بقایای ستون‌های معبد ژوپیتر از دوران روم، در انتهای بازار حمیدیه دیده می‌شود. قدیمی‌ترین بستنی‌فروشی سوریه، بستنی‌فروشی بکدش است که از اواخر قرن نوزدهم برجای مانده و در بخش میانی بازار واقع شده است و جهانگردان زیادی را به خود جذب می‌کند. بازارهای فرعی زیادی در دو سوی بازار حمیدیه واقع شده است که از آن میان بازار مسکيه به فروش لوازم التحریر و کتاب، بازار العرائس به فروش لباس و لوازم عروس، بازار القیشانی به فروش دکمه و لوازم خیاطی، بازار العصرونیه به فروش لوازم خانگی، بازار الصوف به فروش پشم و عباهای پشمی معروف هستند.

انتهای بازار حمیدیه

ص: ۱۰۱

۲. بازار مدحت پاشا

یکی دیگر از بازارهای بزرگ و مشهور کنونی دمشق «سوق مدحت پاشا» است. این بازار جزو قسمت غربی «شارع مستقیم» است که در عهد رومی‌ها ساخته شده و در میان مردم دمشق به «سوق الطویل» یا «الطویله» معروف است. بازار مدحت پاشا از غرب به شرق، بین شارع «درویشیه» و «سوق البزوریه» امتداد یافته و از سمت جنوب موازی «سوق الحمیدیه» است. در عصر ممالیک به نام «سوق الجقمق» برگرفته از نام نایب شام امیر سیف‌الدین جقمق (متوفای ۵۸۲۲ هـ) مشهور بوده است.

مدحت پاشا، والی عثمانی دمشق (۱۲۹۵ قمری) این بازار را گسترش داد و از این‌رو به «سوق مدحت پاشا» تغییر نام یافت. این بازار نیز یک بار دچار آتش‌سوزی شد ولی بار دیگر ترمیم گردید. (۱) از بناهای تاریخی در این بازار می‌توان مسجد هشام، مناره، خان‌الدکه، خان‌الزیت، خان جقمق و خان سلیمان پاشا را نام برد که اغلب این آثار در دوران عثمانی ساخته شده‌اند. گفتنی است مدخل بازار مدحت پاشا، کمی بالاتر از آغاز بازار حمیدیه است و قسمتی از بازار در داخل شارع المستقیم قرار می‌گیرد و انتهای آن نیز به نزدیکی باب شرقی می‌رسد.

۳. بازار بزوریه

این بازار بین مسجد أموی و بازار مدحت پاشا قرار دارد. در آغاز این بازار قصرالعظم یکی از آثار دوره عثمانی‌ها که محل استقرار والی شام بوده است قرار دارد. همچنین در وسط این بازار حمامی قدیمی و باستانی وجود دارد به حمام ترکی معروف بوده و یکی از جاذبه‌های دیدنی شهر دمشق برای جهانگردان خارجی به شمار می‌رود. در حال حاضر این بازار محل عرضه انواع شیرینی‌جات، چای، هل و ادویه‌جات می‌باشد. در گذشته این بازار محل عرضه داروهای گیاهی بوده است.

ص: ۱۰۲

بازار بزوریه

۴. بازار درویشیه

این بازار میان دو مدخل غربی بازار حمیدیه و بازار مدحت پاشا قرار دارد. پیشینه آن، همانند بازار مدحت پاشا به دوران ایوبی‌ها می‌رسد، که البته توسط «درویش پاشا» والی عثمانی دمشق تجدید بنا و بازسازی شده است. در این بازار بناهایی نظیر: مسجد درویش پاشا، مسجد خراطین یا مدرسه سیبائی، مسجد سیبائی و مرقد درویش پاشا قرار دارد.

گفتنی است بازار درویشیه پیاده‌روهای دو طرف خیابان هستند. (۱)

۵. بازار صالحیه

این بازار در بخش شمالی میدان العظمه قرار دارد. محله‌های صالحیه یکی از

ص: ۱۰۳

محلّه‌های بسیار قدیمی شهر دمشق است که امروزه جدیدترین و بهترین مغازه‌های شهر دمشق در این منطقه قرار گرفته است. در این بازار کالاهای لوکس مغازه‌های عرضه‌کننده پوشاک و کفش لوازم آرایش و اجناس بدل وجود دارد. در انتهای بازار مسجد قدیمی صالحیه قرار گرفته است. تصویر بازار صالحیه در دمشق

۶. بازار العماره

این بازار نزدیک مقام و مرقد علیها السلام حضرت رقیّه و در مدخل جنوبی آن قرار دارد و از داخل خیابان ملک فیصل آغاز می‌شود. سابقه تاریخی سوق العماره شاید به قبل از دوران مماليك برسد آثار تاریخی که در آن وجود دارند عبارتند از: باب الفرادیس (یکی از دروازه‌های اصلی شهر قدیمی دمشق)، مرقد حضرت رقیه علیها السلام، مسجد

ص: ۱۰۴

سادات، مسجد عمریه و مسجد نطافین. (۱)

۷. بازار باب توما

این بازار از دروازه باب توما آغاز می‌شود. محله باب توما یکی از محلات مسیحی‌نشین شهر دمشق است و اغلب کلیساهای قدیمی دمشق در این محله قرار دارند. بازار باب توما در حال حاضر به صورت خیابان طولی است که در دو سوی آن اجناس لوکس عرضه می‌شود.

۸. بازار حریقه

این بازار در موازات مدحت پاشا قرار دارد. حریقه در زبان عربی به معنی «آتش‌سوزی» است. علت تسمیه این بازار بدین نام به خاطر آتش‌سوزی وسیعی بود که در این بازار روی داد و باعث سوختن تمامی بازار گردید. برخی از شیعیان دمشق به نگارنده گفتند که علت سوختن این بازار بدین خاطر بوده است که تجار و کسبه آن قصد داشتند، پولی برای بازسازی قبر معاویه بن ابی سفیان جمع‌آوری کنند که این حادثه به وقوع پیوست و آنان از هدف خود صرف نظر کردند. اما به نظر می‌رسد با توجه به استقرار پارچه فروش‌ها در این بازار، این بازار در معرض آتش‌سوزی بوده و خواهد بود.

جمعیت دمشق

جمعیت شهر دمشق بنابر آمار سال ۲۰۰۴، بالغ بر ۶/۲ میلیون نفر است و اکثریت ساکنان این شهر از عرب‌ها، ترک‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها و چرکس‌ها می‌باشند.

ص: ۱۰۵

دروازه‌های دمشق

اشاره

در گذشته شهر دمشق همانند سایر شهرهای اسلامی دوازده‌های متعددی داشته است و گرداگرد آن را باروی بلندی دربر گرفته بود تا شهر را از حمله دشمنان و متجاوزان در امان نگه دارد. تاریخ بنای دروازه‌های شهر دمشق به قبل از اسلام بازمی‌گردد و در دوران امپراتوری رم شرقی تعداد این دروازه‌ها هفت دروازه بوده است و هنگامی که لشکر مسلمانان به رهبری خالد بن ولید به شهر دمشق رسید و این شهر را به تصرف درآورد، بخشی از سپاه به رهبری خالد بن ولید از دروازه باب‌الجاییه و بخش دیگر از سپاه به رهبری ابوعبیده جراح از دروازه باب‌الشرقی وارد شهر شدند.

۱. باب توما

این دروازه در سمت شمال شرقی باروی شهر قرار دارد و برخی معتقدند که علت نامگذاری آن منتسب به «سنت توما» یکی از حواریون دوازده گانه حضرت مسیح علیه السلام است. برخی دیگر معتقدند که توما یکی از سرداران رومی است که نسب وی به روستای «دوما» یا «دومه» می‌رسید. (۱) در کنار این دروازه کلیسایی قرار داشت که توسط مسلمانان به مسجد تبدیل شد. این دروازه در دوران حکمرانی ملک ناصر داود در سال ۱۲۲۸ م.

تجدید بنا شد. در دوران استعمار فرانسه، مسجد کنار دروازه ویران شد. ابن عساکر اظهار می‌دارد که هریک از دروازه‌های شهر دمشق در دوران امپراتوری روم به نام یکی از ستارگان نامگذاری شده بود و دروازه باب توما نیز به نام ستاره زهره نامگذاری شده بود.

دروازه باب توما در وسط میدانی به همین نام قرار دارد و بر بالای این دروازه، کتیبه‌ای دیده می‌شود که به دوران ایوبی تعلق دارد. محله باب توما سکونت گاه مسیحیان بوده و بیشتر ساختمان‌های آن در دوران تسلط فرانسوی‌ها ساخته شده است. (۲)

۱- کرد علی، محمد، غوطه دمشق، ص ۱۶۶.

۲- قائدان، اصغر، تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه، ص ۵۱.

ص: ۱۰۶

۲. باب الشرقی

این دروازه در سمت شرقی شهر دمشق و در انتهای خیابان مستقیم که در حال حاضر به نام خیابان مدحت پاشا معروف است، قرار دارد و این دروازه از سه طاق تشکیل شده که طاق وسطی آن وسیع بوده و محل تردد اتومبیل می‌باشد. در کنار دروازه باب الشرقی بسیاری از کلیساها و آثار قدیمی وجود دارد. این دروازه در نزدیکی محله الامین قرار داد که محله شیعه‌نشین شهر دمشق است.

۳. باب الفرادیس

نام دیگر این دروازه «باب العماره» است که علت این امر بدین خاطر بوده که رو به محله العماره یکی از محلات شهر دمشق باز می‌شود. فرادیس جمع کلمه فردوس است که در زبان عربی به معنی بهشت و علت تسمیه این دروازه بدین نام بدین خاطر بوده است که در بیرون این دروازه‌ها باغ‌ها و کشتزارهای وسیعی قرار داشته است. این دروازه در دوره رومی‌ها یکی از دروازه‌های اصلی شهر بوده و منتسب به سیاره عطارد بوده است.

این دروازه بارها تجدید بنا شده است و آخرین بار در دوران ملک عمادالدین اسماعیل در سال ۱۲۴۱ م. بازسازی شد.

بر بالای آن کتیبه‌ای به خط نسخ کوفی و مربوط به قرن هفتم هجری دیده می‌شود که از سلطان ملک عادل ایوبی است ولی بیشتر خطوط آن خوانده نمی‌شود و از بین رفته‌اند. در سمت چپ آن نیز بر روی در کوچکی کتیبه دیگری از قرن هفتم وجود دارد.

۴. باب الصغیر

دروازه‌ای بسیار قدیمی است که بر خرابه‌های دروازه‌ای یونانی و قبل از آن بر دروازه‌ای آرامی ساخته شده است. این دروازه در جنوب شهر دمشق قرار دارد. این دروازه به سیاره مشتری و زئوس منتسب بوده است. اعراب مسلمان نام باب الصغیر را بدین علت بر آن گذاشته‌اند که کوچک‌ترین دروازه‌های شهر دمشق بوده است. این

ص: ۱۰۷

دروازه در دوره عثمانی به باب الحديد معروف بود، زیرا که با لایه هایی آهنی پوشانده شده بود. این دروازه در دوران ایوبی ها تجدید بنا شد و بر روی دروازه دو کتیبه دیده می شود که کتیبه اول مربوط به سال ۶۲۳ قمری و بر روی آن نام سلطان عیسی ایوبی حک شده است و کتیبه دوم دربرگیرنده متن قانون مالیات مسافری و بازرگانانی است که از سمت عراق به شام وارد می شوند و متعلق به دوران حکومت اتابکان است و مربوط به سال ۵۵۱ قمری و نام نورالدین زنگی بر آن حک شده است. منابع تاریخی ذکری از تجدید بنای دروازه در دوران نورالدین زنگی نمی کنند و فقط ذکر می شود که در دوران وی مسجد و مناره ای در نزدیکی آن ساخته شد و امروزه مسجد مذکور که به مسجد پاشوره معروف است. در سال ۸۰۳ قمری تاتارها به رهبری تیمور لنگ به شهر دمشق حمله کردند و سلاطین ممالیک فرار کرده و اهالی شهر را به حال خود رها کردند و اهالی دمشق ناچار شدند که دروازه ها را بسته و در شهر تحصن کنند، اما تیمور در پیمانی با اهالی شهر، توافق کرد که شهر را بدون خونریزی تصرف کند، اما بر عهد خود وفادار نماند و شهر را به مدت هشتاد روز تاراج کرده و قبل از ترک شهر بسیاری از هنرمندان، صنعتگران و دانشمندان دمشق را همراه خود به سمرقند برد.

۵. باب السلام

دروازه ای در شمال شهر دمشق است و برخی معتقدند که تاریخ بنای آن به دوران رومی ها بازمی گردد و برخی دیگر معتقدند که این دروازه در سال ۱۱۶۴ م. توسط سلطان نورالدین زنگی ساخته شده و در سال ۱۲۴۳ م. توسط ملک صالح ایوبی بازسازی شده است. این دروازه در سمت شرقی باب الفردیس قرار دارد.

۶. باب الفرج

این دروازه در سمت شمالی شهر دمشق و بین بازار عصرونیه و بازار مناخلیه قرار دارد. از این دروازه به مسجد اموی و حرم حضرت رقیه علیها السلام راه دارد. باب الفرج در

ص: ۱۰۸

دوره حکمرانی نورالدین زنگی ساخته شده است.

۷. باب کیسان

این دروازه در انتهای خیابان ابن عساکر قرار دارد و در دوران رومی‌ها منتسب به سیاره زحل بوده است، این دروازه در سال ۱۴ قمری تجدید بنا شد، این دروازه همچنین در دوره حکمرانی ناصرالدین دوم یکی از پادشاهان مماليك و نیز در دوران عثمانی در قرن ۱۸ میلادی بازسازی شده است و در حال حاضر این دروازه در کنار کلیسای سنت پل قرار دارد که در سال ۶۳۵ م. ساخته شده است و در روایات تاریخی آمده است که نودینان مسیحی شبانه سنت پل را که از مبلغان اولیه آیین مسیحیت بود در خرجینی نهادند و از دیوار مشرف بر دروازه باب کیسان به بیرون شهر فرستادند تا از حمله رومی‌ها و یهودیان درامان باشد و «سنت پل» شبانه از دمشق گریخته و راهی اروپا شده و آیین مسیحیت را در آن قاره منتشر کرد. قابل ذکر است که مقبره‌ای نیز به همین نام در کنار باب کیسان قرار دارد.

۸. باب الجابیه

این دروازه در غرب باروی شهر دمشق و در انتهای بازار بزرگ و بازار مدحت پاشای فعلی قرار دارد. این دروازه در گذشته دارای سه دهانه بوده که دهانه وسط بزرگ و دو دهانه جانبی کوچک داشته است. نقل است که تسمیه این دروازه به علت وجود بانوی نیکوکاری به نام «جابیه» بوده است. تاریخ بنای این دروازه به دوران رومی‌ها باز می‌گردد و نورالدین زنگی در سال ۱۱۶۴ م آن را بازسازی کرد و این دروازه مجدداً در دوره حکمرانی ناصرالدین داود بن عیسی تجدید بنا شد.

۹. باب النصر

این دروازه در حال حاضر از بین رفته است و در گذشته در سمت غربی باروی شهر و

ص: ۱۰۹

در جنوب قلعه دمشق قرار داشته است و در حال حاضر خیابان النصر که از میدان حجاز آغاز و به قلعه دمشق منتهی می گردد، یادآور نام این دروازه می باشد.

۱۰. باب الجنیق

این دروازه در حال حاضر از بین رفته است و در گذشته بین باب السلام و باب توما قرار داشته و در کنار آن کلیسایی بود که بعدها به مسجد تبدیل شده است.

اماکن زیارتی دمشق

۱. حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام سومین فرزند حضرت فاطمه زهرا علیه السلام است که در پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجرت در مدینه منوره چشم به جهان گشود. این نوزاد که از هر جهت با شخصیت بزرگ علی علیه السلام سازگار و زینت پدر بود «زینب» نام گرفت. مادرش پاره تن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پدرش برادر و وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بود. کنیه مبارک حضرت زینب علیها السلام ام حسن و ام کلثوم و القاب آن حضرت عبارتند از: صدیقه صغری، عصمه صغری، ولیه الله العظمی، ناموس کبری، شریکه الحسین و عالمه غیر معلّمه، فاضله و کامله می باشد. زینب از همان نخستین روزهای کودکی، با مشکلاتی مواجه شد که تحمل آن ها برای غیر او کاری بس دشوار می نمود. او در خردسالی با داغ رحلت جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مواجه شد، بعد از چند ماه در شهادت جانسوز مادرش زهرا علیه السلام به سوگ نشست و بعد از شرکت در مراسم دفن مخفیانه مادر جوانش به دامن پر مهر و عطوفت علی علیه السلام پناهنده شد. زینب همچنان ناظر سکوت مظلومانه پدر بود و گریه های نیمه شبش را در کنار چاه های غربت نظاره می کرد تا اینکه دست شقی ترین فرد عالم، محراب کوفه را با خون امیر مؤمنان علیه السلام گلگون نمود و زینب به همراه برادرانش در کنار بستر پدر، فرق شکافته او را دید و اشک فراق ریخت و شهادت پدر را شاهد بود. مدت زمان زیادی نمی گذرد که زینب در مدینه مسموم شدن برادرش امام حسن علیه السلام را تجربه کرده

ص: ۱۱۰

و در بقیع با او وداع کرد و بالاخره در سال ۶۰ هجری زینب که در کوران مصیبت‌ها آبدیده شده بود، به همراه امام حسین علیه السلام قدم در سفر کربلا می‌گذارد و در فاجعه غمبار کربلا، به خون غلتیدن ده‌ها تن از بهترین عزیزان خود را به نظاره می‌نشیند.

زینب کبری علیه السلام بعد از عاشورای خونین با صبر و استقامتی بی‌نظیر، پیام جاودانه حضرت ابا عبدالله علیه السلام را به جهانیان می‌رساند.

حضرت زینب علیها السلام بعد از واقعه کربلا و مشاهده آن همه مصائب و تحمل اسارت دوباره به مدینه مراجعت نمود و بنا به نقلی، بعد از حادثه قحطی در مدینه به همراه همسر سخاوتمند خویش، عبدالله بن جعفر طیار به منطقه شام کوچ کرد و در نیمه رجب سال ۶۲ قمری در همان جا وفات یافت و در «قریه راویه دمشق» که امروزه به «زینبیه» معروف است به خاک سپرده شد. (۱) قابل ذکر است که در مورد محل دفن حضرت زینب علیها السلام حرم مطهر حضرت زینب (تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

۱- پاک‌نیا، عبدالکریم، فرازهایی از زندگی عقیله بنی هاشم، مجله مبلغان، شماره ۳۱، جمادی‌الاول ۱۴۲۳ قمری.

ص: ۱۱۱

اختلاف شدیدی میان سیره نویسان و تاریخ‌نگاران وجود دارد، برخی نظیر شیخ بهایی، محدث نوری، علامه بحر العلوم، محدث قمی، و از مورخان اهل سنت ابن حورانی و صیادی شافعی و جهانگرد معروف ابن بطوطه تصریح کرده‌اند که حضرت زینب در سرزمین شام به خاک سپرده شده است. محمد حسن خان در «خیرات حسان»^(۱)، سید حسن صدر در «نزه اهل الحرمین»^(۲) و محقق و نویسنده بزرگ، محمد حسنین سابقی در کتاب «مرقد العقيله زینب علیها السلام»^(۳) احتمال شام را تقویت کرده‌اند.

محقق اخیر با روشی عالمانه احتمال مصر را رد کرده و با قرائن و شواهدی اثبات کرده است که حضرت زینب کبری علیها السلام در شام دفن شده است. این در حالی است که برخی دیگر محل دفن آن حضرت را در مصر و بعضی دیگر در بقیع می‌دانند.^(۴) در مورد تعداد فرزندان حضرت زینب علیها السلام اختلاف نظر وجود دارد، ابن جوزی او را فقط دارای دو پسر به نام‌های عون و عبدالله می‌داند.^(۵) ابن حزم اندلسی معتقد است او یک دختر و یک پسر به نام علی داشته است.^(۶) ابن اثیر فرزندان او را پنج نفر دانسته و آنان را چنین ذکر می‌کند: علی، عون اکبر، عباس، محمد و ام کلثوم.^(۷) طبرسی فرزندان او را چهار نفر به نام‌های: علی، جعفر، عون اکبر و ام کلثوم می‌داند.^(۸) در هر حال سرگذشت دو تن از این فرزندان یعنی عون و ام کلثوم در تاریخ تا حدی روشن است بدین معنی که ام کلثوم را یزید بن معاویه خواستگاری کرده بود، و پدرش عبدالله بن جعفر گفت: اختیار این دختر در دست دایی‌اش حسین بن علی علیه السلام است و امام حسین علیه السلام با پیشنهاد یزید مخالفت کرد و او را به پسر عمویش «قاسم بن محمد بن جعفر طیار» تزویج کرد و

۱- حسن خان، محمد، خیرات حسان، ج ۲، ص ۲۹.

۲- صدر، سید حسن، نزه اهل الحرمین، ص ۳۹.

۳- سابقی، محمد حسنین، مرقد العقيله زینب علیها السلام، ص ۴۵.

۴- قائدان، اصغر، تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۶۵.

۵- ابن جوزی، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، ص ۳۲۱.

۶- ابن حزم اندلسی، جمهره انساب العرب، ص ۳۸ و ۶۸.

۷- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۶۹.

۸- طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۲۰۴.

ص: ۱۱۲

مهریه‌اش را مزرعه‌ای که حضرت در اطراف مدینه داشت قرار داد. (۱) وعون در کربلا- در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسید. (۲) حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت در خطبه‌هایی که از آن حضرت روایت شده، خود قوی‌ترین دلیل بر کمال فصاحت و بلاغت آن بانوی بزرگوار می‌باشد. همان بانویی که امام سجاد علیه السلام در حق ایشان فرمودند: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرَ مُعَلَّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرَ مُفَهَّمَةٍ» یعنی: «ای عمه! شما الحمد لله بانوی دانشمندی هستید که تعلیم ندیده، و بانوی فهمیده هستی که بشری تو را تفهیم ننموده است».

۱- السمهودی، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۴، ص ۱۱۵۱، نقدی، زینب الکبری، ص ۱۲۹.

۲- پیشوایی، مهدی، شام سرزمین خاطره‌ها، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

ص: ۱۱۳

در این جا مروری کوتاه به قسمتی از خطبه آن حضرت در مجلس یزید که یکی از بزرگ‌ترین حرکت‌های آن حضرت، در واقعه کربلا بود که دستگاه حکومت بنی‌امیه را به شدت لرزاند می‌کنیم:

«به خدا قسم ای یزید! هرچه کردی بازگشت آن به سوی خودت خواهد بود، چرا که تو جز پوست خود نشکافتی و جز گوشت خود ندیدی.

ای یزید! در آن روزی که خداوند بدنهای پاک شهیدانمان را حاضر می‌کند تا حقوق خود را از ستمگری بستانند، تو بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خواهی شد، اما می‌دانی در چه حالی؟ در حالی که خون عزیزان او را ریخته و حرمت ذریه او را از بین برده‌ای. آری ای یزید! از این پیروزی ظاهری که به دست آورده‌ای، غرق شادی مشو، و آن عزیزان را که در کربلا به خاک و خون کشیده‌ی، مغلوب و مرده مپندار. که خداوند می‌فرماید: (کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند مرده مپندارید. بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند). (۱) و ای یزید! برای تو همین بس که حاکم در آن روز خداوند، و دشمن تو پیامبر خدا، و یاور و پشتیبان اهل بیت جبرئیل باشد. و به زودی کسی که این مقام را برای تو زینت داده و تو را بر گردن مسلمین سوار کرده است (یعنی معاویه)، خواهد دانست که چه جانشین بدی برای خود تعیین کرده و در روز جزا درخواهید یافت که بدترین مکان از آن کیست؟ و بدبختی و ضعف و زبونی شامل چه افرادی خواهد شد.

حضرت زینب علیها السلام شیرزن دشت کربلا سرانجام پس از عمری دفاع از طریق ولایت و امامت در ۱۵ رجب سال ۶۳ هجری قمری در ضمن سفری که به همراه همسر گرامیشان عبدالله بن جعفر به شام رفته بودند، وفات کردند و بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همان جا دفن گردید.

مزار ملکوتی آن حضرت در دمشق، اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت

ص: ۱۱۴

عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد.

قریه ای که حضرت زینب علیها السلام در آن مدفون هستند در گذشته به «راویه» و اکنون به «زینییه» مشهور است. در حال حاضر این قریه به شهر متصل و در هفت کیلومتری شرق دمشق قدیم به طرف فرودگاه واقع می شود. در خیابان اصلی این شهرک از دور گنبد و مأذنه های مقبره آن بانوی گرامی و دخت امام علی علیه السلام دیده می شود. گنبد این مرقد طلایی است و در سمت شرقی و غربی آن دو مناره کاشی کاری شده قرار دارد. در مدخل غربی حرم و سمت راست آن داخل اطاق کوچکی سه قبر وجود دارد که یکی از آن ها قبر «آیت الله سید حسن یوسف مکی عاملی» متوفی ۱۳۹۷ قمری و دیگری علامه «سید محسن امین عاملی» مؤلف «اعیان الشیعه» و سومین آن ها دختر میرزا تقی بهبهانی می باشد.

در سال ۱۳۳۴ قمری صندوق چوبی منبت کاری شده ای از طرف مردم ایران به مرقد مطهر حضرت زینب اهدا گردید و این صندوق در مراسم باشکوهی که بسیاری از شیعیان سوریه و لبنان در آن حضور داشتند در روز بیستم شعبان ۱۳۳۴ قمری بر روی قبر آن حضرت نهاده شد و پیام سید عبدالحسین شرف الدین در این مراسم خوانده شد. در سال ۱۳۹۳ قمری صندوق مذکور با صندوق بهتری که توسط مردم ایران اهدا شده بود تعویض شد و ضریح طلاکاری گردید.

امروزه مرقد مطهر به صورت یک چند ضلعی منظم درآمده است که گرداگرد آن را صحنی وسیع دربر گرفته است و در داخل صحن اتاق های متعددی وجود دارد که محل اقامت زائران می باشد. در بالای مدخل حرم حضرت زینب، نام ائمه دوازده گانه نقش بسته است و بر گرداگرد دیوار بیرونی حرم خطبه حضرت زینب به همراه ترجمه فارسی آن نگاشته شده است. این خطبه که به صورت کاشی کاری زیبایی می باشد توسط حاج ابوالقاسم همدانی در سال ۱۳۸۳ ه. (۱۹۶۳ م.) ساخته شده است. درهای حرم نیز توسط محمد تقی آل اسداللهی کاظمی در سال ۱۳۸۷ قمری ساخته شده است. و در سوی دیگر در نوشته شده: در دوره تولیت سید محسن مرتضی فرزند سید رضا و با کمک سید قاسم

ص: ۱۱۵

حسینی و تحت نظر شیخ محمد حسن موید در سال ۱۳۸۷ قمری تهیه گردید، خطاطی آن کار استاد حبیب الله فضائلی است.

حرم حضرت زینب چهار در ورودی دارد. سقف شبستان و حرم از سه قسمت تشکیل شده که به صورت پله‌ای بر روی هم قرار دارند و گنبد نیز در وسط آن قرار یافته است. بر روی این گنبد آیاتی از قرآن نوشته شده و طلاکاری آن در سال‌های اخیر به وسیله ایران انجام شده است.

در سمت شرق صحن مطهر، مصلای زینیه به همت «آیت الله فهری زنجانی» نماینده مقام معظم ولی فقیه در سوریه ساخته شده و مراسم نماز جماعت، دعای کمیل و نماز جمعه در آن برقرار می‌گردد. این شبستان بسیار بزرگ می‌باشد. مساحت کل صحن، حرم و سایر مراکز وابسته حدود ده هزار متر مربع است. در حرم جمعاً ۱۱۴ اتاق وجود دارد که ۶۴ اتاق آن در صحن بزرگ و بقیه در صحن دوم و حسینیه‌های اطراف است.

مقبره آن بانوی بزرگوار زینب کبری علیها السلام در وسط حرم با ضریحی نقره‌ای و اطراف آن هشت ستون کاشی کاری شده که گنبد حرم بر آن استوار شده وجود دارد. دیوارهای حرم مطهر تا نصف آن سنگ سفید و بقیه آئینه کاری بوده و جلوه‌ای از هنر و معماری ایرانی اسلامی است. بنای داخل و خارج حرم و همچنین مناره‌ها و گنبد از حدود بیست سال پیش است ولی توسعه‌های اطراف صحن و تزیینات آن‌ها همگی از سوی جمهوری اسلامی انجام شده است. (۱)

۲. حرم مطهر حضرت رقیه علیها السلام

حضرت رقیه علیها السلام دختر خردسال امام حسین علیه السلام که همراه اسیران اهل بیت علیه السلام به شام برده شد و در همان جا فوت کرده و به خاک سپرده شدند. بر اساس نوشته‌های بعضی کتاب‌های تاریخی، نام مادر حضرت رقیه علیها السلام، امّ اسحاق است که پیش‌تر همسر امام

ص: ۱۱۶

حسن مجتبی علیه السلام بوده و پس از شهادت ایشان، به وصیت امام حسن علیه السلام به عقد امام حسین علیه السلام درآمده است. (۱) مادر حضرت رقیه علیها السلام از بانوان بزرگ و بافضیلت اسلام به شمار می آید. بنا به گفته شیخ مفید در کتاب الارشاد، کنیه ایشان بنت طلحه است. (۲) مرقد حضرت رقیه علیها السلام

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

نام مادر حضرت رقیه علیها السلام در بعضی کتاب ها، ام جعفر قضاعیّه آمده است، ولی دلیل محکمی در این باره در دست نیست. هم چنین نویسنده معالی السبطين، مادر حضرت رقیه علیها السلام را شاه زنان؛ دختر یزدگرد سوم پادشاه ایرانی، معرفی می کند که در حمله مسلمانان به ایران اسیر شده بود. وی به ازدواج امام حسین علیه السلام درآمد و مادر گرامی حضرت امام سجاد علیه السلام نیز به شمار می آید. (۳)

۱- الاربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۲۱۶ الطبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۲۵۱.

۲- مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۰ طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۵۱.

۳- حایری، معالی السبطين، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۱۴.

ص: ۱۱۷

این مطلب از نظر تاریخ‌نویسان معاصر پذیرفته نشده؛ زیرا ایشان هنگام تولد امام سجاد علیه السلام از دنیا رفته و تاریخ درگذشت او را ۲۳ سال پیش از واقعه کربلا، یعنی در سال ۳۷ ه. ق. دانسته‌اند. از این رو، امکان ندارد او مادر کودکی باشد که در فاصله سه یا چهار سال پیش از حادثه کربلا به دنیا آمده باشد. این مسأله تنها در یک صورت قابل حل می‌باشد که بگوییم شاه زنان کسی غیر از شهربانو (مادر امام سجاد علیه السلام) است.

رقیه از «رقی» به معنی بالا رفتن و ترقی گرفته شده است. (۱) گویا این اسم لقب حضرت بوده و نام اصلی ایشان فاطمه بوده است؛ زیرا نام رقیه در شمار دختران امام حسین علیه السلام کمتر به چشم می‌خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال این که ایشان همان فاطمه بنت الحسین علیه السلام باشد، وجود دارد. (۲) درواقع، بعضی از فرزندان امام حسین علیه السلام دو اسم داشته‌اند و امکان تشابه اسمی نیز در فرزندان ایشان وجود دارد.

گذشته از این، در تاریخ نیز دلایلی بر اثبات این مدعا وجود دارد. چنانچه در کتاب تاریخ آمده است: «در میان کودکان امام حسین علیه السلام دختر کوچکی به نام فاطمه بود و چون امام حسین علیه السلام مادر بزرگوارشان را بسیار دوست می‌داشتند، هر فرزند دختری که خدا به ایشان می‌داد، نامش را فاطمه می‌گذاشت. همان گونه که هرچه پسر داشتند، به احترام پدرشان امام علی علیه السلام وی را علی می‌نامید». (۳) گفتنی است سیره دیگر امامان نیز در نام‌گذاری فرزندانشان چنین بوده است. (۴) قدیمی‌ترین کتابی که از حضرت رقیه علیها السلام به عنوان دختر امام حسین علیه السلام یاد کرده است و شهادت او را در خرابه شام می‌داند، کتاب کامل بهائی است. این کتاب، اثر عالم بزرگوار، شیخ عمادالدین الحسن بن علی بن محمد طبری امامی است که به امر وزیر

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۹۳.

۲- نظری منفرد، قصه کربلا، پاورقی ص ۵۱۸.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۰.

۴- هادی‌منش، ابوالفضل، بررسی زندگانی و نقش الگویی حضرت رقیه علیها السلام، ص ۱۲.

ص: ۱۱۸

بهاء‌الدین، حاکم اصفهان در روزگار سلطنت هلاکوخان، نوشته شده است. به ظاهر، نام گذاری آن به کامل بهائی از آن روست که به امر بهاء‌الدین نگاشته شده است. این کتاب در سال ۶۷۵ هجری قمری تألیف شده و به دلیل قدمت زیادی که دارد، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا به جهت نزدیک بودن تألیف یا رویدادهای نگاشته شده، به نسبت منابع موجود در این راستا، حایز اهمیت است و منبعی ممتاز به شمار می‌رود و دستمایه تحقیقات بعدی بسیار در این زمینه قرار می‌گرفته است. شیخ عباس قمی در نفس‌المهموم و منتهی‌الامال، ماجرای شهادت حضرت رقيه عليها السلام را از آن کتاب نقل می‌کند.

هم‌چنین بسیاری از عالمان بزرگوار مطالب این کتاب را مورد تأیید، و به آن استناد کرده‌اند. کتاب دیگری به نام بشاره‌المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم لشیعه المرتضی علیه السلام وجود دارد که در این کتاب نیز به برخی رویدادهای پس از واقعه عاشورا اشاره شده است. اولین منبعی که در آن تصریح شده که اسیران کربلا در اربعین اول، بر سر مزار شهدای کربلا- نیامده‌اند، همین کتاب می‌باشد. او جریانی را از عطیه (۱) دوست جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که به اتفاق هم بر سر مزار اباعبدالله الحسین علیه السلام و شهیدان کربلا حاضر شده، اولین زائرین قبر او در نخستین اربعین حسینی می‌گردند. اما مؤلف کتاب البشاره سخنی از ملاقات جابر با اسیران کربلا به میان نمی‌آورد و برخلاف آنچه در برخی مقتل‌ها نگاشته شده، هیچ ملاقاتی در این روز بین او و اسیران کربلا صورت نمی‌گیرد. (۲) این موضوع نیز نقطه عطف دیگری در امتیاز و برتری این کتاب می‌باشد. (۳) درباره سنّ شریف حضرت رقيه عليها السلام در میان تاریخ‌نگاران اختلاف نظر وجود دارد و مشهور این است که ایشان سه یا چهار بهار بیشتر به خود ندیده و در روزهای آغازین صفر سال ۶۱ ه. ق، پریر شده است. در مورد نحوه شهادت آن حضرت نقل است که پس

۱- در گفتار برخی ذاکران و واعظان مشهور است که عطیه غلام جابر بن عبدالله انصاری بوده، در حالی که این مطلب تحریف تاریخ است. عطیه عوفی از رجال کوفه و از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و حتی نام گذاری او نیز هنگام تولدش توسط امام علی علیه السلام صورت گرفته است. او پنج امام را درک نموده و در زمان امام باقر علیه السلام از دنیا رفت (ر. ک: التستری، محمدتقی، قاموس الرجال، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۲۱۰).

۲- الطبری، بشاره‌المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم لشیعه المرتضی علیه السلام، ص ۷۴.

۳- هادی‌منش، ابوالفضل، بررسی زندگانی و نقش الگویی حضرت رقيه عليها السلام، ص ۱۴.

ص: ۱۱۹

از ورود اسیران اهل بیت علیه السلام آنان را در مکانی کنار «باب الفردیس» که در آن زمان خرابه‌ای بود، مستقر کردند. رقیه در این زمان چهار ساله بود و مرتباً بهانه پدر می‌کرد و یزید لعنه‌الله دستور داد سر مبارک پدر را نزد او ببرند. چون رقیه آن سر خونین را دید از غم و اندوه فراوان پس از چند روز وفات یافت. (۱) مرقد مطهر حضرت رقیه علیها السلام

حضرت رقیه علیها السلام را کنار آن مکان که مقبره‌ای عمومی به نام «مقبره باب الفردیس» بود به خاک سپردند. این مقبره در شمال غربی محله قدیمی دمشق و کنار باب الفردیس قرار داشت. در ابتدا سلاطین ایوبی بر قبر او مقبره‌ای کوچک ولی زیبا ساختند، سنگ قبری که بر وی نهاده شد از سنگ موزاییک تزیین شده به وسیله عاج و مرمر بود که اطراف آن را ضریح زیبایی احاطه کرده بود و بر فراز آن نیز گنبد و عمارتی بنا شد. مکان

۱- قمی، شیخ عباس، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۴۳۷.

ص: ۱۲۰

یاد شده که از همان ابتدا به صورت مسجد و مقبره بود، در سال ۱۱۲۵ قمری مورد بازسازی قرار گرفت و در سال ۱۳۲۳ قمری به وسیله میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم ایران دوباره ترمیم شد. (۱) در آن زمان سه کتیبه سنگی در داخل حرم مطهر در سمت محراب شبستان آن دیده می شد. در کتیبه اول چند حدیث در فضایل اهل بیت علیه السلام و نام میرزا بابا مستوفی گیلانی به عنوان تعمیر کننده بقعه مقام رقيه به تاریخ ۱۱۲۵ قمری دیده می شد. در کتیبه دوم به مکان دفن ملک کامل ناصرالدین محمد که در سال ۸۸۰ قمری در این مکان مدفون شده بود اشاره و بر کتیبه سوم نیز چند بیت شعر نوشته شده بود. (۲) حرم مطهر حضرت رقيه عليها السلام قبل از تجدید بنا، مقبره ای کوچک بود که در مدخل آن حیاطی کوچک بود که در وسط آن حوض آبی قرار داشت که محل وضوی زائران به شمار می رفت. قبر مطهر در داخل حرم مستطیل شکل درازی قرار داشت که در سمت دست راست این حرم دری کوچک تعبیه شده بود که به داخل مسجد نسبتاً بزرگ تری منتهی می شد. این مسجد محل اقامه نماز برادران اهل سنت بود و بعدها با تلاش علمای شیعه مستقر در سوریه، امامت این مسجد به شیعیان واگذار شد و نمازهای جماعت در اوقات شرعی در آن برپا می شد. چون فضای این مکان گنجایش زوار را نداشت مرحوم شیخ نصرالله خلخالی در صدد توسع مقبره و حرم مطهر برآمد، لذا خانه های اطراف را با کمک مردم نیکوکار محل خریداری کرد ولی عده ای راضی نشدند و به همین منوال باقی بود تا در سال ۱۳۶۳ ه. ش بنا به گفته حجة الاسلام فهری، نماینده مقام معظم رهبری در سوریه، با خرید آن خانه ها و پرداخت چندین برابر قیمت آن ها، امر پی ریزی بنای جدید حرم از سوی جمهوری اسلامی و با حضور مقامات سوریه آغاز شد و برای اطمینان بیشتر از استحکام بنا مسیر رودخانه ای را که در داخل بنای فعلی بود تغییر دادند و به طور کامل از ساختمان حرم دور ساختند، این اقدامات تقریباً پنج ماه طول کشید، سپس

۱- شهابی، اسواق دمشق القديمة، ص ۳۱۶، امین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۴.

۲- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۲۲۹.

ص: ۱۲۱

شروع به پی‌ریزی بنای جدید حرم گردید. مجموع مساحت حرم تقریباً ۴۵۰۰ متر مربع است که ۶۰۰ متر مربع از این مساحت فضای باز و باقی زیربنا است و در قسمت جنوبی ساختمان مسجدی به وسعت ۸۰۰ متر مربع ساخته شده است و وسعت حرم و رواق‌هایش در بنای جدید تقریباً ۲۶۰۰ متر مربع می‌باشد. (۱) نوع معماری که اکنون در بنای حرم به کار رفته معماری ایرانی اسلامی است. صحن مسجد که گرداگرد آن به صورت ایوانی به اندازه یک و نیم متر مسقف است با ستون‌های بسیار زیبای سنگی سفید و به صورت کنگره‌ای ساخته شده‌اند. گنبد آن به کلی تعویض و براساس معماری ایرانی ساخته شده و دوازده ستون مرمرین در داخل حرم آن را نگه داشته‌اند. گرداگرد سقف و دیوارها نیز کاشی کاری است. (۲)

۳. مقام سر مطهر امام حسین علیه السلام

در مورد محل دفن سر مطهر امام حسین علیه السلام روایات متعددی وجود دارد، در حال حاضر در سمت شرقی مسجد اموی مقامی به نام «راس الحسین» قرار دارد که زوار ایرانی به زیارت آن می‌شتابند. علامه سید محسن امین در مورد سر مطهر امام حسین علیه السلام چنین می‌نویسد:

در مورد محل دفن سر مطهر امام حسین علیه السلام اقوال مختلفی نقل شده است که ما آن را در کتاب لواعج الاشجان آورده‌ایم، این اقوال عبارتند از:

۱. سر مقدس حضرت در نجف اشرف، در سمت سر مبارک حضرت امیر مومنان علیه السلام دفن شده است. برخی از علمای شیعه به استناد اخباری که به این مضمون در کتاب کافی و تهذیب و کتب دیگر از طریق شیعه از ائمه علیه السلام نقل شده این قول را پذیرفته‌اند.
۲. سر مطهر به بدن حضرت علیه السلام ملحق گردید. در بحارالانوار آمده است که مشهور

۱- پیشوایی، شام سرزمین خاطره‌ها، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۲- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۷۰-۷۱.

ص: ۱۲۲

بین علمای امامیه این است که علی بن الحسین علیه السلام سر حضرت را به کربلا برگرداند.
 سید بن طاووس در اللهوف می نویسد: «سر حضرت به کربلا برگردانده شد و با پیکر پاکش دفن گردید و
 علمای ما به این معنی عمل کرده اند». ابن نما می گوید: «آنچه از این اقوال قابل اعتماد است این است که
 سر حضرت پس از آن که در شهرها گردانده شد، به
 جایگاه سر مطهر امام حسین علیه السلام در داخل مسجد اموی دمشق
 (تصویر از کمال الدین شاهرخ)

پیکرش ملحق گردید و با آن دفن شد. از سید مرتضی نقل شده است که در پاسخ بعضی از مسائل گفته
 است: «سر حضرت، از شام به کربلا برگردانده شد و به بدن ملحق گردید». شیخ طوسی نیز فرموده است
 که: «استحباب زیارت اربعین امام حسین علیه السلام به همین مناسبت است». سبط ابن جوزی نیز گفته
 است: «مشهورترین اقوال این است که

ص: ۱۲۳

یزید آن را همراه اسیران به مدینه برگرداند و سپس در کربلا به بدن او ملحق گردید».

۳. بیرون کوفه نزدیک قبر امیر مؤمنان علیه السلام دفن شده است. این روایت در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۴. در مدینه منوره نزد قبر مادرش فاطمه علیه السلام دفن شده است. طرفداران این نظریه می گویند: «یزید آن را به نزد عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مدینه فرستاد و او آن را در نزد قبر مادرش دفن کرد.

۵. این سر در داخل مسجد اموی به خاک سپرده شده است. (۱) در کتاب جواهر المطالب از ابن ابی الدنيا نقل شده است که سر حضرت در خزانه دربار یزید بود و پس از آن که یزید به هلاکت رسید، سر را گرفتند و آن را غسل دادند و در مقبره کنار باب الفردیس در دمشق دفن کردند و شاید بعدها توسط برخی از حکمرانان شیعی مذهب، این سر از مقبره باب الفردیس به مقام راس الحسین علیه السلام در داخل مسجد اموی منتقل شده باشد.

۶. در مسجد شهر معروف رقه در کنار فرات دفن شده است. سبط ابن جوزی نقل کرده است که یزید ملعون گفت: «سر حسین را در برابر سر عثمان، نزد فرزندان «ابی معیط» خواهم فرستاد. فرزندان ابی معیط در شهر «رقه» ساکن بودند. وقتی که یزید آن را فرستاد. آنان سر را در خانه های خود دفن کردند و بعدها آن خانه جزو مسجد شد.

۷. در مصر دفن شده است. به این معنی که خلفای فاطمی آن را ابتدا از مقبره باب الفردیس به شهر عسقلان و سپس از آن جا به قاهره منتقل کردند. در قاهره زیارتگاه بزرگ و با عظمتی به این نام وجود دارد. این قول را از سبط ابن جوزی نقل کرده اند.

علامه امین پس از نقل این اقوال اضافه می کند: «مورخان متعددی نقل کرده اند که خلیفه فاطمی مصر دستور داد سری را که در عسقلان دفن شده بود به این عنوان که سر حسین بن علی علیه السلام است در آوردند و به مصر بردند و در محلی که به راس الحسین معروف شده

ص: ۱۲۴

است به خاک سپردند و اکنون آن محل زیارتگاه بزرگی است و در کنارش مسجد بزرگی ساخته شده است و من در سال ۱۳۲۱ آن را دیدم. مردم مصر اعم از زن و مرد دسته دسته به آن جا می‌روند و زیارت و دعا و تضرع می‌کنند». سپس علامه امین می‌افزاید: «در انتقال آن سر از عسقلان و دفن آن در مصر توسط فاطمیان هیچ شکی نیست ولی این که آیا آن سر، سر حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده است یا نه، محل شک است. در هر حال چهار قول اخیر صرفاً مبتنی بر روایات و اقوال اهل سنت است» (۱). همان طور که اشاره شد مقام راس الحسین در داخل مسجد اموی، عبارت از حرم کوچکی است که در سمت شرقی مسجد اموی و در کنار گنبد امام زین العابدین علیه السلام قرار دارد. قبل از ورود به حرم این مقام، رواق مستطیل شکلی قرار دارد که در مدخل آن محل نماز خواندن امام زین العابدین علیه السلام محصور شده است و کمی بالاتر از آن طاقچه‌ای در دیوار تعبیه شده و اطراف آن نقره کاری شده است و می‌گویند که سر مطهر امام حسین علیه السلام را مدتی در بالای این طاقچه گذاشته بودند. انتهای رواق مذکور به حرم مقام منتهی می‌گردد که در سمت چپ محل ورودی مقامی از چوب ساخته شده است که در داخل آن صندوقی گذاشته شده است و بر روی صندوق پارچه‌ای سبز رنگ انداخته شده است. سرتاسر دیوار حرم مقام با سنگ سفید یکپارچه‌ای پوشانده شده و نام ائمه دوازده گانه شیعه علیه السلام بر روی دیوار نقش بسته شده است.

۴. محراب امام زین العابدین علیه السلام

این محراب در کنار مقام راس الحسین علیه السلام در مسجد اموی قرار دارد و با طاقچه که محل قرار دادن سر مطهر بوده چند متر فاصله دارد و مردم شام معتقدند که امام زین العابدین علیه السلام در محل مذکور به عبادت و شب زنده‌داری می‌پرداخته است. امروزه محراب مذکور مورد توجه و عنایت زوار ایرانی قرار گرفته و در کنار آن به نماز ایستند.

۱- امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۶، پیشوایی، شام سرزمین خاطره‌ها، ص ۱۱۷-۱۱۹.

ص: ۱۲۵

محراب امام زین العابدین علیه السلام

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

۵. زیارت‌گاه‌های اهل بیت علیه السلام در قبرستان باب الصغیر**اشاره**

قبرستان باب‌الصغیر، از قبرستان‌های بسیار مهم و تاریخی دمشق است. این گورستان در نزدیکی «باب‌الصغیر»، واقع است که از دروازه‌های اصلی شهر قدیمی دمشق به شمار می‌رود. این مکان مدفن ده‌ها نفر از امام‌زادگان، صحابه گرانقدر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرهای شهدای کربلا علیه السلام، علمای بزرگ اسلام و شیعه، سادات جلیل‌القدر، مورخان و محدثان و صدها تن از بزرگان و رجال اسلامی است. شهر دمشق به غیر از باب‌الصغیر قبرستان‌های دیگری نیز داشته است که از آن جمله می‌توان به قبرستان باب کیسان، قبرستان باب الفردیس و قبرستان دحداح اشاره کرد، اما باید توجه داشت که قدیمی‌ترین قبرستان شهر دمشق، قبرستان باب‌الصغیر است، این قبرستان در گذشته بیرون شهر دمشق قرار داشته است اما امروزه به علت توسعه روزافزون شهر دمشق این

ص: ۱۲۶

قبرستان در وسط شهر واقع شده است. در این مبحث به مشهورترین قبور آن اشاره می گردد.

مقام ام کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام

در کنار مرقد سکینه، دختر امام حسین علیه السلام، قبر ام کلثوم، دختر امام علی علیه السلام است. این بانو در حادثه کربلا حضور داشته و به هنگام اسارت، با خطبه های غرّا و کوبنده، پاسدار خون آن شهدا بوده است.

مرقد حضرت ام کلثوم علیها السلام و حضرت سکینه علیها السلام
(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

ص: ۱۲۷

ام کلثوم وقتی همراه کاروان اسرا وارد کوفه شد، چون مردم به زنان اهل بیت علیه السلام نگاه می کردند، فریاد زد: آیا از خدا و رسولش شرم ندارید که این گونه به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگاه می کنید؟ (۱) ایشان همچنین قبل از ورود به دمشق، نزد عمر بن سعد رفت و از وی خواست تا زنان حرم را از دری که مردم کمتری حضور داشته باشند وارد شهر کنند، ولی درخواست او پذیرفته بود. (۲) هنگام ورود اسراء به مدینه اشعاری هم سروده است که مطلعش اینست:

مدینه جدنا لا تقبلینا فبالحسرات و الاحزان جینا

تمام مؤرخین این اشعار را به ام کلثوم نسبت داده اند و از این نتیجه گرفته اند که دختری به نام ام کلثوم بوده است. (۳) گروهی از دانشمندان و صاحب نظران معتقدند که ام کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام که در کربلا بوده، مادرش حضرت زهرا علیها السلام نبوده است. زیرا که ام کلثوم دختر حضرت زهرا در زمان امام حسن مجتبی علیه السلام در مدینه از دنیا رفت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد بنابراین ام کلثوم که قبرش در «باب الصغیر» دمشق است احتمالاً یکی دیگر از دختران علی علیه السلام به همین نام بوده است و به طور کلی باید افزود که در بین زنان حاضر در واقعه کربلا دو بانوی دیگر به نام ام کلثوم حاضر بودند که یکی از آنان نفیسه، همسر عبدالله اصغر بن عقیل و دیگری زینب همسر محمد بن عقیل بوده اند و چه بسا ممکن است که این مرقد متعلق به یکی از آنان باشد. (۴)

۱- ابن طاوس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۶۶؛ کحاله، اعلام النساء فی عالمی العرب والاسلام، ج ۴، ص ۲۵۹.

۲- المقرم، مقتل الحسین، ص ۴۰۰ و ۴۷۷.

۳- سراینده این ابیات باید از نسل حضرت زهرا علیها السلام باشد، زیرا که متن شعر صراحت دارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جد و نیای اوست، بدین گونه فرضیه این موضوع که ام کلثوم مذکور فرزند حضرت زهرا علیها السلام نبوده است متزلزل می گردد.

۴- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۱۳۵.

مقام سکینه دختر امام حسین علیه السلام

سُکینه، دختر امام حسین علیه السلام و رباب دختر امری القیس است. نامش را امینه، امنیه و آمنه ذکر کرده‌اند و لقب وی را سکینه نهاده‌اند که به معنی وقار و سکون است. سکینه همسر عبدالله پسر امام حسن علیه السلام است که قبل از زناشویی با او در کربلا به شهادت رسید.

از تاریخ ولادت حضرت سکینه علیه السلام اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما با توجه به فرمایش امام حسین علیه السلام خطاب به وی که فرمود: «تو بهترین بانوانی!» درمی‌یابیم که وی در کربلا بانویی رشیده بوده و بین ده تا سیزده سال، سن داشته است. (۱) آن حضرت حدود هفتاد سال عمر کرد و در سال ۱۱۷ ق. درگذشت و احتمالاً تاریخ تولد ایشان سال ۴۷ قمری بوده است. (۲) علامه محسن امین محلّ دفن او را مدینه دانسته است. و این قبر را از آن سکینه دختر یکی از امرای دمشق می‌داند که البته باید گفت هیچ منبعی به دفن سکینه دختر امام حسین علیه السلام در بقیع اشاره نکرده است.

مقبره آن بانو، گنبدی بزرگ به رنگ سبز دارد که دو گنبد دیگر نیز اطراف آن هستند. مناره‌ای به رنگ سبز نیز جلوه‌ای زیبا به این قبرستان بخشیده است. در این زیارتگاه، دختر امام حسین علیه السلام و نیز امّ کلثوم، دختر امام علی علیه السلام دفن هستند.

ساختمان کنونی این مرقد، مربوط به سده پیش است که به احتمال زیاد در آن دوران تجدید بنا شده و بر اساس تابلویی که بر در ورودی نصب گردیده، در سال ۱۳۳۰ ق.

توسط سلیم افندی مرتضی قائم مقام مراقد اهل بیت علیه السلام مرمت شده است. در داخل شبستان و حجره مذکور و سمت راست ضریحی از چوب و پوشیده از پارچه سبز رنگی دیده می‌شود که به سکینه علیه السلام تعلّق دارد. سمت چپ آن نیز ضریح دیگری به همان شکل از امّ کلثوم است. در کنار دیوار پلکانی است که به زیر زمین باز می‌شود. در آن جا ضریح و تابوت هر دو قبر در دو اتاقک بسیار کوچک، با سقفی کوتاه قرار دارند. قبر

۱- المقرم، سکینه بنت الحسین علیه السلام، ص ۲۶۲.

۲- همان منبع، ص ۲۶۳.

ص: ۱۲۹

سکینه علیه السلام به وسیله محفظه‌ای شیشه‌ای احاطه شده و سنگ قبری از قرن پنجم هجری، که مزین به آیاتی از قرآن به خط کوفی عصر سلجوقی و فاطمی است، دیده می‌شود.

مقام عبدالله پسر امام زین العابدین علیه السلام

عبدالله بن امام زین العابدین علیه السلام، معروف به عبدالله باهر، مردی فقیه و فاضل و متولی صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مومنان علیه السلام بود. (۱) وی از پدران بزرگوار خود از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اخبار بسیاری روایت کرده و مردم آثار بسیار از او نقل کرده‌اند. یکی از روایات منقول از او، این خبر است که پیامبر اسلام فرمود: «بخیل و تمام بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد».

عبدالله مذکور را به واسطه حسن و جمال و درخشندگی رخسار، عبدالله باهر می‌نامیدند. عده‌ای مادر او را ام عبدالله مادر امام باقر علیه السلام دانسته‌اند. (۲) قبر ایشان در کنار دیواره شرقی قبرستان باب الصغیر قرار دارد که از قبرستان مستقل و راه آن پس از در اصلی قبرستان می‌باشد. دارای صحن و گنبد سبز و شبستان نسبتاً بزرگی است. اطراف مقبره و مرقد او که در ۱۳۳۰ ه. توسط سلیم افندی مرتضی، قائم مقام مراقد اهل بیت علیه السلام بازسازی شده است (۳) دیواری کشیده‌اند که آن را از قبرستان جدا ساخته‌اند.

۱- قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳.

۲- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۳۸۷.

۳- قائدان، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، ص ۲۶۰.

ص: ۱۳۰

مرقد عبدالله بن زین العابدین علیه السلام
(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

مقام عبدالله پسر امام صادق علیه السلام

قبر فرزند گرامی امام صادق علیه السلام، کمی بالاتر از قبر فاطمه صغری علیه السلام و در سمت چپ آن است که گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و داخل آن تابوتی چوبین با محفظه‌ای فلزی دیده می‌شود. ایشان از لحاظ سن از برادرش اسماعیل کوچک‌تر و از امام کاظم علیه السلام بزرگ‌تر بوده است و در مدینه سکونت داشته و بنابر روایتی در همان جا در گذشته و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شده است.

ص: ۱۳۱

مقام حمیده دختر مسلم بن عقیل علیه السلام

حمیده دختر مسلم از ام کلثوم دختر امام علی علیه السلام می‌باشد. وی در سفر کربلا- در کاروان امام حسین علیه السلام بود و یازده سال داشت. در بین راه آن گاه که خبر شهادت مسلم به امام علیه السلام رسید، آن حضرت او را بر زانوی خود نشاند و دست نوازش بر سر او کشید.

حمیده عرض کرد: با من مانند یتیمان رفتار می‌کنی؟ پیش از این چنین رفتاری با من نداشتی، گمان می‌کنم پدرم شهید شده است! امام حسین علیه السلام شروع کرد به گریه کردن و فرمود: من پدرت هستم و دخترانم خواهران هستند. در این لحظه صدای گریه حمیده بلند شد، به طوری که دیگر فرزندان مسلم متوجه شهادت او شدند؛ همگی گریستند و فریاد و امسلا و وا ابن عقیلا سردادند. حمیده در کنار اسماء بنت عمیس و میمونه دختر امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شده و در یک حجره و مقبره آرمیده‌اند که در پشت مقابر سکینه و امّ کلثوم و در سمت چپ قبر عبدالله بن جعفر صادق علیه السلام واقع است. بر روی حجره آنان، گنبدی به رنگ سبز و در داخل آن تابوتی بزرگ و چوبین دیده می‌شود. حجره مذکور در ۱۳۳۰ هـ. ق بازسازی شده و به وسیله پلکانی، به زیر زمین داخل آن راه است. (۱)

مقام میمونه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام

میمونه دختر امام حسن علیه السلام است و اطلاعاتی در باره ایشان وجود ندارد و ظاهراً ایشان نیز ضمن بانوان اسیر بنی هاشم در کربلا بوده است.

مقام اسماء بنت عمیس مادر شوهر حضرت زینب علیها السلام

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب، یکی از مسلمانان فداکار، همراه

ص: ۱۳۲

همسرش به حبشه هجرت کرد و در آن جا عبدالله را به دنیا آورد. در سال هفتم هجری به مدینه برگشت. جعفر طیار، در غزوه موته به شهادت رسید و لذا اسماء با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر را به دنیا آورد. پس از مرگ ابوبکر به همسری امام علی علیه السلام درآمد و یحیی و عون از او تولد یافتند. محمد بن ابی بکر در سایه تعلیم و تربیت علی علیه السلام یکی از انسان‌های کامل و شجاع و از شیعیان خاص او شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد اسماء فرمودند «او از زنان بهشتی است» (۱) او در حدود سال ۴۰ هجری از دنیا رفت.

قبر اسماء بنت عمیس، همراه با میمونه دختر امام حسن علیه السلام و حمیده دختر مسلم بن عقیل علیه السلام در یک محل قرار دارد و تاریخ بنای این آرامگاه ۱۳۳۰ قمری ذکر شده است.

مقام فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام

فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام از «امّ اسحاق، بنت طلحه بن عبیدالله بن تیمی» بوده است. (۲) وی در سی‌ام هجری به دنیا آمد و در واقعه کربلا نیز سی سال سن داشته است، (۳) لذا می‌توان گفت از خواهرش سکینه بزرگ‌تر بوده و در بین دختران حضرت امام حسین علیه السلام فرزند ارشد بوده است. فاطمه صغری زنی بزرگوار و دارای مقام عالی دینی و علمی و ادبی بود. به طوری که پدرش سیدالشهدا علیه السلام به این امر شهادت داده است و آن هنگامی بود که حسن مثنی؛ یعنی برادرزاده او برای خواستگاری یکی از دختران امام آمد، حضرت علیه السلام به او فرمود:

«من فاطمه را برای تو برمی‌گزینم که در ظاهر، به مادرم فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بسیار شبیه؛ و در عبادت، تمام شب در نماز و روزها روزه‌دار و در شکل، مشابه حورالعین است. (۴)

- ۱- ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن اثیر، اسد الغابه ۵/ ۳۹۵؛ ابن عبدالبر الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۴.
- ۲- ابن بکار، نسب قریش، ص ۵۹؛ امین، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دوم، ص ۲۵.
- ۳- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۲.
- ۴- المقرم، مقتل الحسین، ص ۴۰۵.

ص: ۱۳۳

مرقد فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

او از پدر و برادرش امام زین العابدین علیه السلام و عمّه اش زینب و نیز عبدالله بن عباس و اسماء بنت عمیس حدیث روایت می کرده و فرزندان او عبدالله، ابراهیم، حسین و همچنین امّ جعفر، ابوالمقدام و زهیر بن معاویه نیز از او حدیث نقل کرده اند. احادیث او در کتب حدیثی اهل سنت از جمله در سنن ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، نسائی و تألیفات ابن حجر آمده است. فاطمه صغری ابتدا در منزل فاطمه علیها السلام، مادر بزرگش، در جوار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم می زیست. وقتی ولید دستور تخریب خانه های کنار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم را صادر کرد، او به خارج مسجد رفت و در آنجا خانه ای ساخت و چاهی حفر کرد که برکت فراوانی داشت. مردم این چاه را زمزم می خواندند و از آن

ص: ۱۳۴

تبرک می جستند. (۱) فاطمه همانند زینب، در حوادث کربلا- مأمن و پناهگاه اهل بیت بود و در بارگاه عیدالله ابن زیاد و یزید خطبه‌های غراء خواند. (۲) او به سال ۱۱۰ هجری، در هشتاد سالگی وفات یافت. در قبرستان باب الصغیر، پشت قبر سکینه علیه السلام و امّ کلثوم علیه السلام و سمت چپ آن قبری منسوب به ایشان است که در داخل یک حجره و اتاقک کوچکی قرار دارد. گنبد آن به رنگ سبز و دیواره‌های آن به وسیله سنگ‌های سیاه و سفید برپا شده است. در داخل آن تابوتی چوبین، که به وسیله پارچه‌ای سبز پوشیده، دیده می‌شود و در کنار اتاق پلکانی است که به زیر زمین باز می‌شود. در آن جا بر سنگ قبر او آیه‌الکرسی با خط کوفی حجاری شده است.

در پایین این کتیبه جمله‌ای با عنوان «هذا قبر فاطمه بنت أحمد بن الحسين الشهيد علیه السلام» و تاریخ ۴۳۹ هجری به چشم می‌خورد. این امر ما را در این که قبر یاد شده به فاطمه بنت الحسین تعلق داشته باشد با تردید مواجه می‌سازد، اگرچه عبارت کوفی نیز صحیح نیست؛ زیرا امام حسین علیه السلام فرزند پسری به نام احمد نداشته است. البته در میان فرزندان ایشان به محمد نامی نیز اشاره شده که شاید این احمد فرزند او یا یکی از نوادگان امام حسین علیه السلام باشد که واسطه‌های آن حذف شده است. از سوی دیگر، بیشتر منابع روایت می‌کنند که فاطمه صغری در منزل خود؛ یعنی در پشت مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. (۳) پس به احتمال زیاد، چون روایتی هم مبنی بر سکونت فاطمه صغری در دمشق نداریم، قبر مذکور باید متعلق به نواده امام حسین علیه السلام نه دختر او باشد. (۴)

مقام فضه کنیز حضرت زهرا علیها السلام

فضه نام کنیزی است از اهالی نوبه در شمال سودان و جنوب مصر که به مدینه آورده

۱- سمهودی، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، ج ۳، ص ۹۰۹.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۲.

۳- قائدان، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، ص ۲۶۰.

۴- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۱۳۷- / ۱۳۸.

ص: ۱۳۵

شد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وی را به حضرت زهرا علیها السلام بخشید و وی در منزل حضرت علی علیه السلام نشو و نما یافته و احادیث متعددی از حضرت زهرا علیه السلام روایت کرده است. در مورد اصل و نسب وی افسانه‌های زیادی وجود دارد و برخی او را دختر یکی از پادشاهان حبشه و برخی او را دختر یکی از پادشاهان هند دانسته‌اند و معتقدند که وی اسرار کیمیا را دانسته است. طبق نقل مفسران در تفسیر آیه «هَيْلُ أَتَى»، فضه، به خاطر شرکت در ایشار اهل بیت در دادن غذای خود به مسکین و یتیم، مشمول این آیه قرار گرفته است.

مرقد فضه کنیز حضرت زهرا علیها السلام

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

فضه پس از درگذشت حضرت فاطمه علیها السلام در خدمت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام بود. او خاندان نبوت را در کربلا همراهی می‌کرد و پس

ص: ۱۳۶

از بازگشت به مدینه، به احتمال زیاد همراه حضرت زینب علیها السلام به شام بازگشت و پس از وفات، در باب الصغیر به خاک سپرده شد. (۱) قبر وی کمی بالاتر از مرقد عبدالله بن جعفر صادق علیه السلام و حدود یکصد متری سمت چپ آن؛ یعنی در انتهای دیوار غرب قبرستان واقع است. حجره و مرقد او گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و دیواره‌های آن از سنگ سیاه است. قابل ذکر است که برخی معتقدند که فضا در مدینه در گذشته و در قبرستان بقیع مدفون است.

مقام بلال حبشی علیه السلام

بلال بن رباح معروف به بلال حبشی یکی از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از مسلمانان اولیه است که در مکه به آیین اسلام درآمد. او برده امیه پسر خلف بود و پس از این که اسلام آورد امیه او را به شکنجه و آزار گرفت. اما بلال تمامی این شکنجه‌ها را تحمل کرده و بر دین و آیین خود استوار ماند تا این که ابوبکر، بنا به دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را خرید و آزاد کرد. بلال بعد از آزادی به مدینه هجرت کرد و پیامبر او را به عنوان اولین اذان‌گو انتخاب کرد و وی تا زمانی که پیامبر زنده بود به این کار اشتغال داشت. بلال حبشی در تمام جنگ‌ها در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و در جنگ بدر، ارباب سابقش امیه پسر خلف را کشت. بلال هم چنین در جنگ احد، خندق، بنی مصطلق و تبوک حضور داشت. پس از فتح مکه، بلال در بالای کعبه ایستاد و اذان گفت و افتخاری جاودانه از آن خود کرد. هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وفات یافت، خلیفه (ابوبکر)، از بلال خواست تا همچنان اذان بگوید ولی او نپذیرفت و گفت: سوگند خورده‌ام که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای هیچ کس اذان نگویم. وقتی لشکر اسلام در مدینه آماده عزیمت برای فتح شام شد، بلال از ابوبکر اجازه عزیمت خواست. ابوبکر گفت: هر آنچه خواهی کن ولی دوست داشتم نزد من در مدینه می‌ماندی و اذان می‌گفتی، بلال نپذیرفت و وارد لشکر شد. (۲) او

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت علیه السلام، ص ۴۱.

۲- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۹۷-۹۶.

ص: ۱۳۷

به دمشق آمد و در «داریا»، یکی از قریه‌های اطراف دمشق ساکن شد و سرانجام در سال بیست هجری (۱) یا به روایتی هفده هجری در دوران خلافت عمر بن خطاب در سن ۶۳ سالگی وفات یافت و در قبرستان باب الصغیر به خاک سپرده شد. (۲) مرقد بلال حبشی

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

در محل دفن بلال اختلاف است. ابن کثیر قبری که در باب الصغیر به او منسوب است را صحیح ندانسته و محل دفن وی را همان قریه «داریا» می‌داند. او قبری که اکنون در باب الصغیر است، را از «بلال بن ابی الدرداء» قاضی دمشق دانسته که فردی عابد و زاهد بوده است. (۳) در هر حال، قبری که اکنون به نام بلال در باب الصغیر معروف است، کمی بالاتر

۱- کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۱۴.

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۴۴- / ۴۵.

۳- کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۱۵.

ص: ۱۳۸

از قبور سکینه و ام کلثوم قرار دارد؛ و با قبر منسوب به عبدالله بن جعفر طیار در یک بقعه هستند. قبر بلال بزرگترین قبر داخل این بقعه است که در میان قبور دیگر متمایز و اطراف آن نیز با محفظه‌ای از شیشه پوشانیده شده است. تاریخ سنگ قبر وی ۶۳۵ هجری است. بر بنای مقبره بلال گنبدی است به رنگ سبز و سؤمین گنبد از در ورودی قبرستان باب‌الصغیر است. این گنبد، در ۱۰۰۷ هجری و ۱۲۸۹ هجری مرمت شد. در ۱۳۶۱ هجری در آتش سوخت و اداره اوقاف آن را بازسازی کرد.^(۱) در ضمن قبر دیگری منسوب به بلال حبشی در میدان المطار و یا میدان البیطره در مدخل شهر دمشق قرار دارد که روبروی دروازه باب کیسان واقع شده و با توجه به نوشته‌های تاریخی که اظهار می‌دارند در کنار این دروازه، قبرستانی به نام باب کیسان وجود داشته، احتمال دارد که قبر مذکور نیز در گذشته در محدوده قبرستان فوق‌الذکر واقع شده است و امروزه این قبر در سوی دیگر میدان و در جهت مقابل باب کیسان قرار گرفته است.

مقام عبدالله بن جعفر طیار شوهر حضرت زینب علیها السلام

عبدالله بن جعفر طیار یکی از چهره‌های درخشان بنی هاشم است. پدرش جعفر بن ابی طالب پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برادر حضرت علی علیه السلام بود که در جنگ موته به شهادت رسید و چون دو دست وی قطع شده بود پیامبر او را طیار لقب نهاد و فرمود که خداوند به جعفر دو بال می‌دهد تا در بهشت با آنها پرواز کند. مادرش اسماء بنت عمیس یکی از زنان سرشناس و پاکدامن صدر اسلام است که سالیان دراز در سرزمین حبشه برای رضای خدا و به دور از وطن، رنج فراوان کشید و با شهادت همسر خود در موته، نشان دیگری از صبر و استقامت برای خود کسب کرد. عبدالله بن جعفر در دامان این پدر و مادر پرورش یافت. به گفته تمام مورخان، عبدالله اولین نوزاد مسلمانان مهاجر

ص: ۱۳۹

است که در سرزمین حبشه چشم به جهان گشود. (۱) از سال تولد عبدالله تاریخ دقیقی در دست نیست. عبدالله در روز رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ده ساله بود. بنابراین می توان حدس زد که وی در سال اول قمری به دنیا آمده باشد.

عبدالله بن جعفر از آغاز جوانی به داشتن اخلاق نیک و ایمان شهرت یافته بود، به گونه ای که در بین مسلمانان از احترام خاصی برخوردار بود. مسلمانان به پاس خدمات شایسته ای که پدر او تقدیم کرده بود، وی را مورد اکرام قرار می دادند.

عبدالله بن عمر هر وقت عبدالله را می دید، وی را مخاطب قرار می داد و می گفت:

السلام علیک یابن ذی الجناحین. (۲) در کتاب معجم رجال الحدیث، درباره جایگاه عبدالله بن جعفر آمده است: جلالت قدر و شأن و منزلت عبدالله بن جعفر طیار به قدری روشن است که هرگز نیازی به توضیح ندارد، زیرا از جمله مواردی که دلالت بر شأن و علو مقام وی دارد، این است که امیر مؤمنان علیه السلام همیشه تلاش می کرد تا از کشته شدن عبدالله جلوگیری کند، همان گونه که از حسنین علیه السلام و محمد بن حنفیه محافظت می کرد. (۳) امام صادق علیه السلام به نقل از پدرش فرمود: امام حسن و امام حسین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر در کودکی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند. هیچ کودکی جز آن ها، با پیامبر بیعت نکرد. (۴) در قبرستان باب الصغیر، کنار قبر بلال قبری منسوب به عبدالله بن جعفر، همسر حضرت زینب علیها السلام است که به قطع و یقین صحّت ندارد؛ زیرا عبدالله در سال جحاف، در مکه وفات یافت (۵) و سال جحاف سال هشتاد هجری است که سیلی به مکه آمد و

۱- ابن اثیر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۲۸۹ ابن اسحق، السیره النبویه، ص ۲۲۶ ابن جوزی، تذکره الخواص، ص. ۱۷۲

۲- ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۷۴.

۳- خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۴۳.

۴- ابن عبد ربّه، العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۳۳.

۵- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۴۷.

ص: ۱۴۰

مرقد عبدالله بن جعفر طیار

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

حاجیان را در خود فرو برد. در این واقعه عبدالله نود سال داشته است، و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (۱) قبر منسوب به وی در قبرستان باب الصغیر بسیار کوچک بوده و بر بالای آن دو کتیبه به خط کوفی دیده می شود که به راحتی قابل خواندن نیست. (۲)

مقام ام حبیبه و ام سلمه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ام سلمه کنیه یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که نام وی هند دختر ابی أمیه مخزومی بود

۱- ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۳۵.

۲- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۱۴۴- / ۱۴۵.

ص: ۱۴۱

و قبلاً همسر عبدالله بن عبدالاسد بود و برای وی سه فرزند به نام‌های سلمه، زینب و رقیه به دنیا آورد و پس از درگذشت همسرش به ازدواج رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درآمد و علاقه وی به خاندان رسالت و مخصوصاً امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام مشهور است. وی در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

مرقد ام سلمه و ام حبیبه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

ام حبیبه کنیه یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که نام وی رمله دختر ابوسفیان بود و قبلاً به همسری عبدالله بن جحش اسدی در آمد و به حبشه مهاجرت کرد و دختری به نام حبیبه آورد و چون عبدالله بن جحش به آیین مسیحیت گروید، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده‌ای به حبشه فرستاد و او را خواستگاری نمود و نجاشی پادشاه حبشه به نیابت از آن حضرت وی را خواستگاری نمود و مهریه او را چهارصد دینار تعیین نمود و مهمانی فاخری ترتیب داد و او را به همراهی شرحبیل بن حسنه به مدینه فرستاد و رسول اکرم در سال ۷

ص: ۱۴۲

هجری با او ازدواج کرد. وی نیز در مدینه از دنیا رفته و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. در انتهای دیواره شرقی قبرستان باب الصغیر، کمی بالاتر از در اصلی قبرستان، پس از قبر عبدالله بن سجاد علیه السلام حجره‌ای مستقل وجود دارد، که در آن، دو قبر به نام‌های ام حبیبه و ام سلمه، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیده می‌شود. اما همان طور که گفته شد انتساب این قبور به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استناد ندارد.

عبدالله بن ام مكتوم صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

عبدالله پسر ام مكتوم از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. نام مادر او عاتکه، ام مكتوم دختر عبدالله بن عنکبه است. (۱) عبدالله پسر دایی خدیجه (۲) و از نخستین اسلام‌آوردگان به شمار می‌رود (۳) که در کودکی نابینا شد. برخی این حدیث قدسی را درباره او دانسته‌اند که خداوند فرمود: هرگاه چیز ارزش‌مندی از بنده‌ام بگیرم، پاداشی جز بهشت برای او نمی‌یابم. (۴) از زندگی وی در مکه بیش از این اطلاعی در دست نیست. بر پایه روایتی، ابن ام‌مکتوم نخستین صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که با مُصعب بن عمیر پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد یثرب شد تا مردم آن‌جا را با قرآن آشنا کند؛ (۵) گرچه از واقعی نقل است که اندکی پس از بدر، به مدینه هجرت کرد. (۶) او و بلال در مدینه، اذان‌گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و هریک پیش‌تر می‌رسید، اذان می‌گفت و دیگری هنگام نماز اقامه می‌گفت. (۷) عبدالله از علاقه‌مندان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. و بر اساس

- ۱- ابن سعد، الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۵.
- ۲- ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص ۱۷۱.
- ۳- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۹.
- ۴- ابن سعد، الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۶.
- ۵- ابن سعد، الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۶.
- ۶- ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۹.
- ۷- یعقوبی، تاریخ ج ۲، ص ۴۲.

ص: ۱۴۳

نظر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، منظور از اعمی یا نایینا در سوره عبس اوست. (۱) در غزوه احد، وقتی شایعه قتل پیامبر در مدینه پیچید، وی که به جای حضرت در مدینه نماز می گزارد، به تندی فراریان را سرزنش کرد و از آنان خواست تا او را به احد ببرند. در میان راه، به هر کسی که می رسید از حال پیامبر می پرسید تا از سلامت حضرت آگاهی یافت؛ آن گاه به مدینه بازگشت. (۲) برخی از مورخان عبدالله را در بسیاری از غزوات و گویا در سیزده جنگ، جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه دانسته اند. (۳) بیش از این، یادی از او در تاریخ نیست تا این که گویا در نبرد قادسیه (۱۶ قمری) شرکت کرد و پرچم سیاهی به دست داشت. (۴) برخی گفته اند: او در همان نبرد به شهادت رسید؛ (۵) اما به نقلی پذیرفتنی تر، وی پس از آن به مدینه بازگشت و در آن جا درگذشت. (۶) در کنار دیواره شرقی باب الصغیر؛ یعنی در دوم آن و به موازات قبور سکینه و ام کلثوم به فاصله دوست متری اتاق کوچکی، بدون گنبد و با سنگ های سیاه دیده می شود، که بر آن نوشته شده «هذا قبر ام مکتوم صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم». گفتنی است که تنها «کمونّه حسینی» در تألیف خویش، به نام وی در قبرستان باب الصغیر اشاره کرده است. (۷)

مقام اوس بن اوس صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

- ۱- طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۳.
- ۲- الواقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۷۷.
- ۳- ابن خیاط، تاریخ ابن خیاط، ص ۶۰.
- ۴- ابن سعد، الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۰.
- ۵- الذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۱، ص ۳۶۵ ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۵.
- ۶- ابن سعد، الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۱.
- ۷- کمونه حسینی، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر و ائمه علیه السلام و صحابه و تابعین، ص ۱۱۱.

ص: ۱۴۴

اوس بن اوس از دیگر اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از اهل صفّه است که همواره در مسجد پیامبر مشغول تهجد و عبادت بود. اوس به شام هجرت کرد و پس از وفات در دوران خلافت عثمان، در قبرستان باب الصغیر دفن گردید. (۱) مقبره او اکنون در مقابل مدرسه صابونیه، در سمت دیواره غربی مقبره باب الصغیر است. (۲)

مقام وائله بن اصقع صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

یکی دیگر از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که همراه اوس بن اوس و عمار بن یاسر و دیگران، در ایوان صفّه در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم روزگار می گذرانند. وی عمری طولانی داشت و گویند در سن ۱۵۰ سالگی در دوران خلافت عبدالملک مروان (سال ۸۳ هجری) در دمشق از دنیا رفت و در قبرستان باب الصغیر دفن گردید. او آخرین صحابی بود که در این شهر وفات یافت. (۳) وائله پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شدت خشمگین بود و همواره به نقل آیه تطهیر، که در شأن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، می پرداخت. (۴)

فضاله بن عبید

یکی از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود که پس از فتح دمشق به این شهر آمد و در آنجا سکونت گزید. در دوران معاویه، کرسی قضاوت در این شهر را بر عهده داشت و در سال ۵۳ هجری درگذشت. وی را در کنار ابی دردا و امّ دردا دفن کردند. (۵)

ابو الدرداء

«ابو الدرداء» عویمر بن مالک بن زید یکی دیگر از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود و

۱- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۴۳.

۲- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۱۴۵.

۳- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۴۹.

۴- شریف القرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۳۹۷.

۵- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۵۰.

ص: ۱۴۵

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میان او و سلمان فارسی پیمان برادری بست و در مورد او فرمود: «عُوَیمر حکیم امت من است» (۱) وی که در تمامی غزوه‌های پس از احد حضور داشت، پس از فتح دمشق برای تبلیغ اسلام به این شهر مهاجرت کرد. ابو الدرداء در عصر خلیفه دوم و نیز حکومت معاویه قاضی دمشق بود.

سرانجام در ۳۰ هجری، در خلافت عثمان وفات یافت و در باب الصغیر، کنار مادرش «ام الدرداء» مدفون شد. وی در قلعه دمشق مسجد و معبدی داشت که به معبد ابی دردا معروف بود و همواره در آن جا به عبادت می‌نشست. (۲)

سهل بن ربیع انصاری

وی یکی از یاران بزرگوار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از قبیله اوس بود که در دمشق ساکن شد و در اوایل خلافت معاویه از دنیا رفت. او را در جنوب قبرستان باب الصغیر به خاک سپردند. (۳)

مقام سرهای مطهر شهدای کربلا

پس از واقعه کربلا، به دستور عمر بن سعد سرهای شهدا را از تن جدا کرده و بین قبایل تقسیم کرد تا آنان بدین وسیله به ابن زیاد تقرّب جویند. قبیله کنده سیزده سر، به ریاست محمد بن اشعث کندی، قبیله هوازن دوازده سر، به ریاست شمر بن ذی الجوشن. تمیم هفت سر، بنی اسد شانزده سر و بقیه قبایل تعدادی را که در مجموع به ۷۱ سر بریده رسید حمل کردند و وارد کوفه شدند. (۴) عیدالله دستور داد تمامی سرها را از جلوی کاروان

۱- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۱۵۵.

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۳۱.

۳- همان منبع، ص ۵۱.

۴- المقرم، مقتل الحسین، ص ۳۹۱.

ص: ۱۴۶

اسرا حرکت دهند و به شام ببرند. در شب اول ماه صفر، کاروان به دمشق رسید. قبل از ورود یزید دستور داد شهر را آراسته و زنان و مردان شام، هلهله کنان ایستاده و سرهای شهدا را بر نیزه‌ها و کاروان مصیبت دیدگان اهل بیت را به دنبال آن نگریستند. سر مقدس عباس بن علی علیه السلام جلوتر از همه و سر مقدس امام حسین علیه السلام در آخر سرها و در جلو زنان بر نیزه افراشته بود. (۱) امّ کلثوم از قافله سالار خواست تا سرها را جلوتر از کاروان وارد شهر کنند تا مردم متوجه سرها شده و به حرم اهل بیت علیه السلام نگاه نکنند. هنگام طلوع آفتاب سرهای مقدس شهدا و کاروان اسرا از «باب الساعات» وارد مسجد اموی شد. آنگاه به دستور یزید لعنه الله، تمامی سرها به مدت سه روز بر دروازه‌های شهر و مسجد اموی آویزان گردید.

امام زین العابدین علیه السلام پس از چندی، موافقت یزید را گرفت تا سرها را به بدن‌ها ملحق سازد و لذا سر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا را به کربلا برد و به اجساد مطهرشان ملحق کرد. (۲) در عین حال، چند سر از شهدا را در پیرامون «باب الصغیر» به خاک سپردند. امروز این مکان که حدود پنجاه متر بالاتر از در اصلی قبرستان باب الصغیر و سمت چپ کوچه و در حقیقت خارج از قبرستان است، دارای محوطه‌ای بزرگ است که در وسط آن حجره‌ای کوچک بوده و سرهای مقدس در این حجره دفن شده‌اند.

بر اساس کتیبه سنگی بالای حجره، ضریح قبلی آن را که از نقره بوده، فرمانده سپاه فاطمی مصر؛ یعنی جوهر صقلی ساخته که متعلق به قرن چهارم است. اما در سال‌های اخیر به جای آن، ضریحی از نقره ساخته‌اند. هر چند که بر سقف این حجره، اسامی شانزده تن از شهدای کربلا نوشته شده، لیکن به احتمال قوی تنها سر سه تن از شهدای کربلا- در این مکان به خاک سپرده شده‌اند. این سرها عبارت‌اند از: سر مقدس حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، سر مقدس حضرت علی اکبر علیه السلام، سر مقدس حبیب بن مظاهر علیه السلام.

سید محسن امین، در سال ۱۳۲۱ ق. کتیبه‌ای بر بالای در ورودی این مقام، با این

ص ۳۲.

۱- شعرانی، دمع السجود، ص ۲۴۲ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۴- / ۱۲۸ شریف القرشی، حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۳۶۸- / ۳۶۹.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۴ الشعرانی، دمع السجود، ص ۲۵۳، الامین، دائره المعارف الشيعيه، جزء دوم، ص ۳۲.

ص: ۱۴۸

عبارت دیده است: «هَذَا رَأْسُ عَبَّاسٍ وَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَبِيبُ بْنُ مَظَاهِرٍ».

بعدها که ضریحی بر روی این محل گذاشته شد، نام شانزده تن ذکر گردید. (۱) با توجه به این که منابع تاریخی شیعه اذعان دارند سرهای شهدای کربلا به بدنهای آنان ملحق شده است، به نظر نمی‌رسد در این مکان بیش از سه سر به خاک سپرده شده باشد.

نام سرهایی که بر سقف گنبد این مکان ثبت شده، عبارت‌اند از:

۱. عباس ۲. علی اکبر ۳. حبیب بن مظاهر ۴. قاسم بن الحسن ۵. عبدالله بن علی ۶. عمر بن علی ۷. حرّ ریاحی ۸. محمد بن علی ۹. عبدالله بن عون ۱۰. علی بن ابی بکر ۱۱.
- عثمان بن علی ۱۲. جعفر بن علی ۱۳. جعفر بن عقیل ۱۴. محمد بن مسلم ۱۵. عبدالله بن عقیل ۱۶. حسین بن عبدالله. (۲) در گذشته، پشت مقام سرهای شهدا، محل غسل و کفن مردگان بود و چاهی زده شده است که از آن چاه برای غسل مردگان استفاده می‌شده است. این مقام در سال ۱۳۳۰ قمری توسط «سلیم افندی مرتضی» قائم مقام مراقد اهل بیت علیهم السلام ساخته شده است.

قبر سائر بزرگان تابعین و بازماندگان ائمه اطهار علیهم السلام

۱. خدیجه دختر امام زین العابدین علیه السلام.
۲. محسن بن جعفر بن هادی علیه السلام که در دوران خلافت عباسی، با شکنجه به قتل رسید.
۳. عبدالله بن محمد بن اطرف، فرزند امام علی علیه السلام
۴. ابوالحسن بن علی از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام. (۳) ۵. حسن بن عبدالله از نوادگان عمر بن علی علیه السلام
۶. عبدالله بن امام محمد باقر علیه السلام
۷. محمد بن ابو حذیفه عتبه بن ربیع بن عبد شمس، والی مصر در دوران علی علیه السلام و

۱- الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۷.

۲- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۱۳۹- / ۱۴۱.

۳- همان منبع، ص ۱۵۴- / ۱۵۵.

ص: ۱۴۹

از شیعیان خاص آن حضرت.

۸. عبدالرحمان بن عباس بن عبدالمطلب.

۹. عبدالمطلب بن ربیعہ بن حارث بن عبدالمطلب.

۱۰. رأس محمد بن ابی بکر (به روایتی دیگر در قاهره است). (۱) ۱۱. امّ الحسن، دختر حمزه بن جعفر الصادق علیه السلام.

۱۲. علی بن عبدالله بن عباس.

۱۳. سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس و همسرش. (۲)

۵. مقام حضرت یحیی پیامبر علیه السلام

حضرت یحیی فرزند زکریا علیه السلام یکی از پیامبران الهی است که در آیین های یهود، مسیح، اسلام و صابئه مورد احترام و تقدیس است. وی بنا به قدرت الهی از پدر و مادری که نسل به دنیا آمد و در کودکی به پیامبری برگزیده شد. در مورد شهادت وی نقل است که حکمران رومی سرزمین شام، سعی می کرد تا نادرتری خود را که سالومه نام داشت به همسری خود در آورد و حضرت یحیی علیه السلام در برابر این کار غیر اخلاقی ایستادگی و مخالفت نمود و این امر باعث شد تا حکمران رومی در حالت مستی دستور قتل وی را صادر کرد و در خیمان وی سر مطهر آن حضرت را از تن جدا کرده و به دربار حکمران بردند. بعدها که امپراتوری روم به آیین مسیحیت درآمد، سر مطهر آن حضرت را با تکریم فراوان در کلیسای قدیس یوحنا که بعدها به نام مسجد اموی شناخته شد، دفن نمودند. در مورد محل دفن جسد آن حضرت اطلاعی در دست نیست و برخی معتقدند که جسد آن حضرت در فلسطین اشغالی دفن است. اخیراً یکی از پژوهشگران لبنانی اعلام نمود که قبر حضرت یحیی در تپه ای باستانی به نام «مار یحیی» (یحیای مقدس) در شمال شرق شهرک تولین و کنار شهرک «قبریخا» در جنوب لبنان واقع شده است. امروزه آرامگاه حضرت یحیا در داخل مسجد اموی محل زیارت مسیحیان و مسلمانان می باشد.

۱- ابراهیم، محمد زکی، مراقد اهل بیت در قاهره، ص ۱۰۵.

۲- کمونه حسینی، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه و تابعین، ص ۱۱۴-۱۱۵.

ص: ۱۵۰

مرقد حضرت یحیی در داخل مسجد اموی

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

۶. مقام سرهای حجر و یارانش در مسجد القصب

در سال ۵۱ قمری حجر به همراهی یارانش دستگیر شده و به شام فرستاده شد، وقتی که آنان به منطقه مرج العذرا رسیدند، دستور قتل آنان از طرف معاویه صادر شد و حجر به همراهی شش تن از یارانش در مرج العذراء به شهادت رسیدند و سرهای وی و یارانش به دربار معاویه فرستاده شد. سرهای مذکور پس از نمایش در دربار معاویه به مسجد القصب منتقل شده و به خاک سپرده شد. این مسجد کمی بالاتر از حرم مطهر حضرت رقیه و قبل از دروازه باب توما قرار دارد و در آن سرهای افراد زیر مدفون می‌باشد: حجر بن عدی، شریک بن شداد حضرمی، صیفی بن فسیل شیبانی، قبیصه بن

ص: ۱۵۱

ضبیعه عبسی، محرز بن شهاب سعدی، کدام بن حیان عنزی و عبدالرحمن بن حسان عنزی. محل مدفن سرهای شهدا در نزدیک در ورودی مسجد و در سمت راست قرار دارد. (۱)

۷. غار هابیل و قابیل (مغاره الدم)

در کوه قاسیون، در محله الاربعین، غاری است که گویند حضرت هابیل در آنجا توسط برادرش قابیل کشته شد. (۲) هنگامی که حضرت هابیل علیه السلام در مکان مسجد اُموی و بر صخره‌ای به نام صخره قربان، گوسفندی را برای قربانی به درگاه خداوند تقدیم داشت، آتشی فرود آمد و آن را بر گرفت، بدین معنا که قربانی او پذیرفته شد؛ در این هنگام، قابیل نیز شاخه‌هایی از گندم را بر این صخره قرار داد ولی مورد قبول خداوند قرار نگرفت و همانند هابیل، آتشی، قربانی او را شعله‌ور نساخت لذا او کینه برادر را به دل گرفت. وی به دنبال هابیل علیه السلام در دامنه کوه قاسیون روان شد و کینه و حسد، در او همچنان شعله‌ور و به دنبال راهی برای از بین بردن برادر بود. در این حال شیطان بر او ظاهر شد و وی را به این امر تعلیم داد. قابیل نیز در نزدیکی قله کوه، در یک فرصت مناسب با سنگی بر سر برادر زد و او را به قتل رسانید. (۳) خون هابیل بر صخره و سنگی در آنجا ریخت، سپس نعش برادر را برداشت و همواره سرگردان بود تا این که چند فرسخ آن طرف‌تر به وسیله آموزشی که از دفن یک کلاغ دیده بود او را مدفون ساخت. اکنون قبر هابیل در آن مکان معروف است که شرح آن در جای خود خواهد آمد. مکانی که خون هابیل در آن ریخته شد به «مغاره الدم» معروف شده است. گویند دعا در آنجا مستجاب است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده: «در دمشق کوهی است که به آن قاسیون گویند، در آن،

۱- طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۷۸.

۲- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۱۲ ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۱۱۸؛ شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲، ص ۴۲۱.

۳- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۱۲، حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۶.

ص: ۱۵۲

فرزند آدم برادرش را کشته و خداوند عیسی و مادرش مریم را از خطر یهود پناه داده است؛ پس اگر به آن مکان رفتید از دعا در آن غافل نشوید. (۱) گفته می‌شود بعضی در این غار به استسقاء می‌نشسته و دعایشان مستجاب می‌شده است و اگر مردم دعایی داشتند به این مکان می‌رفتند. همچنین گویند یحیی بن زکریا و مادرش چهل روز در این غار اعتکاف کرده‌اند.

مکان مغاره الدم کمی پایین‌تر از غار اصحاب کهف و کنار مغاره الجوع است. امروزه این محل به «الاربعة» یا «جوعیه» معروف و نزد مردم دمشق شهرت دارد. از آخر محله اربعین تا مغاره الدم حدود بیست دقیقه در دامنه کوه راه است که به وسیله پلکان‌هایی که از سنگ و سیمان ساخته شده صعود بر آن آسان گشته است. در این مکان قبه و مسجد کوچکی با گنبدی از گچ و سیمان و به رنگ سبز ساخته شده که مغاره الدم و مغاره الجوع هر دو در این مسجد قرار دارند. ابن حورانی گوید: حضرت عیسی بن مریم و حواریون نیز در این غار نماز گزارده‌اند. ابن بطوطه نیز گوید: حضرت ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و لوط علیه السلام در آن نماز گزارده‌اند.

۸. غار اربعین

در کوه قاسیون و در محله الاربعة، کنار مغاره الدم، مغاره الجوع قرار دارد. گفته می‌شود در این مکان چهل پیامبر و یا به روایتی چهل تن از صالحان و اولیاء خدا از گرسنگی وفات یافته‌اند. (۲) این پیامبران که از سوی حکومت‌های ستمگر مورد تعقیب بوده‌اند به کوه قاسیون پناه آورده و در آنجا روزگار می‌گذرانیدند، ایشان یکی پس از دیگری از فرط گرسنگی و سختی وفات یافته‌اند. احمد پاشای وزیر در سال ۱۰۱۸ قمری در این مکان و در مغاره الدم مسجدی بنا کرد. (۳)

۱- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۱۱۸.

۲- شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲، ص ۴۲۱.

۳- ابن عبدالحادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۱۹۲.

ص: ۱۵۳

۹. غار اصحاب کهف

در کوه قاسیون و در غرب مغاره الدم و مغاره الجوع، غار و مقامی به نام اصحاب کهف وجود دارد. هرچند که این امر از لحاظ تاریخی مستند نیست ولی مورد توجه مردم منطقه است، شایان گفتن است، مکان و غار اصحاب کهف در چند منطقه از جمله افسوس از شهرهای روم (۱)، طرسوس و رجیب (در هشت کیلومتری عمان پایتخت اردن) احتمال داده شده است که مورد آخری صحیح تر است. (۲) در هر صورت، این غار در دامنه کوه و در محله محی الدین قرار دارد. کوچه‌های بسیار تنگ، باریک، پرپیچ و خم دارد. عبور و مرور با ماشین در آن به سختی امکان‌پذیر است و مهارت زیادی لازم دارد. بر مکان اصحاب کهف، مسجدی بود که به مرور از بین رفته است و اکنون مدرسه‌ای به جای آن به نام «مدرسه فرقان» برای طلاب خارجی ساخته شده است. داخل این مدرسه و در طبقه بالایی آن، داخل سالنی غاری به طول پنج متر و ارتفاع ۲/۵ متر دیده می‌شود که به وسیله دری آهنین از این سالن جدا می‌شود.

اماکن سیاحتی دمشق

مسجد اموی

اشاره

مسجد اموی، قدیمی‌ترین مسجد سوریه و یکی از قدیمی‌ترین مساجد مسلمانان است، تاریخ بنای این مسجد سال ۸۶ قمری است. این مسجد شاهکار هنر اسلامی به شمار می‌رود و در قلب شهر دمشق و در انتهای بازار حمیدیه قرار دارد. این مسجد تاریخی بسیار کهن دارد که به چند هزار سال قبل باز می‌گردد، و بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این محل در گذشته معبد خدای «حدد» رب‌النوع آرامی است. این رب‌النوع در هزاره اول قبل از میلاد پرستیده می‌شد و این معبد یکی از معابد آن روزگار بود و مؤمنان از مناطق مختلف آرامی برای زیارت آن می‌آمدند و این معبد

۱- مسعودی، مروج الذهب و معدن الجواهر، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲- عظیمی حلبی، تاریخ حلب، ص ۶۶.

ص: ۱۵۴

بر روی تپه‌ای قرار داشت و برای ورود به درون آن از پله استفاده می‌شد و در اطراف معبد دو بارو داخلی و خارجی وجود داشت و باروی داخلی آن دو دروازه در سمت شرق و غرب وجود داشت که برخی از ستون‌های آن تا کنون برجای مانده است.

در دوران سلطه هخامنشیان بر سرزمین شام، این معبد به محلی برای پرستش اهورامزدا تبدیل شد و با ورود رومی‌ها به سرزمین شام این معبد به محلی برای معبد ژوپیتر که بزرگ‌ترین خدای رومی‌ها بود مبدل شد. رومی‌ها براساس معماری رومی تغییراتی در معبد دادند و مخصوصاً در دوران حکمرانی سلوکیان در سوریه معبد توسعه داده شد و آثار تاریخی برجای مانده از آن دوره به صورت ستون‌ها و سرستون‌های رومی همچنان در سمت غربی مسجد برجای مانده است. همچنین طاق رومی موجود در این قسمت یکی از آثار باستانی آن دوره است.

در دوره قدرت گرفتن مسیحیان در روم و ظهور امپراتوری روم شرقی، سرزمین شام و مناطق پیرامون آن در تحت سیطره امپراتوری روم شرقی قرار گرفت و معبد به کلیسای قدیس یوحنا معمدان تبدیل شد زیرا که در داخل آن آرامگاه حضرت یحیای تعمیددهنده قرار داشت.

در سال ۱۶ قمری وقتی که لشکریان مسلمان شهر دمشق را محاصره کردند، از یک سو خالد بن ولید با جنگ و خونریزی از سمت باب الجابیه وارد شهر شد و از سوی دیگر ابو عبیده جراح با امضای قرار داد صلح از دروازه باب الشرقی وارد شهر شد و این دو در مسجد به یکدیگر رسیدند، و به همین علت نیمی از محل مذکور که توسط خالد فتح شده بود به صورت مسجد درآمد و نیمی دیگر که توسط ابو عبیده با صلح گرفته شده بود به صورت کلیسا باقی ماند و مسلمانان و مسیحیان به صورت مشترک در این محل، مراسم مذهبی خود را ادا می‌کردند، مسیحیان که نسبت به دین جدید با بی‌اعتنایی نگریستند با ایجاد سرود و صدای عمدی در مراسم خود از جمله صدای مهیب ناقوس به هنگام اقامه نماز جماعت، خواندن سرودها به صدای بلند نسبت به عبادت مسلمانان مزاحمت فراهم می‌کردند. وقتی معاویه در شام به حکمرانی رسید، تصمیم به الحاق نیمه

ص: ۱۵۵

باقیمانده از کلیسا به مسجد نمود ولی مسیحیان نپذیرفتند، پس از وی عبدالملک بن مروان مال فراوانی به آنان داد تا اجازه دهند این قسمت نیز به مسجد ملحق شود ولی ایشان نپذیرفتند، تا این که ولید بن عبدالملک به حکومت رسید، مال فراوانی به مسیحیان داد و آنان را تهدید کرد که کلیسای باب توما را که با زور گرفته و در صورت عدم پذیرش آنان تخریب خواهد کرد و چون کلیسای باب توما بزرگتر بود، مسیحیان به ناچار راضی شدند و نیمه باقیمانده محل را به مسلمانان واگذار کردند. (۱) بعضی گویند آنان راضی نشدند و ولید تهدید کرد که اگر قبول نکنید خود آن را تخریب می کنم، سپس کلنگ به دست گرفته و دیوار آن را خراب و سپس مسجد را بنا کرد. بعضی گفته اند چند کلیسای دیگر در داخل شهر به مسیحیان داد و آنان را راضی کرد. (۲) مساحت اولیه آن بر اساس آنچه ابن جبیر نقل کرده است از شرق به غرب یعنی در طول دویست گام (حدود ۱۵۰ متر) و از سمت جنوب به شمال یعنی در عرض ۱۳۵ گام (حدود ۱۰۰ متر) بوده و در مجموع به پانزده هزار متر مربع می رسیده است. (۳) ولید بن عبدالملک مالیات هفت سال کشور اسلامی را خرج بنای مسجد کرد و گویند وقتی اسناد مخارج آن را بر هجده شتر بار کردند و برای تصویب نزد خلیفه بردند، وی بدون بررسی همه آنها را تصویب کرد و گفت: این چیزی است که به راه خدا دادیم و در مقابل آن چیزی نمی خواهیم. ولید قبل از بنای مسجد طرح آن را به روم فرستاد و دوازده هزار نفر از مهندسان رومی را برای ساختن آن به دمشق دعوت کرد. عملیات بنای آن در سال ۸۶ هجری آغاز (۴) و بهترین زینت ها و سنگ های مرمر برای تزئین آن به کار رفته و به گفته ابن معلی پولی که در این راه خرج شد داخل یکصد صندوق بود که هر صندوق ۲۲۸ هزار دینار در آن بود و مجموع آن بالغ بر ۲۲۸۰۰۰۰۰ دینار می شد. (۵)

- ۱- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۵ ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۳.
- ۲- نعیمی، الجامع الاموی، ص ۹۹؛ ابن العمری، الجامع الاموی، تحقیق مطیع الحافظ، ص ۵۱.
- ۳- ابن جبیر، الجامع الاموی، تحقیق مطیع الحافظ، ص ۱۳.
- ۴- ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۳.
- ۵- ابن جبیر، الجامع الاموی، ص ۱۳، ابن العمری، الجامع الاموی، ص ۵۲-۵۳.

ص: ۱۵۶

ولید دوازده هزار سنگ رخام و مرمر در آن به کار برد که هزینه آن ۱۴۴ قنطار طلای دمشق بود. هنگام بنای آن کتیبه‌ای از هزاران سال پیش به زبان‌های مختلفی در دیوار قبله و همچنین مناره شرقی یافت که بر آن پندها و اندرزهای اخلاقی نوشته شده بود.^(۱) بنای مسجد در دوران ولید بن عبدالملک هفت سال طول کشید ولی نیمه تمام ماند و بقیه قسمت‌های آن را سلیمان بن عبدالملک تمام کرد.

در دوران خلافت عباسی، والی دمشق اقدام به ساختن گنبد بیت‌المال در حیاط مسجد کرد تا بیت‌المال را در آن نگهداری نمایند. در سال ۱۰۰۶ م. گنبد النوفره ساخته شد، و در سال ۱۰۶۹ م. مسجد دچار آتش‌سوزی شد و آتش‌سوزی در خانه مجاور مسجد شروع شده و سپس به مسجد سرایت کرد و امکان سیطره آن وجود نداشت و قسمت‌های عظیمی از مسجد سوخت ولی بعداً با کمک برخی از اهالی شهر مسجد بازسازی گردید.

در دوران حکومت امیر سلجوقی «تتش»، وزیر وی به هزینه سلطان اقدام به ترمیم گنبد عقاب و ستون‌های چهارگانه و طاق‌های آن و سقف مسجد و مقصوره آن نمود و در سال ۱۰۸۹ م. دیوار شمالی از سمت شرق مسجد ترمیم شد و در سال ۱۱۰۹ م. دیوار شمالی از سمت غرب ترمیم شد و در سال ۱۱۵۰ م. ساعت بزرگی بر روی رواق در شرقی مسجد نصب شد. در سال ۱۱۷۹ م. سلطان صلاح‌الدین ایوبی دستور داد که دو ستون زیر گنبد عقاب و گلدسته شمالی ترمیم شده و یک گلدسته جدید ساخته شود.

در دوران حکومت ملک ظاهر بیبرس ستون‌های مسجد ترمیم شده و تاج‌های آن طلاکاری شده و منبت‌کاری و مرمر آن بازسازی گردید.

۱- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۸؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۶.

ص: ۱۵۷

منبر مسجد اموی

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

در دوران عثمانی نیز تعمیراتی در مسجد اموی انجام شد و یکی از سلاطین عثمانی بعد از نذری که برای حضرت یحیای علیه السلام کرده بود، اقدام به اهدای بزرگ‌ترین شمع جهان نمود تا در کنار مقام ایشان گذاشته شود و در حال حاضر این شمع همچنان در مرقد حضرت یحیی علیه السلام قرار دارد و برای حفاظت از این شمع یک لایه مسی دور تا دور آن قرار داده شده تا مردم برای تبرک قطعاتی از این شمع را برندارند.

در سال ۱۹۹۴ م. آقای حافظ اسد دستور داد تا عملیات بازسازی وسیعی در مسجد صورت گیرد و ستون‌ها و منبت کاری‌ها صورت گرفته و ستون‌های رومی بیرون مسجد بازسازی گردید.

ص: ۱۵۸

گنبد خزانہ یا بیت المال در مسجد اموی
(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

آتش‌سوزی‌ها و زلزله‌های مسجد

مسجد اموی در طول تاریخ دچار آتش‌سوزی‌ها و زلزله‌های متعدد گردید که اولین آتش‌سوزی‌ها در سال ۴۶۱ قمری (۱۰۶۹ م.) روی داد و باعث شد خسارات زیادی به نقاشی دیواری آن و سایر نقش و نگارهای آن وارد شد، ولی مجدداً در سال ۱۰۷۲ م.

تعمیر و بازسازی شد. در سال ۵۶۲ قمری (۱۱۶۶ م.) در معروف به باب الشرقي مسجد کاملاً سوخت و در سال ۵۷۰ قمری (۱۱۷۴ م.) آتش‌سوزی قسمت‌هایی از مسجد را دربر گرفته و به گلدسته شمالی نیز سرایت کرد و در سال ۶۴۵ قمری (۱۲۴۷ م.) آتش‌سوزی بخش‌های شرقی مسجد و از جمله گلدسته شرقی آن را سوزاند. در سال ۸۰۴ قمری (۱۴۰۱ م.) هنگامی که تیمور لنگ به دمشق حمله کرد، وسایل جنگی خود را در حیاط

ص: ۱۵۹

مسجد مستقر کرد و از همان جا به سوی قلعه دمشق آتش گشود که در اثر این کار بخش‌هایی از مسجد دچار حریق گردید. در سال ۸۸۴ قمری (۱۴۷۹ م.) مسجد دچار آتش‌سوزی شده و گلدسته غربی، باب الزیاده و باب الغربی و رواق شمالی تا کلاسه در آتش سوخت. در سال ۱۳۱۱ قمری (۱۸۹۳ م.) نیز آتش‌سوزی وسیعی در مسجد روی داد که علت آن سهل‌انگاری یکی از کارگران شاغل در مسجد بود و منجر به آتش گرفتن سقف چوبی مسجد شد. آتش‌سوزی دو ساعت و نیم به طول کشید و خسارت‌های زیادی به سقف و دیوارها و ستون‌های مسجد وارد شد و باعث شد تا قرآن عثمانی (۱) که توسط خلیفه سوم به سرزمین شام فرستاده شده بود در این حادثه سوخته و از بین برود.

مردم دمشق پس از آتش‌سوزی اقدام به برطرف کردن آثار سوختگی نموده و جمع‌آوری کمک‌های نقدی برای بازسازی مسجد کردند و در سال ۱۸۹۶ م. به دستور ناظم پاشا حکمران عثمانی دمشق بازسازی شروع شد و روزانه پانصد کارگر فنی در آن به کار مشغول شدند و بازسازی مسجد نه سال به طول کشید و هزینه بازسازی آن بالغ بر هفتاد هزار لیره عثمانی گردید.

زلزله‌های متعددی در طی سال‌های گذشته به بنای مسجد اموی آسیب رساندند که از آن جمله می‌توان زلزله‌های سال ۵۵۲ قمری (۱۱۵۷ م.) و سال ۵۹۷ قمری (۱۲۰۰ م.) و بالا-خره زلزله سال ۱۱۷۳ قمری (۱۷۵۹ م.) را نام برد.

گلدسته‌های مسجد

مسجد اموی سه گلدسته بزرگ دارد که از سنگ و به صورت مربع ساخته شده و در سمت شمال، جنوب غربی و جنوب شرقی مسجد قرار دارند.

۱. گلدسته شمالی: این گلدسته به نام مناره عروس، مناره سفید و مناره کلاسیه نامیده می‌شود، و کلاسیه نام محله‌ای است که در کنار این گلدسته قرار دارد و علت تسمیه

۱- عثمان در دوران خلافت خود اقدام به تهیه قرآن نموده و آن را به تمامی سرزمین‌های تابع خلافت اسلامی فرستاد تا مورد استفاده مسلمانان قرار گیرد، این قرآن بعدها به نام قرآن عثمان شناخته شد.

ص: ۱۶۰

آن به مناره عروس این بوده است که در زمان‌های قدیم که وسایل ارتباط جمعی وجود نداشته در هنگام اعیاد اسلامی نظیر عید فطر و عید قربان، برای این که به مردم اطلاع دهند که عید فرا رسیده است، این گلدسته را با پارچه‌های رنگین آذین‌بندی می‌کردند و با توجه به این که گلدسته مذکور تقریباً از همه جای دمشق قابل رؤیت بود، مردم دمشق با مشاهده آن در می‌یافتند که عید فرا رسیده است.

۲. گلدسته شرقی: این مناره به مناره سفید و مناره عیسی نیز معروف است، گویند در آخرالزمان حضرت عیسی علیه السلام بر این مناره فرود خواهد آمد. در گذشته سنگی در این مناره بوده که می‌پنداشتند قطعه‌ای از همان سنگ است که موسی با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه از آن جاری شد. نعیمی در قرن نهم کتیبه‌ای یونانی به تاریخ ۲۲۴ قبل از میلاد بر روی مناره شرقی مشاهده نموده است. (۱) نام دیگر این مناره، مناره نوفره است که نوفره نام محله‌ای در کنار این مناره است.

۳. گلدسته غربی: این مناره به مناره مسکيه یا مناره قایتبای معروف است، مسکيه در لغت عربی به معنی عطر و مشک است و چون این مناره نزدیک بازار مشک‌فروشان بوده به این نام نامیده می‌شده است و اما قایتبای در حقیقت نام یکی از پادشاهان مماليك شام است که به او اشرف قایتبای می‌گفتند و همو بود که در سال ۱۴۸۸ م. دستور بازسازی مسجد و مناره آن را صادر کرده بود. (۲)

گنبد‌های مسجد

مسجد اموی چهار گنبد دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱. گنبد عقاب: که در زبان عربی به آن قبه النسر می‌گویند و علت تسمیه این گنبد به عقاب این بوده است که گنبد و رواق‌های جانبی آن به مانند عقاب هستند که گنبد بزرگ

۱- مسعودی، مروج الذهب و معدن الجواهر، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲- الشهابی، قتیبه، دمشق تاریخ و صور، چاپ سوم، دمشق، مؤسسه النوری للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۴.

ص: ۱۶۱

به مثابه سر عقاب و نصف جدار بین دو ستون از سمت راست و نصف دوم از سمت چپ، دو بال او هستند. این گنبد بزرگ‌ترین بنای فوقانی مسجد است که بر فراز شبستان قرار دارد و از سنگ مرمر می‌باشد، ارتفاع این گنبد ۳۶ متر است.

گنبد ساعات در مسجد اموی

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

۲. گنبد خزانه: یا گنبد بیت‌المال که در سمت غربی صحن مسجد قرار دارد این گنبد در سال ۱۷۲ قمری به وسیله امیر دمشق «فضل بن صالح بن علی» پسر عموی منصور عباسی ساخته شد و چون اموال و ذخائر مسجد در آن نگهداری می‌شد به آن قبه المال

ص: ۱۶۲

می گفتند. این گنبد بزرگ‌تر از دو گنبد دیگر است و هشت ستون مستطیل از مرمر زیر آن قرار دارند. این گنبد دارای نقاشی‌های زیبا و مزین به فسيفساء^(۱) است و دری کوچک دارد، برای ورود به درون گنبد از نردبان استفاده می‌شده است.^(۲) ۳. گنبد ساعات: نام دیگر آن گنبد امام زین‌العابدین علیه السلام است. این گنبد در شرق صحن و در کنار باب الساعات قرار دارد و در قرن پنجم هجری ساخته شده و چون نزدیک در باب الساعات قرار داشته بدین نام معروف شده است، از علت تسمیه آن به گنبد امام زین‌العابدین علیه السلام اطلاعی در دست نیست و تنها گفته می‌شود که امام زین‌العابدین قبلًا در این محل نماز خوانده است و بعدها به یادبود ایشان این گنبد ساخته شده است.

۴. گنبد نوفره: نام دیگر آن گنبد عایشه و یا غواره است. این گنبد بین دو گنبد ساعات و گنبد خزانه قرار دارد و در زیر آن حوضی وجود دارد. گنبد مذکور در سال ۳۶۹ قمری ساخته شد. در زلزله ۱۱۷۳ قمری تخریب شد و عثمان پاشا در سال ۱۱۸۲ قمری آن را بازسازی کرد. این گنبد کوچک بر روی شش ستون از سنگ مرمر قرار دارد. گنبد یاد شده به صخره قربان نیز معروف بوده است. گویند حضرت هابیل قربانی خود را که گوسفندی بود بر این صخره قرار داد و چون مورد قبول حق قرار گرفت به وسیله آتش سوخت و قربانی قابیل که گندم بود پذیرفته نشد و به همان حال باقی ماند لذا به برادرش حسادت کرد و او را در کوه قاسیون به قتل رساند. از آن روز این مکان به صخره قربان معروف شد.

۱- نوعی هنر معماری است که با گذاشتن سنگ‌های ریزه رنگین اقدام به ساختن تابلوهای نقاشی مختلف می‌کردند.

۲- نعیمی، الجامع الاموی بدمشق، ص ۱۱۳.

ص: ۱۶۳

گنبد نوفره در مسجد اموی
(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

درهای مسجد

مسجد اموی چهار در دارد که عبارتند از:

۱. در شمالی: این در به باب الفردیس و باب النطافین و اخیراً به باب العماره معروف شده است.
۲. در غربی: این در به باب البرید معروف بوده و برید در زبان عربی به معنی چاپار و پست می‌باشد و در گذشته وقتی که پیکر نامه‌ای را برای حکمرانان دمشق می‌آورد، از این در وارد مسجد می‌شد و نامه را به حاکم دمشق می‌داد. این در رو به بازار مسکیه یا مشک فروشان باز می‌شود.
۳. در جنوبی: این در سمت دیوار قبله و جنوب مسجد قرار دارد و به آن باب الزیاده و یا باب القوافین نامیده می‌شود و علت تسمیه آن به باب الزیاده این است که این در

ص: ۱۶۴

بعدها به مسجد افزوده شده است. این در تنها دری است که مستقیماً به درون شبستان مسجد راه دارد. در دوران عثمانی ها به آن باب العنبرائین نیز می گفته اند.

۴. در شرقی: این در باب جیرون نامیده می شد و امروزه به باب نوفره مشهور است. این در بزرگ ترین در مسجد بوده و به آن باب الساعات و باب کلاسه و باب اللبادین نیز گفته اند و روایت شده است که اسرای اهل بیت علیه السلام از این در وارد مسجد شده اند. مقام رأس الحسین علیه السلام در کنار این در قرار دارد. (۱)

آثار و مقام انبیا و اولیا در مسجد اموی

۱. قبر حضرت یحیی علیه السلام

حضرت یحیی یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود که توسط حکمران رومی سرزمین شام به شهادت رسید و سر مطهر آن حضرت در داخل مسجد اموی به خاک سپرده شده است.

۲. مقام حضرت هود علیه السلام

این مقام در سمت چپ مقام حضرت یحیی علیه السلام و در مقابل ستون چهارم در دیوار قبله از سمت شرق شبستان قرار دارد و بر سنگ دیوار قبله به خطی زیبا در زمینه سبز نوشته شده است «هذا مقام هود النبی» در این مکان در دوران ولید کتیبه ای یافتند که وقتی ترجمه کردند پند و اندرزهایی از حضرت هود بود. بسیاری از مورخان دمشق معتقدند که قبر هود علیه السلام در این جا است. اما قول صحیح آن است که قبر هود علیه السلام در کنار قبر صالح علیه السلام در وادی السلام نجف می باشد. (۲) بعضی گویند این جا محل دفن معاویه بن ابی سفیان است و چون بنی امیه از خوارج وحشت داشتند که مبادا قبر او را شکافته و او را از قبر بیرون آورند، تصمیم گرفتند که او را

۱- الشهابی، دمشق تاریخ و صور، چاپ سوم، دمشق، موسسه النوری للطباعة و النشر، ۱۹۹۴.

۲- مقدس، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق، ص ۱۰۴- / ۱۰۵.

ص: ۱۶۵

در دیوار قبله مسجد اموی دفن نمایند. (۱) اما این روایت صحیح نمی‌باشد زیرا که در دوران حکومت معاویه و پس از آن، مقام حضرت خضر در قسمت مسیحی‌نشین که کلیسا بوده قرار داشته و این قسمت تا دوران پادشاهی ولید بن عبدالملک در دست مسیحیان بود و آنان اجازه نمی‌دادند که مسلمانان به این قسمت بیایند.

۳. مقام حضرت خضر علیه السلام

حضرت خضر علیه السلام بنا به قولی یکی از پیامبران الهی و بنا به قول دیگر یکی از حکمای الهی است که اماکن زیادی در عراق، سوریه، ایران به نام مقام خضر علیه السلام نامیده شده است. اهالی شام معتقدند که حضرت خضر همواره در مسجد اموی نماز می‌گذاشته و مکان نماز ایشان در سمت شرقی قبله (جنوب شرقی) نزدیک مناره شرقی بوده است.

اکنون نزدیک به محراب اصلی و به موازات مقام هود علیه السلام بر دیوار قبله، عنوان «هذا مقام خضر النبی» بر تابلویی سبز دیده می‌شود.

۴. مقام رأس الحسین علیه السلام

پس از آوردن سر مطهر امام حسین علیه السلام به همراه سایر سرهای شهدای کربلا علیه السلام، سر مطهر آن حضرت را به مدت سه روز در اتاقی در گوشه شمال شرقی مسجد قرار دادند.

بعدها در آن جا بقعه‌ای به یادبود این حادثه غم‌انگیز ساختند که به مقام رأس الحسین علیه السلام مشهور گردید. این مکان پس از محراب امام زین‌العابدین علیه السلام در داخل اتاقی به ابعاد ۴ * ۳ متر قرار دارد و در جدار داخلی گنبد آن اسامی ائمه نقش بسته است. در سمت چپ این اتاق ضریحی قرار دارد که قبلاً از جنس چوب بود و اخیراً آن را مرمرکاری نموده و ضریحی نقره‌ای بر روی آن نصب کرده‌اند. این ضریح به صورت مستطیل با ابعاد ۱/۵ * ۱ متر می‌باشد. در داخل ضریح پایه‌ای مستقر است و بالای آن چیزی به شکل سر با پوشش

ص: ۱۶۶

سبز رنگ قرار دارد که گویا از چوب یا سنگ ساخته شده است.

در داخل شبستان محفظه‌ای از نقره و بسیار کوچک به اندازه سر یک انسان در داخل دیوار به یاد محل قرار دادن سر مبارک حضرت جاسازی شده است که معمولاً زائران آن را می‌بوسند.

بر بالای این محفظه ابیاتی به زبان ترکی بدین شرح نوشته شده است:

شهید کربلا سبط احمد مصطفی در بودو چشم فاطمه فحل علی مرتضی در بو

نادیله زیارت آیه کل بو بقیه یاکی که زیرا موضع راس حسین مجتبی در بو

که آن را محمد فکری الحسینی در سال ۱۲۹۱ قمری سروده است.

۵. محراب امام زین العابدین علیه السلام

محراب کوچکی است که قبل از مقام رأس الحسین علیه السلام قرار گرفته است و از سنگ مرمر سفید و زیبایی ساخته شده است. نقل است که امام سجاد علیه السلام در دوران اسارت خود در شام، شبانه‌روز در این محل به عبادت مشغول بوده است. ابن عساکر مؤلف تاریخ دمشق گوید: آن حضرت در هر شبانه‌روز، هزار رکعت نماز می‌گذاشته است. این محراب در سمت شمال شرقی مسجد قرار گرفته و مسلمانان از همه فرق و مذاهب بدانجا روی آورده و به نماز مشغول می‌شوند.

۶. محل نزول حضرت عیسی علیه السلام

در صحیح مسلم یکی از کتاب‌های شش‌گانه حدیث اهل تسنن آمده است که حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان در کنار مناره شرقی مسجد اموی نزول خواهد کرد و کنار آن گلدسته، قطعه سنگی وجود دارد که گویند حضرت موسی علیه السلام در کوه طور با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه جاری شد. این سخنان سندیت ندارد و در مورد محل نزول حضرت عیسی علیه السلام اقوال مختلفی وجود دارد، برخی را اعتقاد بر این است که ایشان در بیت المقدس در فلسطین و برخی دیگر گویند در کنار خانه کعبه در مکه نزول

ص: ۱۶۷

خواهد کرد و اما در خصوص سنگ حضرت موسی علیه السلام باید گفت که کوه طور در صحرای سینای فعلی قرار دارد که فاصله زیادی با دمشق دارد.

در گوشه‌ای از حیاط بزرگ مسجد اموی و در نزدیکی مقام رأس الحسین علیه السلام گاری چوبی بزرگی قرار دارد که علت آن به حادثه آخرین آتش‌سوزی مسجد در سال ۱۸۹۳ م.

بازمی‌گردد. در این آتش‌سوزی قسمت اعظم مسجد آتش گرفت و اهالی شام ناچار شدند که مسجد را کاملاً بازسازی نمایند و در هنگام بازسازی از گاری مذکور برای آوردن چوب و سنگ به داخل مسجد استفاده شد و پس از پایان کار و تعمیر مسجد، گاری را در گوشه‌ای از حیاط مسجد قرار دادند تا اگر بار دیگر مسجد دچار آتش‌سوزی شد از این گاری استفاده شود که خوشبختانه از آن زمان تا کنون مسجد دیگر دچار حریق نگردید.

شبستان مسجد اموی

شبستان مسجد چهل و چهار ستون دارد که بیست ستون در سمت شرق و بیست ستون در سمت غرب دارد و چهار ستون بزرگ و اصلی به ابعاد ۳*۲ متر در وسط دارد که پایه‌های گنبد بزرگ مسجد یعنی گنبد عقاب «قبة النسر» می‌باشد. ارتفاع داخلی این گنبد بیش از سی متر است و تماماً از سنگ ساخته شده و از درون با گچ تزیین شده و بر روی آن اسامی الله و محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای راشدین نقش بسته است. بر روی چهل ستون مذکور چهل ستون کوچک‌تر دیگر قرار دارد. این ستونها به صورت هلالی شکل هستند که سقف مرتفع مسجد را نگه داشته‌اند. سقف مسجد از الوارهای بزرگ چوبی ساخته شده است که بر روی آنها نقش و نگارهایی کشیده شده است. سرتاسر دیوارهای مسجد را پنجره متعددی پوشانده است که با شیشه‌های رنگارنگ تزیین و در هنگام تابش آفتاب شعاع رنگینی را در سرتاسر مسجد می‌افکند. شبستان سه در دارد که یکی به بیرون مسجد و دو در دیگر به داخل حیاط راه دارد. در وسط مسجد و در زیر گنبد عقاب محوطه وجود دارد که در دوران عثمانی محل نشستن والی دمشق و درباریان

ص: ۱۶۸

وی بوده است و امروزه در ماه رمضان از آن برای برگزاری جلسات قرار استفاده می‌شود. در مقابل محراب نیز جایگاه قرار دارد که با نرده‌های چوبی از سایر نقاط مسجد مجزا شده است و امروزه زنان در آن به نماز می‌ایستند. در گذشته این مکان برای عبادت زنان حکمران مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در شبستان چهار محراب قرار دارد که هریک مخصوص یکی از فرق چهارگانه اهل سنت است. یکی از آن‌ها در وسط و دو محراب دیگر در سمت راست آن و محرابی نیز در سمت چپ آن قرار دارد. محراب وسط که اصلی و بزرگ‌تر از بقیه است مخصوص مالکی‌ها است. محراب‌های سمت راست از حنفی‌ها و حنبلی‌ها و محراب سمت چپ نیز از آن شافعی‌ها است. در عصر ممالیک در هر چهار محراب نماز می‌گذاشته‌اند. (۱) محراب مالکی‌ها که در کنار منبر قرار دارد به محراب الصحابه نیز معروف است. این نخستین محراب مسلمانان در صدر اسلام بوده که در بنای آغازین مسجد ساخته شده و مالکی‌ها در قرن هشتم هجری در آن نماز می‌گذاشته‌اند. قابل ذکر است که هریک از این محراب‌ها موزن، مدرس، امام و جماعتی از فقها داشته‌اند که در کنار آن به تدریس و خطابه می‌نشسته‌اند. (۲) در کنار محراب مالکی‌ها منبر بسیار بلندی از جنس سنگ مرمر قرار دارد که در هنگام مراسم و اعیاد خطبای مسجد از آن استفاده می‌کرده‌اند. این منبر یک در دارد که معمولاً همیشه قفل است. در هنگام ورود اسرای اهل بیت علیه السلام، به مسجد اموی، در محل مذکور منبری از چوب بوده است که امام زین‌العابدین علیه السلام از آن منبر بالا رفته و خطبه مشهور خود را برای مردم کردند. منبر چوبی بعدها در اثر آتش‌سوزی از بین رفت، و منبر فعلی از سنگ‌های مرمر ایتالیا ساخته شده است و بر بالای آن گنبد کوچکی قرار دارد و از آثار معماری دوره عثمانی به شمار می‌رود.

در گوشه شرقی محراب اصلی مسجد، مخزنی است که صندوق بزرگی داخل آن

۱- العلبی، دمشق بین عصر الممالیک و عثمانی، ص ۱۶۶.

۲- ابن عمری، الجامع الاموی، ص ۶۷، ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۴.

ص: ۱۶۹

است. در این صندوق یکی از قرآن‌های عثمان خلیفه سوم قرار دارد. این قرآن در دوران وی به سوی شام فرستاده شده بود. در روزهای جمعه این مخزن باز و مردم آن قرآن را تبرک می‌کنند. (۱) البته به نظر نمی‌رسد این قرآن دوران خلیفه سوم باشد زیرا قرآن مذکور در یکی از آتش‌سوزی‌های بزرگ مسجد سوخته است.

در کنار در شرقی شبستان و در فاصله بیست متری آن، بقایای استوانه و چاهی است که گویند مسیحیان در زمانی که این محل کلیسا بوده است، فرزندان خود را در آن غسل تعمید می‌داده‌اند. اکنون دهانه چاه و استوانه‌های اطراف آن که از مرمر ساخته شده وجود دارند ولی چاه پوشیده شده است.

موزه مسجد اموی

در سال ۱۹۸۹ م. در زاویه شمالی نزدیک مسجد موزه‌ای به نام موزه مسجد اموی راه‌اندازی گردید که در این موزه بسیاری از اشیای گرانبها و قدیمی مسجد و برخی از قالی و تابلوهای نفیس و چراغ‌های قدیمی و سنگ‌های فسيفساء و آبگینه‌ها و سکه و ساعت‌ها و قرآن‌های قدیمی نگهداری می‌شود.

قلعه دمشق

شهر دمشق در طول تاریخ حیات خود، از موقعیت خاص نظامی و سوق‌الجیشی برخوردار بوده، لذا بنای قلعه‌ای مستحکم برای حفاظت و امنیت آن و استقرار فرماندهی نظامی جنگ‌ها، به ویژه هنگام جنگ‌های صلیبی، امری ضروری بوده است. این قلعه در دوران رومی‌ها ساخته شده و برای محافظت از شهر، حالت دژمانندی داشته است. قلعه دمشق در سمت شمال غربی بخش قدیمی دمشق قرار دارد و خندقی به عمق ۲۰ متر گرداگرد آن را فرا گرفته بود.

۱- ابن عمری، الجامع الاموی، ص ۲۲؛ العلبی، دمشق بین عصر الممالیک والعثماني، ص ۱۶۶؛ النعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۳۰۷؛ ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۴.

ص: ۱۷۰

مساحت قلعه در حال حاضر ۳۳۱۷۶ متر مربع است و در گذشته چهار دروازه داشته که در حال حاضر سه دروازه آن برجای مانده است. شکل قلعه مستطیل بوده و ۱۲ برج دارد و در داخل آن تعداد زیادی قصر و منزل و مغازه و مسجد ابوالدرداء و انبارهای غلات و آسیاب قرار داشته است. این قلعه در قرون مختلف تاریخی محل سکونت سلاطین و پادشاهان و امرای و وزرا و علمای مختلف بوده است. در دوران سلجوقیان «أتسز فرزند أوق» در سال ۱۰۷۶ م. اقدام به بازسازی بناهای درون قلعه و برج‌های آن نمود. قلعه دمشق در دوران سلجوقیان در قرن پنجم قمری به صورت یک قلعه کامل و پایگاهی نظامی در آمده است. این قلعه در دوران صلاح‌الدین ایوبی به سال ۵۷۰ هجری پایگاه نظامی وی در جنگ‌های صلیبی بود، لذا وی به امر توسعه آن همت گماشت قلعه یاد شده در سال ۶۱۰ قمری نیز به وسیله ملک عادل، برادر صلاح‌الدین، توسعه یافت. وی که از رزمندگان و فرماندهان بزرگ سپاه اسلام در نبرد با صلیبی‌ها بود، این قلعه را وسعت بسیار بخشید و حتی به احداث کارخانه اسلحه سازی، ضرب سکه، بیت‌المال، زندان، حمام، مسجد و بازار در آن پرداخت و درحقیقت آن را به یک شهر کوچک نظامی تبدیل کرد.

قلعه دمشق که به صورت مستطیل و دارای ابعاد ۲۲۰ * ۱۶۰ متر است، به وسیله خندقی که اطراف آن حفر شده بود محافظت می‌شد. چهار برج دیده‌بانی مرتفع نیز در اطراف آن قرار داشت. عمق خندق یکصد ذرع، برابر با پنجاه متر، و مملو از آب بود. بر در اصلی قلعه و روی خندق، پلی متحرک ساختند که هنگام ورود یا خروج افراد، باز و بسته می‌شد.

در این قلعه، به راحتی حدود بیست هزار مرد جنگی با اسبان خویش جای می‌گرفتند. قلعه، دری مخفیانه به نام «باب السر» داشت که به وسیله پلی که از چوب بر روی خندق نهاده می‌شد، می‌توانستند به آن راه یابند. در کنار قلعه دمشق بازاری به نام «الخیل» قرار داشت که در آن نیروهای نظامی به تعمیر اسلحه و رسیدگی به اسب‌های خود می‌پرداختند.

ص: ۱۷۱

قلعه دمشق در هجوم تیمور لنگ دچار حریق و ویرانی گردید، اما پس از چندی دوباره بازسازی شد. در دوران عثمانی‌ها قلعه محل استقرار سپاه انکشاریه بود که فرماندهی آنان را «آغای قلعه» برعهده داشت و در دوره‌های مختلف قلعه محل سکونت حکمرانان عثمانی دمشق بوده است و از بزرگانی که در قلعه سکونت داشتند می‌توان از سلطان نورالدین زنگی، سلطان صلاح‌الدین ایوبی و سلطان ظاهر بیبرس نام برد. قلعه مذکور اکنون در کنار بازار و میدان حمیدیه، جلوه‌ای تاریخی و نظامی به شهر بخشیده است. دیوارهای آن از سنگ‌های بزرگ است و هنوز برج‌های آن در هر چهار سمت سالم بر جای مانده است. بر دیوار پشت قلعه که از طرف جامع اموی به آن راه است، دو کتیبه به خط نسخ و کوفی دیده می‌شود که از ترمیم و تجدید بنای آن در دوره ملک عادل یاد می‌کند. قلعه در دهه گذشته پایگاه پلیس بوده و از آن به عنوان زندان مرکزی شهر استفاده می‌شده است، ولی امروزه پس از تعمیر و بازسازی به موزه‌ای نظامی تبدیل شده است.

قلعه دمشق

ص: ۱۷۲

کتابخانه ظاهریه

این کتابخانه یکی از قدیمی ترین کتابخانه دمشق به شمار می رود. این کتابخانه را ملک ظاهر بیبرس در سال ۷۶۷ قمری بنا کرد. این کتابخانه در نزدیکی مسجد اموی واقع شده است و دربرگیرنده کتاب های خطی فراوانی است که مسلمانان در طی سال های دراز وقف آن کرده اند. این محل در آغاز مدرسه دینی بود و بعدها به کتابخانه تبدیل شد. پس از بنای کتابخانه اسد، تمامی نسخه های خطی این کتابخانه به کتابخانه اسد منتقل گردید.

قبر سلاطین و بزرگان

قبر شیخ محی الدین ابن العربی

ابو عبدالله محمد بن علی بن محمد حاتمی طائی اندلسی مکی شامی معروف به «ابن عربی» از عرفا و زهاد قرن ششم هجری و صاحب تألیف مشهور فتوحات مکیه والفصوص الحکم است. او از نویسندگان فعال و پرکار بود، که حدود ۳۰۰ اثر تألیف داشته است. ابن عربی از خاندان فضل بزرگی بوده و قبله قائلان به وحدت وجود محسوب می گشته است.

مکان جامع و مدرسه محی الدین بن عربی در صالحیه، محله محی الدین کنونی، و در دامنه کوه قاسیون قرار دارد. این محله دارای کوچه های پرپیچ و خم و بازاری قدیمی است که حدود هشت قرن به همین نام مشهور بوده است.

جامع محی الدین که بر مزار ابن عارف قرار دارد به دست سلطان سلیم عثمانی در ۹۱۳ هجری ساخته شده و کتیبه ای نیز بر بالای در ورودی آن، تاریخ و بانی این بنا را نشان می دهد. به نظر می رسد بنای جامع پس از دوره عثمانی تعمیر و ترمیم شده و گنبد و نمای آن بسیار ساده و از سیمان و گچ است. در جنوب صحن و سمت چپ شبستان جامع پلکانی است که صحن را به زیر زمین متصل می سازد و قبر محیی الدین نیز در این زیر زمین است. بر دیواره سمت راست پلکان ورودی کتیبه ای به خط زیبا از دوران عثمانی

ص: ۱۷۳

است که چند بیت شعر به زبان ترکی بر زمینه سبز نوشته شده است. در این زیرزمین که به ابعاد ۶*۳ متر است، قبر محی الدین در وسط قرار گرفته و محفظه‌ای از شیشه به صورت ضریح مانندی قبر او را احاطه کرده است. بر روی سنگ قبر مذکور که مرمرین است شرحی از زندگی محی الدین حجاری شده است. در کنار مقبره وی سه قبر دیگر دیده می‌شود. قبر اول از شیخ حسن جزایری، قبر دوم از محمود خربوطلی (احتمالاً برادر امین خربوطلی مؤلف مشهور سوریه) و امام جماعت مسجد و قبر سوم نیز از داماد اسعد پاشای عثمانی است.

در بیرون جامع و سمت چپ یعنی کنار مناره، قبرستان کوچکی است که چند تن از والیان و امرای دوره عثمانی در آن مدفون هستند.

قبر معاویه بن ابی سفیان

در مورد محل دفن معاویه بن ابی سفیان اختلاف نظر است، برخی معتقدند که وی را در دیوار قبله مسجد اموی در سمت مقام حضرت خضر به خاک سپرده‌اند که این موضوع استناد تاریخی نداشته و صحت ندارد، برخی دیگر معتقدند که وی در پشت مسجد اموی در کوچه‌ای که به نام کوچه معاویه (زقاق معاویه) مشهور به خاک سپرده شده است. این مقبره نیمه مخروبه بوده و گنبدی نیز بر فراز آن قرار دارد که به رنگ قرمز بوده و بیشتر رنگ آن ریخته است. در این گنبد و مقبره که در داخل محوطه‌ای کوچک و در آخر کوچه بسیار باریکی قرار دارد، خانواده‌ای زندگی می‌کند که به کار حفاظت از مقبره می‌پردازند. برخی را گمان بر این است که این مقبره متعلق به عبدالرحمن بن عوف است، اما حقیقت این است که عبدالرحمن بن عوف در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. برخی دیگر چون ابن حورانی معتقدند که معاویه در قبرستان باب الصغیر مدفون شده

ص: ۱۷۴

و دیواری بر گرد قبر وی کشیده‌اند. (۱) نگارنده معتقد است که این روایت مستند روایت در مورد قبر معاویه می‌باشد، زیرا که قبرستان باب‌الصغیر در آن روزگار مهم قبرستان مسلمانان در دمشق بوده و بسیاری از بزرگان مذهبی، علما و حتی پادشاهان نظیر ولید بن عبدالملک در این قبرستان به خاک سپرده شده‌اند و بسیار بدیهی است که معاویه نیز همانند دیگران در آن به خاک سپرده شده باشد. قبر مذکور بعد از قبر زنان پیامبر ام حبیب و ام سلمه و در سمت دری از قبرستان است که به قبر ابن عساکر باز می‌شود.

قبر معاویه بن یزید (معاویه دوم)

معاویه بن یزید ملقب به معاویه صغیر، تنها فرزند یزید بود و بسیاری از منابع تاریخی اذعان دارند که وی فردی زاهد و پارسا و گوشه گیر بود. پس از مرگ یزید بنی‌امیه با او بیعت کردند و او با اکراه پذیرفت و بیش از چهل یا بیست روز خلافت نکرد و در عزلت و گوشه گیری وفات یافت. برخی گویند به مرگ طبیعی مرد و کسانی گویند او را زخم زدند و یا زهر دادند. ولید بن عتبه بن ابی سفیان بر او نماز گزارد به امید این که خلافت به او برسد ولی هنگامی که تکبیر دوم را می‌گفت مورد اصابت شمشیر قرار گرفت و قبل از اتمام نماز کشته شد. (۲) ابن کثیر گوید وی در خارج قبرستان باب‌الصغیر مدفون است. (۳) و برخی معتقدند که مقبره وی در داخل قبرستان باب‌الصغیر، ولی به هر حال قبری در نزدیکی مسجد اموی به وی منسوب است که در نزد عامه دوم به قبر معاویه دوم مشهور است. این قبر پنجره‌ای دارد که رو به کوچه می‌باشد و ظاهراً قبر مذکور توسط یکی از شیعیان بازسازی شده است.

۱- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۸۷.

۲- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۷۶- / ۷۷.

۳- ابن کثیر، البدایه والنهایه فی التاریخ، ج ۸، ص ۲۳۷.

ص: ۱۷۵

قبر صلاح‌الدین ایوبی

صلاح‌الدین یوسف بن ایوب بن محمد تکریتی معروف به صلاح‌الدین ایوبی مؤسس سلسله پادشاهان ایوبی می‌باشد که به علت نبردهایش با صلیبی‌ها در بین اهل سنت به عنوان قهرمان مسلمان به شمار می‌رود ولی به علت قتل عام شیعیان، پیروان مذهب شیعه به نیکی از وی یاد نمی‌کنند. او در سال ۵۳۲ قمری در شهر تکریت عراق به دنیا آمد و در سال ۵۸۹ قمری در دمشق از دنیا رفت و در مدرسه عزیزیه در کنار مسجد اموی به خاک سپرده شد. صلاح‌الدین در آغاز کار وزیر العاضد لدین الله آخرین تصویر قبر صلاح‌الدین ایوبی

ص: ۱۷۶

حکمران فاطمی بود و چون ضعف و سستی العاضد را مشاهده کرد بر علیه او شورید و دولت ایوبی ها را پایه گذاری نموده و دولت فاطمیون را ریشه کن ساخته و تمامی آثار شیعه را در مصر از بین برده و مذهب اهل سنت را به عنوان مذهب رسمی شناخت و روز عاشورا را که از طرف فاطمیون مصر روز عزا و حزن بود و بازارها تعطیل می شد مانند بنی امیه روز عید و سرور و شادمانی قرار داد. صلاح الدین چون قدرت خود را در مصر مستحکم کرد به سوی شام کشورگشایی نموده و موفق شد دمشق و سپس حلب را که مرکز حکومت شیعه بنی حمدان بود ساقط نموده و شیعیان حلب را قتل عام نماید.

آرامگاه صلاح الدین در پشت مسجد اموی و در فاصله بیست متری در شمالی مسجد قرار دارد. در صحن حیاط، قبر سه شهید از دوره عثمانی ها است و پس از آن حجره ای قرار دارد که بر فراز آن گنبدی با رنگ قرمز ساخته شده است.

داخل این حجره به اطاق کوچکی راه دارد که در وسط آن قبر صلاح الدین ایوبی قرار دارد. سنگ قبر بزرگی دارد که با پارچه ای سبز پوشانده شده و بر بالای آن نیز سرپوش و یا عمامه ای به رنگ سبز قرار داده شده است. (۱) در کنار قبر صلاح الدین قبر پسرش عزیزالدین که مدرسه عزیزیه به نام وی نامیده شده قرار دارد.

قبر ملک عادل ایوبی

ملک عادل ابوبکر بن ایوب، برادر سلطان صلاح الدین ایوبی در سال ۵۳۴ قمری در بعلبک به دنیا آمد. وی دو سال از برادرش صلاح الدین کوچک تر بود. ابتدا به همراه پدر و برادرش در خدمت نورالدین زنگی وارد شد و در جنگ های صلیبی همراه صلاح الدین ایوبی حضور داشت. ملک عادل پس از برادرش به حکومت نشست. وی از کرج تا همدان، جزیره، شام، مصر، حجاز، یمن و حضرموت حکومت می راند. فردی عادل و دادگر بود و به انصاف و عدالت حکم می راند و عاقبت در سال ۶۱۶ قمری

ص: ۱۷۷

درگذشت. ابتدا او را در قلعه دمشق به خاک سپردند و سپس به داخل مدرسه عادلیه که خود ساخته بود منتقل کردند. این مدرسه در سمت شمال غربی مسجد اموی و در خیابان کلاسه و در مقابل مدرسه ظاهریه قرار دارد. (۱)

قبر نورالدین زنگی

سلطان نورالدین محمود بن ابو سعید زنگی یکی از پادشاهان زنگی است که نبردهای متعددی با سربازان صلیبی نمود. وی در سال ۵۱۱ قمری متولد شد و پس از مرگ پدر به ولایت شام رسید. وی اولین کسی است که «دارالحديث» ساخت و در امور خیریه و بنای مدارس، مساجد و نشر علم و مذهب اهل سنت کوشا بود. قلعه‌هایی در حلب، حمص و حماه و بیمارستانی در دمشق ساخت و آن را وقف فقرا و مسلمانان کرد. نورالدین در سال ۵۶۰ قمری درگذشت و او را در مدرسه نوریه که خود ساخته بود به خاک سپردند. این مدرسه در بازار خیاطان سابق و عصرونیه کنونی در سمت چپ انتهای بازار حمیدیه قرار دارد. (۲)

قبر ملک ظاهر بیبرس

ملک ظاهر بیبرس یکی از پادشاهان مماليك است که در سال ۶۷۶ قمری درگذشت و در مدرسه ظاهریه که خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. این مدرسه در مقابل مدرسه عادلیه در سمت شمال غربی مسجد اموی در خیابان کلاسه قرار دارد. کتابخانه مشهور و معروف ظاهریه دمشق نیز در همین مدرسه است. (۳)

۱- همان منبع، ص ۱۷۰- / ۱۷۱.

۲- همان منبع، ص ۱۷۱.

۳- همان منبع، ص ۱۷۲.

ص: ۱۷۸

قبر ملک اشرف موسی

ملک اشرف موسی بن ملک عادل ایوبی، برادرزاده صلاح الدین ایوبی است که در سال ۵۷۶ قمری به دنیا آمد و عنفوان جوانی خود را در بیت المقدس گذرانید، سپس در جنگ‌های صلیبی در خدمت پدر و عمویش حضور یافت و نقش مهمی ایفا کرد. وی برای شافعی‌ها مدرسه‌ای بنا کرد و خود نیز در فقه شافعی و حدیث، صاحب نظر بود.

مدرسه معروف دارالحديث الاشرفیه از بناهای اوست که خود در آن به خاک سپرده شده است. این مدرسه در سمت غربی مسجد اموی و نزدیک قلعه دمشق است. (۱)

آرامگاه دکتر علی شریعتی

دکتر علی شریعتی نویسنده، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل دینی است که دیدگاه‌های وی باعث جذب مخاطبان زیادی از دانشجویان و ایجاد زمینه فکری حمایت از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ گردید. وی در سال سیزدهم آذرماه ۱۳۱۳ در خانواده‌ای مذهبی در روستای مزینان سبزوار به دنیا آمد. شریعتی تحصیلات ابتدایی خود را در سال ۱۳۱۹ در دبستان ابن یمن مشهد آغاز کرد و به دنبال آن در سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشهد شد. او پس از اتمام سیکل اول دبیرستان در سن شانزده سالگی؛ با هدف ادامه تحصیل وارد دانشسرای مقدماتی شد. در جریان وقایع ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ اولین بازداشت او رخ داد و این اولین رویارویی او و نظام حکومتی بود.

در تاریخ ۲۴ تیر سال ۱۳۳۷ با پوران شریعت رضوی همکلاسیش ازدواج کرد. شریعتی تحصیلات دانشگاهی خود را در مشهد گذراند و تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری در سال ۱۳۴۱ در فرانسه و در رشته ادبیات ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ به ایران برگشت و در مرز دستگیر شد. حکم دستگیری از سوی ساواک بود و متعلق به ۲ سال پیش یعنی در هنگام خروج از ایران که به همان دلیل معلق مانده بود و در عین حال

ص: ۱۷۹

لازم‌الاجرا بود. بعد از بازداشت به زندان قزل‌قلعه در تهران منتقل شد. اوائل شهریور همان سال بعد از آزادی به مشهد برگشت. شریعتی پس از آزادی به شاخه مشهد نهضت مقاومت ملی به رهبری سید محمود طالقانی و مهندس مهدی بازرگان و یدالله سحابی پیوست. علی شریعتی یکی از سخنگویان و فعالان آتشین این نهضت علیه سلطه و استثمار غرب در ایران بود. فعالیت‌های بیدارگرانه‌اش باعث دستگیری او در سال ۱۳۳۶ و انتقال فوری‌اش به زندان قزل‌قلعه در تهران به مدت هشت ماه شد.

پس از قبول شدن در بورس تحصیلی، علی شریعتی برای مدتی دست از فعالیت‌های سیاسی کشید و برای ادامه تحصیلات عالیه به فرانسه رفت. شریعتی پس از بازگشت به کشور اقدام به نوشتن کتاب‌های متعدد نموده و سلسله سخنرانی‌های وی در حسینیه ارشاد توانست طیف وسیعی از جوانان را به خود جذب کند که این سخنرانی بعدها به صورت کتاب منتشر شد. وی در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در حالی که سه هفته از سفرش به

آرامگاه دکتر شریعتی در دمشق

ص: ۱۸۰

انگلستان می‌گذشت، در ساوت همپتون از دنیا رفت. دلیل رسمی مرگ وی حمله قلبی اعلام شد. دکتر شریعتی وصیت کرده بود که وی را در حسینه ارشاد دفن کنند، ولی در قبرستانی کنار آرامگاه حضرت زینب علیها السلام در شهر دمشق به خاک سپرده شد.

مدارس دمشق

اشاره

به علت اهمیت و اعتباری که اسلام نسبت به علم و آموزش علوم، به ویژه علوم اسلامی و در مجموع تعلیم و تربیت قائل است، از هنگام نفوذ اسلام در شام و از جمله در دمشق برای تعلیم قرآن، حدیث و علوم شرعی، مدارس ساختی شدند. ساخت مدارس از سوی حکام، امرا و علما به ویژه در قرون چهارم تا هفتم هجری به اوج خود رسید. در این مدارس، دارالقرآن‌ها و دارالحدیث‌ها، جوانان و نوجوانان به کسب علوم شرعی و فراگیری قرآن و حدیث اشتغال یافتند. انبوه این مدارس در دمشق و سایر شهرهای شام، دلیلی بر اهمیت فراوان قرآن و حدیث و امر تعلیم در این سرزمین است. طلابی در آن مدارس به کسب علم پرداختند که پس از چندی، خود عالم بزرگی شده و نقش به سزایی در پیشرفت و توسعه علوم اسلامی داشتند. قدیمی‌ترین مدرسه یا دارالقرآنی که در دمشق ساخته شد، «مدرسه الرشائیه» بود که در ۴۴۴ هجری توسط «رشاء بن نظیف بن ماشاء الله» احداث گردید (۱) و به زودی یکی پس از دیگری دارالقرآن‌ها و دارالحدیث‌ها در دمشق ساختند که در مجموع به بیش از پانصد عدد می‌رسید.

هر یک از فرقه‌های اهل سنت؛ برای خود مدرسه‌ای ساخته و به تعلیم و آموزش فقه مذهب خویش می‌پرداختند که نام این مدارس و تاریخچه آن در منابع اختصاصی آن آمده و ذکر هریک از آن‌ها از محدوده مبحث ما خارج است. در این جا تنها به چند نمونه از مدارس مشهور و تاریخی دمشق اشاره می‌گردد که بنیان‌گذاران آن از سلاطین و علمای بزرگ بوده و خود بعدها در آن مدارس مدفون شده‌اند.

ص: ۱۸۱

مدرسه نوریه کبری

مدرسه نوریه کبری از قدیمی ترین مدارس دمشق است که به دستور «نورالدین محمود زنگی» (ملقب به شهید) یکی از امرای بزرگ شام و از فاتحین جنگ های صلیبی در ۵۵۶ هجری ساخته شد. این مدرسه که از آن به عنوان دارالحديث استفاده می شد، بنا به ادعای اهالی شام اولین دارالحديث بر روی زمین بوده است (۱) اکنون پس از گذشت بیش از هشت قرن، هم چنان محل تدریس طلاب است. مدرسه مذکور در دو طبقه با حجره های فراوان و دو شبستان بزرگ، که در یکی از آن ها نماز جماعت برگزار می شود، ساخته شده است. مقبره بانی آن؛ یعنی نورالدین شهید نیز در آن جا است که از طریق پنجره ای در بازار خیاطهای سابق آن را زیارت می کنند. مکان مدرسه نوریه در پشت مسجد أموی، در سمت چپ، انتهای بازار حمیدیه و در شارع نورالدین واقع است. این شارع به «سوق الخیاطین و سوق العصورنیه» نیز معروف است.

مدرسه عادلیه کبری

یکی دیگر از مدارس مشهور و قدیمی دمشق است که توسط «ملک عادل سیف الدین ابی بکر بن ایوب» برادر سلطان صلاح الدین ایوبی، فاتح جنگ های صلیبی در ۶۱۲ هجری ساخته شده است. این مدرسه نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه علوم شرعی و اسلامی داشته است.

«ابن خلکان» نویسنده نامدار، کتاب و فیات الاعیان را در این مدرسه به رشته تحریر درآورده است. ابن خلدون جامعه شناس بزرگ اسلامی و ابن مالک صاحب الفیه نیز در این مدرسه به تدریس پرداخته اند. (۲)

ملک عادل، بانی مدرسه، که به سال ۶۱۵ هجری وفات یافت، در حجره و اتاق سمت چپ مدرسه مدفون شد. در یکی از شبستان های مدرسه، کرسی و کتابخانه استاد شهر

۱- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۲۶.

۲- العلبی، اکرم، خطط دمشق، ص ۱۴۱؛ دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۹۲.

ص: ۱۸۲

معاصر دمشق مرحوم «محمد کرد علی» صاحب کتاب خطط الشام و غوطه دمشق قرار دارد. مدرسه در دو طبقه و چندین حجره برای طلاب ساخته شده است. در قرون بعدی و در عصر حاضر آن را بازسازی کرده‌اند. در ۱۹۱۹ م. مدرسه مذکور محل موزه ملی دمشق و سپس محل فرهنگستان شد و اکنون به عنوان مدرسه علمیه از آن استفاده می‌شود. نمای بیرونی آن، از سنگ است و گنبدی با رنگ قرمز دارد. مکان آن در سمت راست در شرقی مسجد اموی، که به سوی بازار حمیدیه باز می‌شود، و در نبش «شارع الکلاسه و سبع طوالع» قرار دارد. مدرسه ظاهریه نیز مقابل آن است.

مدرسه ظاهریه کبری

یکی دیگر از مدارس قدیمی و مشهور دمشق است که توسط «ملک ظاهر بیبرس بُندقداری» یکی از امرای بزرگ شام و از فرمانروایان و فاتحان جنگ‌های صلیبی به سال ۶۷۶ هجری ساخته شده است. (۱) مدرسه ظاهریه بعدها به بزرگترین کتابخانه دمشق به نام «دارالکتب الظاهریه» تبدیل شد که در آن هزاران نسخه خطی و نفیس نگهداری شده و هم اکنون نیز پابرجاست. تمامی نسخ خطی آن فهرست‌نویسی شده و فهرست آن به چاپ سپرده شده است.

تعمیرات اندکی در این مدرسه صورت گرفته و قرار است به موزه ملی دمشق تبدیل شود. داخل مدرسه مذکور، در سمت راست در ورودی، قبر ملک ظاهر بیبرس بانی آن قرار دارد که در آن محراب و گنبدی از سنگ و گچ ساخته و دیوارهای آن نقاشی شده است. مدرسه از دو طبقه تشکیل شده و علاوه بر محل کتابخانه، مکانی برای تدریس طلاب نیز در آن وجود دارد.

مکان مدرسه ظاهریه در مقابل مدرسه عادلیه؛ یعنی در شمال غربی مسجد اموی و نبش شارع کلاسه و سبع طوالع است. در سمت راست آن نیز حمام ظاهریه، یکی از

۱- دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۱۱۲؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، ص ۲۵۷.

ص: ۱۸۳

قدیمی ترین حمام های دمشق، واقع شده است.

مدرسه عزیزیه

این مدرسه به فرمان ملک عزیز، فرزند سلطان صلاح الدین ایوبی ساخته شد و مقبره صلاح الدین نیز در آن قرار دارد. (۱) اکنون مردم از مقبره و محل دفن صلاح الدین که در اتاقک کوچکی است، دیدار می کنند و قرن هاست از حالت مدرسه خارج شده است.

این مدرسه که کوچک و دارای گنبدی قرمز است. در خارج باب شمالی جامع اموی و سمت چپ آن واقع شده و تقریباً حدود پنجاه متر با در شمالی جامع فاصله دارد. در صحن و حیاط مدرسه قبر سه افسر از دوره عثمانی ها است که در سقوط هواپیما کشته شده اند. قبر دکتر صالح شهبندی یکی از مقامات سوریه نیز که در ۱۳۵۹ هجری به شهادت رسیده در کنار آن ها است.

مدرسه سمیساطیه

این مدرسه خانه «عمر بن عبدالعزیز» حاکم اموی بوده که به دست ابوالقاسم علی بن محمد معروف به «سمیساطی»، از بزرگان و رؤسای دمشق به مدرسه و خانقاه تبدیل شد.

وی در ۴۵۳ هجری وفات یافت و در خانقاه خود مدفون شد. این خانقاه برای فقرای صوفی وقف شده بود (۲) کتیبه ای به خط کوفی، که بر بالای این مدرسه نصب گردیده، از بانی و مالک آن یاد کرده است. در این مدرسه علمای اهل تصوّف به زاویه و تهذیب می نشستند. مدرسه سمیساطیه در کنار در شمالی جامع اموی معروف به «باب الناطفیین» و سمت راست کسی است که از جامع خارج می شود. مدرسه یاد شده اکنون به «معهد الدراسات الشرعیه» تبدیل شده و جوانان در آن به تدریس مشغول اند.

۱- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲- ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۹۵؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۱۱۸؛ ابن جبیر، الجامع الاموی، ص ۲۸.

ص: ۱۸۴

مدرسه جوزیه

این مدرسه توسط «محمی الدین ابوالفرج یوسف بن عبدالرحمان بن جوزی»، معروف به سبط بن جوزی، مورخ مشهور در قرن هفتم هجری بنا شده است و خود در این مدرسه تدریس می کرده است. این مورخ به همراه «المستعصم» آخرین خلیفه عباسی به دست هلاکو خان مغول کشته شد. (۱) اکنون این مکان که به جامع و مسجد الجوزه معروف است، در خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه (جنوب آن)، کمی پایین تر از بازار العماره قرار دارد. این مدرسه در ۸۴۰ قمری. به مسجد تبدیل شد و مناره آن در ۱۰۷۸ ق. تعمیر گردید. (۲)

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه ؛ ؛ ص ۱۸۴

مدرسه جُقمَقیه

این مدرسه که به فرمان «امیر سیف الدین جقمق»، از امرای شام به سال ۸۲۲ قمری بنا مدرسه جقمقیه یا موزه خط عربی

۱- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۳- / ۴۰.

۲- دکتر احسان مقدس، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه (ویژه کارگزاران حج و زیارت)،

جلد ۱، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، بهار ۱۳۸۹.

ص: ۱۸۵

شد، تیمور لنگ آن را به آتش کشید ولی بار دیگر ترمیم گردید.^(۱) مدرسه یاد شده، در سمت شمال جامع اموی، در «شارع الکلاسه و باب البرید» واقع است که در شمالی مسجد اموی به آن گشوده می‌شود. مدرسه جُقمقیه مدفن «امیر سیف‌الدین جقمق» است و مدرسه‌ای است بزرگ که اکنون به «موزه خط عربی» تبدیل شده است که تابلو در ورودی آن از این امر حکایت می‌کند.

مدرسه شامیه

این مدرسه به وسیله «دختر نجم‌الدین ایوب» و خواهر توران شاه ایوبی به سال ۵۸۷ هجری بنا شده است.^(۲) در صحن این مدرسه، قبور فرزندش حسام‌الدین و همسرش محمدبن شیرکوه و برادرش توارن شاه نیز قرار دارد. مکان آن در خیابان یوسف العظمه و نزدیکی هتل‌های محل استقرار ایرانیان و زیر پل هوایی است. که انتهای این پل به قلعه و بازار حمیدیه منتهی می‌شود.

قصر العظم

این قصر توسط «اسعد پاشا العظم» یکی از حکمرانان عثمانی دمشق در سال ۱۱۶۳ قمری (۱۷۴۹ م.) در جنوب مسجد اموی ساخته شد و اسعد پاشا برای ساخت این قصر بهترین معماران و هنرمندان دمشق را استخدام نمود و ساخت این قصر سه سال به طول کشید. این قصر در گذشته خانه «امیر تنکز» یکی از امرای ممالیک بود که بر بقایای قسمتی از معبد ژوپیتر بنا شده بود و احتمالاً قسمتی از کاخ سبز معاویه نیز در آن واقع شده است.^(۳) پس از تصرف سرزمین شام به وسیله فرانسه، فرماندار فرانسوی در سال ۱۹۲۰ م. در این قصر مستقر شد و بعدها دولت فرانسه این قصر را از ورثه خریداری نموده و آن را

۱- همان منبع، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳- علوی، سید احمد، راهنمای مصور سفر زیارتی سوریه، ص ۷۴.

ص: ۱۸۶

به عنوان «انستیتوی مطالعات علمی» قرار داد. این قصر در جریان انقلاب سوریه در سال ۱۹۲۵ م. بمباران شده و آسیب‌های جدی به آن وارد شد، اما بعدها دوباره بازسازی شده و به عنوان یکی از زیباترین قصرهای دمشق درآمد. داخل این قصر سنگ‌کاری‌هایی به سبک دمشق همراه با باغچه‌های سرسبز و استخر زیبا همراه با فواره دارد. این قصر هم اکنون موزه صنایع دستی است و زایران ایرانی آن را به عنوان کاخ سبز معاویه می‌شناسند.

این قصر در سال ۱۹۵۴ م. به صورت موزه هنرهای مردمی در آمد.

نمایی از قصر العظم

حمام نورالدین شهید

این حمام در بازار بزوریه و در جنوب مسجد اموی و در نزدیکی قصرالعظم قرار دارد و به وسیله سلطان نورالدین محمود زنگی در سال ۵۶۵ هجری ساخته شده است و امروزه به نام حمام ترکی معروف بوده و جهانگردان اروپایی از آن بازدید می‌کنند.

ص: ۱۸۷

تکیه سلیمانیه

این تکیه توسط سلطان سلیمان قانونی در سال ۱۵۵۴ م. بنا شد، قبلاً در این محل قصر ملک ظاهر بیبرس که به نام قصر ابلق معروف بود قرار داشت. معمار آن یکی از بهترین معماران عثمانی است که سنان نام داشت و مهندس ملا آغا بر مراحل ساخت تکیه مذکور نظارت داشته است. بنای این تکیه در سال ۱۵۵۴ م. آغاز شده و در سال ۱۵۵۹ م، در دوران حکمرانی والی خضر پاشا به اتمام رسید، اما مدرسه کنار تکیه در سال ۱۵۶۶ م. در دوران حکمرانی والی لالا مصطفی پاشا ساخته و بدان ملحق گردید.

تکیه سلیمانیه

ص: ۱۸۸

این تکیه در حال حاضر شامل یک مسجد، یک موزه، یک مدرسه و یک بازار صنایع دستی است. از جلوه‌های ویژه این تکیه دو گلدسته بلند و مرتفع است که به صورت باریک ساخته شده است و تا آن زمان در سوریه سابقه نداشته است. تکیه مذکور شامل دو بخش بوده است، تکیه بزرگ که شامل مسجد و مدرسه بوده و تکیه کوچک که شامل یک حرم برای خواندن نماز و یک حیاط بزرگ با غرفه‌های متعدد همراه با گنبد‌های فراوان بوده است. تکیه کوچک محل سکونت طلبه علوم دینی و افراد غریبه تازه وارد بوده است. در حال حاضر موزه جنگی سوریه در بخشی از تکیه سلیمانیه مستقر است و قرار است که به زودی این موزه به ساختمان جدید منتقل شود.

موزه‌های دمشق

۱. موزه ملی سوریه

نام عربی آن «متحف دمشق الوطنی» می‌باشد. این موزه بزرگ‌ترین موزه سوریه است که در کنار یکی از شاخه‌های رودخانه «بردی» و در خیابان بیروت و در کنار محل نمایشگاه‌های بین‌المللی دمشق قرار دارد و همه روزه به جز روزهای تعطیل برای بازدید عموم باز است. اولین بنای این موزه در دوران استقلال از عثمانی در سال ۱۹۱۹ م. در مدرسه عادلیه پایه‌ریزی شد و در سال ۱۹۳۶ م. موزه به محل فعلی آن منتقل شد و اولین بخش آن راه‌اندازی شد و در سال ۱۹۳۹ م. بخش شرقی و نمای قصرالحیر غربی به آن اضافه شد. در سال ۱۹۵۰ م. موزه ملی دمشق به طور رسمی افتتاح شد.

موزه ملی دمشق به پنج بخش اصلی تقسیم می‌گردد که این بخش‌ها هر کدام به مثابه یک موزه مستقل به شمار می‌روند و در بیرون بنای موزه در باغچه‌های اطراف موزه نیز آثار باستانی متعددی به معرض نمایش درآمده است. بخش‌های پنج‌گانه موزه عبارتند از: بخش اول بخش ماقبل تاریخ، که دربرگیرنده آثار از یک میلیون سال قبل تا ظهور ۷ خط می‌باشد، بخش دوم بخش آثار کهن سوریه شرقی که دربرگیرنده آثار از ظهور خط

ص: ۱۸۹

تا زمان حمله اسکندر مقدونی است، بخش مذکور شامل آثاری از تمدن اوگاریت، آثار اموری، آثار ارامی، آثاری فرعون و آثار تپه عمریت و تپه الکزل و آثار فنیقی و آثار مملکت ایبلا است. بخش سوم بخش آثار محلی سوریه، قبل از ورود اسلام است و دربرگیرنده آثار یونان، رومی‌ها و تمدن بیزانس و همچنین آثار شهر باستانی تدمر است، بخش چهارم بخش تمدن اسلامی است و آثاری از دوران اموی‌ها، عباسی‌ها و دوران مماليك می‌باشد همچنین در این بخش کتاب‌های خطی فراوانی در معرض دید عموم قرار داده شده است. بخش پنجم آخرین بخش موزه بوده و به هنرهای معاصر تعلق دارد و در آن نقاشی‌ها و مجسمه‌های متعددی از هنرمندان دوران معاصر سوریه نگهداری می‌شود.

تصویر مدخل موزه ملی سوریه در دمشق

ص: ۱۹۰

۲. موزه سنن و هنرهای مردمی

نام آن به عربی «متحف التقالید الشعبیه» می‌باشد. این موزه در داخل قصر العظم قرار دارد و آثار متعلق به هنرهای مردمی در دوره‌های مختلف تاریخی را دربر می‌گیرد. قصرالعظم از سال ۱۹۵۴ م. به موزه هنرهای مردمی تبدیل شد و در آن تالارهای متعددی وجود دارد که در هر کدام از آن‌ها روش زندگی قدیمی مردم دمشق و لوازم مورد استفاده آنان به معرض دید عموم گذاشته شده است.

۳. موزه خط عربی

نام عربی آن «متحف الخط العربی» است و در یکی از مدارس قدیمی شهر دمشق به نام مدرسه جقمقیه بر پا شده که این مدرسه در کنار مسجد اموی و در مجاورت قبر صلاح‌الدین ایوبی و در کوچه‌ای واقع شده که به حرم حضرت رقیه علیها السلام منتهی می‌شود. در این موزه وسایل و لوازم خطاطی و انواع قلم و دوات‌ها و لوحه‌های خوشنویسی نگهداری می‌شود. در این موزه آثار بر اساس مراحل تاریخی آن دسته‌بندی شده است. برخی از آثار متعلق به قبل از اسلام است که از جمله آن‌ها می‌توان به «نقش النماره» متعلق به شاعر جاهلی امرو القیس اشاره کرد. در آثار دوران اسلامی می‌توان قرآن‌های خطی نفیسی متعلق به قرن سوم هجری را مشاهده کرد و در کنار آن آثار ارزشمندی از خطوط منسوخ عربی نظیر خط الرقاع و خط الحیری را مشاهده کرد. مساحت این موزه بالغ بر ۲۸۵ متر است و در وسط آن حیاطی با حوضچه‌ای قرار دارد. سبک معماری این بنا به دوران ممالیک بازمی‌گردد. مدرسه جقمقیه در سال ۱۴۲۱ م. به وسیله امیر سیف‌الدین جقمق ساخته شد و در این مدرسه قبر والده امیر مذکور وجود دارد. این مدرسه تا اوایل قرن نوزدهم به عنوان مدرسه برای کودکان مورد استفاده قرار می‌گرفت و در سال ۱۸۸۹ م. اولین مدرسه به سبک جدید در این محل راه‌اندازی شد اما چندی نگذشت که به مقر حلقه صوفیان مولویه تبدیل شد و در سال ۱۹۴۱ م. بخش‌هایی از مدرسه در معرض آتش توپخانه فرانسوی‌ها قرار گرفته و تخریب شد. در سال ۱۹۵۶ م.

ص: ۱۹۱

این مدرسه به اداره میراث فرهنگی سوریه سپرده شد و اداره مذکور پس از بازسازی آن را به موزه خط تبدیل کرد.

۴. موزه پزشکی

نام عربی آن «متحف الطب والعلوم عند العرب» می باشد. این موزه در سال ۱۹۷۸ م. در محل ساختمان بیمارستان نوری تأسیس شد. بیمارستان مذکور در ۵۴۹ قمری توسط سلطان نورالدین یکی از پادشاهان سلسله ممالیک بنا شده بود و قدیمی ترین بیمارستانی اسلامی است که برجای مانده است. در این موزه نمونه هایی از وسایل پزشکی، لوازم داروسازی و همچنین آثار خطی مربوط به پزشکی نگهداری می شود.

۵. موزه جنگی سوریه

نام آن به زبان عربی «المتحف الحربی السوری» می باشد. این موزه در سال ۱۹۵۹ م. در بخش غربی تکیه سلیمانیه تأسیس شد و شامل مجموعه ای وسیع از وسایل نظامی و جنگی قدیمی و آرشیوی از انقلاب های مختلف سوریه و تعدادی از توپ های جنگی و هواپیماهای جنگی است. در حال حاضر این موزه هشت تالار دارد که عبارتند از: تالار تاریخ کهن، تالار اسلحه سفید، تالار اسلحه آتشی سبک، تالار اسلحه سنگین، تالار انقلاب های سوریه، تالار پرچم ها، تالار تپانچه ها، تالار جنگ تشرین ۱۹۷۳.

باغچه ای گرداگرد این موزه قرار دارد که در آن تعدادی از وسایل آلات جنگ ۱۹۷۳ سوریه و اسرائیل و توپ ها و برخی از وسایل زرهی سنگین در معرض دید عموم قرار داده شده است. البته این موزه قرار است به محل جدیدی که در شمال شهر دمشق و در کنار موزه پانوراما برای آن ساخته شده منتقل گردد.

۶. موزه تاریخی شهر دمشق

این موزه در سال ۱۹۷۹ م. در یکی از خانه های تاریخی دمشق که به نام «بیت الشامی»

ص: ۱۹۲

معروف بود و تاریخ بنای آن به قرن هیجدهم بازمی گشت و در محله بازار ساروجه قرار داشت، تأسیس شد. این موزه برخی از آثار تاریخی شهر دمشق و برخی از نوشته‌های خطی در باره این شهر را در بر می گیرد.

۷. موزه کشاورزی سوریه

نام آن به زبان عربی «المتحف الزراعی السوری» می باشد. این موزه در سال ۱۹۶۱ م. در منطقه حلبونی دمشق تأسیس شد. در این موزه وسایل مختلف مربوط به کشاورزی، دامپروری و زندگی روستایی در سوریه در معرض دید عموم قرار داده شده است. این موزه از هفت تالار تشکیل شده که هر یک از تالارها به نام یکی از دانشمندان مسلمان نامگذاری شده است، این تالارها عبارتند از: تالار ابن البیطار، تالار اشبیلی، تالار صوری، تالار دینوری، تالار دمیری، تالار قزوینی و تالار جاحظ. در هر یک از تالارها بخشی از تاریخ کشاورزی و دامپروری به نمایش درآمده است.

۸. موزه وقایع جنگ اکتبر

نام عربی آن «متحف بانوراما حرب تشرين» است. این موزه به صورت ساختمانی دایره‌ای شکل و به شکل یک قلعه ساخته شده و در سمت شمالی شهر دمشق قرار دارد. در این موزه آثاری از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ سوریه بر علیه اسرائیل که منجر به آزادی بخش‌هایی از جولان و شهر قنیطره گردید در معرض دید عموم قرار داده شده است.

کتابخانه ملی اُسد

کتابخانه ملی اُسد بزرگ‌ترین کتابخانه سوریه است. این کتابخانه در سال ۱۹۸۴ م. به‌طور رسمی بازگشایی شد. مساحت اجمالی آن بالغ بر ۲۲ هزار متر مربع است که در نه طبقه ساخته شده است. این کتابخانه در گوشه شرقی میدان اُمویان دمشق قرار دارد. پس

ص: ۱۹۳

از تأسیس و افتتاح کتابخانه، تمامی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه ظاهریه دمشق و برخی دیگر از کتابخانه‌های قدیمی سوریه به این کتابخانه منتقل شد. این کتابخانه دوازده سالن مطالعه دارد و بخش‌های متعددی برای فهرست‌نویسی نسخ خطی، تعمیر و مرمت نسخ خطی و تصویربرداری از نسخ خطی وجود دارد.

مهم‌ترین پارک‌های دمشق

شهر دمشق دارای چندین پارک بزرگ می‌باشد که برخی از این پارک‌ها عبارتند از: پارک تشرین، پارک جاحظ، پارک السبکی و پارک التجاره.

ص: ۱۹۴

خلاصه فصل دوم

شهر دمشق شهری قدیمی و تاریخی است که آثار تاریخی در مناطق مختلف آن دیده می‌شود. شهر دمشق در پایان هزاره دوم قبل از میلاد به عنوان پایتخت دولت کوچک آرامی‌ها وارد عرصه تاریخ گردید. پس از ورود مسلمانان و با سیطره اموی‌ها بر عالم اسلامی، این شهر در حدود یک قرن، پایتخت جهان اسلام بوده و عظمت و شکوه زیادی داشته است. در دوران عثمانی نیز این شهر از ولایات بسیار مهم و استراتژیک امپراتوری عثمانی به شمار می‌آمد.

امروزه این شهر علاوه بر آثار تاریخی، دربرگیرنده مراقد و زیارت‌گاه‌های مهمی نظیر: مرقد مطهر حضرت زینب علیها السلام، مرقد مطهر حضرت رقیه علیها السلام، مقام راس الحسین علیه السلام، مراقد اهل بیت در باب الصغیر و مرقد مطهر حضرت یحیای پیامبر علیه السلام می‌باشد.

آثار تاریخی برجسته‌ای نظیر مسجد جامع اموی، قلعه دمشق، قبر صلاح‌الدین ایوبی، مدرسه و کتابخانه ظاهریه، قصر العظم، تکیه سلیمانیه، دروازه‌های قدیمی و ده‌ها مدرسه و مسجد قدیمی یادآور دوران باشکوه این شهر می‌باشند.

در بازارهای معروف دمشق نظیر بازار حمیدیه و باب توما و صالحیه می‌توان بهترین و جدیدترین کالاهای تجاری و هدایای زیبا را تهیه و خریداری نمود.

موزه‌های مختلف دمشق نظیر: موزه ملی سوریه، موزه خط، موزه پزشکی، موزه سنن و هنرهای مردمی و سایر موزه‌های این شهر همه و همه بازگوکننده تاریخ قدیم و کهن این دیار می‌باشند.

ص: ۱۹۷

فصل سوم: شهر حلب

مقدمه

شهر حلب با جمعیتی حدود ۷/۱ میلیون نفر (در سال ۱۹۹۹) دومین شهر بزرگ و مهم سوریه بعد از دمشق به شمار می‌رود. شهر حلب در ۳۵۵ کیلومتری شمال دمشق پایتخت سوریه قرار دارد. این شهر پایتخت تجاری و فرهنگی سوریه به شمار می‌رود. این شهر چندین هزار ساله که به خاطر موقعیت استراتژیکی اش بین دریا و رودخانه فرات، از مهم‌ترین شهرهای جهان باستان محسوب می‌شده در سال ۲۰۰۶ میلادی به همراه شهر اصفهان و تمبکتو (جمهوری مالی) به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام انتخاب گشته‌است.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با دومین شهر مهم سوریه آشنا شود و اطلاعات موجزی در خصوص تاریخچه حلب، بازارهای حلب، دروازه‌های شهر، اماکن زیارتی حلب نظیر: قبر حضرت زکریای پیامبر، قبر محسن فرزند امام حسین علیه السلام، مشهد الحسین علیه السلام، و اماکن سیاحتی حلب نظیر مسجد اموی، قلعه حلب، بیمارستان نوری، مسجد و قبر سهروردی و موزه‌های حلب آورده شده است.

هدف‌های رفتاری

زائران ایرانی که با هواپیما عازم سوریه می‌شوند امکان مشاهده شهر حلب و اماکن

ص: ۲۰۰

زیارتی و سیاحتی آن را ندارند، مگر این که برنامه‌ای جداگانه برای آنان ترتیب داده شود، اما کسانی که با ماشین عازم سوریه می‌شوند، پس از ورود به کشور سوریه، ابتدا وارد شهر حلب شده و در برخی موارد یک شبانه‌روز و یا بیشتر در آن اقامت می‌کنند، این زائران می‌توانند از اماکن زیارتی و سیاحتی حلب دیدن کنند.

تاریخچه شهر حلب

شهر حلب یکی از کهن‌ترین شهرهای منطقه است و در روزگاران قدیم نام آن «خلپه» بوده است. شهر حلب در آغاز بر روی مجموعه‌ای کوچک از تپه‌ها در دره وسیع و حاصلخیزی در دو طرف رودخانه قویق ساخته شد.

نقل شده که کلمه حلب در زبان آموری به معنی معادن آهن و مس است و در زبان آرامی نام حلب از واژه «حلبا» گرفته شده که به معنی سفید است و این سفیدی به خاطر رنگ سفید خاک و سنگ‌های موجود در این منطقه بوده است. خیرالدین اسدی معتقد است که کلمه حلب از دو بخش «حل و لب» گرفته شده که به معنی محل تجمع مردم است. سلوکس نکاتور یکی از فرماندهان لشکر اسکندر مقدونی بر این شهر نام بیرویا نهاد که این نام در طول دوره تسلط یونانی‌ها، رومی و بیزانسی‌ها بر این شهر اطلاق می‌شده است. در مدارک هیتی این شهر به نام «خلب» و در مدارک مصری به نام «خالوبو» و در مدارک کلدانی و آکدی به نام‌های «خلابه، حلاب و خلبو» آمده است.

نام حلب که در زبان عربی به معنای شیر است، به خاطر روایتی قدیمی است که مطابق آن حضرت ابراهیم به مسافران منطقه شیر می‌داده است، روی این شهر گذاشته شده است. حلب محل کشف نخستین لوح‌های سنگی متعلق به دو هزار سال پیش از میلاد مسیح است. از آن زمان به بعد این شهر تحت حکومت هیتی‌ها (ساکنان باستانی سوریه)، آشوری‌ها و ایرانی‌ها بوده و سپس به تصرف سلوکیان درآمده است، اما پس از حمله عرب‌ها به سوریه در قرن هفتم این شهر شهرت و اهمیت کنونی خود را به دست آورده است.

ص: ۲۰۱

این شهر در قرون اسلامی به «حلب الشهباء» معروف بوده و اکنون نیز بعضاً به این نام خوانده می‌شود. اوج شکوفایی حلب در قرون وسطی، و به دلیل قرار داشتن در جاده ابریشم بود و یکی از مراکز تجاری مهم به شمار می‌رفت. از این رو بازارهای حلب هنوز هم اصلی‌ترین مکان تاریخی شهر هستند. این بازارها اغلب در دوران حکومت عثمانیان ساخته شده‌اند، اما برخی از آنها متعلق به قرن ۱۳ هستند. بازار اصلی شهر که طویل‌ترین بازار سرپوشیده خاورمیانه است در منطقه تاریخی شهر واقع است و ۳۰ کیلومتر طول دارد و دارای طاق‌های سنگی و راه‌های تو در توست و خاطره بازارهای اصفهان، شیراز و یزد را به ذهن تداعی می‌کند. از دیگر اماکن دیدنی حلب در شمال بازار مسجد جامع الکبیر حلب قرار دارد که ولید بن عبدالملک آن را ساخته است و مانند جامع دمشق به نام مسجد اموی است. بنا به روایتی قبر حضرت زکریا علیه السلام در آن جا قرار دارد. این مسجد که روزگاری کلیسای رومیان بوده است پس از فتح حلب به دست مسلمانان به مسجد تبدیل گشته است. از اماکن مذهبی حلب مشهدالحسین یا مسجد النقطه است نزد شیعیان از اهمیت زیادی برخوردار است و کاروان‌های زیارتی ایرانیان در عبور زمینی از این شهر این مکان را زیارت می‌کنند. گفته می‌شود هنگام عبور سرهای شهیدان کربلا از این منطقه کاروان شبی را توقف کرده است و سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر صخره‌ای قرار داده‌اند که بعدها سیف‌الدوله حمدانی حاکم شیعی حلب بر این صخره حجره و جامعی ساخت و آن را مسجد النقطه نام نهاد. اما از دیگر اماکن تاریخی این شهر «قلعه حلب» می‌باشد که از بزرگ‌ترین و زیباترین قلعه‌های جهان می‌باشد و مساحتی در حدود ۳۷۳ متر دارد. گرداگرد آن را خندقی فرا گرفته است و قلعه بر تپه‌ای واقع شده است.

ارتفاع بالای قلعه تا کف خندق ۳۷۵ متر می‌باشد. در داخل قلعه قصر و دارالعماره سلطان، زندان قلعه، حمامهای قلعه، جامع کبیر و صغیر و... واقع شده است. گفته می‌شود اصل این بنا مربوط به رومی‌هاست. اما در قرن چهارم «امیر سیف‌الدوله حمدانی» بر وسعت این قلعه افزوده و در آن بناهای جدید ساخته است. بعدها «تیمورلنگ» و مغول‌ها بخش‌هایی از این قلعه را خراب کرده‌اند. ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه‌اش

از حلب و

ص: ۲۰۲

قلعه‌اش چنین یاد کرده است: «حلب را شهری نیکو دیدم، باره‌ای عظیم دارد، ارتفاعش بیست و پنج ارش (۱) قیاس کردم و قلعه‌ای عظیم هم بر سنگ نهاده، به قیاس چند بلخ باشد همه آبادان و بناها بر سر نهاده و آن شهر باجگاه (۲) است میان بلاد شام و روم و بکر و مصر و عراق، و از این همه بلاد تجار و بازرگانان آن جا روند...» مشهدالمحسن بن الحسین علیه السلام، مقبره ابن شهر آشوب، مقبره علمای بنی زهره (۳) و مقبره شیخ شهاب‌الدین سهروردی از دیگر اماکن مذهبی و تاریخی حلب می‌باشد. از فارابی فیلسوف شهیر ایرانی، متنبی شاعر نامدار عرب و سیف الدوله حاکم شیعه مذهب، نیز به عنوان برجسته‌ترین چهره‌های علمی، فرهنگی و سیاسی حلب نام برده شده است. در حالی که ۷۰ درصد ساکنان حلب مسلمان و سنی هستند، این شهر یکی از ثروتمندترین و متفاوت‌ترین جوامع مسیحی مشرق زمین را در خود جای داده است. مسیحیان حلب که اغلب ارمنی و ارتدوکس هستند، امروزه حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند و به این ترتیب دومین جمعیت بزرگ مسیحی خاورمیانه پس از شهر بیروت در لبنان را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که حلب در مسیر جاده ابریشم قرار داشت، مرکزی مهم در جهان اسلام به شمار می‌رفت و در آن فرهنگ‌های شرق و غرب با یکدیگر آشنا شده و الگویی از همزیستی را به جهانیان ارائه کرده‌اند.

بازارهای شهر حلب

بازار قدیمی حلب یکی از بازارهای مهم شهر حلب است و کارشناسان میراث فرهنگی سوریه بازار حلب را به دو بخش تقسیم می‌کنند، بخش اول شامل یک مجموعه از بازارهای موازی با دیوار جنوبی مسجد اموی است که تاریخ بنای آن‌ها به قرن‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی برمی‌گردد. بخش دوم شامل مجموعه‌ای از خان و بازارها و

۱- ارش واحد اندازه‌گیری مسافت در گذشته می‌باشد.

۲- باجگاه: محل دریافت باج.

۳- یکی از خاندان علمی شیعه که در شهر حلب سکونت داشتند.

ص: ۲۰۳

قیصریه‌هایی است که تاریخ بنای آن‌ها به قرن چهارم قبل از میلاد بازمی‌گردد، به طوری که مغازه‌ها و مراکز تجاری در دو طرف خیابان ممتد از قلعه حلب و باب انطاکیه قرار می‌گیرد. شکل فعلی بازار در اوایل حکومت عثمانی پدیدار شده است و در حال حاضر بازار حلب سبک معماری قرن هفدهم میلادی را دارد. سقف این بازار قبلاً با چوب پوشانده شده بود و در آتش سوزی سال ۱۸۶۸ م. آتش گرفت و والی عثمانی دستور ساختن مجدد سقف آن را با سفال داد و در آن پنجره‌هایی برای تهویه تعبیه نمود. بازار حلب در برگیرنده ۳۹ بازارچه می‌باشد که هر کدام از این بازارچه به یکی از اصناف تعلق دارد و در این بازار انواع کالاهای تجاری شامل پوشاک، پارچه، پنبه، عطریات و صنایع دستی به فروش می‌رسد. تعداد خان(۱) های موجود در بازار بالغ بر هفتاد خان است که معروف‌ترین آن‌ها خان تصویری از بازار حلب

۱- خان: کاروانسرا.

ص: ۲۰۴

وزیر است که امروزه به بازار صنایع دستی تبدیل شده است، از خان‌های دیگر بازار می‌توان خان قرتبای و خان علییه را نام برد. این خان‌ها در دوران حکومت مملوکی و عثمانی که تجارت رونق خاصی داشت مورد توجه بازرگانان خارجی بوده است و حتی برخی از این خان‌ها محل اقامت تجار اروپایی بوده و چون کنسول‌های خارجی به کار تجارت نیز اشتغال داشتند، در حقیقت برخی از این خان‌ها به عنوان سفارت ونیز و یا سفارت ایتالیا و یا هلند نیز به شمار می‌رفته است و معمولاً گروه‌های بازرگانی خارجی شامل یک کنسول، ده نفر تاجر، یک کشیش، یک مشاور، یک پزشک و یک افسر که به آن «جاویش» می‌گفتند بود. افسر مذکور پیشاپیش کنسول راه می‌رفته و در دست عصایی با دسته نقره‌ای در دست می‌گرفته و تعدادی سرباز عثمانی در اختیار داشته است. تجار اروپایی مراودات تجاری گسترده‌ای با حلب داشته و معمولاً کاروانی از شترها را برای حمل کالا از بندر اسکندرون به حلب اجیر می‌کردند. خان‌های مذکور همچنین محلی برای صرافان و محلی برای اقامت افراد تابع کنسولگری به شمار می‌رفته است و برای مثال خان فرانسویان تا مدت‌ها به عنوان کنسولگری فرانسه در حلب کار می‌کرده است و بعداً کنسولگری خود را به منطقه اعیان نشین حلب که عزیزیه نام دارد منتقل کردند و چندی قبل مجدداً آن را بازار قدیمی مسگرها در حلب منتقل کردند.

بازارهای دیگر حلب عبارتند از: سوق النسوان، سوق خان الحریر، سوق العتمه، سوق الیاسمین، سوق العطارین و سوق الانتاج.

دروازه‌های شهر حلب

اشاره

شهر حلب در گذشته هفت دروازه داشته است که برخی از آن‌ها نظیر باب الفرج و باب نیرب در حال حاضر وجود ندارند.

۱. باب الفرج

یکی از دروازه‌های قدیمی شهر حلب بود که در دوران پادشاهی ملک ظاهر غازی

ص: ۲۰۵

بنا شد و در سال ۱۹۰۴ م. ویران گردید و در حال حاضر فقط برج جنوبی آن برجای مانده است. این دروازه در وسط میدان باب الفرج برجی به نام برج ساعت قرار دارد که در سال ۱۸۹۹ م. بنا شده است و در شرق برج ساعت مسجد بحسینا قرار دارد که تاریخ بنای آن به سال ۱۳۵۰ م. بازمی‌گردد و در شرق آن مدرسه قرموطیه واقع شده که در سال ۱۴۷۷ م. بنا شده و در سال ۱۵۷۰ م. بازسازی شده است و در منتهی‌الیه شرقی آن مسجد العمری واقع شده که در سال ۱۳۹۳ م. ساخته شده و در کنار آن مسجد الدباغه است که تاریخ بنای آن به سال ۱۴۰۴ م. بازمی‌گردد. کتابخانه ملی حلب در میدان باب الفرج و در مقابل برج ساعت قرار دارد.

۲. باب النیرب

این دروازه یکی از دروازه‌های قدیمی حلب بود و علت تسمیه آن بدین علت بود که به روستای نیرب منتهی می‌شد در حال حاضر این دروازه وجود ندارد و فقط اسم آن بر منطقه‌ای حلب اطلاق می‌گردد. (۱)

۳. باب الحديد

باب الحديد از دروازه‌های قدیمی حلب است و علت تسمیه آن به باب الحديد این است که مغازه‌های اطراف این دروازه شامل مغازه‌های آهنگران می‌شد و دروازه نیز از دو لنگ در آهنین و پوشیده از صفحه‌های فلزی و میخ‌های آهنی ساخته شده است. بالای این دروازه برجی محکم قرار دارد که سلطان قانصو غوری در سال ۱۵۹ قمری بازسازی کرد. در کنار این دروازه مدرسه اتابکیه قرار دارد.

۱- حریتانی، محمود، أحياء حلب القديمة، ص، ۷۰.

ص: ۲۰۶

۴. باب قنسرین

باب قنسرین از دروازه‌های قدیمی حلب است که توسط سیف‌الدوله حمدانی بنا شده است و در سال ۶۵۴ قمری در دوران ملک ناصر بازسازی شده است. این دروازه در یکی از مناطق قدیمی حلب که دربرگیرنده مدارس و مساجد و محلات قدیمی است قرار دارد. واژه قنسرین واژه‌ای آموری است و دروازه قنسرین از چهار در تشکیل می‌شده است که یک در رو به بیرون شهر و در دیگر رو به درون شهر و دو در دیگر در وسط آن‌ها قرار داشته است. در نزدیکی این دروازه بیمارستان ارغونی قرار دارد که یکی از زیباترین آثار اسلامی به شمار می‌رود و همچنین آثار دیگر نظیر حمام جوهری، حمام مالح، مسجد الدیری مسجد شیخ شریف، مسجد کختلی و مسجد طرسوسی و مدرسه اسدیه قرار دارد که این مدرسه را اسدالدین شیرکوه بنا نمود و همچنین مدرسه سیفیه که در سال ۶۱۷ قمری توسط سیف‌الدین بنا گردید.

۵. باب النصر

باب النصر یکی از دروازه‌های قدیمی حلب است که در گذشته به آن باب الیهود گفتند زیرا که از داخل به محله یهودی و از خارج به قبرستان یهودی‌های حلب منتهی می‌شد. این دروازه در سمت باروی شمالی شهر حلب قرار دارد و از مشخصات آن برج‌های دفاعی جانبی آن می‌باشد، ملک ظاهر در سال ۱۲۱۴ م. اقدام به بازسازی این دروازه نموده و نام آن را باب النصر قرار داد. این دروازه دربرگیرنده سه دروازه بوده که دروازه اول آن با بازگشایی جاده الحندق منهدم شد ولی دروازه میانه همچنان پابرجا بوده و به محله البندوره، و بازار الخابیه و فرافره و باب النصر منتهی می‌شود. مغازه‌های موجود در این منطقه بیشتر به کار نساجی و خرید و فروش پشم و پوست مشغول هستند.

۶. باب انطاکیه

یکی از دروازه‌های قدیمی شهر حلب است که این دروازه در سمت شهر انطاکیه قرار

ص: ۲۰۷

داشته است. در حال حاضر انطاکیه یکی از شهرهای جنوب ترکیه است. در نزدیکی باب انطاکیه مسجدی به نام الشعبيه قرار دارد که اولین مسجدی است که مسلمانان پس از فتح حلب ساختند و یکی از مساجد قدیمی سرزمین شام به شمار می‌رود و امروزه به نام مسجد التوته معروف است.

۷. باب المقام

بنای این دروازه در دوران پادشاهی الملک الظاهر آغاز شد و در دوران فرزندش ملک عزیز به پایان رسید و سپس در دوران حکومت بنی مرداس در سال ۴۳۰ ه. ق تجدید بنا گردید و نورالدین زنگی در دوره خود اقدام به بازسازی آن کرد و چون این دروازه به سوی مقام حضرت ابراهیم علیه السلام در جنوب حلب باز می‌شد به نام باب المقام نامیده شد. این دروازه در حال حاضر وجود ندارد.

اماکن زیارتی شهر حلب

قبر حضرت زکریای پیامبر علیه السلام در مسجد اموی حلب

قبر حضرت زکریا در داخل مسجد بزرگ حلب که به مسجد اموی و مسجد زکریا نیز معروف است قرار دارد. این مسجد به وسیله سلیمان بن عبد الملک اموی بنا شده است. در این مسجد سه محراب وجود دارد که یکی در وسط و یکی در سمت راست و یکی در سمت چپ مسجد قرار گرفته‌اند و در سمت چپ محراب‌ها قبر حضرت زکریا علیه السلام قرار دارد. حضرت زکریا یکی از پیامبران بنی اسرائیل است و برخی معتقدند که قبر وی در فلسطین اشغالی قرار دارد.

ص: ۲۰۸

مرقد حضرت زکریا در مسجد اموی حلب
(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

قبر محسن فرزند امام حسین علیه السلام

هنگامی که کاروان اسرای کربلا به شهر حلب رسیدند، آن‌ها را در کنار کوه غربی حلب که کوه جوشن نام داشت جای دادند و یکی از همسران امام حسین علیه السلام که حامله بود در این محل سقط نمودند و فرزند سقط شده پسری به نام محسن بود که در همین مکان به خاک سپرده شد و محل دفن وی به نام «مشهد السقط» و یا «مشهد الدکه» نامیده

ص: ۲۰۹

می شود. (۱) مقبره مذکور، حدود سیصد متر بالاتر از مشهدالحسین علیه السلام (۲) یعنی در سمت جنوب و به موازات آن بوده و ساختمان رادیو تلویزیون حلب نیز در کنار آن قرار دارد.

این مکان نیز در دامنه تپه است و با عبور از پلکان طویلی می توان بدان راه یافت. این مشهد دو گنبد کوچک و نمایی قدیمی دارد. (۳) عامه مردم حلب این قبر را به عنوان قبر شیخ محسن می شناسند.

یحیی بن ابی طی در تاریخ (۴) خود ذکر می کند که سیف الدوله حمدانی، بر اثر خوابی که دیده بود، در مورد این محل به جستجو پرداخت و بعدها دستور داد که در محل دفن آن جنین، آرامگاهی ساخته شود.

شیخ کامل الغزی در تاریخ (۵) خود به نقل از ابن الفوطی نقل می کند که: مشهد الد که در سال ۳۵۱ قمری ساخته شد و علت بنای آن بدین سبب بود که سیف الدوله شبی در یکی از خانه های بیرون شهر اقامت داشت و مشاهده کرد که نوری از آن مکان می تابد، پس فردای آن روز سوار بر اسب شده و بدان سو رفت و دستور داد که آن محل را کاوش کنند و در این اثنا به صخره ای برخورد که بر روی آن نوشته شده بود: این قبر محسن فرزند حسین بن علی علیه السلام است، پس علویان شهر را گرد آورد و از آنان پرسید که آیا امام حسین علیه السلام فرزندی به نام محسن داشته است؟ برخی اظهار بی اطلاعی کردند و برخی دیگر گفتند که شمربن ذی الجوشن وقتی که اسرای کربلا را به حلب آورد آنان را در کنار کوه جوشن اطراق داد و در بین اسرای اهل بیت

۱- حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲- الکیالی، اضواء و آراء، ص ۸۷.

۳- قائدان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۲۵۹.

۴- ابن ابی طی، یحیی بن حمید، معادن الذهب فی تاریخ حلب،

۵- الغزی، کامل، نهر الذهب فی تاریخ حلب.

ص: ۲۱۰

یکی از زنان امام حسین علیه السلام که باردار بود در این محل سقط نمود. سیف الدوله چون چنین شنید، گفت: پس خداوند تبارک و تعالی به من اجازه داده است تا آرامگاهی برای اهل بیت علیه السلام در این شهر بنا کنم و دستور داد تا «مشهد السقط» را بنا کنند.

مرقد محسن فرزند امام حسین علیه السلام

(تصویر از کمال الدین شاهرخ)

ابن ابی طی پس از بازدید از مشهد آن را چنین توصیف می کند: این مشهد در کوچکی داشت و بر سر در آن سنگ سیاهی نصب شده بود که بر روی آن نوشته شده بود: «این مکان را امیر سیف الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان در سال ۳۵۱ قمری برای رضای خدا و به نام سرور ما محسن بن حسین بن علی علیه السلام بنا نمود». در دوران حکومت بنی مرداس، منبع آبی در شمال مشهد و ضریحی از جنس نقره با پارچه‌ای زربفت بر روی قبر نهاده شد. نورالدین زنگی نیز اتاق‌هایی در کنار مشهد برای اقامت زائران بنا کرد. در دوران حکمرانی صفی الدین طاروق بن علی نابلسی، در قدیمی مشهد بازسازی گردید. در دوران پادشاهی الملک الظاهر غیاث الدین بن صلاح الدین، دیوار شمالی مشهد فرو ریخت و وی دستور بازسازی آن را صادر کرد. در دروان حکمرانی الناصر یوسف بن عبدالعزیز، دیوار قبله فرو ریخت و وی دستور بازسازی آن

ص: ۲۱۱

را صادر کرد.

در دوران حمله مغول‌ها به حلب، این مشهد نیز از دستبرد و چپاول آنان در امان نبود و مغول‌ها اقدام به غارت فرش‌ها و وسایل گرانبهای مشهد نموده و ضریح را تخریب نموده و درهای مشهد را به سرقت بردند.

هنگامی که ملک ظاهر برقوق بن رضی به حکمرانی حلب رسید، دستور داد تا مشهد را بازسازی نمایند و برای آن امام جماعت و متولی و مؤذن انتخاب کرد.

در کنار مشهد السقط، قبور بسیاری از بزرگان و علمای شیعه نظیر: ابن شهر آشوب، ابن منیر طرابلسی و ابن زهره و دیگران قرار دارد.

مسجد النقطه

مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النقطه یکی از زیارت گاه‌های شیعیان در شهر حلب است. این مکان یادآور خاطره تلخ حادثه کربلا است. هنگامی که کاروان اسرا و سرهای شهدای کربلا از سرزمین عراق به حلب رسیدند، در کنار تپه یا کوهی به نام جوشن در غرب حلب و کنار معبدی به نام «مارت مروثا» توقف کردند تا لختی بیاساید و صبحگاهان حرکت به سوی دمشق را از سر گیرند. نگهبانان و حاملان سرهای مقدس نیز به استراحت نشستند. راهبی که در آن دیر بود بآدمی مبلغی به نگهبانان کاروان، سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر صخره‌ای در داخل دیر قرار داد و تا صبح کنار سر مقدس بود. هنگام طلوع آفتاب که سر مقدس را برداشتند، چند قطره‌ای خون بر این صخره یا سنگ جاری گشته بود. پس از حرکت کاروان، مردم حلب از این مسأله خبر یافته و اطراف آن سنگ، جمع شده و به عزاداری و شیون و زاری بر کشتگان کربلا- و نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرداختند. برخی دیگر نیز معتقدند که در هنگام اطراق اسرای کربلا در این مکان، شخصی که مسئولیت حمل سر مطهر امام حسین علیه السلام بر عهده وی بود، سر آن حضرت را بر روی صخره‌ای گذاشت و فردای آن روز که کاروان اسرا از مکان کوچ کردند، اهالی شهر حلب متوجه شدند که قطره‌ای از خون مطهر امام حسین علیه السلام بر روی

ص: ۲۱۲

صخره چکیده است و از آن روز صخره مذکور مورد توجه اهالی حلب قرار گرفت. (۱) بر اساس روایات شیعه، همه ساله در روز عاشورا خون بر سنگ می جوشید و توجه بسیاری از مردم شام را به خود جلب کرده بود. برخی گفته‌اند عبدالملک بن مروان اموی دستور انتقال سنگ را از آن نقطه داد و از آن پس اثری از آن دیده نشد. اما نویسندگان کتاب حلب و التشیع معتقد است این سنگ از ابتدا تا کنون برجای خود باقی بوده است

مقام راس الحسین در مسجد النقطه حلب
(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

۱- حزرالدین، مراقد المعارف، ج ۲، ص ۳۰۲؛ الکیالی، اضواء و آراء، ص ۶۲.

ص: ۲۱۳

مگر مدت کوتاهی در سال ۱۹۲۰ م. که مشهد النقطه پایگاه ذخیره سلاح عثمانی‌ها بوده و چون به خاطر انفجار در تسلیحات موجود، مشهد النقطه تخریب و دچار آسیب شد این سنگ موقتاً به مشهد المحسن در جوار آن منتقل و پس از بازسازی به سال ۱۹۶۰ م. دوباره بر جای خود بازگشت داده شد. سیف‌الدوله حمدانی شیعه نخستین کسی است که بر مکان آن سنگ، حجره و جامعی به سال ۳۵۰ قمری ساخت و آن را مسجد النقطه نامید. او به این مکان اعتقاد ویژه‌ای داشت و همواره به زیارت آن می‌رفت. در سال ۵۷۲ قمری در دوران پادشاهی الملك الظاهر، حکمران حلب که ابو المظفر غازي نام داشت اقدام به بازسازی مشهد النقطه نمود.

در دوران حکومت عثمانی در سال ۱۳۰۲ قمری مشهد الحسین از سمت شمال بازسازی شد و چند سال بعد سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی پرده‌ای ابریشمی و زربافت که آیات قرآن بر آن نقش بسته بود به محراب مشهد هدیه کرد و زمین آن را فرش کرده و سنگ کاری نمود و امام جماعت و مؤذن و خادم و قاریان قرآن بر آن گماشت تا هر روز یک جزء از قرآن را در این مکان بخوانند.

مشهد الحسین علیه السلام امروزه در شهر حلب معروف است و از سوی اهالی و زائران حضرت زینب علیها السلام که از طریق ترکیه و مرز زمینی به سوریه می‌روند زیارت می‌شود.

منطقه مشهد الحسین علیه السلام اکنون به «حی الانصاری» مشهور است. تپه جوشن نیز به رغم اینکه خانه‌های متعددی بر فراز آن ساخته شده است ولی همچنان باقی است. مکان مشهد الحسین علیه السلام سمت راست خیابان اصلی و حدود پنجاه متر بالاتر از پل هوایی است که صحن بزرگی داشته و بر در ورودی، نام این مکان بر روی سنگی حجاری شده است.

بر در ورودی مشهد کتیبه‌ای به خط کوفی دیده می‌شود که بر آن نوشته شده است «هذا مقام و مشهد الحسین علیه السلام» و پایین آن نیز نام سیف‌الدوله حمدانی به عنوان سازنده این بنا به چشم می‌خورد. پس از ورود؛ به شبستان کوچک دیگری می‌رسیم که در انتهای آن ایوانی قرار دارد و کنار آن ضریحی کوچک به ابعاد ۱/۵ * ۱ متر و به رنگ زرد دیده می‌شود. در داخل آن سنگی بر روی استوانه‌ای قرار داده شده و این جا همان مکانی

ص: ۲۱۴

است که سر مقدس امام حسین علیه السلام بر آن گذاشته شده و قطره‌هایی از خون بر آن ریخته است. در سال ۱۹۶۰ م. برای بازسازی مشهد الحسین مؤسسه بازسازی و احسان اسلامی جعفری تأسیس شد و از آن سال ضمن بازسازی این مکان، اقدامات عمرانی دیگری از جمله مسجد، مرکز پزشکی تخصصی، حوزه علمیه به ریاست شیخ ابراهیم نصرالله تا عصر حاضر انجام شده است. شیخ ابراهیم نصرالله نویسنده کتاب حلب و التشیع، خود امامت نماز در مشهد الحسین علیه السلام را امروزه بر عهده دارد.

موضع سر مطهر امام حسین علیه السلام در مسجد نقطه حلب

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

مرقد «معروف بن جمر»

معروف بن جمر یکی از نوادگان اسماعیل بن امام صادق علیه السلام است که در سال ۵۵۵ قمری به دنیا آمد. وی فردی شجاع و متهور و از فرماندهان سپاه «ملک ظاهر بیبرس» بود که سال‌ها علیه صلیبی‌ها جنگید و عاقبت در سال ۶۴۰ قمری در نبرد انطاکیه به شهادت رسید.

ص: ۲۱۵

رسید. مرقد وی در بازار سوق الزرب، بزرگ‌ترین بازار حلب و در حدود دویست متری داخل بازار و سمت چپ آن است که پنجره‌ای از مرقد او به بیرون باز می‌شود. امروزه این مرقد داخل مدرسه بسیار کوچکی است که به وسیله ملک ظاهر بیبرس به سال ۵۹۰ قمری ساخته شده است. در کنار قبر او کلاهخود و لوازم و ابزارهای جنگی او نگهداری می‌شود.

مسجد اموی حلب

نام دیگر آن مسجد زکریا و مسجد بزرگ حلب است، این مسجد را خلیفه اموی سلیمان بن عبدالملک بر بقایای کلسیای قدیمی‌ای که هیلانه مادر امپراتور کنستانتین بنا کرده بود، ساخت. سلیمان تلاش کرد تا با صرف هزینه‌های فراوان این مسجد را همانند مسجد اموی دمشق که برادرش ولید ساخته بود بنا نهد، پس از سقوط بنی امیه و به قدرت رسیدن بنی عباس، یکی از خلفای عباسی اقدام به تخریب بخش‌هایی از مسجد و انتقال سنگ‌های مرمر آن به مسجد انبار در نزدیکی بغداد نمود. در سال ۹۶۲ م. «نکفور فوکاس» امپراتور بیزانس پس از تصرف حلب، مسجد بزرگ آن را به آتش کشید، اما چندی نگذشت که آن را سیف‌الدوله حمدانی مجدداً بازسازی نمود. در سال ۱۱۶۹ م.

اسماعیلی‌ها بر حلب چیره شده و این مسجد را به همراه بازارهای اطراف آن آتش زدند، ولی بعداً سلطان نورالدین زنگی آن را تجدید بنا کرد و باز در سال ۱۲۶۰ م. مغول به رهبری هولا-کو حلب را تصرف کردند و مسجد را آتش زدند، اما در سال ۱۲۸۵ م.

دوباره پادشاهان ممالیک آن را بازسازی کردند. در سمت قبله این مسجد مرقد حضرت زکریای پیامبر علیه السلام است که وی پدر یحیای پیامبر علیه السلام است که مرقد وی در مسجد اموی دمشق می‌باشد. این مسجد با مناره بلند و زیبایش مشهور است که ارتفاع این مناره در حدود ۴۶ متر است و یکی از زیباترین مناره‌های تاریخی به شمار می‌رود. منبر چوبی مسجد به قرن چهاردهم میلادی بازمی‌گردد و دارای نقش و نگارهای زیبایی بوده و مرصع به عاج و آبنوس می‌باشد. مسجد سه محراب دارد که یکی در سمت راست و

ص: ۲۱۶

یکی در وسط و سومی در سمت چپ قرار دارند و در سمت چپ محراب مرقد زکریای پیامبر قرار دارد. اداره کل میراث فرهنگی در سال ۱۹۵۳ م. اقدام به بازسازی دیوار شمالی و بیرونی مسجد کرد و تمامی بناهای اطراف آن را ویران نمود و در جدیدی برای آن ساخت تا جلوه بنا به خوبی دیده شود.

تصویری از مسجد اموی حلب

مساحت فعلی مسجد در حدود هشت هزار متر مربع است و مسجد در طول تاریخ با حوادث ویران کننده و آتش سوزی ها متعدد مواجه گردید، زیرا که در آن دوران حلب یکی از شهرهای مرزی خلافت اسلامی بود و همیشه در معرض چپاول و تاراج دشمنان و بویژه امپراتوری بیزانس بود، و بزرگ ترین ویرانی مسجد به وسیله نکفور فوکاس امپراتور بیزانس صورت گرفت که در آن مسجد کاملاً ویران شد و سیف الدوله حمدانی پس از استیلا بر حلب، آن را مجدداً بنا کرد.

ص: ۲۱۷

شکل فعلی مسجد به دوره‌های سلجوقی‌ها، زنگی‌ها و ایوبی‌ها بازمی‌گردد برای مثال بنای مناره مسجد به اواخر قرن یازدهم میلادی در دوران سلجوقی‌ها بازمی‌گردد، ساخت و بازسازی بخشی از دیوار قبله به دوران حکمرانی نورالدین زنگی و بازسازی بخش‌های دیگر به دوران ممالیک بازمی‌گردد. سقف اولیه مسجد در دوران اموی‌ها از جنس چوب بود و با توجه به آتش‌سوزی‌های متعدد مسجد، این سقف در قرن سیزدهم میلادی در دوران حکمرانی ممالیک تبدیل به سنگ گردید تا در آتش‌سوزی‌های احتمالی آسیب نبیند.

تصویری از گنبدهای داخل مسجد اموی حلب

(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

منبر چوبی مسجد در سال ۱۲۸۵ م. ساخته شده است و قبل از آن منبر چوبی دیگری وجود داشت که توسط نورالدین زنگی ساخته شده بود و صلاح‌الدین ایوبی این منبر را

ص: ۲۱۸

بعد از فتح بیت المقدس به آن جا منتقل کرد. اما در خصوص حضرت زکریا علیه السلام، بسیاری معتقدند که در این مرقد سر مطهر حضرت زکریا علیه السلام قرار دارد و گویند که نورالدین زنگی در قرن دوازدهم میلادی سر مطهر آن حضرت را از بعلبک به قلعه حلب منتقل کرد و سپس آن را از قلعه حلب به مسجد اموی حلب منتقل کرد و مرقد وی کاشیکاری شده و بر روی آن ضریحی از جنس مس قرار دارد که در حدود چهارصد سال قبل نصب شده است.

مناره مسجد اموی حلب

ص: ۲۱۹

مسجد اموی سه رواق دارد که تاریخ بنای آن به دوره عثمانی بازمی‌گردد و کف صحن مسجد سنگ کاری شده است. برای سنگ کاری از سنگ‌های بازالتی استفاده شده است و در آن محلی برای وضو و یک ساعت آفتابی وجود دارد که این ساعت توسط جمیل پاشا والی شهر حلب در یکصد و بیست سال قبل از روی ساعتی که در قصر یلدز استانبول وجود داشته کپی برداری شده و در مسجد اموی حلب نصب شده است. (۱) مناره مسجد یکی از مهم‌ترین بخش‌های مسجد به شمار می‌رود که ارتفاع آن تا زمین ۴۵ متر بوده و به صورت مربع می‌باشد که طول هر ضلع آن پنج متر می‌باشد. مسجد اموی حلب در سال ۱۹۹۹ م. بنا به دستور رئیس جمهور فقید سوریه آقای حافظ اسد بازسازی گردید.

مسجد اموی حلب چهار در دارد که عبارتند از: در شمالی که در کنار مناره قرار دارد، در غربی که به خیابان مسامیریه باز می‌شود، در شرقی، که به سوق المنادیل باز می‌شود و در جنوبی که به بازار نحاسین یا مسگرها باز می‌شود.

قلعه حلب

این قلعه در شهر حلب قرار دارد و یکی از بزرگ‌ترین قلعه‌های سوریه به شمار می‌رود که هر روزه پذیرای هزاران نفر توریست و جهانگرد علاقمند می‌باشد. این قلعه بر روی تپه‌ای در وسط شهر قرار گرفته است و تقریباً از همه جای شهر دیده می‌شود و راه ورودی قلعه راهروی بزرگ است که از روی خندق گذشته و به دروازه قلعه منتهی می‌گردد.

ص: ۲۲۰

قلعه حلب

گراگرد قلعه را باروی بلند و دایره‌ای شکل و برج‌های متعددی فرا گرفته است. در داخل قلعه بناهای متعدد شامل مسجد، بازار و سالن‌های متعدد وجود دارد.

ابعاد قلعه در حدود ۳۷۳ در ۳۷۵ متر است و ارتفاع بالای قلعه تا کف خندق ۴۰۰ متر می‌باشد. در داخل قلعه قصر و دارالعماره سلطان، زندان قلعه، حمام‌های قلعه، جامع کبیر و صغیر و... واقع شده است. گفته می‌شود اصل این بنا مربوط به رومی‌هاست. اما در قرن چهارم «امیر سیف‌الدوله حمدانی» بر وسعت این قلعه افزوده و در آن بناهای جدید ساخته است. بعدها «تیمورلنگ» و مغول‌ها بخش‌هایی از این قلعه را خراب کرده‌اند.

ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه‌اش از حلب و قلعه‌اش چنین یاد کرده است: «حلب را شهری نیکو دیدم، باره‌ای عظیم دارد، ارتفاعش بیست و پنج ارش قیاس کردم و قلعه‌ای عظیم هم بر سنگ نهاده، به قیاس چند بلخ باشد همه آبادان و بناها بر سر نهاده و آن شهر

ص: ۲۲۱

باجگاه است میان بلاد شام و روم و بکر و مصر و عراق، و از این همه بلاد تجار و بازرگانان آن جا روند...».

این قلعه در اصل به رومی‌ها تعلق داشته ولی عمارت اصلی آن از آثار سیف‌الدوله حمدانی حاکم موصل، حلب ورقه در سده چهارم هجری می‌باشد. برخی گویند نخستین کسی که قلعه را بنا کرد سلوکس بود. (۱) این قلعه یکی از استحکامات بسیار قوی و غیر قابل نفوذ مسلمانان در مقابل نیروهای رومی بوده و به عنوان مقر فرماندهی سیف‌الدوله از موقعیتی استراتژیکی برخوردار بوده است. نکفور فوکاس فرمانده سپاهیان روم نیز یک بار قلعه را به تصرف خود درآورد. پس از دوران سیف‌الدوله، سلاجقه شام و امرای ایوبی از این قلعه به عنوان دژ مستحکم در مقابل نیروهای صلیبی بهره برده و تعمیراتی نیز در آن انجام دادند. متأسفانه در حمله مغول به حلب این قلعه تقریباً تخریب شد ولی اشرف بن قلاوون آن را تجدید بنا کرد. قلعه یاد شده برای بار دوم به دست تیمور لنگ خراب شد ولی باز مورد بازسازی قرار گرفت. آخرین تعمیراتی که بر آن صورت گرفت در قرن سیزدهم و پس از آسیب‌هایی بود که بر اثر زلزله به آن وارد آمد. (۲) امروزه بر دیوارهای در قلعه سوراخ‌های فراوانی دیده می‌شود که اثر گلوله و توپ است. این امر بیانگر آن است که قلعه مذکور در جنگ اول جهانی و درگیری‌های عثمانی با دولت‌های اروپایی کاربردی نظامی و استراتژیک داشته است. این قلعه به وسیله پلی که به وسیله ستون‌ها و پله‌هایی از سنگ استوار است با خارج ارتباط دارد. در گذشته این پل، چوبی و متحرک بوده و به هنگام لزوم باز یا بسته می‌شده است. طول آن حدود پنجاه متر و در انتهای آن در اصلی قلعه قرار دارد، که بسیار بزرگ و عظیم با دو برج دیدبانی به ارتفاع دوازده متر و عرض چهار متر است و دیواره‌های آن از سنگ‌های کوهی تراشیده شده است. بر سر در ورودی، کتیبه‌ای بسیار بزرگ و طولانی به خط کوفی قرن پنجم هجری از دوران سیف‌الدوله و در کنار آن کتیبه‌ای دیگر از تجدید بنای سلطان اشرف غوری خبر

۱- کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ حلب، ج ۲، ص ۲۳.

۲- همان منبع، ج ۱، ص ۹.

ص: ۲۲۲

می‌دهد، دیده می‌شود. قابل ذکر است که قبل از این در، برجی به نام برج متقدم قرار دارد که در سال ۱۵۰۷ م. ساخته شده است. پس از در اصلی راهروهای پرپیچ و خم و تاریکی وجود دارند که به درهای متعددی منتهی می‌شوند که اولین در «باب الحیات» و دومین آن باب الاسدین (شعار دولت ایوبی) می‌باشد.

بخش‌های مختلف قلعه دمشق عبارتند از:

۱. قصر سلطان: این قصر در داخل قلعه قرار دارد و محل استقرار سلطان سیف‌الدوله حمدانی بوده است و بعدها برخی دیگر از سلاطین شام در آن سکونت داشته‌اند.
۲. قصر الضیافه: در قسمت بالای قلعه، سالن بزرگی به ابعاد ۳۰*۳۰ متر و ارتفاع پانزده متر قرار دارد که مهمانسرای سلطان بوده است. این عمارت سقفی بسیار زیبا از فسيفساء و منبت کاری شده دارد که از آثار هنری دوران ایوبی به شمار می‌رود.
۳. زندان قلعه: کمی بالاتر از قصر سلطان و قصر الضیافه در سمت راست، در کوچکی است که پس از عبور از راهرویی به زیرزمین و در حقیقت به زندان قلعه راه دارد. زندان از دو قسمت تشکیل شده است، اولی که زیرزمینی وسیع با دو سالن بزرگ می‌باشد و دومی مکانی عمیق و تاریک است که به وسیله پله‌ای بسیار باریک به آن راه است و هیچ روزنه و نوری ندارد.
۴. حمام‌های قلعه: پس از زندان قلعه در سمت چپ یک حمام عمومی است که تا حدودی سالم مانده است. این حمام برای استفاده سربازان در نظر گرفته شده و کمی بالاتر از آن در سمت راست، حمام سلطنتی دیده می‌شود که مخصوص فرمانده و یا فرماندهان بوده و اکنون نیز سالم باقی مانده است.
۵. مسجد کبیر و مسجد صغیر: دو مسجد در قلعه وجود دارد که احتمالاً یکی از آن در دوران نورالدین زنگی و دومی در دوران صلاح‌الدین ایوبی ساخته شده‌اند.
۶. مقام ابراهیم علیه السلام و رأس یحیی علیه السلام: در راهروی ورودی قلعه در سمت راست ایوانی است که داخل آن قبر و صندوقی قرار دارد که گویند پاره‌ای از سر حضرت یحیی

ص: ۲۲۳

در آن بوده است و صحیح تر آن است که نورالدین زنگی در قرن دوازدهم میلادی سر مطهر حضرت زکریا را از بعلبک به قلعه حلب منتقل کرد و سپس آن را از قلعه حلب به مسجد اموی حلب منتقل کرد و محل مذکور احتمال محل دفن قبلی سر مطهر حضرت زکریا بوده است. در کنار آن «باب الجنان» یا «مشهد علی» است وجه تسمیه آن به مشهد علی علیه السلام به خاطر سنگ نبشته‌ای است که یاقوت حموی گوید خط علی بن ابی طالب است (۱) که این مطلب نیز فاقد شواهد تاریخی است و نمی‌تواند صحت داشته باشد.

بیمارستان نوری

این بیمارستان همزمان با بیمارستان نوریه دمشق به سال ۵۹۹ قمری به دستور نورالدین زنگی ساخته شد. برخی دیگر معتقدند که این بیمارستان در سال ۴۵۸ قمری ساخته شده و در دوران نورالدین زنگی بازسازی شده است. بیمارستان مذکور در گذشته بخشی مخصوص زنان داشته است. این بیمارستان امروزه به صورت مخروبه‌ای درآمده است.

بیمارستان ارغونی

این بیمارستان توسط ارغون بن طيجو کاملی، حکمران حلب در سال ۷۵۵ قمری ساخته شد و بنایی بسیار عالی دارد.

حمام جوهری

یکی از قدیمی‌ترین حمام‌های حلب است که در سال ۷۸۷ قمری به وسیله امیر علاءالدین جوهری ساخته شده است.

ص: ۲۲۴

حمام یلبغا (ناصری)

یکی از زیباترین حمام‌های حلب است که توسط امیر یلبغا ناصری در سال ۸۹۲ قمری تجدید بنا شده است. تاریخ بنای آن روشن نیست ولی در حمله مغول از بین رفته و دوباره مرمت شده است. این حمام در میدان قلعه حلب و سمت راست در قلعه می‌باشد.

مسجد توته

به اعتقاد بسیاری این مسجد کوچک اولین مسجدی است که پس از فتح حلب توسط مسلمانان به سال شانزده هجری بنا شده است. نام‌های دیگر آن «جامع عمری»، «جامع غضائری» و «جامع شعبیه» است. در دوران زنگی‌ها به سال ۵۴۵ قمری و در عصر ممالیک به سال‌های ۸۰۴ قمری و ۹۷۲ قمری مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته (۱) و نمای آن همچنان از آن دوران برجای مانده است. جامع توته در سمت شمال مسجد اموی حلب و حدود یکصد متری آن در کنار میدانی واقع شده است.

مسجد و آرامگاه سهروردی

شیخ شهاب‌الدین سهروردی یکی از دانشمندان اسلامی و بنیان‌گذار حکمت اشراق است که در سال ۵۴۹ قمری در سهرورد از توابع زنجان به دنیا آمد، وی موفق شد در فلسفه طریقه اشراق را ابداع نماید و این طریقه مورد شک و تردید بسیاری از علمای اهل سنت قرار گرفته و آنان وی را به الحاد و زندقه متهم نموده و برخی از علمای حلب خون او را مباح دانستند. حکمایی چون ملاصدرا و ملاهادی سبزواری به پیروی و تشریح عقاید این فیلسوف بزرگ پرداختند. شیخ شهاب‌الدین از عرفا و حکمایی است که عده‌ای او را به شیعه منتسب کرده‌اند، لذا باید گفت علت قتل او علاوه بر فیلسوف بودن، می‌تواند همین گرایشات شیعی باشد. شیخ شهید بر اثر سعایت‌هایی که از او نزد

۱- اسدی، احیاء حلب و اسواقها، ص ۹۴؛ غزی، نهر الذهب فی تاریخ حلب، ج ۲، ص ۷۱ و ۸۷ و ۱۵۲.

ص: ۲۲۵

صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام شد، به حبس افتاده و در سال ۵۸۷ قمری به شهادت رسید. اکنون مقبره وی در سمت غربی میدان باب الفرج داخل مسجد سهروردی قرار دارد. این مسجد بسیار کوچک بوده و کمتر در معرض دید قرار دارد. در داخل شبستان و سمت چپ آن مقبره سهروردی است که سنگ قبر کوچکی دارد. بر بالای این قبر شرحی مختصر از زندگی این فیلسوف ایرانی و مکان تولد و رشد او در ایران به نگارش در آمده است. (۱)

موزه‌های حلب

شهر حلب سه موزه دارد که این موزه‌ها عبارتند از:

۱. موزه حلب: این موزه در مرکز شهر حلب قرار دارد.
۲. موزه آداب و سنن مردمی: که محل این موزه در خانه أجباش است.
۳. موزه قلعه حلب: که این موزه در داخل قلعه حلب قرار دارد.

تصویر سردر موزه حلب

۱- قانطان، تاریخ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۲۶۲- / ۲۶۳.

ص: ۲۲۶

خلاصه فصل سوم

شهر حلب دومین شهر بزرگ و مهم سوریه می باشد. این شهر در فاصله ۳۵۵ کیلومتری دمشق قرار دارد. شهر حلب پیشینه تاریخی کهنی دارد و در دوره حکومت حمدانیان، پایتخت سوریه به شمار می رفته است. این شهر در گذشته از شهرهای شیعه نشین سوریه به شمار می رفت و بزرگان و علمای بزرگی در این شهر زندگی می کردند که متأسفانه شیعیان حلب بر اثر ظلم و ستم صلاح الدین ایوبی قلع و قمع شدند و امروزه فقط چند روستای اطراف حلب بر مذهب شیعه باقی مانده اند. در شهر حلب آثار باستانی متعدد نظیر قلعه حلب، دروازه های حلب و مسجد جامع اموی وجود دارد. همچنین در این شهر زیارت گاه هایی نظیر قبر حضرت زکریای پیامبر علیه السلام، قبر محسن فرزند امام حسین علیه السلام، مسجد النقطه یا مشهد الحسین علیه السلام وجود دارد.

ص: ۲۲۹

فصل چهارم: سایر اماکن زیارتی در سوریه

مقدمه

در خارج شهر دمشق، اماکن زیارتی متعددی وجود دارد که توجه بسیاری از زائران ایرانی را به خود جلب نموده و آنان را به سوی خود می کشاند. برخی از این اماکن از دیرباز در برنامه های زیارتی سازمان حج و زیارت گنجانده شده است و برخی دیگر، به صورت متفرقه بوده و زائران ایرانی به صورت گروهی و یا دسته جمعی به دیدن این اماکن روی می آورند.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با اماکن زیارتی موجود در خارج از شهر دمشق و حلب آشنا شود. از جمله این اماکن می توان از مقام حجر بن عدی کندی در روستای عذرا، مقام عمار یاسر و اویس قرنی در شهر رقه، مقام حضرت سکینه در شهر داریا، مقام امام زین العابدین در شهر حماه، مرقد محمدبن الحسن در روستای المزه دمشق، قبر حضرت هابیل در زبدانی، مرقد حزقیل نبی، محل سکونت حضرت موسی و عیسی در ربوه، مقام حضرت ابراهیم در البرزه، مقام محمدبن ابی حذیفه در شهر کسوه، مرقد فرزندان جعفر طیار در شهر حمص، مرقد مقداد بن اسود در شهر ک بیلا، مرقد دحیه الکلبی در روستای المزه و مرقد تمیم الداری در روستای دیر مردان نام برد.

هدف های رفتاری

سایر اماکن زیارتی در سوریه برای زائران ایرانی حائز اهمیت است برخی از این

ص: ۲۳۲

اماکن تا دمشق فاصله زیادی دارد و بازدید از آن‌ها برای کسانی که به صورت هوایی وارد دمشق می‌شوند، کار دشوار و مشکلی است و برخی دیگر در اطراف دمشق قرار داشته و زایران می‌توانند به صورت فوق برنامه به زیارت آنان بروند، البته در این میان مقام حجر بن عدی کندی استثنا بوده و تقریباً از آغاز راه‌اندازی تورهای زایران ایرانی در دهه شصت، این محل مورد توجه بوده و به‌طور مستمر توسط زایران ایرانی، زیارت می‌شده است.

مقام حجر بن عدی در روستای عذرا

حجر بن عدی یکی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود، که در سال ۵۱ یا ۵۳ به دستور معاویه به شهادت رسید. زمان مرگ ابوذر در ربهه حاضر بود. در حوادث زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام، نیز حجر بن عدی نقش فعالی داشت. وقتی «ابوموسی اشعری» نمی‌گذاشت مردم کوفه، در جنگ جمل، به یاری علی علیه السلام بروند، امام حسن علیه السلام و عمار یاسر به مسجد رفتند و ابوموسی را بیرون کردند و با مردم سخن گفتند؛ سپس حجر بن عدی کندی که از افاضل اهل کوفه بود برخاست و مردم را به یاری علی علیه السلام فرا خواند.

زمانی که ربودن زیورهای یک زن مسلمان و یک زن ذمی به وسیله سپاه معاویه را به امیرالمؤمنین علیه السلام گزارش دادند، سخت بر او دشوار آمد و برخاست، به نخیله رفت و خطبه مشهور «جهادیه» را ایراد کرد. سران کوفه همه اعلام آمادگی کردند. ولی مردم بسیج نشدند. حجر بن عدی به امیرالمؤمنین گفت: «ما همگی آماده رفتن به جنگ هستیم. از هیچ چیز باک نداریم. اما شما هم مردم را به رفتن جنگ مجبور کنید، و در میان آنان بانگ دهید که هر کس به جنگ حاضر نشد کیفر خود دید». حجر بن عدی نخستین کسی بود، که پس از صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، حضرت را

ص: ۲۳۳

به بازگشت به جنگ فرا خواند و گفت:

مرقد حجر بن عدی

«یا بن رسول الله، آرزو می کردم که پیش از دیدن چنین روزی بمیرم، ما را از عدل بیرون آورده به جور وارد کردی، حقی را که داشتیم پشت سر گذاشتیم، در باطلی درآمدیم که از آن می گریختیم، و پستی را از خودمان به خود بخشیدیم، و فرومایگی را پذیرفتیم که سزاوار آن نبودیم».

سخن حجر بر امام حسن علیه السلام بسی گران آمد و در پاسخ او فرمود:

«من خواست اکثریت مردم را در صلح دیدم، دانستم که از جنگ اکراه دارند، دوست ندارم آنان را به چیزی که اکراه دارند، مجبور کنم. به منظور حفظ شیعیان خود از کشته شدن، مصالحه کردم، و به نظرم رسید که این جنگها را برای روزی مناسب واگذارم، زیرا خدا در هر روزی شأنی دارد».

ص: ۲۳۴

هنگامی که «زیاد بن ابیه» والی کوفه شد، حجر را فرا خواند و گفت: «می دانی که من تو را می شناسم، من و تو هر دو چنان که می دانی یک عقیده داشتیم، و منظورش دوستی علی علیه السلام بود، اکنون وضع عوض شده است، ترا به خدا سوگند می دهم مبادا کاری کنی که ناچار شوم خون ترا بریزم، زبانت را نگهدار و از خانهات بیرون نیا، همه نیازها و خواسته هایت را برآورده می کنم. و تو را از این مردم فرومایه پرهیز می دهم و برحذر می دارم، مبادا اندیشهات را سست کنند و به کاری وادارند که باعث خفت و خواریت در نزد من شود.»

حجر گفت: حرفت را فهمیدم و به خانه رفت.

روزی حجر به «عمرو بن حرث» جانشین زیاد، در یکی از خطبه های نماز جمعه، سنگ انداخت و او را از منبر پایین آورد. عمرو به زیاد نوشت: اگر به کوفه نیاز داری شتاب کن. زیاد به سرعت خود را به کوفه رساند و از حجر خواست تا از او عذرخواهی کند. آن گاه مأموران خود را فرستاد که او را بیاورند. حجر با کسانی که در خانه اش بودند با آن مأموران جنگید. سپس آن افراد پراکنده شدند، مأموران او را گرفتند و به نزد زیاد بردند. زیاد گفت: وای بر توای حجر، این چه کاری است که می کنی؟ حجر گفت: من بر بیعت خود با معاویه هستم و آن را نشکسته ام. زیاد هفتاد نفر از بزرگان و سران کوفه را فراخواند و از آنان خواست گواهی خود را علیه حجر و یارانش بنویسند و آنان به دروغ گفته های زیاد را تأیید کردند و برخی معتقدند که این گواهی دروغین، اولین گواهی ناحق در بین مسلمانان بود. سپس حجر و یارانش را به نزد معاویه اعزام کرد.

معاویه گفت: آنان را به مرج عذراء ببرید و در آنجا بکشید. چون بدان جا رسیدند حجر گفت: این روستا چه نام دارد؟ گفتند: عذراء، گفت: الحمدلله، به خدا من نخستین مسلمانی هستم که سگ های این روستا در راه خدا به من پارس کردند، و امروز مرا با غل و زنجیر بدین جا آورند.

هر نفر را به یکی از مردم شام دادند که بکشد. حجر را به شخصی از حمیر دادند.

حجر گفت: بگذار دو رکعت نماز بخوانم. به او اجازه داد. حجر وضو گرفت و دو رکعت

ص: ۲۳۵

نماز گزارد و آن را طولانی کرد. به او گفتند: از ترس مرگ نماز را طولانی کردی؟ گفت:

«هرگز وضو نگرفته‌ام، مگر این که با آن نماز به جای آورده‌ام، و هرگز نمازی بدین سبکی و شتاب نخوانده‌ام و اگر هم بترسم بعید نیست، زیرا شمشیری آخته و کفنی آماده و گوری کنده شده در برابر خود دیده‌ام.»

در سال ۱۹۹۱ مرقد جدیدی توسط برخی از تجار ایرانی برای حجر ساخته شد که این مرقد شامل گنبدی کبود و مناره‌ای بلند بود و در اطراف مرقد نیز حیاطی وسیع ساخته شد. مرقد حجر در مدخل شهر ک عذرا و در جاده دمشق دوما قرار دارد مساحت مرقد (۱۲ * ۱۷ متر) و مساحت مسجد (۱۷ * ۱۷ متر) است و بر روی قبر حجر گنبدی از جنس نقره قرار داده شده است. مدت بازسازی مرقد هشت ماه به طول انجامید.

مقام عمار یاسر علیه السلام و اویس قرنی علیه السلام در شهر رقه

عمار یاسر یکی از بزرگان صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از یاران باوفای امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌باشد، پدر و مادر وی اولین شهدای در راه اسلام بودند که در زیر شکنجه‌های ناجوانمردانه کفار قریش به شهادت رسیدند. عمار زحمات زیادی برای ترویج اسلام کشید و در تمامی جنگ‌های مسلمانان در کنار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضور داشت و پیامبر همیشه به ایشان می‌فرمود: یا عمار! تقتلک الفئه الباغیه، یعنی ای عمار، تو را گروه سرکش و نافرمان خواهند کشت، عمار یکی از چهار یار با وفای حضرت علی علیه السلام بود که پس از رحلت رسول اکرم بر سر پیمان خویش با حضرت علی علیه السلام باقی ماندند و چون حضرت علی علیه السلام به خلافت رسید، عمار همه جا کنار آن حضرت علی علیه السلام و در جنگ صفین علی رغم کهنولت سن، حضوری جاودانه داشته و در میدان نبرد در کنار سایر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر علیه معاویه جنگیده و به شهادت رسید. مرقد عمار یاسر در سمت راست دروازه قدیمی شهر رقه که به دروازه باب علی علیه السلام مشهور است واقع شده است.

ص: ۲۳۶

مرقد عمار یاسر در شهر رقه

تاریخچه مقام عمار یاسر

قبل از بنای مرقد مطهر عمار یاسر، آرامگاه کوچک و محقری بر بالای قبر او ساخته شده بود و در آغاز دهه شصت، آیت‌الله فهری نماینده ولی فقیه در سوریه به اتفاق آقای محتشمی سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه طی سفری به شهر رقه از گورستان قدیمی این شهر که محل دفن عمار یاسر و اوایل قرن بیستم و بسیاری از یاران حضرت علی علیه السلام بود دیدن کرده و به دولت سوریه پیشنهاد کردند که آرامگاهی برای صحابه و

ص: ۲۳۷

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در این جنگ به شهادت رسیدند برپا کنند. دولت سوریه با این پیشنهاد موافقت کرد و قرار شد این کار در دو مرحله صورت گیرد، در مرحله اول گورستان جدیدی در سمت دیگر شهر ساخته شود و دفن مردگان در گورستان قدیمی متوقف شود و به بستگان و خویشان مردگان مدفون در گورستان قدیمی اجازه داده شود که جسد مردگان خود را به گورستان جدید منتقل کنند و در مرحله دوم کار ساختن بنا آغاز گردد. پس از اجرای موفقیت آمیز مرحله اول، نمایندگی ولی فقیه در سوریه، با هماهنگی وزارت اوقاف سوریه سنگ بنای مرقد عمار یاسر و اویس قرنی را نهادند و بدین گونه مرحله دوم پروژه آغاز شد، اما به دلایلی کار متوقف شد تا این که عاقبت در مهر سال ۱۳۸۰ وزارت مسکن و شهرسازی سوریه و دفتر مقام معظم رهبری مجدداً پروژه بنای مرقد عمار یاسر را از سر گرفتند و با این که قرار بود که پروژه مذکور طی شش سال به اتمام برسد، این پروژه به همت مهندسان جوان و سختکوش ایرانی در کمتر از سه سال به پایان رسید و عاقبت مرقد و آرامگاه عمار یاسر و اویس قرنی در بهار سال ۱۳۸۳ با حضور آیت الله محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری و سفیر جمهوری اسلامی ایران در دمشق و وزیر اوقاف سوریه افتتاح گردید. مرقد باشکوه عمار یاسر شامل شبستان بزرگی است که گنبدی مرتفع بر بالای آن قرار گرفته است.

مرقد اویس قرنی یکی از صحابه‌های بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از شیعیان فداکار علی علیه السلام در سمت چپ قبر عمار یاسر در شبستانی دیگر قرار دارد. وی یکی از صحابه‌های زاهد و متقی و از شیعیان خالص علی علیه السلام بود که در رکاب آن حضرت در جنگ صفین به شهادت رسید. بر فراز قبر آن شهید بزرگوار نیز گنبدی مرتفع قرار دارد.

در سمت چپ قبر اویس قرنی مقبره دیگری قرار دارد که به ابی بن کعب منسوب است. از آن جا که نام ابی بن کعب جزو شهدای صفین ذکر نشده و قبر او نیز در بقیع قرار دارد، به طور قطع این انتساب صحیح نیست. (۱) و احتمال می‌رود که این قبر متعلق به یکی

ص: ۲۳۸

دیگر از یاران بزرگ حضرت علی علیه السلام نظیر ابوالهیثم التیهان و حذیفه یمانی و غیره باشد که در جنگ صفین به شهادت رسیده و در همان جا به خاک سپرده شده‌اند.

مقام حضرت سکینه (دختر امام علی علیه السلام در شهر داریا)

این مقام تا بیست سال قبل ناشناخته بود و در حدود بیست سال قبل شهرداری داریا مشغول احداث خیابانی جدید بودند که راننده یکی از لودرها اعلام می‌کند که به قبری رسیده است که احتمالاً متعلق به اهل بیت علیهم السلام است. مقامات سوریه نیز مراتب را به اطلاع حجت الاسلام واحدی (تولیت فعلی حرم) می‌رسانند و ایشان با تحقیقات خویش به این نتیجه می‌رسد که صاحب این قبر سکینه دختر حضرت علی علیه السلام می‌باشد، از این رو برای ایشان ضریحی از نقره ساخته شده و نصب می‌گردد. شهرک داریا در فاصله ده کیلومتری دمشق قرار دارد. (۱) درباره این که حضرت سکینه علیه السلام مذکور دختر حضرت زهرا علیها السلام بوده و یا این که بعد از رحلت حضرت زهرا علیه السلام به دنیا آمده و مادر وی شخص دیگری است شک و تردید وجود دارد، حجت الاسلام واحدی معتقد است که وی فرزند حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام می‌باشد که برخی از تاریخ‌نویسان از ذکر نام وی غفلت کرده‌اند و برای این امر شواهدی نیز نقل می‌کند. (۲) اما به هر حال آنچه که مشهور و متداول است این است که حضرت زهرا علیها السلام چهار فرزند بیشتر نداشته است و محتملاً حضرت سکینه علیها السلام دختر حضرت علی علیه السلام، از مادر دیگری غیر از حضرت زهرا علیها السلام بوده است.

مقام امام زین‌العابدین علیه السلام در شهر حماه

این مقام در مدخل شمالی شهر حماه و در بالای کوه مشرف بر سمت چپ جاده حلب- / حماه قرار دارد. اهالی شهر حماه معتقدند هنگامی که کاروان اسرای کربلا از

۱- علوی، راهنمای مصور سفر زیارتی سوریه، ص ۱۱۴- / ۱۱۵.

۲- واحدی، سکینه دختر امیر مومنان علیه السلام بانوی ناشناخته، ص ۱۶- / ۲۱.

ص: ۲۳۹

حلب به سمت شهر حماه در راه بودند، خبر ورود آنان چون به شهر رسید، اهالی شهر به عنوان سوگواری مغازه‌های خود را بسته و دروازه‌های شهر را بستند و به کاروان اجازه ورود به شهر را ندادند و بدین علت کاروان اسرا به ناچار در کنار این کوه اطراق نمود و حضرت امام سجاد علیه السلام برای خواندن نماز به بالای این کوه رفته و به عبادت مشغول شد، امروزه در محل مذکور مقامی ساخته‌اند که مردم در روزهای جمعه بدان مقام مشرف شده و در آن دو رکعت نماز به جای می‌آورند.

مرقد محمد بن الحسن علیه السلام

مرقد محمد فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام و ابوالقاسم بن محمد نواده آن حضرت در روستای المزه در حومه دمشق در یک چهار دیواری محقر و مخروبه قرار دارد. از خیابان المزه، حدود سیصد متری داخل قریه مذکور، سمت چپ کوچه دیواری است که روزنه و پنجره کوچکی از آن باز شده است. نام این بزرگواران بر سنگ قبر آنان به خط کوفی نوشته شده است. (۱)

قبر حضرت هابیل علیه السلام در زبدانی

هنگامی که قابیل در کوه قاسیون، مغاره الدم کنونی، برادرش هابیل علیه السلام را کشت، مسافت زیادی را پیمود و او را به خاک سپرد. در منابع تاریخی مکان دفن هابیل علیه السلام در کوه قاسیون ذکر شده است ولی اینکه در کجای آن قرار دارد به طور دقیق چیزی ذکر نشده است. با این حال امروزه قبری در دامنه کوه (در غرب دمشق) به هابیل منسوب است. این مکان نزدیک قریه «زبدانی» و در مسیر دمشق بیروت در ۴۵ کیلومتری دمشق است. مسیر آن از طریق میدان الاموین و خیابان المزه به سوی بیروت است و پس از دو راهی قنطره و زبدانی، به سمت زبدانی، در سمت راست مسیر، تابلویی با عنوان

ص: ۲۴۰

«نبی هابیل علیه السلام» دیده می شود. از این جا جاده ای باریک در دامنه های کوه است که تا مقبره هابیل علیه السلام حدود ۵/۴ کیلومتر فاصله دارد.

منطقه مذکور نظامی است و در ابتدای راه نیز دژبانی نظامی قرار دارد پس از طی مسافت مذکور مسجد و مقبره ای بزرگ با گنبدی سفید نمایان می گردد. این مقبره هابیل نبی علیه السلام است که از دو قسمت تشکیل شده و قسمتی از آن در سال های اخیر ساخته شده است.

مقبره هابیل نبی علیه السلام

در یک قسمت، شبستان جامع آن است و در قسمت دیگر نیز «مقبره هابیل علیه السلام» قرار دارد که از بناهای دوره عثمانی است. در داخل حجره، سنگ قبری به طول هفت متر و عرض یک متر قرار دارد که با پارچه ای قرمز پوشیده شده است. در مورد طول اعجاب انگیز این قبر باید گفت سازندگان این سنگ قبر، می پنداشته اند انسان های

ص: ۲۴۱

نخستین قد بسیار بلندی دارند. این امر برای برخی دیگر از قبور پیامبران در شام نیز دیده می شود. قبر شیث بن آدم در بعلبک نیز بیست متر طول دارد.

گویند نخستین کسی که عمارت و مقبره‌ای بر این قبر ساخت، اسکندر مقدونی بود. سپس در دوره‌های اسلامی نیز تجدید بنا گشت. در دوره عثمانی‌ها گنبدی بر فراز آن ساختند و بعدها نیز قسمتهایی بدان اضافه گردید. بیرون حجره و مرقد، صحن بزرگی است که در سده اخیر ساخته شده و جامع آن نیز در کنار آن قرار دارد.

قبر حضرت هابیل علیه السلام
(تصویر از کمال‌الدین شاهرخ)

مرقد حزقیل نبی علیه السلام

حزقیل یا حزقیال یکی از پیامبران است به ذوالکفل معروف است و علت این امر آن است که ایشان کفالت قوم یهود را در دوران اسارت در بابل برعهده داشته است. این پیامبر نزد قوم یهود از مقام والایی برخوردار است، زیرا توانست تورات حضرت

ص: ۲۴۲

موسی علیه السلام را پس از آتش سوزی هیکل حضرت سلیمان علیه السلام در اورشلیم از سوی بخت نصر، مجدداً بازنویسی کند. در روستای داریا در نزدیکی دمشق مرقدی منسوب به حزقیل نبی قرار دارد که مورد زیارت اهالی است. اما حقیقت این است که قبر حزقیل نبی یا ذوالکفل در شهر الکفل عراق و در فاصله شصت کیلومتری نجف اشرف قرار دارد.

این قبر هم برای مسلمانان و هم برای یهودیان مقدس است و در دوران حکومت عثمانی، یهودیان تلاش‌های زیادی کردند تا آن را از دست مسلمانان خارج کنند. قبل از تأسیس اسرائیل تعدادی از یهودیان در اطراف مرقد ذوالکفل زندگی می‌کردند، اما با تأسیس دولت غاصب اسرائیل، آنان به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند و روستای ذوالکفل کاملاً از خانواده‌های یهودی خالی شد.

در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) بنیامین تطیلی، از مرقد مذکور بازدید نمود و آن را چنین توصیف کرد: در جلوی کنیسه شصت ستون دیده می‌شود و بین هر ستون و ستون دیگر اتفاقی قرار دارد که به عنوان محل عبادت به شمار می‌رود و در محراب بنا قبر حزقیال بن موسی کوهینی قرار دارد. (۱) سلطان محمد خدابنده (۷۰۳- / ۷۱۶ قمری) به بازسازی این مرقد اهتمام ورزیده و دستور داد که در کنار آن مسجد و مناره و منبری ساخته شود.

امروزه شهر کفل مرکز بخشداری الکفل در استان بابل عراق بوده و در وسط راه حله به کوفه قرار دارد. نام این شهرک در معجم البلدان حموی «بئر ملاحه» است. (۲)

قبر منسوب به حضرت موسی بن عمران علیه السلام در نیرب

در روستای نیرب (۳) در شرق شهر دمشق قبری منسوب به حضرت موسی وجود دارد

۱- قزوینی، المزار، ص ۹۳- / ۹۴.

۲- مقدس، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، ص ۲۶۱- / ۲۶۳.

۳- نیرب امروزه دو قسمت شده است که شامل نیرب اعلی و نیرب ادنی می‌شود و نیرب ادنی داخل شهر شده و نزدیکی ساحه اموین کنونی است.

ص: ۲۴۳

و در آن مسجد بزرگی به نام «جامع القدم» ساخته شده است که وجه تسمیه آن به خاطر پاهایی است که بر روی سنگی دیده می‌شود و گویند جای قدم‌های حضرت موسی علیه السلام است. (۱) در این مسجد یک چهار دیواری کوچکی است که بر روی سنگی داخل آن نوشته است: «بعضی از صلحا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیده‌اند که می‌فرمود:

این جا قبر برادرم موسی علیه السلام است». مسجد مذکور در سال ۹۶۵ قمری به وسیله سلطان سلیمان عثمانی تجدید بنا شد. در شرق این مسجد قبری است که بعضی آن را از موسی علیه السلام و بعضی از «ام حنه» مادر مریم علیه السلام می‌دانند. این بنا و مقبره به وسیله شیخ صالح البرکه ساخته شده و مورد زیارت و تبرک مردم و اهالی قرار دارد. مسجد القدم در سال ۱۰۴۴ قمری به وسیله احمد پاشا والی عثمانی دمشق مورد ترمیم قرار گرفت و بنای فعلی آن از همان دوران عثمانی بر جای مانده است. در خصوص قبر حضرت موسی باید اظهار نمود که حضرت موسی علیه السلام بر روی کوه نیبو نزدیک مادبا در اردن در گذشته است و بنا به روایات تورات ایشان از بالای کوه نیبو برای آخرین بار نگاهی به سوی سرزمین موعود انداخت و سپس در گذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

محل سکونت حضرت موسی و عیسی علیه السلام در ربوه

در دامنه غربی کوه قاسیون روستای ربوه قرار دارد و به علت تشابه اسم این روستا با ربوه محل استقرار حضرت مریم و عیسی، برخی را این گمان است که این روستا همان جایی است که حضرت عیسی علیه السلام و مادرش بدان جا پناه آوردند، اما به نظر می‌رسد که ربوه مذکور در قرآن، اسم جای خاصی نبوده بلکه صفت آن بوده است و ربوه در زبان عربی به معنی جای بلند و مرتفع است. در این مکان مسجدی قرار دارد که کتیبه‌ای به خط کوفی از دوران فاطمی‌ها بر بالای آن دیده می‌شود کمی پایین‌تر از آن روستای نیرب و در جنوب آن روستای المزه قرار

ص: ۲۴۴

دارد، مکان ربوه در دامنه کوه می باشد و از زیر آن نیز نهر معروف بردی می گذرد. در کنار مسجد مذکور غار کوچکی است که مورد زیارت مردم قرار می گیرد و می پندارند که عیسی در آن به دنیا آمده است. (۱) این تصور نیز صحت ندارد زیرا که محل تولد حضرت عیسی شهر بیت لحم در فلسطین اشغالی است.

مقام حضرت ابراهیم علیه السلام در البرزه

این مقام در دامنه کوه قاسیون و در محله البرزه در شمال شهر دمشق واقع شده است و عبارت است از مسجد کوچکی که در آن غاری تنگ و باریک وجود دارد، برخی عقیده دارند که حضرت ابراهیم در هنگام فرار از سوریه به فلسطین، چند ماه در این غار مخفی بوده است و برخی دیگر عقیده دارند که این غار محل تولد حضرت علیه السلام بوده است. در گذشته، مردم شهر دمشق، روزهای جمعه در این محل حاضر می شدند و به آن «جمعه برزه» می گفتند و در آن به نمایش سوارکاری مشغول می شدند.

مقام محمدبن ابی حذیفه

محمدبن ابی حذیفه بن عتبه یکی از یاران با وفای حضرت علی علیه السلام است. وی پسر دائی معاویه بود، پدرش ابو حذیفه یکی از اولین کسانی بود که در مکه اسلام آورد و با همسرش «سهله» به حبشه هجرت کرد و بدین گونه بود که محمدبن ابی حذیفه در حبشه به دنیا آمد. «عتبه» پدر ابو حذیفه از سران مشرکان بود که در جنگ بدر خود و فرزند دیگرش «ولید» به دست علی علیه السلام به هلاکت رسیدند. در همان حال ابو حذیفه در صف مقابل در حلقه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در لشکر حق بود. ابو حذیفه در تمام جنگ های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرکت داشت و بعد از رحلت آن حضرت، در جنگ با مسیلمه کذاب در سرزمین یمامه به شهادت رسید. محمدبن ابی حذیفه به عنوان یکی از یاران

ص: ۲۴۵

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام به شمار می‌رود. امیر مؤمنان علی علیه السلام وی را به عنوان والی مصر برگزید.

هنگامی که معاویه برای جنگ در صفین مهیا می‌شد، جنگ را از مصر شروع کرد، محمد بن ابی حذیفه ابتدا در منطقه العریش با معاویه جنگید، ولی به او اعتماد کرد و با وی صلح نمود. معاویه از این اعتماد سوء استفاده کرد و در فرصت مناسب او را دستگیر کرده و در دمشق به زندان انداخت. پس از چندی معاویه او را از زندان بیرون آورد و گفت: آیا وقت آن نشده که بینا شوی و دست از علی علیه السلام برداری، آیا نمی‌دانی که عثمان مظلوم کشته شد و این علی علیه السلام بود که فرستاد عثمان را بکشند و عایشه و طلحه و زبیر برای خونخواهی او خروج کردند، و ما امروز در طلب خون او هستیم.

محمد گفت: ای معاویه تو می‌دانی که من از همه مردم به تو نزدیک‌ترم و بیش از دیگران تو را می‌شناسم، گفت بله، گفت به خدا قسم که در خون عثمان کسی جز تو شریک نیست، چرا که عثمان تو را والی کرد و مهاجر و انصار از او خواستند که تو را برکنار کند، اما نکرد، ناچار بر او هجوم بردند و خونش را ریختند. به خدا قسم، طلحه و زبیر و عایشه، بودند که مردم را به کشتن عثمان ترغیب کردند و سپس ادامه داده و گفت:

معاویه! به خدا شهادت می‌دهم که از زمان جاهلیت که تو را شناختم تا بعد از اسلام هیچ تغییری نکرده‌ای و اسلام هیچ تأثیری بر تو نداشته است، و نشانه آن هم آشکار است، تو مرا بر حب علی علیه السلام ملامت می‌کنی در حالی که روزه‌داران و شب‌زنده‌داران مهاجر و انصار همراه علی علیه السلام آمده‌اند، اما همراه تو منافق‌زادگان، طلقا و عتقا (۱) آمده‌اند که تو آنان را در دین‌شان فریب داده‌ای و آنان تو را در دنیايت.

ای معاویه به خدا قسم نه بر تو و نه بر آنان پوشیده نیست که خشم خدا در اطاعت کردن از توست. به خدا سوگند که علی علیه السلام را به خاطر خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم همیشه دوست دارم و تا

۱- مشرکانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه آزاد کرد.

ص: ۲۴۶

زنده‌ام به خاطر خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم کینه تو را در دل خواهم داشت. معاویه فرمان داد تا او را به زندان برگردانند و سرانجام به دستور معاویه به شهادت رسید.

ابن ابی الحدید آورده که عمرو عاص، محمد بن ابی حذیفه را از مصر دستگیر کرد و برای معاویه فرستاد، معاویه او را حبس کرد، اما از زندان گریخت، مردی از خثعم که نامش عبدالله بن عمر بن ظلام بود دنبال او رفت و او را در غاری یافت و کشت.

آرامگاه او بالای تپه‌ای مشرف بر دهکده «عالقین» در استان درعا نزدیک شهر «کسوه» در جنوب دمشق قرار دارد. (۱)

مرقد فرزندان جعفر طیار

در شهر حمص و کمی بالاتر از مسجد خالد بن ولید در خیابان سمت چپ این مسجد، حدود سیصد متر به سمت جنوب، مسجد کوچکتری است که به مسجد طیار معروف است. در شبستان این مسجد دو قبر وجود دارد که به فرزندان جعفر طیار یعنی عبدالله و عیدالله تعلق دارد. این دو قبر که بدون ضریح و بارگاه هستند در سمت جنوب شبستان و داخل حجره‌ای کوچک قرار دارند. در خصوص این موضوع باید گفت که جعفر طیار سه فرزند به نام‌های عبدالله و محمد و عوف داشته است و اصولاً ایشان فرزندی به نام عیدالله نداشته است و شاید این آرامگاه متعلق به یکی از نوادگان وی باشد، اما در خصوص عبدالله بن جعفر که شوهر حضرت زینب علیها السلام می‌باشند، آرامگاهی در باب الصغیر نیز به ایشان منسوب است.

مرقد مقداد بن اسود

در راه دمشق زینیه شهرکی به نام بیلا وجود دارد که در آنجا قبری منسوب به «مقداد بن اسود» صحابی بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. (۲) ولی این نسبت درست

۱- علوی، راهنمای مصور سفر زیارتی سوریه، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۲- پیشوایی، شام سرزمین خاطره‌ها، ص ۱۲۳.

ص: ۲۴۷

نیست زیرا مورخان و رجال‌نویسان می‌نویسند که مقداد بن اسود در زمان خلافت عثمان (در سال ۳۳ قمری) در سرزمین جرف در فاصله یک فرسخی مدینه در گذشت و جنازه او به مدینه حمل و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (۱) شیخ عباس قمی پس از نقل درگذشت او در جرف و دفن وی در بقیع می‌نویسد: «قبری در شهر وان ترکیه به وی نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد، بلی محتمل است که قبر مذکور قبر «مقداد سیوری» یا قبر یکی از مشایخ عرب باشد. (۲)

مرقد دحیه الکلبی

دحیه الکلبی یکی از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. وی یکی از زهاد و عابدان روزگار خویش بود و در روایات آمده است که حضرت جبرئیل علیه السلام هنگامی که بر رسول اکرم ظاهر صلی الله علیه و آله و سلم می‌شود به شکل و شمایل دحیه الکلبی ظاهر می‌شد. مرقد این صحابی در روستای المزه در حومه دمشق است و به خاطر وجود قبر وی، این روستا به «مزه الکلب» نیز معروف است. قبر این صحابی در قبرستان عمومی محله که در فاصله پانصد متری خیابان اصلی المزه و در کوچه‌های باریک و قدیمی می‌باشد، قرار دارد. این قبر در یک چهاردیواری و طاقک کوچکی در وسط قبرستان می‌باشد. کتیبه‌ای به خط کوفی نیز بر سنگ قبر او نصب شده که این جمله بر آن دیده می‌شود «هذا قبر الصحابی الجلیل سیدی دحیه الکلبی، الذی کان یهبط ملک الوحی احياناً بصورته علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم» در پایین این کتیبه تاریخ ۱۷۴ قمری دیده می‌شود. (۳)

مرقد تمیم الداری

تمیم بن حبيب الداری الانصاری یکی از اصحاب بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. وی

۱- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۴، ص ۴۱۰؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۴۵.

۲- قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۱۸.

۳- قائدان، تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۲۳۸-۲۳۹.

ص: ۲۴۸

از اهل صفه و از زهاد و علماء بوده و کرامات زیادی از او نقل شده است. قبر او در روستای دیر مران در نزدیکی دمشق قرار دارد. مرقد او بسیار معروف بوده و دارای گنبد و بارگاه می باشد. (۱)

۱- همان منبع، ص ۲۴۳.

ص: ۲۴۹

خلاصه فصل چهارم

اماکن زیارتی سوریه محدود به اماکن زیارتی در شهرهای دمشق و حلب نمی‌باشد و مراقد و آرامگاه‌های مهم دیگری در جاهای دیگر این کشور وجود دارد که زیارت آن‌ها برای زائران ایرانی حایز اهمیت است. در یک سفر کوتاه، شاید نتوان از تمامی زیارت‌گاه سوریه دیدن کرد، ولی به هر حال آشنایی با این اماکن زیارتی برای زائران ایرانی لازم و مورد نیاز است. لذا در این فصل به سایر اماکن زیارتی موجود در سوریه پرداخته شده است و از اماکنی نظیر: مقام حجر بن عدی، عمار یاسر و اویس قرنی، حضرت سکینه دختر امام علی علیه السلام، مقام امام زین العابدین علیه السلام در حماه، مرقد محمد بن الحسن در روستای مزه، مرقد حضرت هابیل نبی علیه السلام و مرقد حزقیل نبی علیه السلام و غیره سخن به میان رفته است.

ص: ۲۵۳

فصل پنجم: آثار باستانی سوریه

مقدمه

آثار باستانی سوریه یکی از جاذبه‌های دیدنی کشور سوریه به شمار می‌رود که علاوه بر زایران ایرانی، سالیانه هزاران نفر از جهانگردان اروپایی و آمریکایی و ژاپنی را به خود جذب می‌کند. این آثار باستانی نشان‌دهنده تاریخ شش هزار ساله سوریه می‌باشد و در مناطق مختلفی از کشور سوریه پراکنده است و با اطمینان می‌توان گفت که هر یک از استان‌های چهارده گانه سوریه آثار باستانی مختلفی دارد.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با آثار باستانی مختلف که نشان‌دهنده دوره‌های مختلف تاریخی این کشور است آشنا شود، این آثار باستانی شامل بصری الشام، قلعه الحصن، قلعه جعبر، قلعه سلیمان، قلعه مرقب، قلعه صلاح‌الدین، قلعه کهف، قلعه شیزر، قلعه دورا اوربوس، قلعه یحمور، قلعه سمعان، سرجیوپولیس، شها و قلعه حارم است.

هدف‌های رفتاری

بسیاری از زایران علاوه بر زیارت اماکن زیارتی به دیدن اماکن سیاحتی نیز علاقمند می‌باشند، آشنایی با این اماکن می‌تواند افق دید این افراد را باز نماید و در صورت امکان، می‌توان برای دیدن یکی از این اماکن برنامه‌ریزی کرد.

ص: ۲۵۶

بصری الشام

بصری در زمان فرمانروایی رومی‌ها مرکز حکومت اعراب غسانی در شام بود و به عنوان دروازه بزرگ منطقه به شمار می‌رفت. در این منطقه راه‌های قدیمی و سنگفرش، سنگ‌های بازالتی و بقایای خرابه‌های معابد و قصرها و ستون‌های بلند و عظیم و مساجد است. در این شهر تئاتر بزرگ و زیبایی به سبک رومی وجود دارد که تاریخ بنای آن به قرن دوم پس از میلاد بازمی‌گردد. این تئاتر گنجایش پانزده هزار تماشاگر را دارد و امروزه دولت سوریه برخی از جشن خود را در این تئاتر برگزار می‌کند.

تئاتر قدیمی بصری

مسجد خالد بن ولید

مسجد خالد بن ولید در شهر حمص یکی از اماکن سیاحتی سوریه به شمار می‌رود. این مسجد در سمت شمال شرقی حمص و در کنار رودخانه عاصی قرار داشته و در آن قبر خالد بن ولید یکی از سردران اسلامی فاتح سرزمین شام قرار دارد که در سال ۶۴۱ م. در شهر حمص درگذشت. تاریخ بنای این مسجد به قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم

ص: ۲۵۷

میلادی) بازمی‌گردد و بنای فعلی آن به دوران حکمرانی سلطان عبدالحمید دوم، پادشاه عثمانی بازمی‌گردد. بنای مذکور بر ویرانه مسجد قدیم‌تری که در دوران حکمرانی ملک ظاهر بیبرس ساخته شده بود برپا شد.

آرامگاه خالدبن ولید در زاویه شمال غربی شبستان مسجد قرار دارد و از سنگ مرمر سفید ساخته شده است و در نزدیکی آن قبر دیگر وجود دارد که به فرزندش عبدالرحمن بن خالدبن ولید تعلق دارد.

قلعه الحصن

قلعه الحصن یکی از مشهورترین قلعه‌های قرون وسطی است که به «قلعه اکراد» نیز شهرت دارد و در فاصله ۶۰ کیلومتری شهر حمص واقع شده و بر دشت بقاع، حمص و جنگل‌های لازقیه مشرف است. این قلعه را مرداسیون که یکی از سلسله‌های ملوک الطوائفی سوریه بودند در سال ۱۰۳۱ م. بنا نمودند. صلیبی‌ها در سال ۱۰۹۹ م. به فرماندهی «ریموند سنگیل» بر آن مستولی شده و تمامی روستاهای اطراف آن را غارت و تاراج کرد. در سال ۱۱۰۲ م. حکمران حمص این قلعه را از صلیبی‌ها باز پس گرفت ولی پس از مدتی دوباره توسط یکی از فرماندهان صلیبی به نام تانکرت که حکمران انطاکیه بود در سال ۱۱۱۰ م. آن را دوباره تصرف نمود و در سال ۱۱۴۴ م. «ریموند دوم» حکمران طرابلس آن را به «شوالیه‌های سنت جان» واگذار نمود و از همان زمان این قلعه به قلعه شوالیه‌ها معروف شد. در سال ۱۱۵۷ م. بخش‌هایی از این قلعه بر اثر زلزله آسیب دید که شوالیه‌های مذکور اقدام به بازسازی قلعه کردند. عاقبت در سال ۱۲۷۱ م. سلطان ظاهر بیبرس این قلعه را پس از محاصره طولانی به تصرف خود درآورد.

بیبرس پس از پایان جنگ اقدام به ترمیم و بازسازی ویرانه‌های این قلعه نمود و عمارت‌های زیادی در درون آن بنا کرد. قابل ذکر است که در پس دیوارهای این قلعه، خانه‌های مسکونی متعدد، بازار، مسجد و قصر و پادگان نظامی وجود دارد.

ص: ۲۵۸

قلعه الحصن

قلعه جعبر

این قلعه در منطقه جزیره سوریه و در سمت چپ ساحل رودخانه فرات و در فاصله ۵۳ کیلومتری شهر رقه قرار دارد. این قلعه در کنار دریاچه اسد واقع شده که این دریاچه پس از ساختن سد فرات در سال ۱۹۷۴، در پشت سد مذکور تشکیل شده است. این قلعه دو بارو و سی و پنج برج دارد که برخی از آنها چند ضلعی و برخی نیم دایره‌ای هستند و در وسط قلعه مسجدی وجود داشته است که اکنون مناره‌های آن برجای مانده است و در قلعه ساختمان زیادی بوده که اکنون اثری از آنها برجای نمانده است. بنای قلعه به جعبر سابق قشیری منسوب است و سلطان ملک‌شاه سلجوقی در سال ۹۸۶ م. آن را به تصرف خود درآورد و گویند که بنای اولیه قلعه را به «دوسر» غلام نعمان‌بن منذر نسبت داده‌اند.

در حال حاضر قلعه بازسازی شده و به موزه تبدیل شده است و مورد بازدید مردم قرار می‌گیرد.

ص: ۲۵۹

قلعه جعبر

قلعه سلیمان

اثری باستانی است که در فاصله ۱۴ کیلومتری شهر دریکش قرار دارد و نام رومی آن «باتیوسی» بوده است که توسط ساکنان جزیره آرواد که روزگاری بر بخش بزرگی از ساحل سوریه فرمانروایی می کردند به عنوان محل عبادت عشتروت و بعل در نظر گرفته شده بود. باروهای قلعه از سنگ ساخته شده و در وسط آن معبد قرار دارد. قلعه در زمین های پست قرار دارد و در اطراف آن زمین های مرتفع قرار دارد. این قلعه اولین بار توسط آرامی ها و به منظور حمایت از حملات آشوری ها ساخته شد و در آن معبدی برای رب النوعی به نام «بتوخیخی» ساختند. بعدها سلوکی ها و رومی ها بر آن سیطره یافتند و در دوران امپراتوری بیزانس در آن کلیسایی ساخته شد. نام فعلی این قلعه به خاطر وجود سنگ های بزرگ در بنای قلعه است که این فکر را در ذهن مردم پروراند.

ص: ۲۶۰

است که این قلعه توسط حضرت سلیمان ساخته شده است. وزن تخته سنگ‌های به کار رفته در بنای این قلعه به ۷۰ تن می‌رسد.

قلعه مرقب

این قلعه در فاصله پنج کیلومتری جنوب شهر بانیاس قرار دارد. این قلعه بر روی تپه بلندی قرار دارد که بر دریا و کوه‌های اطراف کاملاً مشرف است.

قلعه مرقب

این قلعه در سال ۱۰۶۳ م. ساخته شد. صلیبی‌ها در سال ۱۱۱۷ م. این قلعه را به تصرف خود درآوردند و از آن به عنوان محلی برای پشتیبانی نیروهای خود استفاده کردند، در سال ۱۲۸۵ م. سلطان قلاوون پس از عملیاتی بسیار دشوار آن را از صلیبی‌ها باز پس گرفت. سلطان قلاوون پس از تصرف مجدد قلعه دستور بازسازی آن را صادر کرده و بر استحکامات آن افزوده و لشکریان خود را در آن مستقر کرد. قلعه دو باروی داخلی و خارجی دارد و باروی خارجی آن ۱۴ برج دفاعی استوار دارد و در داخل قلعه آثار و ساختمان‌های متعددی مثل سالن فرماندهان، سالن امرا و یک کلیسا وجود دارد که تاریخ

ص: ۲۶۱

بنای آن به قرن دوم میلادی بازمی‌گردد که در آن یک تابلوی دیواری که نشان‌دهنده «شام آخر» است یافت شده است. در نزدیکی قلعه معبدی باستانی وجود دارد که آن را آنتیوگوس فرزند مینودور به پاس گرامیداشت اهالی بانیاس برای عبادت ژوپیتر^(۱) و باخوس بنا نهاده است.

قلعه صلاح‌الدین

این قلعه در ۳۵ کیلومتری شهر لاذقیه و در بین جنگل‌های سرسبز و بلندی‌های منطقه قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۴۱۰ متر می‌باشد. این قلعه در سال دوازدهم میلادی توسط صلیبی‌ها بنا شد و نشان‌دهنده شاهکار معماری فرانسویان می‌باشد. این قلعه تا قلعه صلاح‌الدین

۱- ژوپیتر نام بزرگ‌ترین خدای رومی‌ها می‌باشد.

ص: ۲۶۲

دوران پادشاهی سلطان صلاح‌الدین ایوبی فتح نشده بود و سلطان صلاح‌الدین موفق شد در سال ۱۱۸۸ م. آن را فتح نماید. در سال ۱۲۲۵ میلادی «فوسکا رینی» سفیر جمهوری و نیز از این منطقه دیدن نمود و به خاطر جایگاه استراتژیک منطقه، قرارداد تجاری و بازرگانی با آن منعقد کرد.

در سال ۱۹۳۷ م. بخش‌هایی از این قلعه توسط فرانسویان بازسازی گردید و در سال ۱۹۶۶ م. اداره کل آثار باستانی سوریه اقدام به بازسازی بخش‌های دیگری از آن نموده و از آن هنگام تا کنون به صورت موزه از آن نگهداری می‌شود.

قلعه کُهِف

این قلعه در استان طرطوس و در فاصله بیست کیلومتری شهر قدموس قرار دارد و یکی از قلعه‌های دیدنی و نادری است که در کوه‌های ساحلی کنده شده است و به همین علت به قلعه کُهِف که در زبان عربی به معنی غار است نامیده شده است. طول قلعه ۶۰۰ متر و عرض آن ۱۵ متر است. این قلعه بارویی دارد که بر روی آن سه برج شرقی، شمالی و جنوبی وجود دارد. برج شمالی مشرف بر دروازه اصلی قلعه بوده و به دره عمیقی منتهی می‌گردد، برج جنوبی نیز بر دره عمیق دیگری مشرف است. قلعه آب مورد نیاز خود را از چشمه فاطمه که در فاصله دو کیلومتری قلعه قرار دارد و همچنین از آب باران گردآوری شده در آب‌انبارهای داخل قلعه تأمین می‌کرده است. قلعه سه دروازه دارد که بر روی یکی از آن‌ها آیه‌الکرسی نقش بسته و بر دروازه دیگری آیاتی از قرآن مجید به همراهی تاریخ «ذوالقعدة ۷۶۰ قمری» نقش بسته است. تاریخ بنای این قلعه به سال ۱۱۰۱ م. بازمی‌گردد و این قلعه جزو املاک «سیف‌الدین بن عمرو دمشقی» بوده و صلیبی‌ها موفق شدند که در سال ۱۱۲۳ م. آن را به تصرف درآورند، اما دیری نپایید که در سال ۱۱۲۸ م. صاحب قبلی آن را از صلیبی‌ها بازپس گرفت و بعد از فوت وی، اختلافی بین فرزندانش روی داد و این قلعه به معرض فروش گذاشته شد و این قلعه را ابوالفتح شعرانی خریداری نمود، و در سال ۱۱۳۸ م. این قلعه را شهاب‌الدین ابوالفرج

ص: ۲۶۳

تصرف نمود و این قلعه به گروه فدائیان الموت ملحق گردید و در آن به فدائیان فرقه اسماعیلیه آموزش جنگاوری و نبرد داده می‌شد. در سال ۱۲۶۸ م. سلطان ظاهر بیبرس آن را به تصرف در آورده و مالیاتی سنگین معادل ۱۵۰ هزار درهم بر آن مقرر گردانید.

قلعه شیر

این قلعه در سی کیلومتری شمال غربی شهر حماه و در کنار رودخانه العاصی قرار دارد. در قدیم نام آن سزار بوده و در دوران سلوکی‌ها «لاریسا» نامیده می‌شده است.

تاریخ بنای قلعه به دوران سلوکی‌ها در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد بازمی‌گردد. در سال ۱۷ قمری ابو عبیده جراح این قلعه را فتح کرد و دولت بیزانس تلاش بسیاری کرد تا آن را بازپس گیرد و موفق گردید برای مدتی آن را تحت تصرف خود گیرد و در سال ۱۰۸۱ م.

علی بن مقلد یکی از پادشاهان سلسله محلی بنی‌المنقذ موفق شد که این قلعه را از تصرف بیزانس آزاد نماید. این قلعه تا سال ۱۱۵۷ م. در تحت تصرف حکومت بنی‌المنقذ قرار داشت تا این که بر اثر زلزله وسیعی که اتفاق افتاد سلسله بنی‌المنقذ منقرض گردید. سلطان نورالدین زنگی قلعه را بازسازی نمود و فرماندهی آن را به مجدالدین بن دایه سپرد. در سال ۱۱۷۰ م. قلعه مجدداً بر اثر زلزله از بین رفت و در سال ۱۲۶۰ م. پادشاه حلب «ملک عزیز» بر آن مستولی شد و قلعه تا حمله مغول‌ها برجا بود و در سال ۱۲۶۱ م. ملک ظاهر بیبرس آن را بازسازی کرد. در دوران حکومت عثمانی به تدریج از اهمیت قلعه شیر کاسته شد به طوری که در اواخر دوره عثمانی به روستایی مسکونی تبدیل شد. در نیمه اول قرن بیستم میلادی اهالی ساکن در قلعه به بیرون رانده شده و قلعه به صورت موزه‌ای در آمد.

قلعه دورا اوربوس

بقایای این دژ محکم و استوار نظامی بر رودخانه فرات تا روزگار ما باقی مانده است.

این قلعه آخرین پایگاه دفاعی روم در برابر حملات ایرانیان به شمار می‌رود. دورا

ص: ۲۶۴

اوربوس علاوه بر داشتن قلعه و بندر از دوران حکومت تدمر، گذرگاه‌های کاروان‌های تجاری از اقصی نقاط جهان بویژه کاروان‌های ابریشم بوده است و همچنین صاحب تمدن بزرگ و محل تلاقی تمدن‌های عظیم شرق و غرب در قرن‌های آغازین میلادی بوده است.

قلعه یحمو

نام دیگر آن کاستل روج است و در مسیر طرطوس - صافیتا و در فاصله ۲۰ کیلومتری صافیتا قرار دارد. پیرامون قلعه را بارویی به طول ۳۴ تا ۴۰ متر فرا گرفته و در قلعه برج متعددی وجود دارد که بلندترین این برج‌ها ۱۶ متر ارتفاع دارد و در داخل قلعه ساختمان‌ها و انبارها و آب‌انبارهای متعدد وجود دارد.

قلعه سمعان

این قلعه در فاصله ۵۹ کیلومتری شمال غربی حلب قرار دارد. سمعان همان شمعون الصفا یکی از قدیسان معروف مسیحی است. این قلعه توسط رومی ساخته شده و در جنگ‌های صلیبی به عنوان دژ نظامی مورد استفاده نیروهای مسلمان قرار داشته است.

قلعه سمعان در دامنه «کوه سمعان» واقع و در کنار آن دیر معروف سمعان است که مخروبه آن همچنان در پنج کیلومتری شرق معره النعمان باقی است. در کنار آن دیر یک مسجد و در شمال آن سه قبر دیده می‌شود که یکی از آن متعلق به شیخ زکریا یحیی بن منصور مغربی زاهد معروف بوده و دومین آن قبر فاطمه دختر عبدالملک مروان و همسر عمر بن عبدالعزیز است. (۱) بسیاری از آثار داخل قلعه از بین رفته ولی دیوارها و برجک‌ها و ستون‌های آن به‌طور کامل باقی مانده است. معماری آن ترکیبی از معماری رومی و اسلامی است

ص: ۲۶۵

و تعمیراتی که در دوران اسلامی در آن انجام شده است به وضوح دیده می شود. (۱) قلعه سمعان

سرجیوپولیس

این شهر در دوران حکومت بیزانس به افتخار قدیس «سرجیوس» ساخته شده و به نام سرجیوپولیس شناخته شد، اعراب به این شهر رصافه می گفتند. شهر سرجیوپولیس محل توقف کاروان های تجاری بود. اعراب غسانی حکمرانان دست نشانده رومی ها در

۱- قائدان، تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۲۷۹.

ص: ۲۶۶

سوریه، این شهر را به عنوان پایتخت خود برگزیدند و یکی از پادشاهان غسانی به نام «منذر بن جبلة» قصر خود را در این شهر بنا کرد. در دوران اموی، یکی از پادشاهان اموی به نام هشام بن عبدالملک مدتی در این شهر اقامت نمود و آنجا را به سان پایتخت بازسازی کرد. قابل ذکر است وقتی که هلاکو به بغداد حمله کرد و خبر حمله احتمالی وی به شهر رصافه به گوش اهالی رسید، مردم شهر را ترک کرده و به سلمیه کوچ کردند و بدین گونه شهر به حالت متروکه در آمد و غیر مسکونی گردید.

شهباء

شهباء نام روستایی است که فیلیپ عربی امپراتور روم در آنجا متولد شده است و آن را در سال ۲۴۴ م. بازسازی کرده است. هم اکنون در این شهر آثار خرابه‌های تئاتر و چندین حمام و معابد برجای مانده و مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرد. در موزه شهر شهباء تابلوی‌های معرق کاری با نقش و نگارهای زیبا و مجسمه سر فیلیپ عربی نگهداری می‌شود.

قلعه حارم

این قلعه در فاصله هفتاد کیلومتری شمال غربی حلب در مسیر انطاکیه قرار دارد. این قلعه در جنگ‌های رومی‌ها با سیف‌الدوله حمدانی به وسیله نکفور فوکاس امپراتور روم ساخته شده و به عنوان یکی از استحکامات دفاعی و نظامی آنان در جنگ با نیروهای مسلمان مورد استفاده قرار داشت. در دوران سلاجقه شام و ممالیک نیز این قلعه یکی از پایگاه‌های نظامی و نقاط استراتژیک اطراف حلب در جنگ‌های صلیبی بوده است.

قلعه حارم در حمله مغول تخریب و در قرن سیزدهم هجری به وسیله عثمانی تجدید بنا شد.

ص: ۲۶۷

خلاصه فصل پنجم

سوریه در دوران امپراتوری روم در منطقه سرحد بین دو امپراتوری روم شرقی و امپراتوری ایران بوده است و به همین خاطر قلعه‌ها و استحکامات متعددی داشت، در دوران اسلامی و مخصوصاً در دوره جنگ‌های صلیبی، این کشور در مقدمه دفاع از سرزمین پهناور اسلامی قرار داشت و به همین علت قلعه‌های متعدد و زیادی در این سرزمین ساخته شد. برخی از این قلعه‌ها توسط لشکریان صلیبی و برخی دیگر توسط پادشاهان مسلمان ساخته و تجهیز گردید. امروزه تعداد زیادی از این قلعه‌ها در مناطق مختلف سوریه پراکنده شده است. اغلب قلعه‌ها سالم باقی مانده است و یادآور شکوه و عظمت معماران گذشته می‌باشد. از قلعه‌های مهم سوریه می‌توان قلعه الحصن، قلعه جعبر، قلعه سلیمان، قلعه مرقب، قلعه صلاح‌الدین، قلعه کهف، قلعه شیرز، قلعه یحmur، قلعه سمعان و قلعه حارم را نام برد.

ص: ۲۷۱

فصل ششم: تمدن‌های کهن در سوریه

مقدمه

سوریه کشوری بسیار کهن و قدیمی است و برخی از سوری‌ها بر این گمان هستند که کشور آنان مهد تمدن بشری است که این امر نیاز به اثبات تاریخی دارد، اما به هر حال باید اذعان نمود که تمدن‌های قدیمی فراوانی در این کشور شناسایی شده است که برخی از این تمدن‌ها بسیار قدیمی می‌باشند آشنایی اجمالی با این تمدن‌ها برای بسیاری از زائران جذاب و آموزنده می‌باشد.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با تمدن‌های کهن سوریه آشنا شود، البته آثار باستانی برجای مانده از این تمدن‌ها در مناطق وسیعی از کشور سوریه پراکنده است و امکان بازدید از این تمدن‌های کهن برای زائران جود ندارد.

هدف‌های رفتاری

آشنایی با تمدن‌های کهن سوریه می‌تواند افق دید زائران را درباره تاریخ و تمدن سوریه بازتر کند و زمینه را برای بررسی‌های عمیق‌تر آنان در خصوص تاریخ و تمدن این کشور فراهم سازد.

تمدن ایبلا

شهر ایبلا در هزاره پنجم قبل از میلاد بنا شده است. از آن‌جا که یکی از مراکز مهم

ص: ۲۷۴

سیاسی و فرهنگی سوریه در سال‌های بین ۲۳۰۰- / ۲۴۰۰ قبل از میلاد بوده و این امر باعث حسادت سارگون کبیر پادشاه اکدی گردید و این پادشاه بدان یورش برده و آن را ویران کرد. اما چندی نپایید که این شهر در سال‌های ۱۸۰۰- / ۲۰۰۰ قبل از میلاد دوباره عظمت و بزرگی خود را بازیافت. اسناد تاریخی فراوانی به خط میخی یافت شده است که همگی حکایت از عظمت و شکوه فرهنگ و تمدن ایلا داشته است. معابد و کاخ‌ها و محله‌های مسکونی قدیمی و کنده کاری و مجسمه‌سازی ظریف و دقیق موجود در این شهر گویای فرهنگ و تمدن این منطقه می‌باشد. شهر ایلا- روابط تجاری و سیاسی خوبی با حکومت‌های بزرگ آن زمان داشته و الواح گلی برجای مانده که تعداد آن‌ها بیش از ۱۷۰۰۰ لوح گلی می‌باشد نشانگر و بهترین گواه این امر می‌باشد.

تمدن ماری

در هزاره سوم قبل از میلاد مسیح، تمدن ماری شکوفا گردید و یکی از ممالک قدرتمند آن روزگار گردید. ولی گسترش مظاهر تجمل و ثروت و آسایش در این منطقه باعث طمع بابلی‌ها گردید و آنان را بر آن داشت که به سرزمین مملکت ماری حمله کرده و آن جا را ویران کنند. در شهر ماری که در ساحل رودخانه فرات واقع شده است بقایای یک کاخ عظیم سلطنتی وجود دارد. این کاخ عظیم دارای ۳۰۰ اتاق است. در این قصر معابد و کتابخانه‌هایی عظیم وجود دارد. لازم به تذکر است که در این کتابخانه‌ها هزاران لوح به خط میخی یافت شده است که کمک شایانی به شناسائی تاریخ سرزمین بین‌النهرین کرده است. مجسمه‌ها، و اهرامات، زیورآلات، تصاویر، تزیینات و کنده کاری روی سنگ‌ها همگی به نبوغ هنری و فکری سازندگان این تمدن گواهی دهند. (۱)

ص: ۲۷۵

یکی از تندیس‌های تمدن ماری

تمدن تدمر

تدمر نام تمدنی کهن است که در بیابان‌های غربی شهر حمص پا گرفت و رهبری این تمدن برعهده زنی به نام «زنوبیا» بود که مدت‌ها توانست در مقابل سپاه رومی‌ها مقاومت کند ولی عاقبت تسلیم شد. تدمر در میانه راه دریای مدیترانه و شبه جزیره عرب بود و در گذشته یکی از توقف‌گاه‌های مهم کاروان‌های راه ابریشم به شمار می‌رفت. در این شهر بقایای تئاتر بزرگ، معبد بعل، قصر سلطنتی، خانه‌های مسکونی، دروازه نصر و بازار هنوز برجای مانده است. معبد بعل یکی از معابد بزرگ و باستانی است که تا روزگار ما باقی مانده و عظمت و بزرگی آن هر بیننده‌ای را شگفت‌زده می‌کند. این معبد برای

ص: ۲۷۶

پرستش خورشید ساخته شده بود و مساحت آن به حدود چهل هزار متر مربع می‌رسید و یکی از بزرگ‌ترین معابد باستانی جهان به شمار می‌رود. گویند در درون آن بیست معبد بوده و هزاران نفر از قبایل ساکن در سرزمین شام و نواحی اطراف برای طواف بدین محل می‌آمده‌اند. بنای این معبد در سال ۳۲ میلادی انجام شده و بنای سایر قسمت‌های آن تا دو قرن بعد نیز ادامه داشته است. در شهر باستانی تدمر دو معبد دیگر نیز وجود دارد که یکی از آن‌ها معبد نبو است که در کنار باب‌النصر قرار دارد و بنای آن به قرن اول میلادی باز می‌گردد و ب رای پرستش خدای ماه یا نبو ساخته شده بود و بر روی این معبد چهل کتیبه وجود دارد، معبد دیگر معبد بعل شمین است که پس از ساختمان تئاتر و بازار تدمر بوده و برای خدای آسمان ساخته شده بود و بنای آن به سال ۱۳۲ میلادی بازمی‌گردد و اهمیت زیادی برای اعراب ساکن در تدمر داشته است.

دروازه قصر سلطنتی تدمر

ص: ۲۷۷

برگرد شهر تدمر دیواری به طول دوازده کیلومتر ساخته شده که اکنون بقایای آن پابرجاست. بر اطراف و گوشه‌های این دیوار هنوز برجک‌های دیدبانی از آثار «ژوستین» امپراتور روم ساخته قرن ششم میلادی وجود دارد.

شهر تدمر یک موزه دارد که در سال ۱۹۶۱ م. ساخته شده است و برخی از آثار هنری و معماری تدمر در آن نگهداری می‌شود. (۱) فاصله شهر تدمر تا دمشق ۲۴۰ کیلومتر است و برای رفتن به این شهر باید از شهر حمص گذر کرد.

تمدن اوگاریت

این منطقه در ۱۲ کیلومتری شهر لاذقیه قرار دارد. برخی از کاوشگران معتقدند که اولین الفبا و اولین نت‌های موسیقی جهان در این شهر یافت شده است. اوگاریت یکی از مراکز مهم تجاری و پایتخت کنعانی‌ها در هزاره دوم قبل از میلاد به شمار می‌رود.

پادشاهان کنعانی در این شهر قصری عظیم و باشکوه بنا کردند که مرکز حکومت آنان به شمار می‌رفته است. شهر اوگاریت به مناطق مسکونی، مناطق کار و صنعتی تقسیم شده بود و در آن چند معبد و یک کتابخانه وجود داشت. در حال حاضر آثار برجای مانده این کاخ حاکی از عظمت و شکوه حکومت و اقتدار آن در دوران گذشته بوده است. (۲) تصویر اولین لوح الفبای جهان

۱- قاندان، تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه، ص ۳۴۸- / ۳۵۲.

۲- وزارت جهانگردی سوریه، اطلاعات عمومی سوریه (۲۰۰۶)، سوریه، ص ۱۰.

ص: ۲۷۸

افامیا

این شهر در شمال غربی شهر حماه قرار دارد و در قرن چهارم میلادی یکی از پادشاهان سلوکی به نام سلوکس نیکاتور، آن را به افتخار همسر ایرانی اش «افامیا» بنا کرد. بعدها شخصیت‌های زیادی از قبیل آنتونیو، کلئوپاترا و هانیبال از این شهر دیدن کردند.

اکنون خرابه‌های آن در ۵۶ کیلومتری شمال غربی حماه دیده می‌شود. شهر افامیا در دوران «خسرو دوم ساسانی» به تصرف ایرانی‌ها درآمد و از جانب ایران حاکمی بر آن جا گماشته شد. رومی‌ها این شهر را بازسازی کردند و در اثر این بازسازی معماری شهر آمیخته‌ای از معماری شرقی و غربی گردید. شهر مذکور مرکز عبور و استراحت کاروان‌های تجاری بود و طی دو زلزله ویران گردید. آثار باستانی زیبای این شهر شامل ستون‌های سنگی مرتفع، خانه‌های قدیمی، کلیسای بزرگ قرن پنجم و ششم میلادی و تئاتر زیبا و باشکوه بوده است که به وسیله دیواری احاطه شده است. در موزه این شهر تابلوهای زیبا معرق کاری و کاشیکاری وجود دارد. همچنان در این شهر قلعه

تصویر قصر باستانی افامیا

ص: ۲۷۹

شیزر قرار دارد که در قرن سیزدهم میلادی بنا شده است. (۱) شهر أفاميا در سال ۱۷ قمری به دست سپاهیان اسلام فتح گردید. در قرن ششم هجری صلیبی‌ها آن را به تصرف در آوردند ولی به زودی نیروهای «نورالدین زنگی» آن را آزاد کردند، اکنون بقایای این شهر به ویژه ستون‌ها و سرستون‌های سنگی، پایه دیوارها موجود و مورد بازدید سیاحان قرار می‌گیرد.

۱- همان منبع، ص ۹.

ص: ۲۸۰

خلاصه فصل ششم

سوریه مهد تمدن‌های کهن مدیترانه به شمار می‌رود. در این سرزمین تمدن‌های بسیاری در دل خاک خفته‌اند. برخی از این تمدن‌ها چنان درخشان بوده‌اند که آثار برجای مانده از آن‌ها همچنان باعث شگفتی و حیرت صاحب‌نظران شده است.

تمدن‌های بزرگی نظیر تمدن ایبلا، تمدن ماری، تمدن تدمر، تمدن اوگاریت حائز اهمیت فراوان است و برخی از کاوشگران بین‌المللی معتقدند که در سرزمین سوریه آثار و تمدن‌های بزرگ دیگری نیز وجود دارد که هنوز به صورت کامل کشف نشده است.

اولین الفبای بشری که در تمدن اوگاریت کشف گردید، بیانگر زادگاه اولیه خط در این سرزمین کهن بوده است.

ص: ۲۸۳

فصل هفتم: کشور لبنان

مقدمه

لبنان کشوری کوچک و کوهستانی در غرب آسیا و خاورمیانه و در کنار ساحل شرقی دریای مدیترانه است که پایتخت آن شهر بندری بیروت است و نظر به این که بسیاری از زائران ایرانی، در اثنای سفر به سوریه، از این کشور نیز بازدید می کنند، از این رو لازم بود توضیحاتی گزیده در مورد این کشور آورده شود.

هدف

در این فصل تلاش شده است تا خواننده با کشور لبنان آشنا شود، چرا که بسیاری از تورهای زیارتی سوریه، اقدام به بازدید یک روزه از لبنان می کنند و زائران زیادی پس از ثبت نام در این تورهای یک روزه، صبح بامداد عازم بیروت شده و شبانگاه به دمشق بازمی گردند، لذا در این فصل تلاش شده است که توضیحاتی در مورد موقعیت جغرافیایی لبنان، تقسیمات کشوری لبنان، آب و هوای لبنان، جمعیت لبنان، ساختار قومی و مذهبی لبنان، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه، آموزش و آموزش عالی در لبنان، استان های لبنان، و بالاخره اماکن زیارتی لبنان داده شود.

هدف های رفتاری

آشنایی با کشور لبنان برای کسانی که عازم بازدید یک روزه از این کشور می شوند حائز اهمیت فراوانی است و معمولاً راهنمایان تورهای زیارتی توضیح چندانی در باره این کشور ارائه نمی دهند و ارائه این مطالب می تواند افق دید زائران را باز نماید.

موقعیت جغرافیایی لبنان

لبنان یکی از کوچک‌ترین کشورهای دنیاست که مساحتی حدود ۱۰۴۵۲ کیلومتر مربع دارد. لبنان از شمال و شرق به سوریه و از جنوب به فلسطین اشغالی محدود می‌شود.

طول مرزهای آن با سوریه ۳۷۵ کیلومتر و طول مرز آن با فلسطین اشغالی ۷۰ کیلومتر است. لبنان جایگاه جغرافیایی ویژه‌ای دارد که از شمال به اروپا و از شرق به آسیا و کشورهای عربی و از غرب به آفریقا راه دارد. این کشور تنها کشور عربی است که رئیس‌جمهور آن از طایفه مسیحی می‌باشد و مسیحیان این کشور نقش فعال و مؤثری را در سیاست و اقتصاد این کشور ایفا می‌کنند.

واژه لبنان از واژه سامی «لبن» گرفته شده که دارای معانی متعددی همچون «شیر» و «سفید» است که شاید اشاره به کوه‌های سرپوشیده از برف لبنان دارد. لبنان تا قبل از جنگ داخلی ۱۹۷۵ م. کشوری متمول بوده و پایتخت بانکداری جهان عرب محسوب می‌شد و تعداد زیادی توریست را جذب خود می‌کرد تا حدی که بیروت را به عنوان پاریس خاورمیانه می‌شناختند و همچنین به دلیل قدرت مالی بسیار لبنان را به عنوان سوئیس خاورمیانه می‌شناختند.

در سال ۱۹۸۲ م. اسرائیل طی یورش همه‌جانبه‌ای به لبنان حمله کرده و این کشور را به تصرف خود درآورد، مردم لبنان با تشکیل گروه‌های مقاومت به مبارزه با رژیم اشغالگر و نیروهای مزدور آنان که تحت عنوان «نیروهای لبنان جنوبی» تشکیل داده بود به مبارزه پرداختند و عاقبت با فداکاری‌های جوانان متعهد لبنانی، اسرائیل ناچار شد که در سال ۲۰۰۰ با خفت و خواری از لبنان خارج شود و درحقیقت اولین شکست خود را پذیرا باشد.

در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ م. اسرائیل برای بار دوم به لبنان حمله کرد، و نیروهای اسرائیلی از زمین و هوا و دریا به بمباران شهرهای بی‌دفاع لبنان پرداختند اما چندی نپایید که نیروهای آن به علت مقاومت شدید نیروهای مقاومت اسلامی در منطقه جنوب لبنان زمین‌گیر شده و در عرض سی و سه روز جنگ نتوانستند که موفقیت‌های نظامی چندانی به دست

ص: ۲۸۷

آورند و ناچار شکست را پذیرفته و بدون هیچ گونه دستاوردی از لبنان خارج شوند. رودخانه‌های مهم لبنان عبارت‌اند از: رودخانه عاصی و رودخانه لیطانی که در دره بقاع جریان دارند و رودخانه کلب. رشته کوه‌های لبنان عبارت‌اند از: رشته کوه‌های لبنان شرقی و رشته کوه‌های لبنان غربی که میان این دو رشته کوه، دره سهل البقاع قرار گرفته است.

تقسیمات کشوری لبنان

لبنان شش استان دارد که عبارتند از: استان بیروت، استان جبل لبنان، استان شمالی، استان بقاع، استان نبطیه و استان جنوبی. که در این میان دو استان نبطیه و استان جنوبی در مرز با اسرائیل قرار دارند.

آب و هوای لبنان

سرزمین لبنان آب و هوای مدیترانه‌ای دارد، هوای سواحل در زمستان‌ها سرد و بارانی و در تابستان‌ها گرم و شرجی است. در نواحی بلندتر به ویژه کوهستان‌ها، زمستان‌ها با بارش برف همراه است و دمای هوا به زیر صفر می‌رسد. بخش‌های دیگر این کشور، تابستان‌های گرم و خشک دارد. اگرچه اکثر مناطق لبنان سالانه شاهد باران‌های بسیاری است ولی در مناطق خاصی در شمال شرق لبنان به دلیل وجود قله‌های مرتفع که راه ابرهای بارانزای مدیترانه را سد می‌کنند باران زیادی نمی‌بارد.

جمعیت لبنان

جمعیت لبنان در حدود ۸/۳ میلیون نفر هستند. حدود ۱۵ میلیون نفر با ریشه لبنانی در جهان زندگی می‌کند که بیشترین آنها در برزیل هستند. همچنین آرژانتین، استرالیا، کانادا، کلمبیا، فرانسه، بریتانیای کبیر، مکزیک، ونزوئلا و آمریکا نیز دارای جوامع بزرگ

ص: ۲۸۸

لبنانی هستند. حدود ۳۶۰ هزار پناهنده فلسطینی از سال ۱۹۴۸ با کمک آژانس امداد سازمان ملل (اونروا) در لبنان اسم خود را ثبت کرده‌اند که براساس تخمین‌ها از این تعداد ۱۸۰ تا ۲۵۰ هزار نفر در لبنان باقی مانده‌اند. فلسطینی‌ها بخش مهمی از جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند که بسیاری از آنها به مقام‌های حساس رسیده‌اند اگر چه ممنوعیت‌های دولتی بسیاری علیه آنها اعمال شده است. نه تنها فلسطینی‌ها نمی‌توانند در لبنان دارای ملک و املاک باشند بلکه تا سال ۲۰۰۵ حدود ۴۶ شغل وجود داشت که آنها نمی‌توانستند عهده‌دار انجام آنها شوند.

ساختار قومی و مذهبی لبنان

مردم لبنان را گروه‌های نژادی و قومی گوناگونی تشکیل می‌دهند. عرب‌ها ۶۰٪، آشوریان و سریانی‌ها ۳۶٪ و ارمنی‌ها ۴٪، کردها و یهودی‌ها ۱٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. جمعیت لبنان از سه گروه اصلی قومی و مذهبی تشکیل شده است: مسلمانان شامل طوایف شیعه، سنی، علوی و دروزیان و مسیحیان شامل طوایف مارونی‌ها، ارتدوکس‌ها و ارمنی‌ها و کاتولیک‌ها و یهودی‌ها که اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل می‌دهند. از سال ۱۹۳۲ تا به حال هیچ آمارگیری رسمی انجام نشده است که حساسیت سیاسی در لبنان در مورد تعادل مذهبی را نشان دهد. تخمین زده می‌شود که ۴۰ درصد مردم مسیحی، ۳۰ درصد مسلمان شیعه، ۲۵ درصد مسلمان سنی و ۵ درصد دروزی هستند.

اقلیت یهود در مرکز بیروت، بیلس و بمدون زندگی می‌کنند همچنین جمعیت کوچک (کمتر از ۱ درصد) کردها که به عنوان مهالامی‌ها یا ماردین‌ها شناخته می‌شوند نیز در لبنان زندگی می‌کنند.

زبان

زبان رسمی لبنان عربی است، اما هر یک از اقلیت‌های نژادی به زبان خود سخن

ص: ۲۸۹

می‌گویند. زبان فرانسه نیز کاربرد دارد. لهجه لبنانی یکی از شاخه‌های لهجه عربی شامی است، در کاربرد و تلفظ کلمات با دیگر شاخه‌های زبان عربی تفاوت دارد اما به عربی سوری، فلسطینی و مصری نزدیک است. در تلفظ حرف «ج»، «ژ» خوانده می‌شود. به جای «ق»، حرف «ع» و به جای «ث» نیز «ت» تلفظ می‌شود. برای مثال کلمه ی کثیر به معنای زیاد، کثیر. قلب به معنای دل، علب و جدید به معنای تازه، ژدید ادا می‌گردند.

قوه مجریه

کشور لبنان جمهوری است و سه مقام ارشد آن برای پیروان طوایف مذهبی خاص در نظر گرفته شده‌اند. رئیس جمهوری باید مسیحی مارونی و نخست‌وزیر باید مسلمان سنی و رئیس پارلمان باید مسلمان شیعه باشد. این ترتیب قسمتی از میثاق ملی نانوشته‌است که در سال ۱۹۴۳ در ملاقاتی بین اولین رئیس جمهور لبنان (یک مارونی) و اولین نخست‌وزیر لبنان (یک سنی) حاصل شد، اگرچه این توافق در قانون اساسی لبنان تا سال ۱۹۹۰ به دنبال توافق طائف رسمی نشد. این میثاق شامل قول و قرار مسیحیان بود مبنی بر اینکه به دنبال جلب حمایت فرانسه نباشند و وجهه عربی لبنان را قبول داشته باشند و همچنین مسلمانان نیز تعهد کردند تا مشروعیت استقلال و دولت لبنان و همچنین مرزهای این کشور در سال ۱۹۲۰ را قبول داشته باشند و برای اتحاد با سوریه تلاش نکنند.

قانون اساسی لبنان به مردم این حق را می‌دهد تا دولت خود را عوض کنند. با این حال از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ جنگ داخلی لبنان از اجرای حقوق سیاسی ممانعت به عمل آورد. طبق قانون اساسی انتخابات مستقیم هر چهار سال یک بار باید برگزار شود. آخرین انتخابات پارلمانی بعد از ترور نخست‌وزیر حریری انجام شد و معادله قدرت با پیروزی مخالفان حضور سوریه در لبنان و تصاحب اکثر کرسی‌های پارلمان توسط آنها شاهد تغییرات بسیاری بود. ترکیب پارلمان براساس هویت مذهبی و قومی و برخلاف مسائل ایدئولوژیکی شکل گرفته است. پیمان طایف با پایان دادن جنگ داخلی تقسیمات کرسی‌های پارلمان را تغییر داد.

ص: ۲۹۰

آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۸ انجام شد. رئیس جمهور نخست وزیر را با پیشنهاد پارلمان منصوب می کند. پارلمان رئیس جمهور را برای یک دوره شش ساله انتخاب می کند. انتخاب مجدد یک رئیس جمهور برای دوره ای دیگر ممنوع است. دوره ریاست جمهوری الیاس هراوی که باید در سال ۱۹۹۵ تمام می شد برای سه سال دیگر تمدید شد. این اتفاق برای امیل لحود نیز افتاد و دوره اش تا سال ۲۰۰۷ تمدید شد. در حال حاضر رئیس جمهور لبنان آقای میشل سلیمان است که قبلاً رئیس ستاد مشترک ارتش لبنان بوده است. نخست وزیر لبنان در حال حاضر آقای فواد السنیوره است.

قوه مقننه

پارلمان لبنان ۱۲۹ کرسی دارد. دوره نمایندگی به مدت چهار سال می باشد. لبنان حزب های سیاسی زیادی دارد ولی آنها نقش مهمی در سیستم پارلمان ندارند. اثر آنها در عمل منافع فرقه ای را در نظر می گیرند. لیست نامزدهای انتخاباتی اغلب براساس حوزه انتخاباتی با مذاکره میان رهبران محلی طوایف، گروه های مذهبی و احزاب سیاسی شکل می گیرند. این ائتلاف های پراکنده تنها برای انتخابات شکل می گیرند و به ندرت گروهی منسجم در پارلمان را تشکیل می دهند. اخیراً پارلمان لبنان به دو گروه تقسیم شده است. گروه ۱۴ مارس شامل حزب جریان آینده به رهبری سعد حریری، حزب سوسیالیست دروزیان به رهبری ولید جنبلاط، حزب فالانژ به رهبری سمیر جعجع و گروه اُمین جمیل، گروه دوم گروه ۸ مارس است که شامل حزب الله به رهبری سید حسن نصرالله، حزب امل به رهبری نبیه بری، و حزب جریان ملی آزاد به رهبری میشل عون و گروه دروزی طلال ارسلان و جبهه عمل اسلامی. در روز یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۸ انتخابات پارلمان لبنان برگزار شد و در این انتخابات جریان ۱۴ مارس با کسب ۷۱ کرسی توانست اکثریت را احراز نماید. در این انتخابات جریان ۸ مارس، شامل حزب الله و هوادارنش توانست ۵۷ کرسی را به دست آورد.

ص: ۲۹۱

قوه قضائیه

سیستم قضایی لبنان براساس قانون فرانسه تدوین شده است. هیئت منصفه در دادگاه‌ها استفاده نمی‌شوند. سیستم دادگاهی لبنان از سه سطح تشکیل شده است که عبارتند از: دادگاه بدوی، دادگاه استیناف و دادگاه نقض رأی. همچنین دادگاه‌های مذهبی وجود دارند که در مسایل شرعی طوایف خویش نظیر: قوانین ازدواج، طلاق و وراثت حق قضاوت دارند. به علاوه لبنان دارای سیستمی از دادگاه‌های نظامی است که به جرایمی همچون جاسوسی، خیانت به وطن و دیگر جرایم که مربوط به امنیت ملی رسیدگی می‌کند. این دادگاه‌های نظامی از سوی سازمان‌های حقوق بشر از جمله سازمان بین‌المللی عضو بین‌المللی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

آموزش و آموزش عالی در لبنان**اشاره**

دو وزارتی که از اول برای آموزش در لبنان تشکیل شدند شامل وزارت آموزش و تحصیلات عالیه و آموزش فنی و حرفه‌ای بودند و در سال ۱۹۴۶ و بعد از اعلام استقلال در ۲۶ نوامبر دولت لبنان برنامه آموزشی قدیم را که از فرانسه گرفته شده بودند، تغییر داد و برنامه‌های جدید را در دستور کار قرارداد و زبان عربی را به عنوان زبان اصلی به تمامی مدارس لبنان وارد و استفاده از آن را در تمامی مقاطع تحصیلی اجباری کرد. همچنین دولت به دانش‌آموزان اجازه داد تا زبان دلخواه خود (فرانسه، انگلیسی و ...) را به عنوان زبان دوم یاد بگیرند. در سال ۱۹۷۵ لبنان یکی از بالاترین آمار سواد را در میان کشورهای عربی در اختیار داشت. بیش از ۸۰ درصد مردم توان خواندن و نوشتن داشتند. و در حال حاضر لبنان هنوز با آمار ۸۸ درصد سواد در میان کشورهای عربی در بالاترین رده قرار دارد.

۱. مدارس لبنان

مدارس لبنان به سه رده تقسیم می‌شوند: مدارس خصوصی، عمومی و

ص: ۲۹۲

نیمه خصوصی، مدارس عمومی تحت اختیار وزارت آموزش و پرورش بوده و رایگان هستند و منابع مالی آنها از طریق مالیات تأمین می شود. وزارت آموزش و پرورش تمامی کتاب های مورد نیاز هر سطح تحصیلی را با قیمت پایین و یا رایگان تهیه می کند. مدارس نیمه خصوصی که اکثراً محلی هستند و بخشی از هزینه های خود را از مردم گرفته و باقیمانده هزینه را دولت از طریق یارانه تأمین می کند. مدارس خصوصی نیز مدارس هستند که تمامی هزینه های آنان از طرف مردم تأمین می شود. تمامی مدارس ملزم هستند که برنامه تحصیلی مصوب وزارت آموزش و پرورش را دنبال کنند. مدارس خصوصی مجازند دروس دیگری را پس از کسب موافقت وزارت آموزش و پرورش اضافه کنند.

مدارس عمومی شامل ۱۹۲ دبیرستان و ۱۱۲۵ مدرسه ابتدایی می شوند که در این میان ۱۶ دبیرستان مختلط هستند. در مدارس ابتدایی ۲۳۸۵۵۶ دانش آموز ثبت نام کرده اند و ۲۴۴۶۳ معلم در آنها تدریس می کنند. تعداد دانش آموزان هر کلاس در مدارس خصوصی ۱۵ نفر و در مدارس عمومی ۴۰ نفر است. دانش آموزان سه مقطع تحصیلی را پشت سر می گذرانند که عبارتند از: مقطع ابتدایی به مدت شش سال، مقطع راهنمایی به مدت سه سال، مقطع دبیرستان به مدت سه سال، دانش آموزان پس از موفقیت در امتحانات مدرک دیپلم را در یکی از چهار رشته تحصیلی دریافت می کنند. تمامی این سه مقطع تحصیلی رایگان بوده و برای عموم اجباری هستند. ولی اخیراً مسئله اجبار تحصیل جدی گرفته نمی شود و برنامه هایی برای تغییر آن در آینده در نظر گرفته شده است.

۲. تمصیلات عالی

بعد از دبیرستان، دانش آموزان می توانند به تحصیل در دانشگاه، کالج، مؤسسات یا هنرستان های عالی ادامه دهند. مدت تحصیل در هر کدام از مراکز فوق الذکر، فرق می کند. لبنان ۲۱ دانشگاه دارد که دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه آمریکایی لبنان و

ص: ۲۹۳

دانشگاه نوتردام در بیروت از نظر بین‌المللی شناخته شده‌اند. دانشگاه آمریکایی بیروت اولین دانشگاه انگلیسی زبان بود که در لبنان گشایش یافت در حالی که اولین دانشگاه فرانسوی دانشگاه سنت جوزف بود. دانشگاه‌های لبنان به دو روش عمومی و خصوصی اداره می‌شوند و تدریس در آن‌ها به زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی می‌باشد. در دانشگاه‌های انگلیسی زبان محصلانی که از دبیرستان‌هایی فارغ‌التحصیل شده‌اند که زبان انگلیسی را یاد می‌داده‌اند وارد سطح اول دانشگاه می‌شوند تا مدرک معادل دیپلم را از وزارت تحصیلات عالیه لبنان دریافت کنند. این دوره آن‌ها را مجاز به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر می‌کند. این محصلان ملزم هستند که قبلاً برای ورود به کالج مدرک و را به جای مدرک موفقیت در امتحانات رسمی را گرفته باشند. از سویی دیگر محصلانی که از مدارس فارغ‌التحصیل شده‌اند که مطابق با سیستم آموزشی لبنان کار کرده‌اند مستقیماً وارد دوره سال دوم دانشگاه می‌شوند. این محصلان باید مدرک و نه مدرک را گرفته باشند.

استان‌های لبنان

۱. استان بیروت

استان بیروت تنها استان لبنان است که از یک شهرستان و یک شهر تشکیل شده است. مرکز آن شهر بیروت است. مساحت این استان ۱۹/۸ کیلومتر مربع است و با وجود کوچک بودنش مهم‌ترین استان لبنان بشمار می‌رود.

۲. استان جبل لبنان

استان جَبَل لُبْنان یکی از استان‌های کشور لبنان است. مرکز این استان شهر بعدا است. بیشتر جمعیت این استان را مسیحیان تشکیل می‌دهند. اقلیت بزرگی از مسلمانان و دروزها نیز در این استان ساکنند. این استان شش شهرستان دارد که عبارتند از: بعدا، عالیه، متن، کسروان، شوف و جبیل. (۱) راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه ؛ ؛ ص ۲۹۴

۱- دکتر احسان مقدس، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در سوریه (ویژه کارگزاران حج و زیارت)، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، بهار ۱۳۸۹.

ص: ۲۹۴

۳. استان شمالی لبنان

استان شمالی یکی از استان‌های لبنان است که مرکز آن شهر طرابلس است. این استان از هفت بخش تشکیل شده که عبارتند از: زغرتا، بترون، طرابلس، هلبا، بشاری، آمیون، مینیه دنیه.

۴. استان بقاع

استان بقاع یکی از استان‌های لبنان است که ۷۵۰ / ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد. این استان از پنج بخش تشکیل شده که عبارتند از: بعلبک، راشیا، بقاع غربی، زال و هرمل. مرکز این استان شهر بعلبک می‌باشد.

۵. استان نبطیه

نبطیه یکی از استان‌های کشور لبنان است. این استان در بخش‌های میانی و جنوبی لبنان قرار گرفته است. مساحت آن ۱۰۵۸ کیلومتر مربع و دارای ۱۲۹ شهر و روستا است. سطح استان از کوه و تپه پوشیده شده است. شهرهای اصلی آن عبارت‌اند از: نبطیه، بنت جیل و الخیام. مرکز این استان شهر نبطیه است. استان نبطیه به چهار شهرستان و ۱۱۵ بخش تقسیم شده است که چهار شهرستان آن عبارتند از شهرستان نبطیه با ۳۸ بخش، شهرستان حاصیبا با ۱۹ بخش، شهرستان مرجعیون با ۲۶ بخش و شهرستان بنت جیل با ۳۶ بخش.

۶. استان جنوب لبنان

استان جنوب، یکی از استان‌های لبنان است. این استان ۳۶۰ / ۱۰۰۰ نفر جمعیت و ۲۰ / ۱۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. مرکز آن شهر صیدا است و پست‌ترین نقطه آن منطقه‌ای هم‌سطح دریا و بلندترین نقطه آن ۱۰ / ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارد. این استان سه بخش دارد که عبارتند از: صیدا، جزین و طیره.

ص: ۲۹۵

مراقده و زيارت گاه‌های لبنان

اشاره

در کشور لبنان زيارتگاه‌های زيادی وجود ندارد، برخی از مهم‌ترين زيارت گاه‌های اين کشور عبارتند از:

۱. مرقد نبی شيت عليه السلام

اين مرقد در شهرک نبی شيت در استان بقاع قرار دارد، تاريخ بنای اين آرامگاه براساس اسناد وقف موجود در آن، به هزار سال قبل بازمی‌گردد. شهر نبی شيت بر دامنه غربی سلسله جنال شرقی لبنان واقع شده و در شرق آن دو شهرک جنتا و يحفوف و در غرب آن دو شهرک سفری وحوش النبى قرار دارند. شهرک نبی شيت ۱۲۰۰ متر از سطح دريا ارتفاع دارد و فاصله آن تا بيروت ۷۰ كيلومتر است و جمعيت آن بالغ بر دوازده هزار نفر است. ساليانه هزاران نفر برای زيارت مرقد نبی شيت از اين شهر بازديد می‌کنند.

نبی شيت فرزند حضرت آدم و وارث وی بوده است و آرامگاه وی بارها ترميم و بازسازی شده است و امروزه اين مرقد از جلال و زيبايی خاصی بهره‌مند است. کلمه شيت، کلمه‌ای سريانی به معنای بخشش، که علت تسميه مذکور اين است که خداوند شيت را بعد از کشته شدن هابيل در سن ۱۳۰ سالگی به حضرت آدم عطا فرمود. برخی فلاسفه شيت را همان آغاذاذيمون يونانی دانسته‌اند. شيت اولين نفری است که بعد از حضرت آدم به تعليم حکمت و ضروریات شريعت پرداخت و کتابی بر وی نازل گشت.

بر اساس تورات، شيت سومين فرزند آدم و حوّا پس از هابيل و قابيل است و تنها فرزند ديگر آدم و حوّا که نامش در کتاب پيدایش تورات ذکر شده است. با استناد به تورات، شيت پس از قتل هابيل توسط قابيل متولّد گشت و حوّا او را جانشینی برای هابيل دانست.

نام فرزند شيت در تورات، انوش است. در مجموع شيت ۹۱۲ سال عمر نمود و صاحب فرزندان بسياری شد. نام شيت در قرآن نيامده است اما در احاديث و روايات اسلامی، نام شيت به عنوان یکی از پيامبران در اسلام ذکر شده است.

همچنين در اين شهر مقام ابوالفضل العباس عليه السلام قرار دارد و در اين شهر مرقد شهيد

ص: ۲۹۶

سید عباس موسوی دبیر کل قبلی حزب الله نیز قرار دارد.
آرامگاه نبی الله شیت در لبنان

۲. مرقد خوله دختر امام حسین علیه السلام

این آرامگاه در مدخل جنوبی شهر بعلبک و در نزدیکی قلعه رومی ها در بعلبک واقع شده است. پس از شهادت امام حسین علیه السلام کاروان اسرای اهل بیت علیه السلام پس از عبور از شهرهای حماه و حمص وارد شهر بعلبک شدند و مردم شهر که گمان می کردند اسرا، خارجی هستند، پس از آگاهی از واقعیت، بر علیه حکومت یزید قیام کردند و لشکریان یزید ناچار شدند که اسرا را به سرعت از دروازه باب الشام خارج کرده و رهسپار شام شوند و در همین محل بود که خوله دختر امام حسین علیه السلام که سه سال سن داشت درگذشت و امام زین العابدین او را در همان محل به خاک سپرد و این قبر برای سالیان سال از دید مردم دور ماند تا این که عاقبت صاحب باغی که ثبر خوله در آن قرار داشت،

ص: ۲۹۷

آن حضرت را در خواب دید که به او گفت: من خوله دختر امام حسین هستم که در فلان جای باغ مدفون هستم و از او درخواست کرد که مسیر جوی آب را که از بالای قبر او می گذشت تغییر دهد، اما باغبان توجهی به این خواب نکرد، و هنگامی که این خواب چند بار تکرار شد، باغبان خبر آن را به یکی از افراد خاندان آل مرتضی رساند و تعدادی از افراد این خاندان به باغ مذکور رفته و اقدام به کندن زمین کردند و با جسد دختر بچه ای مواجه شدند که تازه مانده بود.

آرامگاه حضرت خوله دختر امام حسین علیه السلام

پس قبر او را از مسیر جوی آب دور کرده و بر بالای قبر او گنبد کوچکی بنا کردند.

چون خبر به مردم منطقه رسید گروه گروه برای زیارت آن آمدند و مخصوصاً زیارت آرامگاه وی در روز عاشورا مرسوم گردید و علاوه بر لبنانی ها، بسیاری از شیعیان سایر کشورها نیز به زیارت آرامگاه وی روی آوردند. این آرامگاه بارها و بارها تجدید بنا

ص: ۲۹۸

شده و در کنار آن دختر سروی قرار دارد که قطر آن بالغ بر دو متر بوده و گویند آن را امام زین العابدین علیه السلام کاشته است.

۳. مرقد نبی‌الله ایلا علیه السلام

این آرامگاه بر روی بلندترین تپه بقاع میانه و در وسط شهرکی به نام شهرک نبی‌الله ایلا قرار دارد و اطراف آن را باغ‌ها و بستان‌های متعدد فراگرفته است. بنای آرامگاه، ساختمانی نوساز و زیبا است که در آن مکانی برای استراحت زائران و کشتارگاهی برای کشتار دام قربانی ساخته شده است. در مورد نبی ایلا اطلاعات چندانی وجود ندارد و برخی را این گمان است که وی یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است اما حقیقت امر اینست که نام وی در تورات نیامده است.

مرقد نبی‌الله ایلا علیه السلام

ص: ۲۹۹

۴. مرقد نبی‌الله بنیامین علیه السلام

بنیامین یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل و فرزند حضرت یعقوب و برادر کوچک حضرت یوسف است، این پیامبر در لبنان به «محبیب» معروف است و معنی آن «دوستی داشتنی» است و علت این تسمیه از آن رو است که بعد از گم شدن یوسف، حضرت یعقوب علیه السلام علاقه فراوانی به بنیامین ابراز نموده و او را از خود دور نمی‌کرد. آرامگاه حضرت بنیامین در روستای مرزی محیب در شهرستان مرجعین و در فاصله ۱۱۵ کیلومتری بیروت و در نزدیکی شهرهای میس الجبل و بلیدا قرار دارد. آرامگاه وی از قدیم‌الایام مورد توجه زائران بوده و در نیمه شعبان و روز اربعین زائران به سوی آرامگاه وی سرازیر می‌شوند و به نظر می‌رسد که تاریخچه این آرامگاه به دو هزار و پانصد سال پیش بازمی‌گردد.

مرقد نبی‌الله بنیامین علیه السلام

ص: ۳۰۰

۵. آرامگاه صدیق

این آرامگاه در شرق شهرک «تبنین» در جبل عامل قرار دارد و در لبنان به آرامگاه صدیق معروف است و نام وی سید علی صائغ حسینی است که یکی از شاگردان بارز شهید ثانی بوده و بر روی سنگ گور وی چنین نوشته شده است: «این قبر سید جلیل عالم و یگانه روزگار و فاضل دوران و فقیه اهل بیت علیه السلام، سید علی مشهور به صائغ حسینی که در شب سه شنبه یازدهم رجب سال ۹۸۰ هجری قمری وفات نمود». قابل ذکر است که نام این روستا در منابع مختلف به نام صدیق آمده است و مورد توجه ساکنان مسلمان و مسیحی منطقه می باشد.

آرامگاه صدیق در شهرک تبنین

در سال ۱۹۷۸ م. انقلابیون فلسطینی در این محل مستقر شده و آن را به پایگاهی بر علیه اسرائیل تبدیل کردند، ولی در ماه مارس ۱۹۷۸ م. هواپیماهای اسرائیلی آن را بمباران کردند و درخت تنومندی را که در کنار آن قرار داشت از بین بردند، ولی اهالی مجدداً

ص: ۳۰۱

اقدام به بنای جدید نمودند و ساختمان آن را به شکل مستطیل و شبیه آرامگاه حضرت بنیامین ساختند. در گذشته جوانان منطقه در روزهای عید غدیر در این محل حاضر و مراسم شادمانی برپا می کردند که این مراسم تا اوایل دهه پنجاه میلادی در محل مذکور برپا می شده است.

مقدسی در کتاب احسن التقاسیم در باره این شهر چنین می گوید: «کوه صدیق، نام منطقه ای بین صور و بانیاس و بیت المقدس است، و در آن مسجدی وجود دارد که در روز نیمه شعبان خلق کثیری از شهرهای اطراف در آن گرد می آیند، و نماینده سلطان نیز در این مراسم حضور می یابد».^(۱) در کتاب تاریخ تبیین درباره مقام صدیق چنین آمده است: «قبر صدیق منسوب به شمعون صدیق بنی اسرائیل، و محمد حجازی در کتاب جبل عامل در دوران صلیبی اظهار می کند که تبیین در گذشته روستایی یهودی نشین به نام شونم بوده و نام آن در تورات آمده است و در حدود سیصد نفر شکنه داشته است».^(۲) ظاهراً در آرامگاه مذکور قبر شیخ نورالدین علی بن عبدالعالی عاملی معروف به محقق میسی نیز قرار داشته است اما قبر وی در بمباران سال ۱۹۷۸ م هواپیماهای اسرائیلی از بین رفته، و پس از بازسازی اثری از آن برجای نمانده است.^(۳)

۶. مقام راس الحسین علیه السلام

مسجد راس الحسین در شهرک راس العین در نزدیکی بعلبک قرار دارد و با توجه به این که قافله اسرای کربلا- در هنگام ورود به سرزمین شام از شهر بعلبک نیز گذشتند، این امر باعث شده است که آثاری از اهل بیت علیه السلام در اطراف شهر بعلبک لبنان وجود داشته باشد. مسجد رأس الحسین همچنین به مسجد معلق نیز معروف است و بر بقایای معبدی

۱- المقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۱۸۸.

۲- صالح، حسن محمد، تاریخ تبیین، چاپ اول، بیروت، بی نا، ص ۲۶.

۳- همان منبع، ص ۱۰۳.

ص: ۳۰۲

قدیمی ساخته شده است و گویند که این مسجد در سال ۶۱ قمری توسط اهالی بعلبک به منظور زنده نگهداشتن خاطره شهادت امام حسین ساخته شده است، چرا که در آغاز اهالی شهر بعلبک از شنیدن خبر دستگیری خوارج خوشحال شدند، اما هنگامی که حضرت زینب علیها السلام و امام زین العابدین علیه السلام حقایق را برای آنان آشکار کردند، بر علیه سربازان یزید شوریدند و درخواست کردند که سرهای شهدا را به آنان تحویل دهند، اما سربازان یزید از این خواسته سرپیچی نموده و به همراهی اسرا راهی شام شدند، و اهالی بعلبک به منظور یادبود شهادت امام حسین علیه السلام مسجد راس الحسین علیه السلام را در همان جایی که سرهای شهدا را گذاشته بودند، بنا کردند.

۷. مرقد شیخ کفعمی

شیخ ابراهیم بن علی کفعمی، یکی از بزرگان علمای شیعه است که آرامگاه وی در شهر جبشیت در جبل عامل قرار دارد و بر روی سنگ قبر وی چنین نوشته شده است:

«این قبر شیخ ابراهیم بن علی کفعمی رحمه الله است». شیخ کفعمی در سال ۸۴۰ قمری در روستای «کفر عیما» در لبنان به دنیا آمد و پدرش شیخ علی کفعمی یکی از علمای بزرگ شیعه در لبنان به شمار می‌رفت. شیخ کفعمی پس از گذراندن مقدمات تحصیل راهی حوزه‌های علمی در عراق شد و سال‌ها به تحصیل و کسب عمل پرداخت و تألیفات زیادی نگاشته و شاگردان بسیاری پرورش داد. شیخ کفعمی در حدود ۶۵ سال عمر کرد و تمامی عمر شریف خود را در تعلیم و تعلم و نگارش گذراند و آثار علمی وی بالغ بر ۴۹ کتاب می‌باشد. وی عاقبت در اواخر عمر به زادگاه خود برگشت و در همان‌جا در گذشته و به خاک سپرده شد.

ص: ۳۰۳

خلاصه فصل هفتم

لبنان کشور کوچک و کوهستانی در غرب آسیا و خاورمیانه و در کنار ساحل شرقی دریای مدیترانه است. پایتخت این کشور شهر بیروت است. کشور لبنان کشوری توریستی است که سالیانه هزاران جهانگرد عازم این کشور می‌شوند. آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای و جنگل‌های کوهستانی زیبا و دلپذیر و چشمه‌های آب معدنی و آب گرم فراوان و غارهای بلند و حاوی ستون‌های کچی و نمکی و ده‌ها اثر باستانی قدیمی و ساحل طولانی و بازارهای متعدد، همه و همه از جاذبه‌های دیدنی این شهر به شمار می‌روند. مراقد مذهبی در این کشور عبارتند از: مرقد نبی شیث، مرقد خوله دختر امام حسین، مقام علیه السلام راس الحسین در بعلبک، مرقد نبی‌الله ایلا و مرقد نبی‌الله بنیامین و آرامگاه صدیق و آرامگاه شیخ کفعمی.

ص: ۳۰۷

مجموعه سؤالات کتاب

۱. همسایگان سوریه را نام ببرید؟
۲. مساحت سوریه و آمار جمعیت آن بر حسب آمارگیری سال ۲۰۰۷ م. را ذکر کنید؟
۳. مهم‌ترین رودخانه‌های سوریه را نام ببرید؟
۴. مهم‌ترین کوه‌های سوریه را نام ببرید؟
۵. کردهای سوریه در کدام شهرها سکونت دارند؟
۶. دروزیان کیستند؟
۷. سوریه چند استان دارد؟ پنج استان را نام ببرید؟
۸. شهرک زینیه جزو کدام استان سوریه به شمار می‌رود؟
۹. مشهد الحسین یا مسجد النقطه در کدام استان قرار دارد؟
۱۰. روستای قرداحه، محل تولد آقای حافظ اسد در کدام استان قرار دارد؟
۱۱. هخامشیان چند سال بر سوریه حکومت کردند؟
۱۲. غسانی‌ها چند سال بر سوریه حکومت کردند؟
۱۳. آخرین پادشاه غسانی که بر سوریه حکومت می‌کرد چه نام داشت و برای چه به امپراتوری بیزانس پناهنده شد؟
۱۴. یکی از حکومت‌های شیعه که بر سوریه حکمرانی نمود را نام ببرید؟
۱۵. سوریه در چه سالی به تصرف فرانسه درآمد و در چه سالی مستقل شد؟
۱۶. آقای بشار اسد در چه سالی به ریاست جمهوری رسید؟
۱۷. جبهه ملی پیشرو در سوریه از چند حزب تشکیل شده است؟
۱۸. میزان تولید سالیانه نفت در سوریه چقدر است؟
۱۹. بنادر مهم سوریه را نام ببرید؟

ص: ۳۰۸

۲۰. فرودگاه‌های بین‌المللی سوریه را نام ببرید؟
۲۱. واحد پول سوریه چیست و ارزش برابری آن با ریال ایران و دلار آمریکا چقدر است؟
۲۲. مهم‌ترین دانشگاه‌های دولتی سوریه را نام ببرید؟
۲۳. نام ارامی شهر دمشق چیست؟
۲۴. در چه سالی دمشق به تصرف رومی‌ها درآمد؟
۲۵. سرزمین شام در چه سالی به تصرف مسلمانان درآمد و رهبری لشکر مسلمانان برعهده چه کسی بود؟
۲۶. سرزمین شام در چه سالی به تصرف امپراتوری ثمانی درآمد؟
۲۷. تاریخ استقلال سوریه از فرانسه را بنویسید؟
۲۸. سه محله از محلات معروف دمشق را بنویسید؟
۲۹. مسجد اموی قبل از ورود مسلمان چه بوده است؟
۳۰. وجه تسمیه بازار حمیدیه را بنویسید؟
۳۱. بازار درویشیه کجا قرار دارد؟
۳۲. جمعیت دمشق بنا به آمار سال ۲۰۰۴ م. چقدر است؟
۳۳. سه دروازه از دروازه‌های قدیمی دمشق را نام ببرید؟
۳۴. نام همسر حضرت زینب علیها السلام چیست و در کجا مدفون است؟
۳۵. نام قدیمی زینبیه چیست؟
۳۶. قدیمی‌ترین کتابی که شهادت حضرت رقیه علیها السلام را ذکر کرده است چه نام دارد؟
۳۷. مقام راس الحسین علیه السلام در کجا قرار دارد؟
۳۸. مقام سرهای مطهر شهدای کربلا علیه السلام در کجا قرار دارد؟
۳۹. غار منسوب به هابیل و قابیل در کجا قرار دارد؟
۴۰. در غار اربعین چه اتفاقی افتاده است؟
۴۱. غار اصحاب کهف در چند منطقه احتمال داده شده است؟ نام ببرید؟

ص: ۳۰۹

۴۲. مسجد اموی تا زمان کدام خلیفه اموی محل عبادت مسیحیان نیز بود؟
۴۳. ولید مالیات چند سال را خرج بنای مسجد کرد؟
۴۴. مسجد اموی چند گلدسته دارد، نام ببرید؟
۴۵. در مسجد اموی گنبد عقاب چرا به این نام نامیده شده است؟
۴۶. گنبد خزانه چرا بدین نام نامیده شده است؟
۴۷. مساحت قلعه دمشق چقدر است؟
۴۸. کتابخانه ظاهریه را چه کسی ساخته است؟
۴۹. مهم‌ترین کتاب‌های شیخ محی‌الدین ابن العربی چیست؟
۵۰. صلاح‌الدین ایوبی کیست؟ و مقبره او در کجاست؟
۵۱. قبر دکتر شریعتی در کجا قرار دارد؟
۵۲. مدرسه نوریه کبری را چه کسی ساخته است؟
۵۳. حمام نورالدین شهید در کجا قرار دارد؟
۵۴. تکیه سلیمانیه را چه کسی ساخته است؟
۵۵. موزه ملی دمشق چند بخش دارد؟
۵۶. موزه سنن و هنرهای مردمی سوریه در کجا قرار دارد؟
۵۷. موزه خط عربی در کجا قرار دارد؟
۵۸. در موزه جنگی سوریه چه چیزهایی وجود دارد؟
۵۹. مهم‌ترین پارک‌های دمشق را نام ببرید؟
۶۰. نام یونانی شهر حلب چیست؟
۶۱. حلب در حال حاضر چند دروازه دارد؟
۶۲. مسجد اموی حلب به وسیله چه کسی ساخته شده است؟
۶۳. مشهد السقط در حلب، محل دفن چه کسی است؟
۶۴. مشهد الحسین یا مسجد نقطه چرا بدین نام نامیده شده است؟
۶۵. معروف بن جمر که بوده است؟

ص: ۳۱۰

۶۶. قبر حضرت زکریا علیه السلام در کجای حلب است؟
۶۷. قلعه حلب شش بخش دارد این بخش ها را نام ببرید؟
۶۸. بیمارستان نوری حلب توسط چه کسی و در چه سالی ساخته شده است؟
۶۹. مسجد توته در حلب در چه سالی بنا شده است؟
۷۰. شیخ شهاب الدین سهروردی در چه سالی به شهادت رسید؟
۷۱. حجر بن عدی کیست و در چه سالی به شهادت رسید؟
۷۲. آرامگاه عمار یاسر در کجا است؟
۷۳. سکینه دختر حضرت علی علیه السلام در کجا مدفون است؟
۷۴. حزقیل کیست؟
۷۵. محمد بن ابی حذیفه کیست و در کجا مدفون است؟
۷۶. مرقد منسوب به مقداد بن اسود در کجا است؟
۷۷. قلعه الحصن به چه شهری نزدیک است و چقدر فاصله دارد؟
۷۸. نام رومی قلعه سلیمان چیست؟
۷۹. قلعه صلاح الدین در چه سالی به وسیله صلاح الدین ایوبی فتح شد؟
۸۰. قلعه یحمر در کجا قرار دارد؟
۸۱. سه تمدن باستانی سوریه را نام ببرید؟
۸۲. سنگ نوشته الفبای اولیه بشری متعلق به کدامین تمدن سوریه بوده است؟
۸۳. آفامیا توسط چه کسی بنا شده است و علت این تسمیه چیست؟
۸۴. مساحت لبنان چقدر است؟
۸۵. لبنان چند استان دارد، چهار استان را نام ببرید؟
۸۶. سه زیارتگاه از زیارتگاه های لبنان را نام ببرید؟

ص: ۳۱۳

فهرست منابع

۱. ابراهیم، علی عزیز، العلویون، بین الغلو والفلسفه والتصوّف والتشیع، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۹۹۵ م.
۲. ابن ابی طی، یحیی بن حمیدة الغسانی الحلبي، الشهير، معادن الذهب فی تاریخ حلب، چاپ اول، دمشق، [بی تا].
۳. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن عبدالکریم، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن عبدالکریم، الكامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵ م.
۵. ابن اعثم کوفی، احمد بن احمد، الفتوح، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ قمری.
۶. ابن اسحق، محمد، السیره النبویه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۴ م.
۷. ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، الرحله، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العربی، [بی تا].
۸. ابن بکار، زبیر، نسب قریش، تحقیق لیلی بردسال، چاپ دوم، مصر، دارالمعارف، [بی تا].
۹. ابن حورانی، عثمان بن احمد، زیارات الشام، دمشق، مکتبه الغزالی، ۱۹۸۱ م.
۱۰. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد بن سعید، جمهره انساب العرب، تحقیق لیلی

ص: ۳۱۴

بروفنسال، چاپ اول، مصر، دار المعارف، ۱۸۶۹ م.

۱۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، [بی تا].

۱۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، چاپ اول، حیدر آباد دکن، ۱۳۲۵ ق.

۱۳. ابن جوزی، یوسف بن حسام‌الدین، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، چاپ سنگی، ۱۲۸۵ قمری.

۱۴. ابن جبیر، محمد بن احمد، الجامع الاموی بدمشق، تحقیق محمد مطیع الحافظ، چاپ اول، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۵ قمری.

۱۵. ابن خیاط، خلیفه، تاریخ ابن خیاط، چاپ دوم، دمشق، دار القلم، ۱۳۹۷ قمری.

۱۶. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الملہوف علی قتلی الطفوف، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، تهران، دار الاسوه للطباعه والنشر، ۱۴۱۷ قمری.

۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ قمری.

۱۸. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبداللہ، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، مصر، مطبعه مصطفی، ۱۳۵۸ قمری.

۱۹. ابن عبد ربہ، احمد بن محمد، العقد الفرید، تحقیق عبدالحمید استرچینی، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ قمری.

۲۰. ابن عبدالہادی، یوسف، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، تحقیق محمد اسعد، چاپ اول، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۳۶۱ قمری.

۲۱. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینہ دمشق، چاپ اول، دمشق، مجمع اللغه العربیہ، ۱۳۹۸ قمری.

۲۲. ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح الحی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۹ قمری.

ص: ۳۱۵

۲۳. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه فی التاریخ، چاپ اول، مصر، مطبعه السعاده، ۱۳۵۱ قمری.

۲۴. ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد، الطبقات اکبری، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۶ قمری.

۲۵. ابن شحنه، الدر المنتخب من تاریخ حلب، چاپ دوم، دمشق، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۴ قمری.

۲۶. العمری، الجامع الاموی، تحقیق مطیع الحافظ، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۵ قمری.

۲۷. امین، حسن، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، چاپ اول، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ قمری.

۲۸. امین، محسن، اعیان الشیعیه، چاپ اول، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ قمری.

۲۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، [بی تا].

۳۰. اسدی، خیرالدین، احیاء حلب واسواقها، تحقیق عبدالفتاح رواس قلعه جی، بیروت، دار قتیبه، ۱۹۹۰ م.

۳۱. ایش، احمد، معالم دمشق التاریخیه، تحقیق دکتر قتیب الشهابی، چاپ اول، دمشق، منشورات وزاره الثقافه، ۱۹۹۶ م.

۳۲. پاک‌نیا، عبدالکریم، فرازهایی از زندگی عقیله بنی‌هاشم، مجله مبلغان، شماره ۳۱، جمادی‌الاول ۱۴۲۳ قمری.

۳۳. پیشوایی، مهدی، شام سرزمین خاطره‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

۳۴. تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ قمری.

۳۵. تونجی، محمد، یزیدیان یا شیطان‌پرستان، ترجمه احسان مقدس، چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۸۰.

ص: ۳۱۶

۳۶. العلبی، اکرم حسن، خطط دمشق، دراسه تاريخيه شامله، چاپ اول، دمشق، دارالطباع، ۱۴۱۰ قمری.
۳۷. العلبی، اکرم حسن، دمشق بين عصر المماليك والعثمانيين، چاپ اول، دمشق، الشرکه المتحدہ للطباعه و النشر، ۱۴۰۲ قمری.
۳۸. حایری، محمد مهدی، معالی السبطين، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۳.
۳۹. حسن خان، محمد، خیرات حسان، چاپ اول، سنه ۱۳۰۴ قمری.
۴۰. حموی، یاقوت، معجم البلدان، چاپ دوم، بیروت، بی نا، ۱۳۹۹ قمری.
۴۱. حریتانی، محمود، أحياء حلب القديمه، چاپ اول، دمشق، دار شعاع، ۲۰۰۵.
۴۲. حرزالدين، محمد، مراقد المعارف، چاپ اول، نجف، بی نا، سال ۱۳۸۹.
۴۳. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، چاپ اول، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
۴۴. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، چاپ اول، قم، منشورات مدینه العلم، ۱۴۰۹ قمری.
۴۵. دهمان، محمد احمد، فی رحاب دمشق، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ قمری.
۴۶. زکی ابراهیم، محمد، مراقد اهل البيت بالقاهره، چاپ چهارم، مصر، مطبوعات العشیره المحمديه، ۱۴۰۶ قمری.
۴۷. زنجانی، ابراهیم، وسیله الدارین، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۴۸. سابقی، شیخ محمد حسنین، مرقد العقلیه زینب علیها السلام، چاپ اول، بیروت، [بی نا]، [بی تا].
۴۹. سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، چاپ اول، قاهره، مطبعه السعاده، ۱۳۷۴ قمری.
۵۰. الشامی، یحیی، موسوعه المدن العربیه والاسلامیه، چاپ اول، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۹۳ م.
۵۱. شهابی، قتیبه، اسواق دمشق القديمه و مشیداتها التاريخیه، چاپ اول، دمشق، وزاره

ص: ۳۱۷

الثقافه، ۱۹۹۰ م.

۵۲. شهابی، قتیبه، دمشق تاریخ و صور، چاپ سوم، دمشق، مؤسسه النوری للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۹۹۴ م.

۵۳. شیروانی، زین العابدین، ریاض السیاحه، به اهتمام آقاسی اوغلی، مسکو، ادبیات خاور، ۱۹۷۴ م.

۵۴. شریف القرشی، باقر، حیاہ الامام الحسین علیہ السلام، چاپ اول، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ قمری.

۵۵. قمی، شیخ عباس، دمع السجود، ترجمه نفس المهموم، ابوالحسن شعرانی، چاپ اول، تهران، علمیه اسلامیة، ۱۳۷۴ قمری.

۵۶. صدر، سید حسین، نزہہ اهل الحرمین، چاپ اول، لکنهو هند، مطبعه سرفراز الملیه فی لکنهو، ۱۳۵۴ قمری.

۵۷. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، چاپ اول، قم، شهید سعید محبی، ۱۳۷۶.

۵۸. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، چاپ اول، تهران، انتشارات محمدی.

۵۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۹ قمری.

۶۰. طبرسی، ابومنصور احمد بن اب طالب، الاحتجاج، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ قمری.

۶۱. طبری، عمادالدین محمد بن علی، بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم لشیعه المرتضی علیه السلام، چاپ دوم، نجف، بی نا، ۱۳۸۳ قمری.

۶۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، چاپ اول، قاهره، مطبعه الاستقامه، ۱۳۵۷ قمری.

۶۳. عظیمی الحلبی، محمد بن علی، تاریخ حلب، تحقیق ابراهیم ذرور، چاپ اول، دمشق، بی نام، ۱۹۸۴ م.

ص: ۳۱۸

۶۴. علوی، سید احمد، راهنمای مصور سفر زیارتی سوریه، چاپ پنجم، قم، معروف، ۱۳۸۶.
۶۵. الغزی، کامل، نهر الذهب فی تاریخ حلب، تحقیق و تصحیح شوقی شعث، محمد الفاخوری، چاپ دوم، حلب، دار القلم العربی، ۱۴۱۲ قمری.
۶۶. فهری زنجانی، احمد، مراقده اهل بیت علیه السلام، چاپ اول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۶۷. قائدان، اصغر، تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه، چاپ دوم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۶.
۶۸. قائدان، اصغر، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۲.
۶۹. قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ قمری.
۷۰. قزوینی، مهدی، المزار، چاپ اول، بیروت، دار الرافدین، سال ۲۰۰۵ م.
۷۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، چاپ اول، تهران، جاویدان، [بی تا].
۷۲. کحاله، عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب والاسلام، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۵۹ م.
۷۳. کرد علی، محمد، غوطه دمشق، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ قمری.
۷۴. کمونه حسینی، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر و ائمه علیه السلام و صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۷۵. الکیالی، عبدالرحمن، اضواء و آراء، چاپ اول، دمشق، بی نا، [بی تا].
۷۶. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ اول، نجف، بی نا، [بی تا].
۷۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۷۸. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۷۹. مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، چاپ چهارم، نجف، مطبعه الاداب، [بی تا].

ص: ۳۱۹

۸۰. مكرم، عبدالرزاق، سكينه بنت الحسين عليه السلام، چاپ اول، نجف، بی‌نا، بی‌تا.
۸۱. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معدن الجوهر، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۸ قمری.
۸۲. مقدس، احسان، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۸۳. نظری منفرد، علی، قصه کربلا، چاپ اول، قم، انتشارات سرور، ۱۳۷۹.
۸۴. نقدی، شیخ جعفر، زینب الکبری.
۸۵. نعیمی، عبدالقادر محمد، الدارس فی تاریخ المدارس، تنظیم فهارس، ابراهیم شمس‌الدین، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ قمری.
۸۶. نعیمی، عبدالقادر محمد، دور القرآن بدمشق، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب الجدید، ۱۹۷۲ م.
۸۷. نعیمی، عبدالقادر محمد، الجامع الاموی بدمشق، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، چاپ اول، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۵ قمری.
۸۸. واحدی، سید محمدرضا، سکینه دختر امیر مؤمنان بانوی ناشناخته، چاپ اول، تهران، بنیاد بعثت تهران.
۸۹. هادی‌منش، ابوالفضل، بررسی زندگانی و نقش الگویی حضرت رقیه علیها السلام، چاپ اول، قم، خادم الرضا، ۱۳۸۸.
۹۰. یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، تاریخ یعقوبی، چاپ اول، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰ م.
۹۱. الواقدی، محمد بن عمر بن واقد، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، چاپ اول، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۵ م.
۹۲. وزارت جهانگردی سوریه، اطلاعات عمومی سوریه (۲۰۰۶)، چاپ اول، دمشق، انتشارات صالحانی، ۲۰۰۶ م.

ص: ۳۲۰

۹۳. بی نام، مقاله اسواق حلب القديمه، روزنامه الشرق الاوسط، چهارشنبه ۱۷ محرم ۱۴۳۰، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۹ شماره ۱۱۰۰۵.

۹۴. بی نام، راهنمای زائران سوریه، چاپ اول، تهران، ناشر شرکت مرکزی دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران «شمسا»، ۱۳۸۷.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خاмене‌ای مد ظله العالی و با پیروی از اوامر بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره، عهده‌دار وظایفی از جمله نیازسنجی، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خرد و کلان جهت تحقق حج ابراهیمی و زیارت مطلوب است.

اجرای طرح‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی برای ابواب جمعی حج و زیارت، پاسخگویی به نیازهای معنوی، معرفتی و مذهبی زائران بیت‌الله الحرام و عتبات به ویژه از طریق جذب، سازماندهی و اعزام روحانیون و همچنین ارتباط مستمر با زائران و مسوولان حج دیگر کشورها در موسم حج و عمره و زیارت عتبات به منظور معرفی اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی و طرح مسائل جهان اسلام از دیگر اهداف حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت است.

از دیگر اهداف این مرکز می‌توان به ارتباط با محافل و مراکز علمی و مذهبی کشورهای اسلامی و عربستان، تهیه و انتشار کتب، نشریات و دیگر محصولات مکتوب سمعی و بصری و همچنین سازماندهی ارتباطات عمومی و اطلاع‌رسانی در حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد.

همچنین پرتال حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به عنوان نخستین پایگاه تخصصی حج و زیارت، علاوه بر اینکه پاسخگوی حجم قابل توجه نیازهای مسافران سرزمین وحی، عتبات عالیات و سایر سرزمین‌های مقدس و اماکن متبرکه است، یک مرجع محتوایی و آموزشی در حوزه‌های حج و زیارت برای کاربران اینترنتی است.

پایگاه اطلاع‌رسانی حج تمامی قابلیت‌های یک رسانه دیجیتال برای ارائه نکات آموزشی به زائران اماکن مقدسه و متبرکه را به میدان آورده است. از کتابخانه تخصصی حج می‌توان به عنوان بخشی از ظرفیتی نام برد که این پایگاه در فضای مجازی ایجاد کرده است.

کتابخانه تخصصی حج، مرجعی است که اطلاعات، کتاب‌های الکترونیکی و مجموعه مقالات دو دهه گذشته بعه مقام معظم رهبری را در خود جمع کرده و پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی پژوهشگران دینی، زائران حرمین شریفین و عتبات و... است. علاوه بر این آخرین اخبار اختصاصی مربوط به حوزه حج و زیارت نیز در پایگاه اطلاع‌رسانی حج منتشر می‌شود. این پایگاه اولین خبرگزاری تخصصی حج و زیارت است.

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، دارای بخش‌های مختلفی از قبیل خبرگزاری، کتابخانه، اماکن، نگارخانه، آموزش احکام و مناسک حج، بانک صوت و فیلم، نرم‌افزار، پاسخ به شبهات، مناسبت‌های روز، دانشنامه آزاد حج، ویلاگ و مواردی دیگر است که کاربران فضای مجازی به فراخور نیازها و سلیقه خود می‌توانند از هر کدام از بخش‌های آن استفاده کنند.

"حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت" آدرس سایت www.hajj.ir

❁❁❁❁

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایند؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بدهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرید و به مردم یاد دهید، زیرا مردم اگر سخنان نبوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند.

بنادر البحار-ترجمہ و شرح خلاصہ دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب تقلید (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوئوت های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیین امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خود کار و دستی بلوتوث ، وب کیوسک ، SMS و...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تاسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یثیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او هبمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاغذ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو درجهای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای تعالی، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاوند این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی، بی گمان، خدای متعال می فرماید: او هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

www.hajj.ir

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

www.ghaemiyeh.com

